



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



احکام جامع مسائل پرستی



استاد الفقہاء والفقہین سید ابو القاسم خوئی
استاد الفقہاء والفقہین سید زاجاد تبریزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احكام جامع مسائل پزشكى: مطابق با فتاوى سيد ابوالقاسم خويى ، جواد تبريزى

نويسنده:

آيت الله العظمى سيد ابوالقاسم خوئى

ناشر چاپي:

دارالصديقه الشهيد سلام الله عليها

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۹	احکام جامع مسائل پزشکی: مطابق با فتاوی سید ابوالقاسم خویی، جواد تبریزی
۱۹	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۴۳	مقدمه
۴۸	توضیحات
۵۱	قسمت اول: عبادات
۵۱	احکام طهارت
۵۱	اشاره
۵۳	مقصد اول: وضو
۵۳	اشاره
۵۴	فصل اول: شرایط وضو
۵۵	فصل دوم: حکم مسلوس و مبطون
۵۷	فصل سوم: وضوی جبیره
۶۸	فصل چهارم: موارد جمع بین وضو و تیمم
۷۰	فصل پنجم: احکام متفرقه
۷۰	اول: احکام اشیاپی که مانع رسیدن آب به پوست می شوند
۷۰	۱ - حکم خال کوبی در وضو و غسل
۷۰	۲ - حکم کاشت مو در محل وضو و غسل
۷۱	۳ - حکم رنگ جوهر و مرکب در وضو و غسل
۷۱	دوم: حکم عدم قدرت بر شستن اعضای وضو
۷۲	مقصد دوم: غسل
۷۲	فصل اول: جنابت
۷۲	مبحث اول: آنچه موجب جنابت می شود

۷۲	مبحث دوم: غسل جبیره
۷۵	مبحث سوم: احکام غسل جنابت
۷۵	۱ - حکم انسان وسواسی در غسل
۷۶	۲ - احکام بطلان غسل جنابت
۷۷	فصل دوم: حیض
۷۷	اشاره
۸۰	احکام حیض
۸۰	۱ - اشتباه خون حیض با بکارت
۸۰	۲ - امکان حیض زن باردار
۸۱	۳ - استفاده از داروی ضد بارداری
۸۶	مقصد سوم: تیمم
۸۶	فصل اول: موارد جواز تیمم
۸۶	۱ - قدرت نداشتن بر وضو
۸۷	۲ - ضرری بودن استفاده از آب
۸۹	۳ - ترسیدن از مصرف آب در وضو
۸۹	فصل دوم: احکام تیمم
۹۲	مقصد چهارم: احکام اموات
۹۲	اشاره
۹۳	فصل اول: غسل میت
۹۶	فصل دوم: کفن میت
۹۷	فصل سوم: غسل مس میت
۹۸	مقصد پنجم: احکام نجاسات
۹۸	فصل اول: احکام بعضی از نجاسات
۹۸	۱ - ادرار
۹۹	۲ - چربی خوک
۱۰۰	۳ - الکل

۱۰۲	۴ - خون
۱۰۵	۵ - مردار
۱۰۵	فصل دوم: نجاساتی که وجود آنها در بدن و لباس نمازگزار اشکال ندارد
۱۰۹	احکام نماز
۱۰۹	اشاره
۱۱۱	مقصد اول: نمازهای روزانه
۱۱۱	فصل اول: وقت نمازهای روزانه
۱۱۱	اشاره
۱۱۲	تتمیم: نماز در هیچ حالی ترک نمی شود
۱۱۳	فصل دوم: شرایط نماز و اجزای آن
۱۱۳	۱ - پاکی لباس و بدن
۱۱۶	۲ - قیام و ایستادن در حال نماز
۱۱۹	۳ - احکام قرائت
۱۲۰	۴ - رکوع
۱۲۰	۵ - سجود
۱۲۳	فصل سوم: مبطلات نماز
۱۲۳	مقصد دوم: قضای نماز
۱۲۳	اشاره
۱۲۵	مواردی که فرزند بزرگ تر، باید نمازهای پدر را قضا نماید
۱۲۷	مقصد سوم: نماز استیجاری
۱۲۷	مقصد چهارم: نماز جمعه
۱۲۷	اشاره
۱۲۸	بعضی از شرایط وجوب نماز جمعه
۱۲۹	احکام روزه
۱۲۹	اشاره
۱۳۱	مقصد اول: شرایط صحت روزه

۱۳۷	مقصد دوم: مبطلات روزه و احکام آن ها
۱۳۷	فصل اول: بعضی از مبطلات و احکام آن ها
۱۳۷	اول: خوردن و آشامیدن
۱۳۷	اشاره
۱۳۸	۱ - مسواک زدن
۱۳۸	۲ - حکم عطرها و استفاده از بخور
۱۳۹	۳ - استفاده از اسپری جهت بیماریهای تنفسی
۱۴۱	۴ - قطره ای که در بینی ریخته می شود
۱۴۱	۵ - حکم خوردن و آشامیدن بدون قصد
۱۴۲	دوم: استفراغ عمدی
۱۴۲	سوم: باقی ماندن بر جنابت عمداً
۱۴۳	چهارم: احتقان به مایعات
۱۴۴	پنجم: استفاده از آمپول در روزه
۱۴۴	۱ - حکم آمپولی که جهت معالجه استفاده می شود
۱۴۵	۲ - حکم آمپولی که جهت تغذیه در مریض استعمال می شود (آمپول و سرم غذایی)
۱۴۷	ششم: حکم عمل جراحی و بیهوشی برای شخص مریض
۱۴۷	هفتم: خون دادن شخص روزه دار
۱۴۸	فصل دوم: در احکام افطار
۱۴۸	مبحث اول: اشخاصی که از روزه گرفتن معافند
۱۵۰	مبحث دوم: کسانی که افطار بر آنها جایز است
۱۵۱	مبحث سوم: مواردی که مکلف مجبور به افطار می شود
۱۵۲	مقصد سوم: مسایل قضای روزه
۱۵۴	مقصد چهارم: مسایل متفرقه ی روزه
۱۵۷	احکام حج
۱۵۷	اشاره
۱۵۹	فصل اول: بعضی از محرّمات احرام

- ۱ - پوشیدن لباس دوخته شده برای مردان ۱۵۹
- ۲ - روغن مالی کردن بدن ۱۵۹
- ۳ - پوشاندن سر برای مردان ۱۶۱
- ۴ - خارج کردن خون از بدن ۱۶۱
- ۵ - کشیدن دندان ۱۶۳
- ۶ - اصلاح موی سر ۱۶۳
- فصل دوم: بعضی از احکام حج و عمره ۱۶۴
- مبحث اول: موالات در حج تمتع ۱۶۴
- مبحث دوم: تلبیه گفتن شخص لال ۱۶۴
- مبحث سوم: احکام استفاده از داروی جلوگیری از عادت ماهیانه ۱۶۵
- فصل سوم: بعضی از شروط طواف ۱۶۷
- ۱ - ختنه برای مردان ۱۶۷
- اشاره ۱۶۷
- نایب گرفتن در طواف ۱۶۹
- فصل چهارم: وقوف در عرفه ۱۶۹
- فصل پنجم: بعضی از اعمال منی ۱۷۰
- مبحث اول: بیتوته در منی ۱۷۰
- مبحث دوم: رمی جمرات ۱۷۰
- مبحث سوم: تذکیه و ذبح حیوان توسط شخص لال ۱۷۱
- مبحث چهارم: شرایط قربانی و موارد مصرف آن ۱۷۲
- فصل ششم: استنابه در حج و احکام نایب ۱۷۳
- فصل هفتم: مسایل متفرقه ی حج ۱۷۶
- اشاره ۱۷۶
- احکام خمس و جهاد ۱۷۷
- خمس ۱۷۹
- جهاد ۱۸۰

۱۸۰	اشاره
۱۸۱	بعضی از شروط وجوب جهاد
۱۸۱	قدرت
۱۸۱	خاتمه
۱۸۱	اول: معنای نفی جرح
۱۸۲	دوم: عبادت کسی که فراموشی دارد
۱۸۳	قسمت دوم: معاملات
۱۸۳	احکام نکاح
۱۸۳	اشاره
۱۸۵	مقدمه: حکم آزمایشات پزشکی قبل از ازدواج
۱۸۸	مقصد اول: عقد دائم
۱۸۸	فصل اول: بعضی از احکام عقد دائم
۱۸۸	مبحث اول: ساقط شدن وجوب تمکین
۱۹۰	مبحث دوم: احکام استمنائات
۱۹۱	مبحث سوم: احکام تعدد زوجات
۱۹۱	مبحث چهارم: بعضی از احکام نفقه
۱۹۲	مبحث پنجم: کارهای همسر در خانه
۱۹۳	مبحث ششم: حکم ازدواج با دو خواهر به هم چسبیده
۱۹۳	فصل دوم: عیب هایی که موجب خیار فسخ عقد در ازدواج می شود
۱۹۳	اشاره
۱۹۶	عیوب دیگر
۱۹۸	مقصد دوم: عقد منقطع و ازدواج موقت
۱۹۸	فصل اول: حکم عقد موقت
۱۹۹	فصل دوم: اذن پدر در عقد بر باکره
۱۹۹	اشاره
۲۰۰	خاتمه: مسایل متفرقه ای در ازدواج

۲۰۰	۱ - تعریف شخص خنثی
۲۰۱	۲ - خواهری که به وسیله ی شیر خوردن محرم می شود
۲۰۳	احکام طلاق
۲۰۳	اشاره
۲۰۵	فصل اول: عدّه
۲۰۶	فصل دوم: وکالت در طلاق
۲۰۹	احکام وکالت
۲۰۹	اشاره
۲۱۱	(دو مسئله)
۲۱۳	احکام وصیت
۲۱۳	اشاره
۲۱۵	فصل اول: در وصیت های منجز مریض
۲۱۷	فصل دوم: در ضمان اموال مریض
۲۲۱	احکام هدیه و نذر و عهد
۲۲۷	احکام حدود و دیات و کفارات
۲۲۷	اشاره
۲۲۹	فصل اول: ارزش شرعی آزمایش های پزشکی
۲۳۰	فصل دوم: اشتباهات پزشکان
۲۳۰	مبحث اول: اشتباهی که منجر به قتل می شود
۲۳۳	مبحث دوم: احکام دیات و کفارات
۲۳۳	اشاره
۲۳۷	۱ - موارد زیادتز شدن دیه و یا تبدیل آن
۲۳۹	۲ - دیه ی جنین
۲۴۰	۳ - دیه ی کفار
۲۴۱	۴ - دیه ی خنثی
۲۴۳	قسم سوم: مسایل پزشکی جدید

۲۴۳ اشاره
۲۴۵ مقصد اول: احکام سقط جنین
۲۴۵ فصل اول: احکام اسقاط جنین
۲۴۵ اشاره
۲۴۷ ۱ - اسقاط جنین به خاطر ترس از سلامت مادر
۲۴۹ ۲ - اسقاط جنین به خاطر ترس از آبرو و حیثیت
۲۵۱ ۳ - اسقاط جنین به خاطر ناقص بودن آن
۲۵۵ ۴ - اسقاط جنین به خاطر سختی تربیت بچه
۲۵۵ ۵ - اسقاط جنین به خاطر اجبار شوهر
۲۵۶ فصل دوم: کشتن جنین
۲۵۶ ۱ - عمل پاکسازی رحم در صورت شک در بارداری
۲۵۶ ۲ - کشتن یکی از دو فرزند چسبیده به یکدیگر در رحم برای نجات دیگری
۲۵۷ ۳ - کشتن جنینی که از راه باروری مصنوعی به وجود آمده
۲۵۷ خاتمه: زمان دمیدن شدن روح
۲۵۸ مقصد دوم: جلوگیری از بارداری
۲۵۸ فصل اول: حکم جلوگیری از بارداری
۲۶۰ فصل دوم: قرص های ضد بارداری
۲۶۰ فصل سوم: بستن لوله ها
۲۶۰ اشاره
۲۶۱ ۱ - بستن لوله های زن و مرد جهت جلوگیری از بارداری در حال ضرورت
۲۶۳ ۲ - بستن لوله برای مرد
۲۶۳ ۳ - عمل بازکردن لوله
۲۶۴ فصل چهارم: استفاده از دریچه جهت منع از بارداری
۲۶۴ اشاره
۲۶۶ ۱ - قرار دادن دریچه در داخل رحم جهت جلوگیری از بارداری
۲۶۷ ۲ - قرار دادن دریچه ضد بارداری در هنگام ضرورت

۲۶۸	۳ - خارج کردن دربیچه ی ضد بارداری
۲۶۸	خاتمه: عقیم ساختن عمدی
۲۶۹	مقصد سوم: باروری مصنوعی
۲۶۹	فصل اول: باروری مصنوعی
۲۶۹	اشاره
۲۷۱	ثبوت نسبت فرزندى در باروری مصنوعی
۲۷۱	فصل دوم: تلقیح و باروری با نطفه ی شوهر
۲۷۱	اشاره
۲۷۲	۱ - باروری مصنوعی با نطفه ی شوهر در حال ضرورت
۲۷۲	۲ - باروری نطفه ی شوهر در حال خُرَج
۲۷۴	۳ - باروری با نطفه ی شوهر بعد از طلاق رجعی
۲۷۴	۴ - باروری با نطفه ی شوهر بعد از وفات او
۲۷۵	۵ - باروری مصنوعی جهت تشخیص امراض زنی
۲۷۸	فصل سوم: باروری با نطفه ی اجنبی
۲۸۱	فصل چهارم: مسایل دیگری در باروری مصنوعی
۲۸۱	۱ - کاشتن نطفه ی بارور شده در رحم زن اجنبی
۲۸۲	۲ - کاشتن تخمک در رحم و باروری آن با نطفه ی شوهر
۲۸۳	۳ - کاشت تخمک بارور شده در رحم زن نازا
۲۸۵	خاتمه: اجاره دادن رحم
۲۸۷	مقصد چهارم: جنینی که ابتداءً در خارج از فضای رحم پرورش داده می شود
۲۸۷	اشاره
۲۹۰	احکام باروری مصنوعی در خارج رحم در صورت خُرَج
۲۹۱	مقصد پنجم: احکام شبیه سازی
۲۹۶	مقصد ششم: احکام مرگ
۲۹۶	فصل اول: آنچه که مرگ به آن محقق می شود
۲۹۷	فصل دوم: احکام مرگ مغزی

۳۰۴	مقصد هفتم: احکام مراجعه به پزشکان
۳۰۴	فصل اول: موارد جواز کشف عورت برای بیمار
۳۰۴	اشاره
۳۰۵	۱ - کشف عورت و اظهار آن برای پزشک جهت رفع نازایی
۳۰۷	۲ - کشف عورت برای پزشک جهت بچه دار شدن
۳۰۸	۳ - کشف عورت برای پزشک در حال ضرورت
۳۰۹	۴ - کشف عورت برای پزشک به خاطر اطمینان از سلامت
۳۱۰	۵ - کشف عورت نزد پزشک مرد یا زن جهت جلوگیری از باردار شدن
۳۱۰	فصل دوم: مراجعه زن به پزشک مرد
۳۱۰	اشاره
۳۱۳	حضور زن مریض با پزشک معالج به شکل تنهایی در اتاق پزشک
۳۱۴	تتمه
۳۱۴	۱ - معنای کلمه ی ثقه
۳۱۴	۲ - ملاک تشخیص اضطرار
۳۱۵	مقصد هشتم: احکام پزشکان
۳۱۵	فصل اول: احکام عمومی
۳۱۵	اشاره
۳۱۷	وظیفه ی پزشک با کسانی که اعتصاب غذا کردند
۳۱۷	فصل دوم: مواردی که معالجه ی پزشک متوقف بر لمس نامحرم و نگاه به او باشد
۳۲۲	فصل سوم: نگاه به عورت زن در هنگام وضع حمل
۳۲۳	فصل چهارم: احکام فراگیری و تحصیل مسایل پزشکی
۳۲۳	۱ - آگاهی به مسایل پزشکی و پرستاری برای زنان
۳۲۴	۲ - حکم لمس پرستاران زن، بدن مریضان را و بالعکس
۳۲۵	۳ - تزریق آمپول توسط مرد برای زنان و بالعکس
۳۲۷	مقصد هفتم: احکام داروها
۳۲۷	فصل اول: خوردن و استفاده از داروها

۳۲۷	۱ - داروهای که حاوی الکل می باشند
۳۲۸	۲ - داروهای حاوی ژلاتین
۳۲۹	۳ - روغن ها و کرمهای دارویی که حاوی الکل می باشد
۳۲۹	۴ - داروهایی که با اجزاء حیوان حرام گوشت مخلوط می باشد
۳۳۱	فصل دوم: امتحان بعضی از داروها
۳۳۱	فصل سوم: بعضی از ضررهای جانی داروها
۳۳۳	فصل چهارم: مسایل مختلف داروها
۳۳۵	مقصد دهم: احکام تشریح
۳۳۵	فصل اول: حکم عمومی تشریح
۳۳۶	فصل دوم: تشریح جهت فراگیری
۳۳۷	فصل سوم: تشریح بدن در امور جنایی
۳۴۰	فصل چهارم: تشریح حیوانات
۳۴۱	مقصد یازدهم: عمل های جراحی
۳۴۱	فصل اول: عمل های زیبا سازی بدن
۳۴۲	فصل دوم: احکام تغییر جنس
۳۴۳	فصل سوم: احکام پیوند اعضا
۳۴۳	اشاره
۳۴۴	عمل جراحی برای ترمیم پرده ی بکارت
۳۴۶	فصل چهارم: عمل جراحی نقل بیضه
۳۴۶	فصل پنجم: استفاده از چیزهای نجس در معالجه و عمل جراحی
۳۴۸	فصل ششم: احکام جداکردن بعضی از اعضا
۳۴۸	۱ - جدا کردن اعضای مهم بدن
۳۴۸	۲ - مواردی که حفظ جان منوط به قطع عضو باشد
۳۴۹	مقصد دوازدهم: بخشیدن خون و یا اعضای بدن به دیگران
۳۴۹	فصل اول: بخشیدن اعضای بدن
۳۵۲	فصل دوم: وصیت به بخشیدن عضو

۳۵۵	فصل سوم: خرید و فروش اعضاء
۳۵۶	فصل چهارم: حکم پزشک در پیوند اعضاء
۳۵۸	فصل پنجم: پیوند عضو بدن دیوانه و بچه با اجازه ی ولی آن ها
۳۵۸	فصل ششم: بخشیدن پوست بدن به دیگری و احکام آن
۳۵۸	اشاره
۳۶۱	خون دادن در حسینه ها
۳۶۲	مقصد سیزدهم: احکام مبتلایان به ایدز
۳۶۲	فصل اول: انتقال دادن بیماری ایدز
۳۶۵	فصل دوم: خیار فسخ عقد ازدواج برای کسی که مبتلا به ایدز نمی باشد
۳۶۵	فصل سوم: احکام متفرقه
۳۶۵	۱ - ساقط شدن حق تمکین از زنی که ایدز دارد
۳۶۶	۲ - شیردادن زنی که مبتلا به ایدز است
۳۶۶	۳ - آیا ایدز مرض مرگ محسوب می شود
۳۶۶	۴ - اطلاع دادن پزشک معالج به خانواده شخص مبتلا به ایدز
۳۶۷	مقصد چهاردهم: معالجه با اشیاء حرام
۳۶۷	فصل اول: معالجه با تلقین دروغین
۳۶۸	فصل دوم: استمناء برای معالجه
۳۶۸	فصل سوم: کشف حجاب در هنگام معالجه
۳۶۹	فصل چهارم: مشاهده ی فیلم های مبتذل جهت معالجه
۳۷۱	فصل پنجم: معالجه با موسیقی
۳۷۱	فصل ششم: معالجه با جادو، جن و طلسم
۳۷۳	مقصد پانزدهم: احکام آزمایشات پزشکی
۳۷۳	فصل اول: اقدام به استمناء جهت آزمایش
۳۷۳	فصل دوم: احکام عکس برداری به وسیله ی اشعه
۳۷۵	مقصد شانزدهم: احکام حجامت
۳۷۵	فصل اول: حجامت در ماه رمضان

۳۷۵	فصل دوم: اجرت شخص حجام
۳۷۶	فصل سوم: ضمان شخص حجام
۳۷۶	مقصد هفدهم: احکام دخانیات
۳۷۶	فصل اول: حکم استعمال دخانیات
۳۸۰	فصل دوم: استعمال دخانیات در اماکن عمومی
۳۸۰	فصل سوم: استعمال دخانیات در هنگام بارداری
۳۸۱	فصل چهارم: حکم استفاده از تنباکوی معسل
۳۸۱	فصل پنجم: استفاده از مواد مخدر
۳۸۲	مقصد هجدهم: مسایل و احکام منفرقه
۳۸۲	۱ - دندان های طلا
۳۸۳	۲ - استفاده از لنز در چشم
۳۸۳	۳ - کاشتن مو
۳۸۴	۴ - ختنه
۳۸۴	ختنه ی زنها
۳۸۴	ختنه ی مرد
۳۸۵	مقصد نوزدهم: احکام دانشگاه های پزشکی
۳۸۵	اشاره
۳۸۶	فصل اول: مسایل اختلاط و نگاه به نامحرمان
۳۹۰	فصل دوم: لمس بدن نامحرم
۳۹۱	فصل سوم: لمس اعضای جدا شده از بدن زن مریض
۳۹۱	فصل چهارم: نگاه به تصاویر و فیلم های مبتذل جهت تعلیم مسایل پزشکی
۳۹۳	فصل پنجم: انجام آزمایشات پزشکی بر روی دیوانگان
۳۹۳	فصل ششم: نگهداری اجزای بدن و یا جنین انسان برای استفاده ی دانشجویان
۳۹۵	مقصد بیستم: احکام ضمانت در شرکت ها
۳۹۵	اشاره
۳۹۶	فصل اول: حکم بعضی از نسخه های پزشکی که واقعیت ندارد

۳۹۸	فصل دوم: بکار بردن حيله و فریب در برخورد با شرکت های بیمه
۴۰۱	مقصد بیست و یکم: احکام بیمارستان ها
۴۰۱	فصل اول: احکام کارمندان بیمارستان ها
۴۰۳	فصل دوم: دزدی و سرقت در بیمارستان
۴۰۴	خاتمه: مسایل متفرقه
۴۰۴	اشاره
۴۰۴	۱ - حکم طرد و جدا ساختن اولاد
۴۰۵	۲ - نیکی به پدر و مادر مریض
۴۰۶	۳ - حکم قمه زنی
۴۰۷	۴ - قرض گرفتن از بانک جهت معالجه
۴۰۷	۵ - ساختن متکاهای پزشکی به شکل اسباب بازی
۴۰۸	۶ - معالجه در بلاد کفر
۴۰۸	۷ - ویار در زن های باردار
۴۰۹	۸ - باقی مانده ی غذای مؤمن شفاست
۴۰۹	۹ - معالجه با دعاهایی که به گردن آویزان می کنند
۴۱۰	۱۰ - معالجه با توسل به اهل بیت (علیهم السلام)
۴۱۳	دعای توسل
۴۱۸	درباره مرکز

احکام جامع مسائل پزشکی: مطابق با فتاوی سید ابوالقاسم خویی، جواد تبریزی

مشخصات کتاب

سرشناسه: خوئی، سید ابوالقاسم، 1278 - 1371.

عنوان و نام پدیدآور: احکام جامع مسائل پزشکی/مطابق با فتاوی سید ابوالقاسم خویی، جواد تبریزی.

مشخصات نشر: قم: دارالصدیقه الشهیده، 1390.

مشخصات ظاهری: 400ص.

شابک: 0-17-6226-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه بخشی از کتاب "صراط النجاه فی اجوبه الاستفتائات" تالیف ابوالقاسم خویی است.

موضوع: فتواهای شیعه -- قرن 14

فقه جعفری -- رساله عملیه

پزشکی (فقه)

شناسه افزوده: تبریزی، جواد، 1305 - 1385، مترجم

رده بندی کنگره: BP183/9/خ9ص9 404212 1390

رده بندی دیویی: 297/3422

شماره کتابشناسی ملی: 2 5 0 7 6 3 2

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

احكام جامع مسائل پزشكى

مطابق با فتاوى سيد ابوالقاسم خويى ، جواد تبريزى.

مشخصات نشر : قم: دارالصديقه الشهيده، 1390.

ص: 5

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين واللعن الدائم على اعدائهم اجمعين من الاولين والآخرين.

آئین مقدس اسلام بعنوان کامل ترین و جامع ترین دین که می تواند، ضامن سعادت دنیوی و اخروی همه ی انسان ها باشد، دارای احکام و قوانینی است که در عین سادگی و سهولت می تواند، در زمینه های مختلف زندگی بشر، جوابگوی نیازهای گوناگون انسان باشد و در همین زمینه انسان را در اضطرار و تنگدستی نگذاشته است، تشریح احکام و قوانینی مانند قاعده ی لاضرر و یا قاعده ی نفی حرج و قواعدی امثال آن که فقهای بزرگوار به آن ها تمسک نموده اند، شاهد بر این مدعی است، ولی در عین این سادگی و سهولت، شرع مقدس تا آنجا که ممکن است، خواهان عملی شدن این احکام و تعطیل نشدن آن هاست و به همین سبب دیده می شود که در زمان اضطرار و سختی هم برای مکلفین احکام را

ص: 25

ساده تر و راحت تر جعل نموده و آن ها را مکلف به انجام آن ها نموده است.

علم فقه: تنها علمی است که در این راستا به تبیین و توضیح و شرح این احکام پرداخته و در این علم است که انسان های مؤمن و متدین کیفیت احکام و امثال آن ها و اطاعت اوامر و دستورات شرع مقدس را فرا می گیرند. در این علم مکلف می فهمد که چگونه وظیفه ی عبادی خود را در عبادات و یا وظیفه ی شرعی خود را در معاملات و یا در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی اداء نماید. به عبارتی ساده تر، چگونه با این واجبات و محرماتی که در فقه مطرح شده، خود را به کمال و قرب خداوند برساند و اهل سعادت گردد؟

دقیقاً به خاطر همین اهمیت، علم فقه یکی از شریف ترین علوم شرعیه، بلکه ممتازترین آنهاست و بررسی و کاوش در این علم و مطالعه، و ممارست و یادگیری احکام آن از برترین عبادات و اعمال حسنه محسوب گردیده است.

در این زمینه به روایات فراوانی بر می خوریم که پرده از عظمت این علم و فراگیری آن و نشر و گسترش آن بر می دارد و مکلفین و مومنین را به فراگیری آن ترغیب می نماید. یکی از بارزترین مصادیق اهتمام به فقه و احکام فقهیه، سوال نمودن و پرسش کردن از علماء و فقهای است که شایستگی فتوی و اظهار نظر را داشته و مومنین با رجوع به آنها و سوال

از آنان در زمینه های مختلف وظیفه ی شرعی خود را می آموزند. در روایات و احادیث اهل بیت این مسئله مورد اهمیت فراوان قرار گرفته است، به عنوان نمونه می توان در این راستا به روایت یونس بن یعقوب اشاره نمود که پدرش به امام صادق (ع) گفت: همانا من فرزندی دارم که دوست دارد از شما در زمینه ی حلال و حرام خداوند سؤال نماید.

حضرت در جوابش فرمود: آیا تا به حال مردم از چیزی بهتر از حلال و حرام خدا سؤال کرده اند.

البته ائمه (علیهم السلام) به همین مقدار از ترغیب و تشویق اکتفا ننموده، در بعضی از روایات این تشویق آمیخته با نوعی تهدید دیده می شود، بعنوان نمونه در روایتی از امام باقر (ع) آمده است که حضرت می فرماید: اگر جوانی از جوانان شیعه را ببام که در دین خود تفقه و بصیرت ندارد، همانا او را تنبیه خواهم کرد.

چنانچه از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: همانا دوست دارم که تازیانه بر سر اصحابم زده شود تا آنها تفقه و بصیرت در دین خود پیدا نمایند.

با توجه به این روایات، اهمیت فراگیری احکام شرعی و آگاهی به حلال و حرام خداوند که بارزترین مصادیق تفقه در دین است، به خوبی روشن می گردد.

ص: 27

این احکام را رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در زمان خود برای مسلمانان بیان فرمود و بعد از ایشان ائمه طاهرين (عليهم السلام) هر کدام به نوبه ی خود برای مومنین بیان فرمودند. البته در این زمینه اصحاب، علماء و فقهای که در مکتب اهل بیت تربیت یافتند، هم نقش بسزایی داشتند، بزرگانی مانند زرارة بن اعین و محمد بن مسلم و ابان بن تغلب و یونس بن عبدالرحمن و زکریا بن آدم رضوان الله علیهم اجمعین. در روایتی علی بن مسیب همدانی از امام رضا (ع) سؤال می کند که محل زندگی من از شما دور است و توان دیدار شما را در وقت دلخواه ندارم. احکام دین خود را از چه کسی سؤال نمایم؟ امام در جوابش فرمود: از زکریا بن آدم فرا بگیر که او امین بر دین و دنیای توست. با شروع غیبت کبری فقهای بزرگ در این زمینه پیوسته جوابگوی سوالات شرعی مؤمنین بوده و در این راستا به کتاب ها و تالیفات نفیسی در فقه شیعه برخورد می کنیم که از آن فقهای بزرگوار به یادگار مانده است. این کتاب ها با عناوین مختلفی مانند اجوبة المسائل یا جوابات المسائل در کتابخانه های متعدد به چشم می خورد. این شیوه در قرون متعدد ادامه پیدا نمود تا اینکه می بینیم در عصر مرحوم میرزای قمی، آن مرحوم کتاب ارزشمند جامع الشتات را بدین منظور نگاشته است و بعد از آن مرحوم، علمایی مانند: شیخ انصاری و صاحب جواهر و علمای دیگر هر کدام به شکل مبسوطتر و مفصل تر به تالیف و جمع آوری این مسائل اقدام نموده اند. کتاب گرانقدر صراط النجاة فی اجوبة الاستفتاءات

که اصل آن از مرحوم استاد الفقهاء و والمجتهدین آیت الله العظمی خوئی (قدس سرّه) است و بعد از آن مرحوم، شاگرد برجسته ی ایشان مرحوم آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سرّه) به آن کتاب تعلیقه ای نگاشتند و بسیاری از مسایل تازه و مورد ابتلای مکلفین را که از ایشان استفتاء شده بود، بر آن اضافه نمودند و بدین منوال این کتاب یکی از جامع ترین کتاب های فقهی در زمینه ی مسایل شرعی که جوابگوی بسیاری از مشکلات احکام می باشد، محسوب می گردد.

ولی با توجه به اینکه این کتاب در مجلدات 13 گانه حاوی مسایل فراوانی بود، مناسب دیده شده که احکام این مجلدات موضوع بندی شده تا مومنین و متدینین محترم به شکل ساده تر و آسانتری بتوانند، احکام و مسایل مورد نیاز خود را پیدا نمایند، به همین منظور احکام خاصّه به بانوان محترم تحت عنوان فقه المؤمنات جداگانه جمع آوری شده و به زیور طبع آراسته گردید. احکامی که راجع به مریضان و پزشکان محترم در صراط النجاة ذکر شده بود، در کتابی به عنوان فقه الاعذار الشرعیه به چاپ رسید، ولی با توجه به اینکه متن این کتاب به زبان عربی بوده و بعضی از مسایل مطرح شده، حاوی تغییرات و اصلاحاتی بود که فهم آنها را برای بسیاری از برادران سخت و دشوار می نمود، تصمیم به ترجمه ی فارسی این کتاب گرفته شد و مجموعه ی که پیش رو دارید، ترجمه ی این اثر ارزشمند است که به لطف خدا و عنایات خاصه ی حضرت ولی عصر

ارواحناه له الفداه تقدیم می گردد. امید است که برادران و خواهران ایمانی با مراجعه به این کتاب گام فراتری در فراگیری احکام شرعیه برداشته و خداوند ارواح طیبه ی همه ی علماء و فقهای شیعه را قرین رحمت و اسعه ی خویش مقرر فرموده و همه ی ما را در راه ترویج احکام نورانی اهل بیت (علیهم السلام) موفق نماید.

توضیحات

1 - جواب هایی که با کلمه ی (بسمه تعالی) و بدون اسم شروع شده، فتاوی مرحوم آیت الله العظمی تبریزی می باشد.

اما آراء و نظریات مرحوم آیه الله العظمی خوئی با نام مبارك ایشان شروع شده و اگر حاشیه ای از مرحوم آیه الله العظمی تبریزی در کلام ایشان نباشد، هر دو بزرگوار در آن مسئله هم رأیند.

2 - چون مصدر اساسی برای به دست آوردن آراء و فتاوی مرحوم آیه الله العظمی خوئی و همچنین مرحوم آیه الله العظمی تبریزی رساله ی منهاج الصالحین می باشد و همچنین بعضی از فتاوا در صراط النجاة بدون مراجعه به منهاج الصالحین درست معلوم نمی شود، لازم دیدیم که در هر بخش ابتداءً مسایل مربوط را از منهاج ذکر نموده و سپس استفتائات صراط النجاة را به مناسبت نقل نماییم.

ص: 30

3 - در این کتاب ترتیب فقهی ما همان ترتیب فقهی معمول در رساله های عملیه ی رایج می باشد، مگر در مواردی که مسایل در رساله ی عملیه به عنوان مستقل مورد بحث قرار نگرفته باشد، یا اینکه در ضمن ابواب دیگر به مناسبت ذکر شده باشد. در این کتاب همه ی مسایل با عنوان مستقل جمع آوری شده و مطرح گردیده است.

4 - در این کتاب در جواب برخی استفتائات اصطلاحات علمی مطرح گردیده که عیناً در جواب ذکر شده و هیچ گونه تغییر و یا تبدیلی در آنها انجام نگرفته تا مقصود سوال کننده و جواب برای خواننده معلوم گردیده و اخلاقی به مطالب وارد نگردد.

5 - بعضی از مسایل و استفتائات مطرح شده در نظر شما شاید تکراری بوده و عین هم باشد، ولی با دقت و تامل فرق بین آنها ظاهر گردیده و معلوم می شود که یا در سؤال و یا در جواب خصوصیات و قیودی ذکر گردیده که تکراری بودن آنها را از بین برده و این جواب ها را با هم متغایر می سازد، به همین جهت این استفتائات همگی ذکر گردیده است.

و در آخر از همه ی برادرانی که ما را در تهیه و نشر این اثر یاری دادند، تشکر نموده و توفیق برای همگان را، از ایزدمتان خواهانیم. خداوند به همه ی ما توفیق نشر و ترویج فقه اهل بیت (علیهم السلام) را عنایت فرماید.

قسمت اول: عبادات

احكام طهارت

اشاره

مقصد پنجم: احكام نجاسات

ص: 33

اشاره

(مسئله) اگر خاری داخل دست گردد، خارج نمودن آن هنگام وضو لازم نیست.

(مسئله) اگر مقداری از گوشت دو دست جدا شود، باید آنچه را که بعد از جدا شدن گوشت ظاهر می گردد، بشوید. و اگر آن گوشت کاملاً از دست جدا نگردیده و بواسطه ی پوست رقیقی به بدن متصل است، باید همراه دست شسته شود و لکن کندن و جدا نمودن آن برای شستن زیر آن لازم نمی باشد، ولی اگر آن گوشت جز عضو حساب نشده و در عرف خارج از اعضای وضو محسوب گردد، بنابر احتیاط واجب باید پوست را قطع نمود تا آب به عضو برسد.

(مسئله) شکافهایی که بر اثر سرما در کف دست انسان پیدا می شود، اگر به اندازه ای باشد که داخل آنها دیده می شود، باید بنابر احتیاط آب به داخل آنها برسد. و در غیر این صورت رساندن آب به آنها لازم نمی باشد

و در صورتی که مکلف شك کند که داخل آنها جزء ظاهر بدن است یا نه، بنابر احتیاط مستحب، آب را به آنها برساند.

(مسئله) اثری که بعد از خوب شدن زخم بدن بر روی پوست مانده و به آن می چسبند، در حال وضو کردن آن لازم نمی باشد و فقط شستن ظاهر آن لازم است، اگرچه کردن آن آسان باشد.

فصل اول: شرایط وضو

1 - یکی از شرایط وضو آن است که مکلف مانعی از استعمال آب، مانند مرض یا تشنگی فراوانی که او و یا انسان محترمی را به خطر اندازد، نداشته باشد.

ولی اگر با ترس از تشنگی آب را به مصرف وضو برساند، خصوصاً اگر آب را از بالای پیشانی ریخته و از ریختن آب نیت وضو نماید، وضوی او صحیح است.

2 - یکی دیگر از شرایط وضو آن است که مکلف باید افعال وضو را خودش انجام دهد و اگر کسی او را در شستن و یا مسح کردن کمک نماید به شکلی که شستن و یا مسح را عرفاً به خود مکلف نسبت ندهند، وضو باطل می گردد. ولی در صورت اضطرار که شخص دیگری مکلف را وضو می دهد، مباشرت لازم نبوده، ولی مکلف باید خودش نیت وضو داشته باشد و بنابر احتیاط وضو دهنده هم نیت وضو بنماید.

کسی که پیوسته از او باد خارج می شود که به آن مبطون گفته می شود و یا کسی که پیوسته از او بول و ادرار بیرون می آید که به آن مسلوس گفته می شود و اشخاصی مانند اینها، مثل کسی که پیوسته از او مدفوع جدا می شود در این اشخاص چهار تصور دارد:

1 - صورت اول، موردی است که این اشخاص در مقداری از زمان که برای وضو و نماز کافی است، دارای این مرض نبوده و در آن زمان مکلف می تواند وضو گرفته و نماز بخواند که در این صورت باید صبر نماید تا زمان مورد نظر رسیده و با وضو نمازش را بخواند.

2 - صورت دوم، موردی است که مکلف در این مرض هرگز وقت برای نماز و وضو نداشته و یا اینکه وقتش بقدری است که برای وضو و نماز کافی نمی باشد؛ یعنی پیوسته از او بول و یا باد خارج شده و برای او مجالی برای وضو و نماز نمی گذارد. در این صورت باید وضو گرفته و نماز را بخواند و لازم نیست برای نماز دوباره وضو بگیرد، مگر اینکه حدث دیگری مانند خواب از او صادر شود که باید در این صورت دوباره وضو بگیرد.

3 - صورت سوم، موردی است که مکلف در این مرض در اثناء نماز وقت برای وضو و مقداری از نماز داشته باشد و تجدید وضو ولو چند مرتبه برای او سختی و دشواری ندارد. این شخص باید وضو گرفته و نماز

را در وقتی که دارد، بخواند و اگر در بین نماز مبتلا به حدثی گردید و یا بعد از نماز مبتلا به آن شد لازم نیست وضو را تکرار نماید هر چند احتیاط در آن است که وضو را در هنگام بروز حدث در بین نماز تکرار نماید و همچنین بنا بر احتیاط بعد از نماز برای نماز بعدی دوباره وضو بگیرد.

صورت چهارم: این صورت همان صورت سوم می باشد با این تفاوت که در این صورت تجدید وضو و اعاده آن در بین نماز برای مکلف سخت و دشوار می باشد و در این فرض تنها به يك وضو اكتفا نموده و تا زمانی که محدث به حدث دیگری مانند خواب و مثل آن نشده به همان وضو اكتفا می نماید هر چند احتیاط در آن است که برای هر نماز يك وضوی جدا بگیرد.

(مسئله) بنا بر احتیاط کسی که پیوسته محدث می گردد، باید از آنچه که بر محدث حرام است، اجتناب نماید. اگر چه در صورتی که نماز خواندن برای او جایز است، اظهر واجب نبودن اجتناب است.

(مسئله) بر مسلوس و مبطون واجب است که از رسیدن نجاست به بدنشان جلوگیری نمایند و باید چیزی مانند کیسه همراه داشته باشند که بول و یا مدفوع را در آن ریخته تا به لباس و بدنشان نرسد و لازم نیست که برای هر نماز آن کیسه را تغییر دهند.

کسی که در بعضی از اعضای وضویش جبیره است (چیزی که با آن زخم و شکستگی را می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند، جبیره نامیده می شود) اگر بتواند هنگام وضو آن را برداشته و زیر آن را بشوید و یا اینکه آن را در آب فرو برده و آب را به آن برساند، باید این کار را انجام داده و البته مراعات نماید که تدریجاً آب را از بالا به پایین برساند. ولی اگر به خاطر ضرر نتواند این کار را انجام دهد، باید روی آن جبیره را با دست مرطوب به آب وضو مسح نموده و به همان مسح اکتفا نماید. و بنابر اقوی شستن جبیره اکتفا از مسح آن نمی کند و باید تمام جبیره را مسح کند و مسح بعضی از آن کافی نمی باشد، مگر در صورتی که مسح تمام جبیره ممکن نباشد. مانند صورتی که مقداری از آن در داخل زخم واقع شده و یا اینکه زیر نخهای جبیره مستور شده باشد.

(مسئله) جراحت هایی که به وسیله ی باند پیچیده شده است، حکم آنها مانند جبیره می باشد و اگر باند پیچی نشده باشد، اطراف آن باید شسته شده و بنابر احتیاط مستحب در صورت امکان روی آنها مسح شود و لازم نیست که روی آنها پارچه ای انداخته و روی آن پارچه را مسح کنند، اگرچه این کار احتیاط مستحب است.

(مسئله) آلودگی های که به وسیله ی مالیدن دارو بر روی زخم در بدن حادث می شود، حکم جبیره را دارد، اما چیزی که بحسب اتفاق روی بدن

چسبیده و مانع از رسیدن آب به بدن است. مانند قیر و مثل آن، اگر برطرف کردن آن ممکن است، باید برطرف شود، ولی اگر رفع آن ممکن نباشد، در صورتی که حاجب در اعضای تیمم نباشد، در این صورت واجب است تیمم نمایند و اگر حاجب و مانع در اعضای تیمم هم چسبیده باشد. بنابر اظهر وضو کافی است، اگرچه احتیاط جمع نمودن بین وضو و تیمم می باشد.

(مسئله) حکمی که در جبیره گفته شد، اختصاص به موردی دارد که بدن مبتلا به زخم یا جراحت یا شکستگی باشد، اما در مواردی که عضو را به خاطر درد یا ورم عضو، به وسیله ی پارچه می پوشاند، حکم جبیره را نداشته و اگر رساندن آب به محل مذکور ضرر دارد و یا به هر علت نمی توان آب را به آن محل رساند، باید تیمم کرد.

حکم جبیره اختصاص به جبیره ای ندارد که بعضی از عضو را گرفته باشد، بلکه این حکم در صورتی که جبیره همه ی عضو را گرفته باشد، جاری است. چنانچه در مواردی که همه ی عضو را فراگرفته، فرقی ندارد که عضو از اعضای باشد که در وضو شسته می شود و یا مسح می گردد، و هم چنین اگر جبیره همه ی اعضای وضو را گرفته باشد.

در جبیره ای که به جهت نجاست آن نمی توان، روی آن را دست مرطوب کشید، اگر به اندازه ی زخم است، اطراف آن شسته شده و بنابر احتیاط پارچه ی پاکی روی آن انداخته و روی پارچه ی طاهر را مسح می کند، ولی اگر جبیره بیشتر از محل زخم باشد و برداشتن آن و شستن اطراف زخم ممکن نباشد و زخم هم در موضع تیمم نباشد، باید تیمم کرد و در غیر این صورت بنابر احتیاط باید هم وضو بگیرد و هم تیمم کند، اگرچه بنابر اظهر وضوی جبیره کافی است.

(مسئله) حکم جبیره در همه ی غسل ها غیر از غسل میت جاری است. در صورتی که مسح بر روی عضوی که جبیره بر آن گذاشته، ضرر داشته باشد و یا اینکه شستن برای اعضای دیگر ضرر داشته باشد، باید تیمم نماید و در صورت عدم ضرر، باید به وظیفه ی جبیره عمل نماید.

(مسئله) اگر جبیره در عضوی باشد که با آن مسح می کند، باید با رطوبت وضو، جبیره ی آن عضو را مسح نماید.

(مسئله) کسی که چشم درد داشته، یا اینکه مبتلا به عارضه و بیماری چشمی است. اگر استفاده از آب در وضو برای او ضرر دارد، باید تیمم نماید. ولی اگر می تواند اطراف چشم را بشوید، بنابر احتیاط مستحب بین وضو و تیمم جمع کند.

(مسئله) اگر کسی که وضوی جبیره می گیرد، در صورت تنگی وقت زخمش خوب شود، وضوی او کافی است، چه در اثنای وضو خوب شود

و یا بعد از آن، چه قبل از نماز باشد و یا بین آن، یا بعد از نماز لازم نیست که برای نمازهای بعدش، اگرچه وقت آنها موسع باشد، وضو بگیرد. اما در صورتی که زخم او خوب شد، به طوری که وقت برای وضو گرفتن و نماز تنگ نباشد، در تمامی صورتی که ذکر شد، بنابر احتیاط واجب باید وضو را اعاده نماید.

(مسئله) اگر در يك عضو چند جبیره باشد، شستن یا مسح نمودن در حدّ فاصل بین جبیره ها واجب است.

(مسئله) اگر جبیره مقداری از جاهای سالم بدن را هم پوشانده باشد و اگر این پوشش به مقدار متعارف بوده و زیاد نباشد، باید روی جبیره آن محل را مسح نماید. ولی اگر مقدار زیادی از جاهای سالم بدن و عضو را پوشانده باشد اگر برداشتن جبیره ممکن باشد، باید آن را برداشته و محل سالم را بشوید، سپس جبیره را روی زخم گذاشته و آن را مسح کند. در صورتی که امکان برداشتن جبیره نبوده و جبیره هم در مواضع تیمم نباشد، واجب است تیمم نماید. ولی اگر جبیره در محل تیمم باشد، بنابر اظهر می تواند به وضو اکتفا نماید.

(مسئله) در صورتی که زخم ظاهر باشد، اگر بخواهد پارچه ای روی آن گذاشته و روی آن را مسح کند، باید اول تمام اطراف آن را بقدر امکان شسته، سپس پارچه را بر روی زخم قرار دهد.

(مسئله) اگر آب برای اطراف زخمی که جبیره روی آن قرار دارد، ضرر داشته باشد و اندازه ی آن اطراف بیشتر از متعارف نباشد، مسح بر روی جبیره کافی است. ولی در صورتی که اندازه ی اطراف زخم بیشتر از متعارف باشد، باید بنا بر احتیاط واجب تیمم بنماید.

(مسئله) اگر زخم یا جراحت در مواضع وضو نباشد، ولی از استعمال آب در هنگام وضو به آن زخم و جراحت آسیب رسیده و موجب ضرر می شود، در این صورت باید تیمم بنماید.

(مسئله) در حکم وضوی جبیره فرق نمی کند که زخم را مکلف به اختیار خود بر بدنش وارد کرده، هر چند از روی معصیت باشد یا اینکه بدون اختیارش وارد شده باشد.

(مسئله) اگر ظاهر جبیره پاک باشد، نجاست داخل آن مانعی ندارد.

(مسئله) محلی که هنگام گرفتن خون و یا حجامت زخمی می شود، حکم جروح را داشته و در صورتی که آب برای آن محل ضرر داشته باشد، مسح بر روی پارچه یا بانندی که روی آن هست، کافی می باشد. این حکم اختصاص به موردی دارد که باند یا پارچه فقط محل جراحت و کمی اطراف آن را پوشانیده باشد. ولی اگر مقدار زیادتری را پوشانیده، باید پارچه و یا باند را برداشته و مقدار مازاد را شسته، سپس دوباره روی زخم را با پارچه پوشانیده و روی آن را مسح کند و در صورتی که شستن محل به خاطر عذری غیر از ضرر ممکن نباشد، مثل اینکه، خون زخم

قطع نمی شود، در این صورت وظیفه تیمم بوده و احکام جبیره جاری نمی شود.

(مسئله) اگر پارچه ای را که بر روی زخم گذاشته شده، غصبی باشد و مالک آن پارچه هم بعد از رد کردن آن پارچه بتواند از آن استفاده کند، مسح بر آن پارچه غصبی جایز نمی باشد و باید آن را به مالکش برگرداند. بلکه اگر استفاده از پارچه دیگر ممکن نباشد، باز هم بنا بر احتیاط باید آن را برگرداند.

و اگر ظاهر جبیره مباح و داخل آن غصبی باشد، در صورتی که مسح بر روی جبیره، تصرف در داخل آن حساب شود، مسح باطل بوده و در غیر این صورت صحیح است.

(مسئله) اگر جبیره از پارچه ای باشد که نماز خواندن با آن صحیح نباشد. مانند حریر یا لباس طلا باف و یا پارچه ای که جزء بدن حیوانی باشد که خوردن گوشتش حرام است، ضرری به وضو نمی رساند و مسح بر آن اشکالی ندارد، ولی در صورت نجاست یا غصبی بودن آن پارچه، مسح صحیح نمی باشد.

(مسئله) تا زمانی که ترس از استعمال آب در مکلف وجود دارد، حکم جبیره ثابت است. اگر چه احتمال خوب شدن آن زخم را می دهند. ولی اگر احتمال خوب شدن توأم با از بین رفتن ترس از ضرر باشد، باید جبیره را بردارد.

(مسئله) اگر برداشتن جبیره و شستن عضو ممکن باشد. ولی موجب از بین رفتن وقت باشد، بنابر اظهر باید تیمم نماید.

(مسئله) دارویی که بر روی زخم و جراحی گذاشته می شود، اگر با خون مخلوط شده و بر روی پوست بچسبد، به شکلی که رفع آن بعد از بهبودی مستلزم خونریزی و یا جراحی دیگری باشد، در این صورت وظیفه تیمم است.

(مسئله) اگر عضو سالم بوده و لکن نجس باشد و امکان تطهیر و پاک کردن آن نباشد، باید تیمم نماید.

(مسئله) اگر پارچه ای که بر روی زخم گذاشته اند، بیشتر از مقدار متعارف نباشد. لازم نیست که آن را کم کند، چنانچه لازم نیست چیز دیگر یا پارچه ی دیگری روی آن جبیره قرار دهد؛ مگر در صورتی که جبیره بعد از آنکه روی زخم گذاشته شد، جزیی از زخم محسوب شود که در این صورت باید پارچه ی دیگری روی آن قرار داده، سپس مسح کند.

(مسئله) وضوی جبیره حدث را رفع نموده و همچنین غسل با جبیره رافع آن می باشد.

(مسئله) شخصی که با جبیره وضو گرفته، اگر احتمال باقی ماندن عذر خود را تا آخر وقت می دهد، می تواند نمازش را در اول وقت بخواند و اگر عذرش در اثناء وقت از بین رفت، نماز و وضو را اعاده بنماید.

(مسئله) اگر به اعتقاد اینکه عضو شکسته ای دارد و آب برایش ضرر دارد، وضوی جبیره نماید. ولی بعداً معلوم شود که عضو شکسته ای نداشته است، وضو و غسلش صحیح نمی باشد. ولی در صورتی که عضو واقعاً شکسته بوده، ولی بعد از وضوی جبیره معلوم شود که استعمال آب برای عضو ضرر نداشته است، در این صورت بنابر ظاهر وضو و غسل هر دو صحیح می باشد و همچنین اگر به گمان اینکه آب برایش ضرر ندارد غسل نمود، سپس معلوم شد که آب برایش ضرر داشته و وظیفه ی او جبیره بوده است. در این صورت غسل و وضو صحیح می باشد، و همچنین در صورتی که اعتقاد به ضرری بودن آب پیدا نموده، ولی وضو و غسل جبیره نکرده و بعداً معلوم شد که استعمال آب برایش ضرر نداشته است، ولی صحت در فرض اخیر متوقف، بر امکان قصد قربت است که در این صورت وضو و غسلش صحیح می باشد.

(مسئله) در هر موردی که مکلف شك کند، در اینکه آیا وظیفه ی او وضوی جبیره است یا تیمم، بنابر احتیاط واجب، باید بین هر دو جمع نماید.

سؤال (1) کسی در بعضی از اعضای وضو که باید شسته شود، در هنگام وضو جبیره دارد. آیا لازم است که حتماً با دست خود ظاهر جبیره را مسح کند، یا می تواند با اشیاء دیگری مانند؛ يك قطعه ابر یا پنبه ظاهر آن را مسح کند؟

خوئی (قدس سرّه): مسح به هر وسیله ی دیگر هر چند به کف دست نباشد، کفایت می کند، والله العالم.

سؤال (2) در بیمارستان هنگام معالجه ی شکستگی در اعضا، معمولاً چسب را به مقدار زیادتری از محل شکستگی می زنند، به شکلی که مقداری از عضو سالم زیر آن قرار می گیرد، آیا مسح بر این مقدار از جبیره کافی است؟

خوئی (قدس سرّه): اگر مقدار مازاد زیادتر از مقدار متعارف بوده و ممکن نباشد، مقدار مازاد را رفع کند و آن مقدار مازاد هم در اعضای تیمم نباشد، باید تیمم نماید و در غیر این صورت باید بین وضو و تیمم جمع کند، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): مسح بر روی مقدار مازاد، اگر متعارف و معمول باشد، چنانچه در سؤال فرض گردیده، مانعی ندارد.

سؤال (3) اگر در دست مکلف زخمی است که با باند آن زخم را بسته و پوشانده است، ولی چون قرار گرفتن باند و یا پارچه بر روی زخم ممکن نمی باشد، مگر اینکه چند دور باند را به دور دست بپیچاند و در این صورت مقداری از دست که اطراف زخم و جراحت می باشد، طبعاً زیر پارچه رفته و مستور می شود. آیا مسح بر روی جبیره نسبت به

اطراف زخمی که زیر پارچه یا باند قرار گرفته، کفایت می کند، یا باید اطراف آن را هم بشوید؟

خوئی (قدس سرّه): اگر مقدار مذکور بقدر متعارف در پیچیدن باند یا پارچه روی زخم باشد، حکم جبیره را داشته و مسح بر روی آن کافی است، والله العالم.

سؤال (4) اگر مقداری از استخوان دست یا پا از آن جدا شده و یا در حال جدایی است، در این حال جبیره ای روی آن نهاده شده، آیا این عضو حکم اعضای شکسته شده در غسل و وضوی جبیره را دارد؟

خوئی (قدس سرّه): بله در فرض مذکور محل، حکم عضو شکسته شده را دارد و حکم جبیره جاری است.

سؤال (5) مکلفی که دستش به خاطر شکستگی به گردش آویزان شده است، اگر وظیفه اش وضو باشد، چگونه وضو بگیرد؟ و اگر وظیفه ی او تیمم و یا نایب گرفتن در تیمم است، کیفیت آن را بیان فرمایید و در صورتی که شخصی به عنوان نایب پیدا نشود، آیا با يك دست تنها، تیمم صحیح است یا خیر؟

خوئی (قدس سرّه): اگر به تنهایی می تواند وضوی جبیره بگیرد، باید وضو بگیرد و اگر نمی تواند، باید شخصی را نایب گرفته و به شکلی که در رساله ی عملیه گفته شده، وضوی جبیره نماید. و اگر از وضو

عاجز است، اگر بتواند خودش تیمم نماید، باید تیمم کند و اگر نتوانست، باید نایب گرفته و به همان شکلی که در تیمم معذور گفته شد، تیمم کند و اگر هیچ کدام برایش ممکن نباشد، با همان یکدست تیمم نماید.

سؤال (6) شخصی مقداری از دو دستش و یا تمام صورتش سوخته است و نمی تواند آنها را با دست مسح نموده، یا پارچه بر روی آنها بیندازد. وظیفه ی این شخص هنگام نماز چیست؟

خوئی (قدس سرّه): اگر می تواند وضوی جبیره انجام دهد، باید به آن اقدام نماید و همچنین در صورت وجوب غسل، باید غسل جبیره کند و در صورت عدم امکان استفاده از آب، به هر نحوی که توانایی دارد، باید تیمم نماید.

تبریزی (قدس سرّه): در فرض مذکور اگر بتواند بعضی از مواضعی را که آب برای آنها ضرر ندارد، بشوید. وظیفه اش رساندن آب به آنهاست و حکم وضو و غسل جبیره را نسبت به اعضای سوخته انجام دهد و اگر تیمم را چنانچه که فرمودند، انجام داد. بنابر احتیاط واجب بعد از خوب شدن باید نمازهایی را که با آن تیمم خوانده، قضا کند.

سؤال (7) عمل جراحی پلاستیک که بعضی اوقات ممکن است، مانع از غسل و وضو باشد، دارای چه حکمی است؟

خوئی (قدس سرّه): باید مانع از رسیدن آب به بدن را، در صورت امکان در اعضای وضو و غسل، برطرف نماید. و اگر ممکن نشد، باید تیمم کند و اگر مانع در اعضای تیمم هم وجود دارد، باید بین وضوی جبیره و تیمم جمع کند.

تبریزی (قدس سرّه): اگر رفع مانع امکان داشته باشد، باید رفع شود و در صورت عدم امکان، اگر مانع در اعضای وضو باشد. فقط باید تیمم کند و در صورت وجود مانع حتی در مواضع تیمم، وضو کافی است.

فصل چهارم: موارد جمع بین وضو و تیمم

سؤال (8) خوئی که بر روی زخم و جراحت خشک شده و برطرف کردن آن به خاطر ترس از جاری شدن خون ممکن نمی باشد. در عین حال نمی تواند پارچه ای روی آن بگذارد؛ زیرا مقدار زیادی از اطراف زخم پوشیده می شود. وضو و غسل در چنین حالی چگونه است؟

خوئی (قدس سرّه): وظیفه در چنین حالی تیمم می باشد.

تبریزی (قدس سرّه): اگر شستن اطراف آن ممکن باشد، هر چند به این شکل که عضو را زیر شیر آب گرفته و انگشت خود را روی زخم بگذارد تا خون نیاید به شکلی که آب همه ی اطراف جراحت را احاطه نماید، در این صورت بین وضو و تیمم بنا بر احتیاط واجب

جمع نماید و قرار دادن پارچه بر روی زخم و مسح بر آن لازم نمی باشد.

سؤال (9) زخم و جراحی که تدریجاً خونریزی دارد، آیا احتیاج به گذاشتن جبیره دارد، یا وظیفه تیمم می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): وظیفه در فرض سؤال، تیمم می باشد.

تبریزی (قدس سرّه): اگر تطهیر اطراف زخم، گرچه با گذاشتن پارچه ای بر روی زخم ممکن باشد، باید بین وضو و تیمم جمع کند.

سؤال (10) زگیلی که روی دست ظاهر می شود و به خاطر آنکه آن را از عضو جدا نمایند، آن را با بندی محکم می بندند تا اینکه تدریجاً ریشه کن شده، سپس از دست جدا شود، وظیفه ی نمازگزار در حال نماز چیست؟

خوئی (قدس سرّه): اگر ممکن باشد که بند را هنگام وضو و غسل باز نماید، لازم است آن بند را باز کند تا اینکه آب به محل بسته شده به وسیله بند برسد و اگر از برداشتن بند معذور باشد و محل بند هم در محل مسح نباشد، مانند اطراف انگشتان، باید تیمم نماید و هم چنین اگر در کف دست باشد، ولی اگر در محل مسح باشد، باید بین وضو و تیمم جمع کند.

اول: احکام اشیایی که مانع رسیدن آب به پوست می شوند

1 - حکم خال کوبی در وضو و غسل

سؤال (11) حکم خال کوبی بر روی پوست که جدیداً در بلاد غرب متعارف شده، در هنگام وضو و غسل چیست؟ آیا مانع از رسیدن آب به عضو می باشد یا نه؟ لازم به توضیح است که این کار به وسیله سوزنی است که عمل خال کوبی را زیر پوست انجام داده و قابل زوال و برطرف کردن نمی باشد؟

(بسمه تعالی): خال کوبی که زیر پوست انجام می شود، مانع از رسیدن آب به پوست در وضو و غسل نمی باشد، والله العالم.

2 - حکم کاشت مو در محل وضو و غسل

سؤال (12) حکم مویی که بر روی سر کاشته می شود و رشد و نمو داشته و بعد از کوتاه کردن دوباره رشد می کند، در وضو و غسل چیست؟ با توجه به اینکه این موی کاشته شده با موی مصنوعی که چسبانده شده و هیچ رشد و نمو ندارد، فرق واضح دارد؟

(بسمه تعالی): مسح به مویی که از قسم اول باشد، در وضو اشکالی ندارد و همچنین در غسل باید شسته شود. اما مویی که چسبانده شده، قابل مسح نبوده، باید در وضو برطرف شود و در غسل هم باید آب را به زیر آن برساند و برطرف کردن آن لازم است.

3 - حکم رنگ جوهر و مرکب در وضو و غسل

سؤال (13) حکم وضو هنگامی که به دست یا بعضی از اعضای وضو، مرکب یا جوهر خودکار اصابت نموده باشد، چیست؟ آیا برطرف کردن آن لازم است؟ و در صورت عدم امکان برطرف کردن آن، وظیفه چیست؟

(بسمه تعالی): برطرف کردن رنگ از اعضای وضو لازم نمی باشد، ولی برطرف کردن آنچه که جرمیت داشته و مانع از رسیدن آب باشد، واجب است، والله العالم.

دوّم: حکم عدم قدرت بر شستن اعضای وضو

سؤال (14) اگر در داخل چشم انسان مرضی باشد که نمی تواند روی چشم را بشوید، ولی می تواند روی چشم را با دست مرطوب مسح کند، آیا این مسح کفایت از شستن می کند یا باید تیمم نماید؟ هم چنین اگر مرضی در گوش یا دهان و غیر این اعضا باشد که توان شستن آنها را ندارد، وظیفه در غسل و وضو را بیان فرمایید؟

خوئی (قدس سرّه): ریختن آب و شستن در فرض مذکور لازم نمی باشد، بلکه اگر آب را هر چند، به شکل مسح نمودن با دست مرطوب بر روی چشم برساند، کافی است.

تبریزی (قدس سرّه): اگر ممکن باشد که چشم هایش را بسته و روی چشم را بشوید، لازم است این کار را انجام دهد. در غیر این صورت مجرد

مسح نمودن بر روی چشم، بدون شستن در وضو و غسل، کفایت نمی کند.

مقصد دوم: غسل

فصل اول: جنابت

مبحث اول: آنچه موجب جنابت می شود

سؤال (15) برای جلوگیری از بارداری یکی از روش های جدید استفاده از وسیله ای به نام کاندوم می باشد. آیا نزدیکی با استفاده از وسیله ی ذکر شده، هر چند بدون انزال و بیرون آمدن منی باشد، موجب غسل می شود؟

(بسمه تعالی): نزدیکی به شکل مذکور در سؤال موجب غسل می شود، هر چند منی خارج نشود، والله العالم.

مبحث دوم: غسل جبیره

سؤال (16) حکم جبیره در وضو، و در همه ی غسل ها غیر از غسل جنابت جاری می شود. آیا معنای این مسئله این است که وظیفه در صورت عدم امکان برطرف کردن جبیره یا هر مانع دیگری، تیمم است؟

(بسمه تعالی): آنچه که در سؤال ذکر شده، صحیح نمی باشد. بلکه غسل جبیره در همه ی غسل ها حتی غسل جنابت هم جریان دارد. فقط در

این مسئله غسل مسح میت مستثنی شده است. بنابر آنچه ذکر شد، وظیفه‌ی مکلف در فرض مذکور، اگر رفع جبیره ممکن نباشد، تیمم نمی‌باشد و بنابر احتیاط تیمم را با غسل جبیره جمع نمایید، والله العالم.

سؤال (17) اگر داخل گوش شخص جنب مرضی باشد که آب برای آن ضرر دارد و رساندن آب در هنگام غسل به خارج گوش ممکن نمی‌باشد؛ مگر به مسح کردن آن محل، تا اینکه آب داخل گوش نشود. آیا این غسل کافی است یا نیاز به تیمم می‌باشد؟

خوئی (قدس سرّه): اگر آب را به وسیله‌ی دست خود به خارج گوش بریزد، به شکلی که شستن صدق نماید، کافی است. و مجرد مسح بادرست مثل مسح سر و یا پاها در وضو در فرض مذکور کفایت نمی‌کند و وظیفه‌ی شخص مذکور هم تیمم نمی‌باشد.

تبریزی (قدس سرّه): اگر ممکن باشد، چیزی در گوش بگذارد که آب داخل گوش نشود، باید حتماً غسل نماید و اگر ممکن نشد، وظیفه‌ی شخص مذکور تیمم می‌باشد.

سؤال (18) مشمع وسیله‌ای است که گاهی اوقات بر روی بعضی اعضای بدن گذاشته می‌شود تا درد آن عضو از بین برود و یا کم شود. اکنون سؤال این است که آیا این وسیله مانند داروهایی است که بر روی

زخم و جراحت گذاشته شده، یا همانند باند و پارچه ای است که با آن عضوی را می بندند تا درد یا ورم آن التیام پیدا نماید. در این صورت اگر شخص جنب گردید، آیا بین انجام غسل و تیمم منخیر است؟

خوئی (قدس سرّه): آنچه که از آن سؤال شده، مانند داروها و یا باندهایی است که بر روی عضو مجروح گذاشته می شود. در این صورت باید غسل جبیره نموده و این مورد از موارد تخییر محسوب نمی گردد.

تبریزی (قدس سرّه): بنا بر احتیاط باید تیمم را هم به غسل ضمیمه نماید.

سؤال (19) اگر زخم و جراحتی در روی پای مکلف باشد و از رسیدن آب به آن بترسد. آیا غسل بر او واجب می شود و در صورتی که زخم با پارچه ای پوشیده شده باشد، وظیفه چیست؟

(بسمه تعالی): اگر زخم با جبیره پوشیده شده و جبیره هم پاك باشد. باید روی آن را مسح کند. و اگر زخم پوشیده نیست و یا اینکه زخم پوشیده شده، ولی جبیره نجس باشد، باید تیمم نماید، واللہ العالم.

سؤال (20) آیا بین صورتی که بتوان جبیره را بدون سختی و مشکل برداشت و بین صورتی که برداشتن آن مستلزم سختی و گرفتاری است، فرقی وجود دارد؟

(بسمه تعالی): اگر رفع جبیره و برطرف کردن آن ممکن باشد، باید آن را برداشته و وضو بگیرد. اما در صورتی که ضرری متوجه ی او

می شود، باید بر روی جبیره مسح نماید و اگر اطراف زخم که از استعمال آب ضرر می بیند، بیشتر از مقدار متعارف باشد. باید بنا بر احتیاط واجب تیمم را هم ضمیمه نماید و اگر در جمع بین وضو و تیمم وقت نماز از بین می رود، به تیمم تنها اکتفا نماید.

سؤال (21) اگر دارو بر روی پوست حایل باشد، چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): آلودگی های روی پوست که به واسطه ی استعمال دارو پیدا می شود، حکم جبیره را دارد، والله العالم.

مبحث سوم: احکام غسل جنابت

1 - حکم انسان و سواسی در غسل

سؤال (22) شخص و سواسی در غسل جنابت، چند مرتبه غسل را تکرار می نماید و این عمل باعث نگرانی اطرافیان او شده است، به طوری که آنان این عمل را موجب ضرر و ایجاد مرض و بیماری برای او می دانند. آیا می توان برای جلوگیری از این ضرر او را وادار نمود که به جای غسل تیمم نماید؟

(بسمه تعالی): واجب است که به کیفیت متعارف که سایر مکلفین غسل می کنند، غسل نماید و تیمم کفایت نمی کند، والله العالم.

2 - احکام بطلان غسل جنابت

سؤال (23) اگر شخصی از جنابت غسل نموده و بعد از گذشت دو ساعت از غسل، در بدن خود مانعی ببیند، با توجه به سؤال حکم مسایل زیر را بیان فرمایید؟

الف - اگر غسل نموده و قبل از نماز محدث گردد؟

(بسمه تعالی): در فرض مذکور غسل را اعاده نموده و بنا بر احتیاط واجب، وضو را هم به آن ضمیمه کند.

ب - اگر غسل نموده و بعد از نماز محدث گردد؟

(بسمه تعالی): غسل و نماز را اعاده نموده و بنا بر احتیاط واجب وضو هم بگیرد.

ج - اگر غسل نموده و نماز خوانده، ولی محدث نشده باشد؟

(بسمه تعالی): غسل را با شستن عضوی که مانع در آن بوده، تمام می کند و نمازش را، اگر می داند که مانع و حایل قبل از نماز بوده، دوباره می خواند.

د - اگر در اثناء غسل متوجهی مانع در اعضاء گردید؟

(بسمه تعالی): محل مانع و حایل را بعد از برطرف کردن مانع شسته و غسل را تمام می کند.

ه -- حکم روزه شخص مذکور در فرض های گذشته چیست؟

ص: 58

(بسمه تعالی): روزه اش صحیح می باشد.

و - حکم این غسل در صورت جهل قصوری و تقصیری چیست؟

(بسمه تعالی): فرقی بین این دو عنوان وجود ندارد.

ز - آیا وجود مانع و حایل در سر یا طرف راست و یا طرف چپ موجب فرق در مسئله می شود؟

(بسمه تعالی): اگر مانع در سر و گردن باشد، باید آن را شسته و شستن بدن را دوباره تکرار نماید و اما اگر در بقیه ی بدن باشد، اگر بین غسل محدث نشده، محل مانع را شسته و غسل را تمام کند، واللہ العالم.

فصل دوم: حیض

اشاره

سؤال (24) زنی که تخمدان او قطع شده و بنا به گفته ی دکتر دیگر حائض نمی گردد، ولی هنوز به سن یائسگی نرسیده است، اگر خونی را با صفات و خصوصیات حیض ببیند، آیا خون مذکور حیض محسوب می گردد یا استحاضه؟

خوئی (قدس سرّه): اگر خون مذکور خصوصیات و علایم حیض را دارا بوده و یا در ایام عادت شخص مذکور باشد، حیض محسوب می گردد.

سؤال (25) خانمی در حیض مضطربه بوده، به صورتی که عادت ماهیانه ی او هر پنج ماه یکبار، و گاهی در هر شش ماه یکبار می باشد.

ص: 59

برای برطرف کردن این حالت، پزشك معالج وی دارویی به این خانم داده و به او گفته است، در اثناء استعمال این دارو این خانم دارای عادت ماهیانه نخواهد بود، ولی این دارو گاهی اوقات موجب می شود که مایعی کم رنگ از او خارج شود. با توجه به آنچه گفته شد، جواب سؤالات زیر را مرقوم فرمایید؟

الف - در صورتی که شك داشته باشد که مایع بیرون آمده، خون است یا خیر، حکم آن چیست؟

ب - در صورتی که یقین کند که این مایع خون است، آیا حیض محسوب می گردد یا استحاضه؟

ج - به نحو کلی آیا با توجه به گفته ی پزشك ی مریض در اثناء مداوا هرگز خون حیض نمی بیند، می توان حکم کرد که مایع بیرون آمده، خون استحاضه می باشد؟

(بسمه تعالی): الف - در صورتی که مایع خارج شده اوصاف حیض و استحاضه را ندارد و یقین به خون بودن آن هم ندارد، چیزی بر او واجب نمی باشد. در این صورت بنابر احتیاط بدن و لباسی را که به آن مایع آلوده شده، شسته و واجب است برای نماز وضو بگیرد، والله العالم.

ب - در صورتی که خون دارای صفات و شرایط حیض باشد، محکوم به حیض می باشد و اگر اوصاف استحاضه را دارد،

استحاضه محسوب می شود و در غیر این دو صورت باید محل آلوده شده را شسته و برای نماز وضو بگیرد، والله العالم.

ج - در صورتی که خون مذکور اوصاف و مشخصات حیض را دارا باشد یا اینکه دارای اوصاف استحاضه باشد، قول پزشك در نفی حیض یا استحاضه اعتبار ندارد، والله العالم.

سؤال (26) خانمی که دارای عادت وقتی و عددیه بوده است، ولی در يك ماه به خاطر استفاده ی دارو، عادتش فرق کرده و عدد ایام و روزها از عادت همیشگی بیشتر شده است، این زن در روز نهم از خون پاك شده و غسل نموده و نمازش را هم خوانده است، ولی در روز دهم خونی با مشخصات حیض از او خارج شده، آیا تمام این خونهایی را که دیده است، حیض محسوب می گردد یا اینکه فقط خون های ایام عادت همیشگی حیض بوده و بقیه استحاضه محسوب می شود، هرچند دارای صفات حیض باشد؟

(بسمه تعالی): اگر خون مدتش از ده روز بیشتر شود، مقدار مازاد بر ده روز استحاضه است و مقداری که عادت همیشگی او بوده است، حیض محسوب می گردد و در صورتی که خون در کمتر از ده روز قطع شود، تمام آنچه را که دیده، حیض محسوب می گردد، والله العالم.

ص: 61

1 - اشتباه خون حیض با بکارت

سؤال (27) در صورتی که پرده ی بکارت زایل گردد و خون زیادی از فرج خارج گردد، ولی معلوم نباشد که خون حیض است یا خون پرده ی بکارت، تکلیف چیست؟

(بسمه تعالی): در فرض مذکور مقداری پنبه را داخل فرج نموده، سپس بعد از چند لحظه آن را خارج می کند. اگر خون فقط ظاهر پنبه را آلوده نموده باشد، خون بکارت محسوب می گردد، ولی در صورتی که خون بداخل پنبه نفوذ کرده و همه ی آن را آلوده نموده است، خون حیض محسوب می گردد. البته واجب بودن این عمل، یعنی داخل کردن پنبه فقط راهی است برای تشخیص خون حیض از بکارت و در صورتی که مکلف این عمل را ترك کند و بعد بفهمد خونی که خارج شده، حیض نبوده، همه ی نمازهایی را که خوانده است، در صورت قصد قربت صحیح می باشد و در صورتی که این عمل را انجام نداده است، نمی تواند نیت جزمی نماز نماید.

2 - امکان حیض زن باردار

سؤال (28) آیا ممکن است زن باردار هم حائض گردد؟

ص: 62

(بسمه تعالی): بنابراین اقوی خون حیض ممکن است با بارداری جمع شود؛ یعنی ممکن است زن باردار هم، خون حیض را ببیند.

سؤال (29) خانم بارداری در ایام عادت ماهیانه ی خود خون می بیند، ولی خون دیده شده مشخصات خون حیض را ندارد، در این حال پزشکان می گویند. منشأ این خون، خونریزی در مشیمه ای است که اطراف جنین را احاطه کرده، خانم مذکور بعد از حمل، شصت روز است که خونی ندیده است، مستدعی است. مسئله ی مذکور را طبق نظر مرحوم آیه الله العظمی خوئی جواب داده، لازم به تذکر است این خانم توانایی تشخیص بوسیله ی گذاشتن پنبه را، به جهت منع پزشکان ندارد.

(بسمه تعالی): در صورتی که خون در ایام عادت ماهیانه ی سابق شخص مذکور بوده است و تا سه روز استمرار دارد، حیض محسوب می شود. در غیر این صورت استحاضه می باشد و داخل نمودن پنبه داخل فرج لازم نبوده، بلکه به همین مقدار که پنبه را بر روی فرج قرار دهد به شکلی که در صورت خروج خون، پنبه با خون ملاصق باشد، کافی بوده و مقدار استحاضه معلوم می گردد، واللہ العالم.

3 - استفاده از داروی ضد بارداری

سؤال (30) آیا استفاده از داروی ضد بارداری جایز است؟

ص: 63

(بسمه تعالی): استفاده از داروهای ذکر شده، در صورتی که موجب ضرر قابل توجهی به شخص نباشد، جایز است، والله العالم.

سؤال (31) در صورتی که پزشکان از استعمال دارویی که از عادت ماهیانه جلوگیری می کند، منع نموده و خوردن قرص های ضد عادت ماهیانه را تجویز نمی کنند، آیا استفاده از این داروها شرعاً جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که در استفاده از داروهای ذکر شده، ضرر قابل توجهی به مکلف برسد، استفاده جایز نمی باشد و این مسئله در زنها مختلف بوده، یعنی در بعضی باعث ضرر و در بعض دیگر ممکن است، ضرر نداشته باشد.

سؤال (32) آیا خوردن قرص های ضد عادت ماهیانه در شب های ماه مبارك رمضان جهت جلوگیری از حیض و گرفتن روزه ی این ماه، جایز است.

(بسمه تعالی): اشکال ندارد، والله العالم.

سؤال (33) خانم هایی که قرص استفاده می کنند، گاهی موارد در ایام عادت ماهیانه به مدت يك یا دو روز خون می بینند و گاهی اوقات بعد از گذشتن هفت روز از ایام عادت، دوباره يك یا دو روز خون می بینند. آیا احکام حیض در حق آنها جاری است؟

ص: 64

خوئی (قدس سره): در فرض مسئله اگر خونی را که در ایام عادت می بینند، به سه روز نرسد و کمتر از آن باشد، حیض حساب نمی شود. ولی در صورتی که خونریزی به سه روز رسیده و در اثناء روز قطع شود، محکوم به حیض می باشد.

الف - بعضی از بانوان نوعی دارو مصرف می کنند که مصرف آن باعث جلوگیری از عادت ماهیانه شده و یا اینکه مدت آن را به تاخیر می اندازد، ولی گاهی اوقات با توجه به مصرف اینگونه داروها خونی می بینند که نمی دانند، حیض است یا استحاضه. و بنابراین فرض که خون را در ایام عادتش ببیند و یا غیر آن، و یا اینکه عادت منظمی داشته باشد و یا نداشته باشد. برای این خانم امکان انتظار کشیدن سه روز نمی باشد تا معلوم شود، حیض است یا استحاضه. همچنین امکان تحقیق از رنگ آن هم نمی باشد؛ چون در روز اول، اگرچه رنگ خون حیض را دارد، ولی با سوزش بیرون نمی آید و رنگش در بعضی اوقات شبیه خون استحاضه می باشد. وظیفه ی این زن در این فروض چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که خون را در ایام عادت ماهیانه اش دیده و قطع شدن خون قبل از سه روز هم معلوم نباشد، حیض محسوب می گردد. و در صورتی که خون را در غیر ایام عادت ماهیانه دیده باشد. اگر خون دیده شده، خصوصیات خون حیض را دارد و از سه

روز کمتر نباشد، در این صورت حیض می باشد، ولی اگر قبل از سه روز قطع شد، حکم استحاضه را دارد، والله العالم.

ب - در صورتی که در مسایل سابقه حکم شد که خون مذکور استحاضه است و این خانم به وظیفه ی مستحاضه عمل نموده و بعد از دیدن خون معلوم گردیده که خون دیده شده، حیض بوده است. حکم اعمال سابقه ی این زن مانند نیت احرام و طواف و همچنین اعمال آینده ی او چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که خون را قبل از احرام در میقات دیده و وقت هم به اندازه ی کافی دارد تا طواف و سایر اعمال عمره را تکرار نماید. باید اعمال را تکرار نموده، سپس برای حج احرام ببندد، ولی در صورتی که خون قطع نمی شود، به نیت حج افراد رفته و بعد از اتمام اعمال حج افرادی، عمره ای را با احرام از خارج حرم به جا آورده، در این صورت حج و عمره او از حَجَّة الاسلام مجزی است و در صورتی که بعد از رسیدن به حرم حائض گردیده، می تواند آنچه را که گفته شد، انجام داده و می تواند بعد از تمام شدن اعمال عمره در حج تمتع از مکه محرم گردد. سپس بعد از پاک شدن و قبل از طواف حج، نماز طواف را قضا کند، بلکه بنا بر احتیاط مستحب سعی را هم اعاده نماید، والله العالم.

ص: 66

سؤال (34) در بعضی از موارد دیده می شود، خانمی که دارو مصرف نموده تا عادت ماهانه اش تأخیر افتد، خون کمی را با فاصله می بیند، ولی این خون تا سه روز یا کمتر ادامه دارد.

حکم این خون در صورتی که به شکل منفصل تا بیشتر از سه روز استمرار داشته و همچنین در صورتی که کمتر از سه روز باشد، چیست؟ همچنین اگر خون سه ساعت قطع شد، آیا این مدت زمان صدق انقطاع می کند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که خون تا سه روز استمرار داشته باشد، هر چند استمرار آن در داخل فرج بوده، به شکلی که اگر پنبه ای را داخل فرج نماید، پنبه آلوده می شود. در این فرض اگر خون در ایام عادت همیشگی اش بوده و یا اینکه خصوصیات حیض را دارد، حیض محسوب می گردد و در صورتی که استمرار نداشته باشد و همچنین اگر استمرار داشته، ولی خصوصیات حیض را نداشته باشد. مثل اینکه زرد رنگ باشد، استحاضه می باشد و در صورتی که خون سه ساعت، بلکه اگر کمتر از این مدت قطع شود، در صورتی که در باطن فرج خونی نباشد، انقطاع محسوب می گردد.

ص: 67

فصل اول: موارد جواز تیمم

1 - قدرت نداشتن بر وضو

سؤال (35) شخصی که جراحات زیادی در دست و پایش دارد و این جراحات را پزشکان بسته اند. این شخص توانایی باز کردن آنها را ندارد. چگونه وضو، غسل و تطهیر بدن را انجام دهد و همچنین در نماز چه وظیفه ای دارد. با توجه به اینکه این شخص در اغلب اوقات کسی را ندارد که او را کمک نماید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که بتواند وضوی جبیره نماید، وظیفه ی او وضو می باشد و در صورت عدم امکان به اندازه ی توانایی خود باید برای تیمم سعی کند و احکام و مسایلیش را از اهل علم سؤال نماید، تا وظیفه اش را در هر شرایطی برایش بیان نموده و اعمالش هدر نرود، والله العالم.

سؤال (36) من زنی می باشم که مبتلا به سوختگی هستم و به گردنم نمازهای زیادی از زمان سوختگی تا به حال مانده است که مدت آنها از دو سال بیشتر می باشد. همچنین يك عمل جراحی انجام داده ام و هم اکنون جراحی در سر دارم که با آن قادر به انجام شستن بدن نمی باشم و فقط برای نماز تیمم می کنم و همچنین توانایی خواندن نماز با شکل و شرایط شرعی آن را ندارم؛ چون توانایی خم شدن برای رکوع و سجود را

ندارم. همچنین توانایی روزه گرفتن را ندارم و مجبورم دارو مصرف کنم. حکم شرعی من با توجه به آنچه گفته شد، چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که برای نماز توانایی وضو ندارید، تیمم کافی است. و همچنین در نماز در صورت عدم امکان خم شدن برای رکوع و سجود با سر اشاره نماید و جهت اشاره برای سجده، باید سر را پایین تر بیاورید. اما روزه، در صورتی که عذر شما تا رمضان آینده ادامه داشته باشد، قضا ندارد، بلکه واجب است که برای هر روز يك مد گندم؛ یعنی هفتصد و پنجاه گرم و یا قیمت آن را به فقیر متدین پرداخت نمایید. خداوند شما را عافیت عنایت فرماید، والله العالم.

2 - ضوری بودن استفاده از آب

سؤال (37) آیا جایز است کسی که به مرض اکزیما در دستش مبتلا می باشد برای مدت طولانی تیمم کند تا مرضش برطرف شود، با توجه به اینکه استفاده از آب مرض را تشدید می کند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که از رسیدن آب به اعضای وضو ضرر می بیند، وظیفه ی او تیمم می باشد، والله العالم.

سؤال (38) خانمی به علت سوختگی تمام دست چپش تا انگشتان، باند پیچی شده است و همچنین تمام سر و پیشانی هم به همان کیفیت باند

ص: 69

پیچی شده است. با توجه به اینکه پزشکان اجازه ی استفاده از آب را به او نمی دهند، در فرض مذکور چگونه اعضای نجس شده را تطهیر نماید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که می تواند مواضع نجس را، هر چند با کمک دیگران تطهیر کند، باید به وظیفه ی تطهیر عمل کند و چون استفاده از آب برایش ضرر دارد، باید تیمم نموده، به این کیفیت که پیشانی خود را با دست راست مسح نموده. سپس روی دست راست را با کف دست چپ، هر چند از روی جبیره باشد مسح نماید. سپس روی دست چپ را با کف دست راست مسح نماید. این تیمم برای او کفایت از غسل و وضو می نماید، والله العالم.

سؤال (39) شخصی مبتلا به نوعی مرض و بیماری پوستی می باشد که پزشکان به او گفته اند، نباید آب به اعضای بدنش برسد. همچنین دارویی برای او تجویز نموده اند که باید آن را در اعضا استفاده نموده و این دارو مانع از رسیدن آب به اعضای وضو می باشد، البته این مریضی تمام اعضای وضو را فراگرفته و باید داروی مذکور را در تمام طول روز بر اعضا قرار دهد، با توجه به آنچه گفته شد، وظیفه ی این شخص برای وضو هنگام نماز چیست؟ آیا وظیفه ی این شخص از وضو به تیمم منتقل می شود؟

ص: 70

(بسمه تعالی): در صورتی که استفاده از آب برای شخص مذکور ضرر دارد. در صورتی که دارو در مواضع تیمم باشد، وظیفه اش تیمم می باشد.

3 - ترسیدن از مصرف آب در وضو

(مسئله) یکی از موارد وجوب تیمم صورتی است که استفاده از آب برای شخص مکلف منجر به حدوث مرض و یا زیاده شدن آن و یا طولانی شدن زمان مداوای آن باشد. در این مسئله فرقی نمی کند که مرض تمام بدن را تهدید نماید یا عضوی از اعضای او را تهدید نماید. و از همین قبیل می باشد، عارضه ای که در چشم پیدا می شود و باعث زخمی شدن ظاهر چشم می شود که به آن رمد گفته می شود و همچنین بیماری پوستی که باعث خشکی پوست بدن و زشتی پوست صورت شده، به شکلی که تحمل آن برای نوع مردم دشوار است. در این موارد اگر استفاده از آب منجر به ضرر یا ترس از مرض باشد، وظیفه تیمم می باشد.

فصل دوم: احکام تیمم

(مسئله) شخصی که عاجز از تیمم می باشد، باید شخص دیگری او را تیمم دهد. به این شکل که دو دست شخص عاجز را گرفته و او را تیمم داده و در صورتی که این نحوه هم ممکن نباشد، آن شخص با دو دست

خود به زمین زده و از طرف شخص عاجز مسح نموده و او را تیمم می دهد.

سؤال (40) در صورتی که شخصی عاجز از تیمم نمودن باشد، به صورتی که شخص دیگر باید او را تیمم دهد، کیفیت آن را بیان فرمایید؟ لازم به تذکر است در صورتی که خود شخص تیمم می نماید، در حال مسح نمودن دست راست در جانب راست و دست چپ در جانب چپ تیمم کننده می باشد و این مطلب در صورتی که دیگری او را مسح می دهد، تغییر می کند یعنی طرف راست شخص عاجز سمت چپ تیمم دهنده و همچنین طرف چپ، سمت راست شخص تیمم دهنده می باشد. آیا این مسئله موجب اشکال در تیمم می شود؟

خوئی (قدس سرّه): شخص عاجز تیمم داده می شود، به هر شکلی که مسح پیشانی و صورت و دو دست عاجز به وسیله ی تیمم دهنده محقق شود. اگرچه تیمم دهنده مقابل شخص عاجز نشسته باشد.

سؤال (41) آیا شخصی که عاجز نیست، می تواند تمام صورت را با يك دست مسح نماید و کسی که يك دست او به خاطر شکستگی به گردن آویزان است. آیا می تواند تنها با يك دست پیشانی را مسح نماید و در صورتی که شك داشته باشد که همه ی پیشانی مسح شده، می تواند مسح با يك دست را تکرار نماید. و در صورتی که بخواهد دست شکسته را مسح کند. آیا می تواند از شخص دیگر کمک بطلبد و آیا شخص دیگر

ص: 72

می تواند، دست مریض یا دست خود را به زمین زده و در مسح، او را کمک کند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مکلف عاجز و یا مریض نباشد، بدون عذر نمی تواند پیشانی را با يك دست مسح نماید. اما کسی که معذور است، مثل موردی که در سؤال ذکر شده، می تواند با يك دست مسح نموده و تکرار مسح با يك دست برای اینکه یقین حاصل شود، مسح تمام پیشانی انجام شده است، مانعی ندارد و در صورتی که بتواند ظاهر دو دست را مسح نماید، نیازی به کمک گرفتن از دیگران ندارد، والله العالم.

سؤال (42) شخصی به علت بیماری طرف چپ بدنش فلج گردیده و توانایی ایستادن و حتی نشستن را ندارد و هنگامی که وقت نماز می شود، به این کیفیت تیمم می کند که روی يك دست خود را به زمین می زند و سپس صورت را مسح می نماید، بعد با همان دست، دست چپ را مسح می کند. سپس دست چپ خود را به زمین می زند و به همین کیفیت هنگام نیاز به تیمم، در حدث اکبر تیمم می کند. سپس در مکان بلندی مقابل قبله نشسته و برای رکوع با چشمانش اشاره می کند با توجه به اینکه در این حال بدن و لباسش نجس است. آیا نماز شخص مذکور صحیح است؟

خوئی (قدس سرّه): اگر ممکن باشد که از شخص دیگری جهت تیمم کمک بطلبد و تیمم عادی و متعارف انجام دهد، باید به شکل عادی و

متعارف تیمم نماید. اما نماز را تا آنجایی که ممکن است، باید با همه ی شرایط آن بجا آورد. و در صورتی که از کمک گرفتن از دیگران عاجز باشد و همچنین در نماز نتواند همه ی شرایط نماز را بجا آورد، بمقدار توانایی آنچه را که بجا آورده، صحیح می باشد. به تفصیلی که در رساله ی عملیه ذکر گردیده است.

سؤال (43) فرق بین جرح و قرح را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): هر دوی این عنوان يك حکم دارد. قرح به عوارضی مانند دمبل یا جوش های روی پوست گفته می شود و جرح به جراحاتی گفته می شود که پوست با وسایلی مانند چاقو و مانند آن زخمی شده باشد.

مقصد چهارم: احکام اموات

اشاره

سؤال (44) در هنگام سقط جنین، گاهی موارد جنین مرده را در ظرفی شیشه ای قرار می دهند. در این صورت مسایلی مطرح می گردد.

الف - حکم جنین از جهت نجاست و طهارت چیست؟

(بسمه تعالی): اگر جنین مرده باشد، نجس است. ولی در صورتی که علقه و یا مضغه باشد، بنابر احتیاط باید از آن اجتناب نماید و دفن آن واجب است، والله العالم.

ص: 74

ب - آیا مس آن موجب غسل می شود؟

(بسمه تعالی): در صورتی که جنین مرده باشد، غسل واجب می شود، بلکه بنا بر احتیاط باید غسل کند، هر چند جنین چهار ماهش تمام نشده باشد، والله العالم.

ج - آیا دفن آن واجب است یا نه، در این صورت چه کسی وظیفه ی دفن آن را دارد؟ آیا پزشک تکلیفی دارد یا خیر؟

(بسمه تعالی): دفن واجب کفایی است، والله العالم.

فصل اول: غسل میت

(مسئله) در صورتی که برای غسل میت آب یافت نشود و یا آنکه استفاده از آب باعث پراکنده شدن گوشت بدن میت گردد. بنا بر احتیاط واجب سه مرتبه تیمم داده می شود و به یکی از آن تیمم ها نیت مافی الذمه می شود.

(مسئله) واجب است که تیمم بدست زنده باشد و در صورت امکان بنا بر احتیاط واجب بدست مرده هم تیمم داده شود.

(مسئله) در صورتی که بچه در شکم مادر مرده و مادر زنده بماند. در صورتی که سالم بیرون آوردن آن ممکن باشد، باید آن را سالم بیرون آورند. و در صورت عدم امکان، قطعه قطعه کردن آن جایز است. البته باید به مقدار رفع ضرورت در این امر اکتفا گردد. و در صورتی که مادر مرده،

ص: 75

بچه زنده بماند. باید در صورتی که اگر از طرف چپ شکم را بشکافند، احتمال زنده ماندن آن بیشتر باشد. از طرف چپ و در غیر این صورت از هر طرفی که ممکن شد، شکم را شکافته و بچه را بیرون آورند. سپس شکم را دوخته و مادر را دفن کنند.

(مسئله) جنین سقط شده، اگر چهار ماه آن تمام شده باشد. غسل داده شده و حنوط و کفن گردیده، سپس دفن می شود و این جنین نماز ندارد. اما اگر کمتر از چهار ماه داشته باشد، بنابر احتیاط واجب در پارچه ای پیچیده و دفن می گردد. ولی در صورتی که روح در آن دمیده شده باشد، بنابر احتیاط بلکه بنابر اقوی، حکم جنین چهار ماهه را دارد.

(مسئله) در صورتی که دندان از انسان جدا شده و با آن مقدار کمی گوشت چسبیده باشد، مسح آن موجب غسل نمی شود.

سؤال (45) در صورتی که جنین بعد از آنکه چهار ماهش تمام شده، بمیرد. سپس مادر آن را سقط نماید و این جنین به جهت استفاده ی مادر از بعضی از داروها رشد و نمو و شکل طبیعی نداشته و به شکل يك قطعه گوشت نرم درآمده و تغسیل آن موجب پراکنده شدن و جدا شدن اجزای آن می شود، در فرض مذکور وظیفه چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که جنین مرده سقط شود و چهار ماهش تمام شده باشد. در صورتی که غسل دادن آن ممکن باشد، هرچند به این شکل که آب را روی آن بریزند، باید آن را غسل دهند و در

صورتی که غسل دادن به هیچ نحو ممکن نباشد حتی به نحوی که گفته شده، در صورتی که اعضای تیمم داشته باشد و تیمم دادن ممکن باشد، باید تیمم داده شود و در غیر این صورت در پارچه ای پیچیده شده و دفن گردد، والله العالم.

سؤال (46) در صورتی که سر انسان مرده قبل از مرگ جراحی شده و خون جراحی قطع نمی شود، حتی هنگام غسل امکان قطع کردن آن نمی باشد. در این صورت آیا ممکن است که پلاستیکی به سر بسته، سپس بقیه ی جسد را تطهیر نموده، و بعد میت را تیمم داده و دفن نمود؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که غسل میت به خاطر خونریزی مداوم ممکن نباشد، باید میت را تیمم داده و در فرض مذکور نیازی به تطهیر و پاکسازی بدن نمی باشد، ولی باید مواظب باشند که کفن میت نجس نشود.

سؤال (47) در صورتی که جراحات و زخم های متعددی در بدن مرده باشد. آیا لازم است که این زخم ها دوخته شده و در بین زخم ها پینه یا پارچه ای گذاشته شود که جلوی خونریزی گرفته شود و در فرض انجام این کار، آیا شستن ظاهر پینه و یا چسبی که استعمال می شود، لازم است؟

خوئی (قدس سرّه): آنچه که در سؤال ذکر شده، لازم است برای اینکه جلوی نجس شدن کفن میت گرفته می شود و اگر ممکن نباشد که آب را به همه ی اعضای میت برسانند، غسل ذکر شده در سؤال صحیح

نمی باشد، بلکه به جای غسل علاوه بر آنچه که انجام داده اند، باید میت را تیمم بدهند.

سؤال (48) در صورتی که در بدن میت زخم و جبیره ای است که به شدت به پوست چسبیده، به شکلی که برداشتن آن مستلزم کنده شدن مقداری از گوشت بدن میت می باشد. تکلیف غسل را در فرض مذکور بیان فرمایید؟

خوئی (قدس سرّه): در فرض مذکور وظیفه آن است که میت را به جای غسل هایش، تیمم بدهند.

فصل دوم: کفن میت

سؤال (49) در کشورهای غربی هنگامی که شخصی می میرد. گاهی اوقات جنازه ی او را به بیمارستان برده و بدن او و حتی در برخی موارد سر او تشریح می شود. در هنگام غسل جلوگیری از خونریزی بدن بسیار دشوار می شود، آیا جایز است برای جلوگیری از خونریزی و نجس شدن کفن میت بعد از غسل تمام بدن میت را با پلاستیکی بپوشاند، سپس از روی همان پلاستیک بدن را کفن نمایند؟

خوئی (قدس سرّه): باید از نجس شدن کفن، هرچند به طریقی که در سؤال گفته شده یا به طریق دیگر، جلوگیری شود.

سؤال (50) آیا مس نمودن استخوان های خالی مرده، در هنگام فراگیری مسایل پزشکی در دانشگاه، موجب غسل مس میت می شود و در صورتی که استخوان ها با ماده ای به نام ورنیش پوشیده شده و استخوان ها از کشورهای اسلامی است و صاحب آن ها معلوم نمی باشد و معلوم نیست که صاحب آن ها زن بوده یا مرد، مسلمان بوده یا غیر مسلمان، حکم چیست؟ لازم به تذکر است که من مقلد مرحوم آیه الله خوئی می باشم.

(بسمه تعالی): مس استخوان بدون گوشت، هر چند دارویی به آن مالیده نشده باشد، موجب غسل نمی باشد، والله العالم.

سؤال (51) بعضی از دانشجویان در دانشگاه جمجمه ی مرده ای را جهت یادگیری مسایل پزشکی به آنجا آورده و من مجبور به مس آن شدم. با توجه به اینکه این جمجمه آغشته به ماده ای زرد رنگ به نام ورنیش بود، آیا این گونه مس موجب غسل می شود و نمازهایی را که خوانده ام، چه حکمی دارد؟ آیا اگر يك غسل انجام دهم به قصد ما فی الذمة کفایت می کند؟

(بسمه تعالی): مس میت به صورتی که در سؤال ذکر گردیده، موجب غسل نمی شود و نمازهایی را که بدون غسل و با وضو خوانده است، صحیح می باشد، والله العالم.

سؤال (52) عده ای از دانشجویان پزشکی در دانشگاه، گاهی مواقع مجبور می شوند، جنازه هایی را که برای تشریح آورده می شود، مس نمایند. با توجه به اینکه آن ها دست های خود را به وسیله ی دستکش های مخصوص پزشکی پوشانده اند. آیا این مس موجب غسل می گردد؟

(بسمه تعالی): غسل مس میت در فرض مذکور در سؤال، واجب نمی باشد و وجوب غسل در صورتی است که مانع و حایلی بین دست و بدن میت نباشد، والله العالم.

سؤال (53) گاهی اوقات قسمتی از بدن بعضی از مریضانی که مبتلا به سرطان شده اند، جهت آزمایش به بیمارستان آورده می شود. آیا مس عضو ذکر شده، موجب غسل می گردد؟

(بسمه تعالی): مس کردن گوشت قطع شده از بدن انسان زنده، موجب غسل نمی گردد، والله العالم.

مقصد پنجم: احکام نجاسات

فصل اول: احکام بعضی از نجاسات

1 - ادرار

سؤال (54) در صورتی که مکلف برای پاک شدن مجاری ادرار قرص هایی را مصرف می کند که مصرف آنها باعث قرمز رنگ شدن ادرار می شود. این مکلف بعد از ادرار استبراء به خرطات نموده و یقین کرده که

ص: 80

مجرای ادرار تمیز شده است و لکن گاهی اوقات مقداری از اثر قرمزی ادرار بعد از شکستن سر آلت به روی آلت مانده و باعث قرمزی لباس می شود. آیا این قرمزی باعث نجاست لباس می شود؟

خوئی (قدس سرّه): هر مایعی که بعد از استبراء از مکلف خارج شود، محکوم به طهارت می باشد، هرچند قرمز رنگ باشد، مگر در صورتی که یقین کند، مایع مذکور ادرار است، والله العالم.

سؤال (55) بعضی از دانشجویان پزشکی در دانشگاه ها اقدام به ساختن ادرار مصنوعی می نمایند. این مایع ساخته شده از جهت علمی و ترکیبات شیمیایی هیچ فرقی با بول و ادرار انسان ندارد. آیا این نوع از ادرار مصنوعی نجس می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): مایع مذکور و امثال آن محکوم به طهارت می باشد، والله العالم.

2 - چربی خوک

سؤال (56) آیا شستن بدن با صابونی که در آن از چربی خوک استفاده شده، جایز است؟ در صورت استفاده، وظیفه ی شخص چیست؟

خوئی (قدس سرّه): شستشو با این صابون اشکالی ندارد، ولی بدن شخصی که از این صابون استفاده می کند، نجس می گردد.

سؤال (57) موادی که جهت حفظ و تقویت رشد مو از آن استفاده می شود، این مواد چرب نبوده، ولی مقداری الکل در آن وجود دارد. در صورتی که معلوم نباشد مواد مذکور از حیوان گرفته شده یا از گیاهان، آیا استفاده از آنها جایز می باشد؟ نماز خواندن در حالی که از موارد ذکر شده در بدن استفاده شده باشد، چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه مواد ذکر شده، مانع از رسیدن آب به بدن نمی باشد؟

خوئی (قدس سرّه): در فرض مورد سؤال، استفاده از مواد ذکر شده، اشکالی ندارد.

سؤال (58) بعضی از اهل خبره می گویند آب انگور و یا سیبی که در دسترس مردم می باشد، محتوی مقداری از الکل است. به این معنی که مجرد فشردن آنها باعث تولید مقداری از الکل در آنها می گردد، اگرچه آنها را نجوشانیده و یا از خارج به آن الکل اضافه نشود. آیا این مقدار از الکل موجب نجاست آن می گردد؟

(بسمه تعالی): فشرده ی انگور و سیب با آنچه که در سؤال ذکر شده، نجس نمی شود. هر چند فرض کنیم. آنچه گفته شده، صحیح باشد، والله العالم.

سؤال (59) در بسیاری از موارد دیده می شود که عطرها و ادکلن هایی در بازارها فروخته می شود که در کشورهای غربی تولید می شود. آیا

استفاده از آنها با توجه به اینکه معلوم نیست که محتوی الکل هستند یا نه، چه حکمی دارد و در صورتی که یقین داشته باشیم که مشتمل بر الکل می باشند. آیا استفاده ی از آن جایز است و همچنین داروهایی که می دانیم مشتمل بر الکل می باشد، آیا خوردن آنها حرام است؟ (بسمه تعالی): در صورتی که عطرهاى ذکر شده مشتمل بر مایعی که انسان را مست می کند نباشد، استفاده از آنها اشکالی ندارد.

سؤال (60) حکم استفاده از پمادها و کرم هایی که در معالجه استفاده می شود و محتوی الکل می باشد، چیست؟

(بسمه تعالی): استفاده کردن و مالیدن آنها به بدن اشکالی ندارد و در صورتی که بدانند در داروهای ذکر شده از مایعی استفاده شده که انسان را به حسب طبیعت اولیه اش مست می کند، باید بدن خود را بعد از استعمال این داروها تطهیر نماید و در صورتی که مشتمل بر مایع مست کننده نباشد، تطهیر لازم نمی باشد و همچنین در صورتی که شك کند، مشتمل بر مایع مذکور است یا نه، تطهیر لازم نیست، والله العالم.

ص: 83

سؤال (61) حکم موادی که از دهان انسان در حال عطسه به بیرون پرتاب می شود با توجه به اینکه دندان را با طلا و یا نقره و یا با شیء خارجی دیگر پوشانده باشد و لثه ها هم خونریزی دارد، چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که نداند آنچه از دهان به بیرون پرتاب شده، مشتمل بر خون است، مواد و مایعات مذکوره محکوم به طهارت می باشند و هر چیزی هم که با مواد ذکر شده ملاقات نماید، نجس نمی شود، واللہ العالم.

سؤال (62) اگر کسی بداند که در دندان و یا دهانش خون وجود دارد، سپس شروع به شستن دندانهایش نموده و آنها را مسواک بزند و بعد از آن دوباره با دقت داخل دهان را شسته است و حتی لب های خود را با آب شسته تا یقین نماید که اثری از نجاست در دهان و دندان و حتی لب هایش نمانده، ولی بعد از مدتی می بیند که مقداری از خمیر دندان در اطراف دهانش باقی مانده است. در این صورت حوله و وسایلی که با آنها تماس داشته، چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که نداند آنچه در اطراف دهانش باقی مانده، مشتمل بر خون است، محکوم به طهارت بوده و تماس حوله و چیزهای دیگر باعث نجاست آنها نمی گردد، واللہ العالم.

سؤال (63) خونی که بر روی پوست خشکیده و منجمد شده است، گاهی اوقات به رنگ سیاهی درآمده و گاهی اوقات تقریباً به رنگ پوست در می آید. آیا در این صورت پاك می شود، با توجه به این که کندن آن باعث خونریزی می شود و در صورتی که شك کند، آیا این زخم همان خون سابق است یا نه، این زخم چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که خون و زخم استحاله شده باشد، محکوم به طهارت می باشد، والله العالم.

سؤال (64) شخصی که مبتلا به مرضی در بینی می باشد و هنگامی که بینی خود را می شوید، مقداری از خون خشك شده، همراه فضولات داخل بینی بیرون می آید. اکنون سؤال این است که حکم فضولات و اخلاطی که بدون خون از فضای بینی بیرون می آید، چیست؟ خصوصاً در حالی که شخص مبتلا به آنفولانزا بوده و اخلاط زیادی از بینی او بدون خون بیرون می آید، ولی هنگامی که آب را داخل بینی کرده و استنشاق می کند، خون تازه بیرون می آید؟

(بسمه تعالی): اخلاطی که از بینی بیرون می آید اگر همراه خون نباشد و به وسیله ی ملاقات با خون هم متغیر نشده باشد، محکوم به طهارت می باشد، والله العالم.

سؤال (65) دستگاهی که به وسیله ی آن کره و روغن از شیر گرفته می شود. این دستگاه را ده نفر استفاده کرده اند، به این کیفیت که شخص

اول شیر خود را داخل دستگاه ریخته و بعد از اتمام، شیر را خالی کرده و شخص دوم تا نفر دهم به همین ترتیب شیرهای خود را داخل آن ریخته اند. بعد از مدتی وقتی که دستگاه مذکور را برای شستشو باز کرده اند، مقداری خون داخل آن دیده شده است. هم اکنون تکلیف شیرها و فرآوردهایی که از این دستگاه به دست آمده و معلوم نیست این خون از شیر آخری است یا از شیرهای دیگر، آیا همه ی شیرها نجس می شود؟

خوئی (قدس سرّه): در فرض مذکور فقط شیر آخری محکوم به نجاست می باشد و بقیه ی شیرها، همگی پاک است.

سؤال (66) آیا مواد تحلیلی خون که به تنهایی از خون جدا شده و تجزیه می گردد مانند مولکولهای سفید رنگ خون یا مولکولهای قرمز رنگ آن و یا پلاسمای خون به تنهایی محکوم به نجاست می باشد؟ آیا عمل تحلیل و جداسازی مواد تشکیل دهنده، نسبت به خون استحاله محسوب می گردد؟ و اگر بعد از جداسازی مواد مذکور آنها را داخل کیسه های مخصوص نموده و به جهت نیاز بیماران به آنها تحویل داده شود، چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): اگر بر اجزاء جدا شده و تجزیه شده، عنوان خون عرفاً صادق نباشد؛ مانند مولکول های سفید رنگ و آنچه در سؤال گفته شده، محکوم به طهارت است.

(مسئله) جزیی که از بدن انسان زنده جدا می شود، حکم میتة و مردار را دارد و از حکم مذکور مواردی مانند زگیل ها و جوش هایی مانند آبله و پوست های مختصر روی لب و زخم هایی که هنگام بهبودی آنها رسیده و مقدار کمی از پوست که به ریشه های مو چسبیده و با آن جدا می شود و مقدار مختصری از پوست که در هنگام خاریدن بدن جدا می گردد و مانند این ها استثنا شده است و تمامی این موارد استثناء شده، محکوم به طهارت است.

فصل دوم: نجاساتی که وجود آنها در بدن و لباس نمازگزار اشکال ندارد

اول: خون جراحات و زخم ها و دمبل ها و عوارض روی پوست در بدن و لباس نمازگزار تا زمانی که موارد مذکور بهبود پیدا ننموده است، اشکالی برای نماز ندارد و این حکم بنا بر اقوی در صورتی است که از بین بردن نجاست خون در بدن و یا لباس مستلزم سختی و مشقت فراوان باشد، ولی در صورتی که مشقتی برای از بین بردن خون نباشد، از بین بردن آن از بدن و لباس واجب است و این حکم بنا بر اظهر شامل خون بواسیر هم می شود. چه بواسیر ظاهر و آشکار و چه مخفی و باطن باشد و همچنین هر زخم و جراحی، هر چند در باطن بدن بوده، ولی خون آن در خارج بدن ظاهر می شود، مشمول حکم مذکور می باشد.

(مسئله) همانگونه که خون مذکور اشکالی در نماز ایجاد نمی کند. همچنین مایع زرد رنگی که گاهی اوقات از زخم و جراحت بیرون آمده و با خون آغشته می گردد، در بدن و در لباس نمازگزار مشکلی ایجاد نمی کند. همچنین حکم ذکر شده، شامل دارویی که مکلف آن را بر روی زخم و جراحت می گذارد و آن دارو با خون آغشته می شود، می گردد و در صورتی که بدن عرق کرده، و عرق در موضع زخم و جراحت باشد و با خون آن ملاقات نماید، مشمول حکم ذکر شده می باشد و اگر محل عرق کرده، در جایی از بدن باشد که می توان آن را با پارچه پوشاند و از عرق کردن آن جلوگیری کرد. بنا بر احتیاط مستحب آن محل را با پارچه و یا دستمالی ببندد.

(مسئله) در صورتی که جراحات و زخم های بدن متعدد باشد، ولی چون نزدیک هم هستند در عرف مردم آن را يك زخم می دانند. در این مورد حکم يك زخم را دارد؛ بنابراین اگر مقداری از این زخم بهبود پیدا نمود، شستن آن تا زمانی که همه ی آن بهبود پیدا ننموده، لازم نمی باشد.

(مسئله) در صورتی که مکلف شك کند، خونی که در بدن و یا لباس اوست از خونی است که در مسایل بالا ذکر شد یا خون دیگری است، باید از آن اجتناب نماید.

مورد دوم: خونی که در بدن و لباس نمازگزار کمتر از گردی در هم بغلی باشد و حکم مذکور مختص به خونی است که خون حیوان نجس

العین و خون مردار و خون حیوانی که خوردن گوشت آن حرام است، نباشد و در موارد مذکوره باید از آن اجتناب گردد و بنابر احتیاط واجب خون حیض و نفاس و استحاضه و مایعی که با خون ملاقات نموده و منتجس شده است ملحق به این خون ها می شود، و حکم خون در مسئله ذکر شده را ندارد و باید از آن اجتناب شود.

(مسئله) در صورتی که خون از يك طرف لباس به طرف دیگر سرایت کند. يك خون محسوب می گردد، ولی در صورتی که از لباس به آستر آن سرایت نماید، دو خون محسوب می گردد و باید ملاحظه نمود که اگر مجموع آنچه که به لباس و آستر رسیده، کمتر از درهم بغلی باشد. اجتناب لازم نیست و اگر بیشتر شد، باید از آن اجتناب نمود.

(مسئله) در صورتی که خون به لباس رسیده و یا با چیز دیگری مانند آن ملاقات نماید، باید از آن اجتناب نمود.

(مسئله) در صورتی که در مقدار خونی که به لباس رسیده، مردد گردد، که آیا کمتر از درهم بغلی است یا بیشتر، باید از آن اجتناب نماید و در صورتی که مقدار خون کمتر باشد، ولی مکلف شك کند که آیا خونی است که اجتناب از آن لازم نیست یا از خون هایی است که باید از آن اجتناب شود، در این صورت اجتناب از خون مذکور لازم نمی باشد و در صورتی که بعد از نماز بفهمد، خون مذکور از خون هایی است که باید از آنها اجتناب شود، خواندن دوباره ی نماز لازم نمی باشد.

(مسئله) بنابر احتیاط واجب در تشخیص مقدار درهم، باید به مقدار گردی سر انگشت سبابه اکتفا نماید.

ص: 90

قسمت اول: عبادات

احكام نماز

اشاره

ص: 91

اشاره

سؤال (67) در منهاج الصالحین در بیان وقت نماز عشاء اینگونه گفته شده، (اما کسی که به خاطر خواب، فراموشی، حیض و یا غیر این موارد، نماز را در وقت متعارف نخوانده، وقت نماز برای این شخص تا طلوع فجر صادق امتداد دارد و به اندازه ی خواندن يك نماز چهار رکعتی از آخر وقت ذکر شده، اختصاص به نماز عشا دارد) با توجه به این مسئله حکم دو سؤال زیر را بیان فرمایید؟

أ- آیا در صورتی که زن مستحاضه بوده و احتمال می دهد که در نیمه شب خون استحاضه قطع می گردد، به همین جهت نماز را تأخیر می اندازد. آیا این تأخیر جایز است؟

ب- آیا در صورتی که در اعضای وضو یا غسل زخم و جراحی وجود داشته باشد و مکلف انتظار می کشد که آنها بهبود پیدا نماید و احتمال می دهد که این زخم ها بعد از نیمه شب بهبود پیدا کند. آیا می تواند نماز را تا نیمه شب تأخیر اندازد؟

(بسمه تعالی): دو موردی که در سؤال مطرح گردیده، از موارد اضطرار محسوب نمی گردد و در این دو فرض، تأخیر انداختن نماز تا نیمه شب جایز نمی باشد، والله العالم.

تتمیم: نماز در هیچ حالی ترك نمی شود

سؤال (68) در صورتی که مکلف مبتلا به پروستات بوده و بعد از عمل جراحی برای دفع ادرار لوله ای به آلت تناسلی شخص مذکور وصل نموده اند تا ادرار از آن لوله، داخل کیسه ای که به آن وصل شده است، ریخته و در آن جمع گردد که در این حال برای شخص مذکور امکان تطهیر و شستن محل ملاقات نجاست با لوله ی مذکور نمی باشد، آیا نماز در این فرض بر مکلف واجب است؟

خوئی (قدس سرّه): نماز در فرض مذکور واجب است و در هیچ حالی نباید نماز ترك گردد.

سؤال (69) در صورتی که در کف دست مکلف سرم خوراکی وصل نموده و به وسیله ی آن، سرم خوراکی وارد بدن او می شود، تکلیف شخص مذکور در هنگام نماز چیست؟

(بسمه تعالی): به هر شکلی که می تواند، باید نماز را بخواند، والله العالم.

سؤال (70) در صورتی که مریض زیر دستگاه تنفس مصنوعی بستری گشته، ولی دارای درك و هوش کامل می باشد. در فرض مذکور که

دستگاه مذکور از تکلم مریض جلوگیری می کند، چگونه نماز بخواند و در صورتی که به بازوی او سرم خوراکی وصل باشد، چگونه وضو و یا غسل نماید؟

خوئی (قدس سرّه): در صورت اول باید نماز را با اشاره و خطور قلبی بخواند و در فرض دوم اگر از گرفتن وضو معذور بوده و توانایی ندارد، باید تیمم نماید.

سؤال (71) در صورتی که به خاطر سفارش پزشك حاذقی مریض را در بخش مخصوص بستری کرده و به او توصیه ی اکید به استراحت مطلق شده است؛ مثل مواردی که مریض مبتلا به کسالت قلبی است، در فرض مذکور وظیفه ی نماز او چگونه است؟
خوئی (قدس سرّه): شخص مذکور در حال نشسته نماز می خواند و برای رکوع و یا سجود اشاره می کند، واللہ العالم.

فصل دوم: شرایط نماز و اجزای آن

1 - پاکی لباس و بدن

سؤال (72) شخصی مبتلا به مرضی است که توانایی نگهداری ادرارش را ندارد، به همین جهت کیسه ای به خود بسته که ادرار داخل آن جمع شود، حکم نماز این شخص را بیان فرمایید؟

ص: 95

(بسمه تعالی): در صورتی که وقت کافی برای پاک کردن لباس و بدن و یا خواندن نماز را دارد، باید به وظیفه ی خود عمل نماید و در صورتی که وقت برای آنچه که ذکر شد، ندارد، در هر وقتی که می تواند نماز بخواند، والله العالم.

سؤال (73) دندان های مصنوعی که از بدن مردار یا حیوانی که ذاتاً نجس می باشد، ساخته شده، آیا با آن ها می توان نماز خواند و غذا خورد؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که دندان های مصنوعی از مردار و یا حیوانی باشد که نجس العین می باشد؛ مثل سگ و یا خوک، نماز خواندن با آنها جایز نمی باشد و خوردن غذا با آنها اگر از حیوان نجس العین باشد، جایز نیست.

سؤال (74) خونی که از لابلاسی دندان در حال نماز خارج می شود، چه حکمی دارد؟ و همچنین اگر در حال نماز خونی از دهان انسان خارج شود، آیا باید نماز را قطع نموده و دهان را تطهیر کرد؟ با توجه به این که بعضی اشخاص در طول ماه مبتلا به این خونریزی بوده، به شکلی که در بعضی مواردی دچار حرج و سختی شدید می گردند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که بداند آنچه خارج شده خون می باشد، باید آن را بیرون ریخته و بلعیدن و پایین بردن آن جایز نمی باشد، مگر در صورتی که خون به قدری کم است که در آب دهان مستهلك می گردد و در صورتی که نمی داند آنچه خارج شده است، خون

است یا نه، فرو بردن آن مشکلی ندارد و در صورتی که خون ریزی در اثناء نماز باشد. اگر بتواند به شکلی آن را بیرون بریزد که ظاهر لب ها نجس نشود، باید آن را بیرون بریزد و در صورتی که ظاهر لب ها نجس می شود. اگر وقت نماز وسعت داشته باشد، باید نماز را قطع نمود و لب ها را تطهیر کند و در صورتی که وقت نماز تنگ باشد، باید در صورت امکان در بین نماز و در صورتی که صورت نماز به هم نخورد، لب ها را تطهیر نماید و در صورت عدم امکان نماز را با همان لب نجس تمام کند، والله العالم.

سؤال (75) اگر انسانی به خاطر مرض دارویی را بر روی شکم گذاشته که در هنگام نماز مکان دارو نجس می باشد و اگر بخواهد محل دارو را بشوید، دارو از بین رفته و باید دوباره داروی دیگری بخرد و استفاده کند که این خرید مجدد برای او ممکن نمی باشد، آیا می تواند با همان بدن نجس نماز را بخواند؟

(بسمه تعالی): نماز خواندن با نجاست در صورتی که رفع نجاست از بدن برای شخص مریض سخت و دشوار باشد، مشکلی ندارد. همچنین اگر تطهیر نمودن بدن از جهات دیگری غیر از جهت ذکر شده، مستلزم حَرَج و سختی بر مکلف باشد، والله العالم.

(مسئله) در صورتی که قادر به ایستادن در نماز باشد، هر چند به حالت خمیده و یا به حالت باز گذاشتن دو پا، باید ایستاده نماز بخواند و در صورت عاجز بودن از آنچه گفته شد، نشسته نماز بخواند. و در حال نشسته هم باید کاملاً بدن صاف بوده و به چیزی تکیه نداده و طمأنینه و آرامش بدن را حفظ نماید. به همان نحوی که در حال ایستاده گفته شد. آنچه گفته شد، در حال امکان بوده و در صورت عدم امکان باید تا آنجایی که توانایی دارد، در مراعات شروط نماز تلاش نموده و اگر نتوانست نشسته نماز بخواند، به حالت خوابیده به طرف راست در حالی که صورتش رو به قبله باشد؛ مانند شخصی که دفن می شود نماز بخواند و در صورت عدم امکان خوابیدن به طرف راست به طرف چپ بخوابد و در صورت عدم امکان آن به طرف قبله دراز کشیده، به شکلی که پاهای او رو به قبله باشد؛ مانند شخص محتضر نماز را بخواند و بنا بر احتیاط واجب باید برای رکوع و سجود اشاره نماید و بنا بر احوط اولی باید اشاره برای سجده به شکلی باشد که سر نمازگزار بیشتر از اشاره برای رکوع پایین بیاید و در صورت عجز از اشاره با سر، با دو چشم خود اشاره کند.

(مسئله) در صورتی که برای ایستادن در نماز توانایی داشته، ولی برای رکوع توانایی ندارد. باید ایستاده نماز خوانده و رکوع را در حالت نشسته بجا آورد و همچنین در سجده، باید نماز را ایستاده خوانده، و به حالت

نشسته سجده نماید و در صورت امکان سجده در حال نشسته، باید برای آن اشاره نماید.

(مسئله) اگر در بعضی از اجزاء نماز قدرت بر ایستادن داشته و در بعضی دیگر قادر بر آن نمی باشد، واجب است تا آنجایی که می تواند ایستاده نماز خوانده و در هر جای نماز که از ایستادن عاجز شد، بنشیند و در هر جای نماز که بعد از نشستن احساس کرد، قدرت بر ایستادن دارد، باید دوباره ایستاده و نماز را ادامه دهد. لازم نیست آنچه را که در حال نشسته خوانده، دوباره تکرار نماید. به همین جهت اگر در حال نشسته حمد را خواند، سپس بعد از آن قدرت بر قیام پیدا نمود، باید ایستاده، سپس به رکوع رفته و لازم نمی باشد که قرائت را دوباره تکرار کند. آنچه که ذکر شد مخصوص به موردی است که وقت نماز تنگ باشد. اما در صورتی که وقت نماز وسعت داشته باشد و در صورتی که عذر نمازگزار تا آخر وقت ادامه داشته باشد، نماز احتیاج به تکرار و اعاده ندارد. در صورتی که عذر نمازگزار استمرار نداشته باشد. زمانی که قرائت را در حال نشسته بجا آورد، و بعد از آن قدرت بر قیام پیدا نموده و هنوز هم به رکوع نرفته باشد، باید دوباره قرائت را در حال قیام تکرار نماید. در صورتی که تکرار قیام ممکن نباشد و در صورتی که قیام فوت شده، قیام رکنی باشد، باید نماز را دوباره بخواند و اگر قیام رکنی نباشد، تکرار لازم نمی باشد.

ص: 99

(مسئله) در صورتی که مکلف قدرت بر قیام را، تنها در یکی از دو جزء سابق و لاحق دارد؛ به این معنی که فقط قدرت بر ایستادن در یکی از دو جزء را داشته و هر دو را نمی تواند ایستاده بجا آورد، در این صورت باید جزء سابق و اول را ایستاده خوانده و دومی را نشسته بخواند، هر چند جز سابق رکن نبوده و جزء لاحق و دوم رکن باشد.

سؤال (76) در صورتی که ایستادن در نماز متوقف بر این باشد که از شخصی کمک بطلبد. آیا کمک طلبیدن واجب است. و در صورتی که شخص در ایستادن او را کمک کند، آیا نمازش صحیح می باشد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که ایستادن در نماز متوقف به کمک طلبیدن از شخص دیگر و یا تکیه کردن بر دیوار و مثل آن باشد، واجب است آن را انجام داده و نمازش صحیح می باشد، واللہ العالم.

سؤال (77) در صورتی که نمازگزار توانایی ایستادن در نماز را داشته و فقط در رکعت آخر عاجز می شود. آیا باید از ابتداء نماز را نشسته بخواند و یا اینکه باید فقط رکعت آخر را نشسته، و بقیه را با حالت ایستاده بجا آورد؟

(بسمه تعالی): شخص مذکور باید نماز را از ابتداء ایستاده خوانده و فقط برای رکعت آخر که عاجز شده، بنشیند، واللہ العالم.

سؤال (78) عمل جراحی دیسک کمر انجام داده ام و پزشکان بعد از عمل جراحی دستوراتی جهت بهبودی سریع به من داده اند که بعضی از

آنها مربوط به نماز می باشد. طبق دستور پزشك به مدت شش و یا هفت ماه باید نماز خود را نشسته بخوانم و از هر گونه خم و یا راست شدن و حرکاتی که موجب فشار به کمر می شود، ممنوع گردیده ام. اکنون سؤال من این است که اگر بر روی صندلی نشسته و برای رکوع با سر اشاره کنم و بعد از قرائت ذکر رکوع، با بستن چشم به سجده اشاره نموده و احتیاطاً مهر را به پیشانی گذاشته و نماز را به این کیفیت تمام کنم. آیا این نماز صحیح می باشد؟

(بسمه تعالی): نماز شما به این کیفیت باید باشد که شما برای رکوع سر خود را مقداری پایین آورده و برای سجود هم همین عمل را انجام دهید، ولی در اشاره به سجده، باید سر را مقداری پایین تر بیاورید، خداوند شما را عافیت عنایت فرماید، واللہ العالم.

3 - احکام قرائت

(مسئله) خواندن سوره در نمازهای واجب یومیه از شخص مریض و همچنین کسی که عجله دارد و کسی که از چیزی می ترسد، که در صورت خواندن سوره مبتلا به آن گردد و کسی که در تنگی وقت نماز می خواند، برداشته شده و لازم نمی باشد و بنا بر احتیاط مستحب در دو قسم اول باید اقتصار نماید. به صورتی که خواندن سوره برای او مشقت و گرفتاری داشته باشد و بنا بر اظهر وجود ضرورت عرفی در سقوط سوره کافی می باشد.

ص: 101

سؤال (79) حکم کسی که بمدت ده سال قدرت بر صحبت کردن نداشته و نمازهایش را ترك نموده، چیست؟

(بسمه تعالی): شخص مذکور حکم انسان های لال را داشته و باید با اشاره نمازهایش را بخواند و در صورتی که در مدت ذکر شده، نماز را ترك کرده، لازم است، نمازهای نخوانده را قضا نماید، والله العالم.

4 - رکوع

(مسئله) در صورتی که مکلف به تنهایی قادر به ایستادن در نماز نباشد، باید به چیزی که او را در ایستادن کامل کمک کند تکیه دهد و در صورت عجز از آن باید بقدر امکان ایستاده و برای رکوع در حالی که ایستاده، اشاره نماید و در صورتی که امر دایر شود بین اینکه نشسته رکوع نماید و یا اینکه در حال قیام اشاره به رکوع کند بنابر اظهر باید نشسته رکوع نماید و بنابر اولی نماز را دویار خوانده، يك بار با رکوع نشسته و يك بار با اشاره در حال ایستاده و در حال اشاره، باید اشاره در صورت امکان با سر باشد و در صورت عدم امکان با بستن دو چشم، اشاره به رکوع نموده و با باز کردن آنها اشاره به تمام شدن و برخاستن از رکوع نماید.

5 - سجود

(مسئله) در صورتی که مکلف از سجده ی کامل عاجز باشد، باید بقدری که امکان داشته خم شود و مهر را بر روی پیشانی خود قرار دهد

ص: 102

و سایر اعضای را که در سجده باید بر زمین قرار گیرد، بر روی زمین قرار دهد. و در صورتی که اصلاً امکان خم شدن برای او نباشد و یا اینکه بمقداری توانایی خم شدن دارد که با آن مقدار سجده محقق نمی‌گردد، باید با سر خود اشاره نماید و در صورت عدم امکان با دو چشم خود به سجده اشاره نماید و در صورت عدم امکان باید با دست خود به سجده اشاره کرده و در هنگام اشاره سجده را نیت نماید و بنابر احتیاط مستحب مهر را بر روی پیشانی گذاشته و اعضای دیگر را در محل خود قرار دهد. اگر چه بنابر اظهر این عمل آخر واجب نمی‌باشد.

(مسئله) در صورتی که در پیشانی نمازگزار زخمی باشد که مانع از گذاشتن پیشانی بر روی مهر است. در صورتی که این زخم همه‌ی پیشانی را نگرفته، باید جای سالم پیشانی را بر روی مهر گذاشته و سجده کند و در صورتی که زخم تمام پیشانی را گرفته، باید به یکی از دو گوشه‌ی پیشانی سجده کند و بنابر احتیاط مستحب گوشه‌ی راست را مقدم نماید. و بنابر احتیاط واجب، باید هم سجده به گوشه‌ی پیشانی نموده و هم سجده به چانه نماید، هر چند این احتیاط مستلزم تکرار نماز باشد و در صورتی که سجده به گوشه‌ی پیشانی ممکن نباشد، باید با چانه‌ی خود سجده نموده و در صورت عدم امکان سجده با چانه، با سر خود اشاره به سجده نموده یا با چشم خود، چنانچه تفصیل آن در مسایل گذشته ذکر شد.

سؤال (80) شخصی که وظیفه ی او در نماز اشاره کردن بجای سجده می باشد، در صورتی که مکان بلندی را درست نموده و می تواند مهر را بر روی آن بگذارد، وظیفه اش در نماز چیست؟

(بسمه تعالی): بلند نمودن محل سجده و سجده کردن بر روی مکان بلندی که مهر را بر روی آن گذاشته و بر آن سجده می کند، در صورت امکان مقدم بر ایجاد اشاره می باشد و شخص عاجز با تمکن از طریق دوم، وظیفه ی ایجاد اشاره را ندارد، واللہ العالم.

سؤال (81) شخصی که پزشک به خاطر مرضی در چشم، او را از طولانی شدن سجده منع نموده، اگر به نماز جماعت حاضر شود، توانایی همراهی با امام را در همه ی سجده ندارد. در این صورت آیا می تواند زود تر از امام سر از سجده برداشته و در حال نشسته منتظر امام بماند. و یا اینکه باید دیرتر از امام به سجده رفته و به اندازه ی مقدار واجب امام را در سجده درک نماید؟

خوئی (قدس سرّه): با توجه به آنچه که ذکر شده، در نماز جماعت نمی تواند حاضر شود و باید نماز را به شکل فرادا بجا آورد، ولی در صورت و فرض آخر می تواند اقتداء نماید.

یکی از مبطلات نماز خروج حدث از انسان می باشد و فرقی بین حدث اصغر و اکبر در این حکم نمی باشد. همچنین خروج حدث در اثناء نماز چه عمدی و چه سهوی مبطل نماز بوده، ولی در صورتی که قبل از سلام نماز سهواً از او حدثی خارج شده، در صورتی که سلام را فراموش نموده، بنابر ظاهر نمازش صحیح بوده و حکم مذکور، یعنی مبطل بودن حدث در اثناء نماز در موارد مسلوس و مبطون و مانند اینها و مستحاضه استثناء شده است، چنانچه گذشت.

مقصد دوم: قضای نماز

اشاره

(مسئله) در صورتی که پسر بچه بالغ و مجنون و دیوانه عاقل گردد و شخص بیهوشی به هوش آید، در صورتی که در اثناء وقت نماز باشد. این اشخاص باید نماز را، هر چند به اندازه ی يك ركعت از وقت نماز را درك کنند، بخوانند و در صورتی که با فرض امکان از خواندن نماز در وقت آن را ترك کنند، باید بعد از وقت قضا نمایند و همچنین حائض و زنی که از نفاس پاك گردیده، در صورتی که عذرشان در اثناء وقت نماز برطرف گردد. در صورتی که امکان خواندن نماز برای آنها باشد، باید نماز را در وقت آن بخوانند و در صورتی که در وقت نتوانند نماز را بخوانند، تیمم نمایند. اگر تیمم را ترك نموده و نماز نخوانند، باید بعد از وقت قضا

نمایند. ولی در صورتی که زن حائض و یا نفسایی به خاطر تنگی وقت نتوانند با آب غسل نمایند، باید بنا بر احتیاط تیمم نموده و نماز را بخوانند و لکن اگر نماز نخواندند، قضای نماز بر آنها واجب نمی باشد.

(مسئله) در صورتی که دیوانگی و یا بیهوشی به انسان دست دهد، بعد از آنکه از وقت نماز به اندازه ای که بتواند نماز را در آن وقت بخواند گذشته باشد، واجب است که بعد از وقت، اگر ممکن باشد که نماز را با همه ی شرایط بجا آورد، نماز را قضا نماید.

(مسئله) مستحب است که انسان نافله های نماز یومیه را در صورتی که ترك شده، قضا نماید، بلکه قضای همه ی نمازهای مستحب در صورتی که وقت آن گذشته و انسان موفق به انجام آنها نشده است، مستحب بوده و استحباب در صورتی که انسان به خاطر مریضی از خواندن نوافل عاجز بوده، موکد نمی باشد و در صورتی که از قضای نمازهای نافله عاجز باشد، مستحب است که به خاطر هر دو رکعت يك مد طعام صدقه دهد. و در صورتی که از ادای این مقدار عاجز و ناتوان است، می تواند عوض از نماز و نافله ی شب يك مد و عوض از نافله های روز يك مد دیگر صدقه دهد.

(مسئله) واجب است کسانی که عذری در نماز دارند، قضای نماز را تا زمانی که عذرشان برطرف نگشته، در صورتی که عذر بعد از مدتی از بین می رود، تأخیر بیندازند. و در صورتی که می دانند، عذر در تمامی عمر با

آنها بوده و مرتفع نمی گردد، می توانند در اولین وقت ممکن اقدام به قضا نمایند. هم چنین در صورتی که احتمال بقاء عذر و عدم ارتفاع آن را بدهد، می تواند در اولین فرصت ممکن نمازش را قضا نماید، ولی در صورتی که خللی در ارکان نماز واقع شده باشد. باید نماز را دوباره بخواند و در صورتی که خلل و نقص در غیر ارکان بوده، اعاده و تکرار نماز لازم نمی باشد.

سؤال (82) مریضی که هوش خود را بوسیله ماده ی بیهوش کننده به مدت طولانی از دست داده و این ماده را پزشکان معالج داده اند تا بتوانند مریض مذکور را بعد از آن عمل جراحی کنند و استعمال این دارو هم بدون اختیار مریض بوده و هیچگونه اطلاع و موافقتی نسبت به آن نداشته است. آیا برای این مریض واجب است نمازهایی را که نخوانده و در این مدت ترك شده، قضا نماید؟

خوئی (قدس سرّه): قضای نمازهای ذکر شده، مبنی بر احتیاط می باشد.

مواردی که فرزند بزرگ تر، باید نمازهای پدر را قضا نماید

سؤال (83) شخصی از دنیا رفته و قبل از فوت، فرزندانش او را به بیمارستان منتقل نموده اند، ولی در آن حالت هوش و درك کافی برای نماز نداشته و با این حالت تقریباً دو ماه در بیمارستان بستری بوده، آیا قضای نمازهای شخص مذکور بر فرزند بزرگتر واجب است، با توجه به

اینکه بیمارستان در شهر و وطن متوفی نبوده، آیا در صورت وجوب قضا باید نمازهای فوت شده، به نحو تمام قضاء شود یا شکسته؟

(بسمه تعالی): نمازهایی را که در حال بیهوشی کامل از او فوت شده، قضا ندارد.

بله در صورتی که در اول وقت نماز هوش و درك داشته و هنوز در وطن خود بوده، سپس او را به بیمارستان برده اند و در آنجا بیهوش شده، باید نمازش را به نحو تمام قضا نمایند، والله العالم.

سؤال (84) حکم مریضی که مبتلا به بیهوشی گردیده، در نماز چیست؟ آیا باید نماز و روزه ی او قضا شود؟

(بسمه تعالی): قضای روزه و نماز کسی که بیهوش بوده، واجب نمی باشد، والله العالم.

سؤال (85) پدرم به علت پیری مبتلا به ضعف چشم گردیده، به شکلی که حتی اشیاء را به فاصله يك متری نمی بیند، این مسئله باعث شده که او به خوبی نتواند وظیفه ی نماز را انجام داده و در بعضی موارد مبتلا- به زیادی ادرار شده و در بعضی موارد به جهت مخالف قبله ایستاده و نماز می خواند و توجه به تذکرات اطرافیان نمی کند. لطفاً وظیفه ی اطرافیان را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): شخص مذکور باید به هر کیفیتی که توانایی دارد نماز بخواند و باید پسر بزرگش در صورتی که بداند، بعضی از

نمازهای پدرش باطل بوده، آنها را بعد از مرگ پدر قضا نماید، والله العالم.

مقصد سوم: نماز استیجاری

(مسئله) اجیر نمودن شخصی که دارای عذر می باشد مانند کسی که از ایستادن عاجز بوده یا نمی تواند بدنش را از نجاست تطهیر نماید یا اینکه مبتلا به زخم و جبیره در بدنش باشد یا انسانی که مسلوس بوده و یا انسانی که با تیمم نماز می خواند، برای نماز جایز نمی باشد، مگر اینکه شخص دیگری که فاقد عذر باشد، پیدا نشود. بلکه بنابر اظهر در صورتی که اجیر کسی هم نباشد. اعمالشان به نیت غیر، صحیح نمی باشد و در صورتی که شخص اجیر از ابتداء عمل استیجاری عذری نداشته و در اثناء دارای عذر گردیده، باید صبر کند تا عذرش از بین رفته و بعد از آن عمل را طبق وظیفه ی شخص غیر معذور بجا آورد.

مقصد چهارم: نماز جمعه

اشاره

نماز جمعه واجب تخییری است به این معنی که مکلف منخیر است در روز جمعه نماز جمعه را با توجه به مراعات شرایط آن بخواند و یا اینکه

ص: 109

آن را ترك نموده و نماز ظهر بخواند. و در صورتی که نماز جمعه را با شرایط آن بخوانند، دیگر نیازی به خواندن نماز ظهر نمی باشد.

بعضی از شرایط وجوب نماز جمعه

1 - مرد بودن نمازگزار، بنابراین حضور در نماز جمعه بر زنان واجب نمی باشد.

2 - آزاد بودن، بنابراین بر عبد و بنده واجب نمی باشد.

3 - حضور در وطن، بنابراین بر مسافر واجب نمی باشد.

4 - سالم بودن از مرض و کوری، بنابراین بر مریض و شخص نابینا واجب نمی باشد.

5 - پیر نبودن، بنابراین بر پیرمردان واجب نمی باشد.

6 - فاصله بین شخص نمازگزار و محل اقامه ی نماز جماعت بیشتر از دوفرسخ نباشد و همچنین در موردی که حضور در نماز جمعه برای مکلف دشوار بوده و برای او حرج ایجاد کند، حضور واجب نیست، هرچند فاصله اش از محل نماز کمتر از دوفرسخ باشد، بلکه بعید نیست، حضور در نماز جمعه در صورت بارش باران واجب نباشد، هر چند که حضور برای مکلف دشوار نباشد.

تذکر: برای بدست آوردن توضیحات بیشتر راجع به احکام نماز جمعه به منهاج الصالحین ج 1 ص 189 مراجعه شود.

قسمت اول: عبادات

احكام روزه

اشاره

ص: 111

(مسئله) روزه‌ی شخص مریض صحیح نمی‌باشد. بنابراین روزه‌ی شخصی که مثلاً عارضه و بیماری چشمی دارد، در صورتی که روزه برای او موجب ضرر شود، به این شکل که مریضی او شدید شود و یا زمان مداوا و بهبودی مرض طولانی شود و یا باعث شدت درد بیمار شود، صحیح نیست. و موارد ذکر شده باید به اندازه‌ای باشد که در نزد عقلاء قابل اهمیت باشد. بنابراین ضرر محدود که در نزد عرف مردم چیز مهمی حساب نشود و طولانی شدن زمان معالجه اگر به مقدار کم باشد و یا درد به اندازه‌ای باشد که غالباً مردم به آن اهمیت ندهند، مجوز خوردن روزه نمی‌شود و مریض در این موارد باید روزه بگیرد. و در آنچه ذکر شده، فرقی ندارد که مکلف یقین به ضرر در موارد ذکر شده داشته و یا ظن و گمان قوی و یا احتمالی که موجب ترسیدن او از روزه گرفتن باشد، داشته است.

و هم چنین اگر انسان سالم در شرایطی از روزه گرفتن بترسد و احتمال مریض شدن خود را بدهد، روزه بر او واجب نبوده و در صورتی

که علم داشته باشد که روزه برای او ضرر داشته و او را مریض می کند، حکم مذکور روشن تر می باشد، و در صورتی که مریض به روزه گرفتن ضرری نبیند، باید روزه بگیرد.

(مسئله) مجرد ضعف، هر چند زیاد باشد موجب جواز روزه خواری نمی شود، ولی در صورتی که ضعف به مقداریست که باعث حرج و سختی فراوان می شود، خوردن روزه جایز است و باید بعد از آنکه ضعف از بین رفت، آنچه را که خورده، قضا نماید. و همچنین اگر ضعف باعث شود که مکلف برای تحصیل معاش عاجز گردیده و نتواند اقدام به ادامه ی کار روزانه ی خود نماید و ممرّ دیگری هم برای معاش و خرجی زندگی خود نداشته باشد، روزه گرفتن واجب نمی باشد و همچنین اشخاص کارگر در صورتی که به خاطر تشنگی قادر به کارکردن نباشند، روزه بر آنان واجب نبوده و بنا بر احتیاط واجب، این اشخاص باید در خوردن و آشامیدن به مقدار ضرورت اکتفا نمایند.

(مسئله) در صورتی که مکلفی به گمان اینکه روزه برایش ضرری ندارد، روزه گرفته و بعداً معلوم شد که روزه برای او ضرر داشته است. در این صورت در صحت روزه او اشکال است، هر چند ضرر به حد حرام نباشد و در صورتی که گمان به ضرری بودن روزه داشته و با ترس از آن روزه گرفته، روزه اش باطل می باشد، مگر در صورتی که با قصد قربت روزه گرفته و بعداً معلوم شود که روزه برایش ضرر نداشته است.

(مسئله) در صورتی که از گفته ی پزشك گمان به ضرر روزه پیدا کرده و بترسد، در این صورت واجب است افطار نماید.

و همچنین در صورتی که پزشك حاذق و قابل اطمینان باشد و یقین به اشتباه او نداشته باشد، به گفته ی او باید افطار نماید، و در غیر این صورت گفته ی پزشك اعتباری نداشته، حتی اگر پزشك بگوید روزه ضرری برای مکلف ندارد، ولی خود مکلف از روزه گرفتن بترسد، روزه برای او واجب نمی باشد.

(مسئله) اگر مریض قبل از زوال آفتاب از مرض بهبود یافته و حالش خوب شده و چیزی تناول نکرده باشد و نیت روزه نماید، روزه اش صحیح نیست، ولی اگر امساک و خود داری از مفطرات روزه در بقیه ی روز نماید، اشکال ندارد و بنابر احتیاط مستحب، بقیه ی روز را از مفطرات روزه امساک نماید.

سؤال (86) در صورتی که روزه برای مکلفی به خاطر ضرر آن جایز نباشد، ولی پزشك به او دستور داده به خاطر آزمایش هایی که باید انجام گیرد در طول روز تا مغرب از خوردن و آشامیدن امساک نماید. آیا می تواند در این صورت نیت روزه نماید؟

(بسمه تعالی): بله، نیت روزه برای شخص مذکور جایز است، بلکه بعید نیست که واجب باشد، والله العالم.

سؤال (87) شخص مریض با توجه به مرض، روزه گرفته و روزه را بر خود ضرری نمی دانسته، ولی بعد از گذشت مدتی معلوم گردید که روزه برای او ضرر داشته، آیا روزه اش صحیح است یا باطل؟ آیا روزه هایی را که گرفته، باید دوباره قضا نماید؟

(بسمه تعالی): روزه ی شخص مریض باطل است و در صورتی که مریضی او تا ماه رمضان دیگر ادامه داشته باشد، قضا نداشته و باید فدیة بدهد، واللہ العالم.

سؤال (88) شخص مریض با توجه به اینکه می داند و یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد و مرض او را تشدید می کند، ولی او را به هلاکت نمی رساند، اقدام به روزه گرفتن نموده و قصد قربت هم کرده است و یا به خاطر جهل به حکم و یا به خاطر اینکه فکر می کرده، ترك روزه برای مریض از جهت رخصت برای او بوده و او مخیر است بین ادا و قضای آن، و یا اینکه روزه را رجاء گرفته و به احتمال اینکه در واقع مطلوب باشد. آیا روزه اش صحیح می باشد یا باطل است. با توجه به اینکه می داند، در واقع روزه برای او ضرر دارد؟

(بسمه تعالی): روزه ی مریضی که روزه برایش ضرر دارد صحیح نبوده، اگرچه با سختی متحمل ضرر باشد، اما قضای آن از مسایل گذشته معلوم گردید، واللہ العالم.

سؤال (89) در صورتی که مکلف احتمال دهد که روزه برای او ضرر داشته و از این احتمال بترسد، آیا روزه برایش واجب است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که بترسد، بر اثر روزه گرفتن مریض شود و یا اینکه مریضی او طولانی شود و یا اینکه روزه باعث ضعف شدید گردد به طوری که مکلف قادر بر حرکت کردن نباشد؛ مانند دخترانی که در اوایل بلوغ روزه می گیرند، در این موارد روزه واجب نمی باشد.

اما در صورتی که احتمال دهد به خاطر روزه گرفتن مبتلا به مسایلی شود که برای هر روزه داری متعارف است؛ مانند گرسنگی و ضعف مختصری که برای هر روزه داری حاصل می شود و یا قدرت پیدا نکردن بر کارهایی سخت و دشوار، در این مورد حق افطار نداشته و باید روزه بگیرد، والله العالم.

سؤال (90) دایی من مریضی قند داشته و بر اثر آن چشمهای خود را از دست داده و دست راستش قطع گردیده و توان روزه ندارد، با توجه به اینکه شخص فقیری می باشد، تکلیف او چیست؟

(بسمه تعالی): روزه و قضای آن، بر مریضی که مرضش چند سال استمرار پیدا می کند واجب نمی باشد، بلکه واجب است برای هر روز فدیة دهد و مقدار فدیة در این زمان H کیلوگرم گندم می باشد سؤال (750 گرم) که باید به فقراء بدهد، والله العالم.

سؤال (91) شخصی که به خاطر مرض چند سال روزه هایش را نگرفته و امسال قبل از حلول ماه مبارك رمضان به پزشك مراجعه نموده و پزشك به او گفته که دیگر روزه برای او ضرر ندارد و او هم بقیه ی روزه های ماه شعبان را روزه گرفته، ولی اکنون شك کرده که آیا ضرری بودن روزه از زمان گفته ی پزشك از بین رفته و یا در بعضی از سال هایی که افطار کرده است طبق احتمال دوم روزه برایش ضرری نبوده و او بی جهت افطار نموده است. آیا در این احتمال لازم است روزهایی را که از سال های قبل افطار نموده، قضا نماید؟ و یا اینکه می تواند استصحاب مرض خود را تا زمان مراجعه جدید به پزشك نموده، تا اینکه افطار سال های گذشته مانعی نداشته باشد و قضا لازم نباشد؟

خوئی (قدس سرّه): شخص مذکور می تواند استصحاب بقاء مرض خود را نموده و عوض روزه هایی را که افطار کرده، فدیة بدهد و به مجرد احتمال رفع عذر در سال های سابق، قضا واجب نمی شود، بلکه باید تا زمان اعلام جدید پزشك، حکم به بقاء مرض خود نماید.

فصل اول: بعضی از مبطلات و احکام آن ها

اول: خوردن و آشامیدن

اشاره

سؤال (92) در صورتی که مکلف در خوردن و آشامیدن از دهان استفاده نمی کند و از طریق غیر متعارف غذا و آب به معده اش می رسد. آیا این خوردن و آشامیدن مفطر می باشد. با توجه به اینکه این شکل از خوردن و آشامیدن غیر متعارف به خاطر آزمایش و به خاطر مبتلا بودن مکلف به نوعی مرض می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): خوردن و آشامیدن به شکل ذکر شده در سؤال روزه را باطل نموده و همچنین در صورتی که مریض شرعاً بتواند روزه بگیرد، خوردن و آشامیدن مذکور روزه اش را باطل می کند.

سؤال (93) در صورتی که خونریزی دندان در طول روز در ماه رمضان ادامه داشته و حتی تا هنگام غروب هم قطع نگردد، وظیفه ی مکلف در روزه ی ماه رمضان چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که چیزی از روی اختیار به حلق نرسد و پایین نرود، روزه صحیح می باشد و مکلف باید مقداری پنبه در محل خونریزی بگذارد تا از رسیدن خون به داخل جلوگیری کند، واللہ العالم.

1 - مسواك زدن

سؤال (94) حکم استفاده از مسواك و خمیردندان در حال روزه را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مواد خمیر دندان داخل فضای حلق نشود، استفاده از مسواك اشکالی ندارد، هر چند که استفاده از آن برای شخص روزه دار مکروه می باشد، واللہ العالم.

2 - حکم عطرها و استفاده از بخور

سؤال (95) حکم بوییدن و استنشاق عطرهاى جدیدی که به شکل بخار می باشد، در ماه رمضان چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که بوی خوش به شکل هوا در آمده و جرمیتی نداشته، به شکلی که فقط هوای خالص به فضای حلق برسد، اشکالی ندارد و مکروه هم نیست، واللہ العالم.

سؤال (96) برخی از پزشکان در هنگام کشیدن دندان از موادی استفاده می کنند که بوی آن مدتی در دهان می ماند و این بو و رایحه، گاهی اوقات به حلق هم می رسد. آیا در این صورت روزه اشکال پیدا می کند؟

(بسمه تعالی): باقی ماندن بوی مواد ذکر شده، اگرچه به عمق حلق هم برسد، اشکالی ندارد، واللہ العالم.

سؤال (97) حکم استفاده از مواد زیر در روزه چه حکمی دارد؟

ص: 120

1 - عطری که مشتمل بر الکل و یا بخورات و مواد خوشبوکننده است.

2 - استفاده از آمپول.

3 - قطره ای که در چشم و یا در گوش می ریزند.

(بسمه تعالی): هیچ کدام از موارد ذکر شده برای روزه اشکالی ندارد، والله العالم.

3 - استفاده از اسپری جهت بیماریهای تنفسی

سؤال (98) استفاده از موادی مثل اسپری تنفس برای بیماران در حال روزه چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که به فضای دهان به شکل هوای بدون جرم برسد، اشکالی ندارد، والله العالم.

سؤال (99) اسپری که برای معالجه از طریق دهان یا بینی استفاده می شود، دو نوع است. گاهی مواقع به شکل يك ماده ی پر فشار که شباهت به گاز دارد، استعمال می گردد و گاهی اوقات به شکل يك مایع جاری و یا به شکل بخار جاری استفاده می شود. حکم هر دو مورد را در روزه بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که در چشم و بینی استعمال گردیده و به فضای حلق نرسد، اشکالی ندارد و در صورتی که از طریق دهان استعمال

ص: 121

شده و قبل از رسیدن به حلق مبدل به هوا شود، مصرف آن مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (100) مریضان مبتلا به آسم ناچارند، از وسیله ای استفاده کنند که باعث راحت شدن تنفس و از بین رفتن گرفتگی نفس می شود. این وسیله این گونه استفاده می شود که آن را در مقابل دهان گذاشته و با فشار دادن آن، داروی داخل آن به شکل گاز داخل دهان شده و باعث رفع گرفتگی نفس می شود. لطفاً حکم استفاده از آن را برای روزه داران بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که هوا بعد از رسیدن به مری و مجرای تنفس مبدل به ماده سائله گردد، روزه صحیح بوده و اشکالی ندارد، والله العالم.

سؤال (101) گاهی موارد پزشکان برای مریضان مبتلا به بیماری های تنفسی دارویی را تجویز می کنند که به شکل گاز پر فشار بوده و از طریق دهان جذب بدن می شود. آیا استفاده از این دارو با توجه به اینکه 80 درصد آن جذب بدن می شود، اشکالی در روزه ایجاد می کند؟

خوئی (قدس سرّه): استفاده از داروی ذکر شده، ضرری به روزه وارد نمی کند.

سؤال (102) من مبتلا به حساسیتی در بینی می باشم و با مراجعه به پزشک، پزشک از من خواسته، که برای تشخیص مریضی ماده ای را

ص: 122

استفاده کنم که به شکل اسپری از فضای دهان جذب بدن می شود. وقتی که آن را استعمال کردم، احساس کردم کمی از آن داخل حلقم شده و جذب شکم گردیده، ولی یقین پیدا نکردم. آیا روزه ی من در آن حال باطل شده یا نه، در صورتی که اگر می دانستم، دکتر چنین دارویی را برای من تجویز می کند، هرگز دکتر نمی رفتم؟

(بسمه تعالی): در صورتی که داروی مذکور به شکل هوا به فضای دهان برسد، ضرری به روزه نمی زند، واللہ العالم.

4 - قطره ای که در بینی ریخته می شود

سؤال (103) آیا قطره ای که داخل بینی ریخته می شود، روزه را باطل می کند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که به فضای حلق نرسیده باشد، اشکال ندارد.

5 - حکم خوردن و آشامیدن بدون قصد

سؤال (104) شخصی مبتلا به مرضی است که هنگام خواب خون از دندان های او و یا از حلقش جاری شده و از حلق می گذرد، حکم روزه ی او در ماه رمضان چیست؟ هنگامی که از خواب بیدار می شود برای اینکه خون را از حلق خود خارج سازد ناچار است که مقداری آب داخل حلق نموده تا بتواند، خون را خارج سازد. ولی مقداری از آب بدون اختیار وارد شکم می شود. در این صورت روزه چه حکمی پیدا می کند؟

ص: 123

(بسمه تعالی): آنچه که در حال خواب وارد شکم می شود، ضرری به صحت روزه نمی رساند، ولی در حال بیداری باید از رسیدن آب به شکم جلوگیری نماید. و در صورتی که مقداری از آب داخل شکم شد، بقیه ی روز را باید امساک نموده؛ یعنی عملی که روزه را باطل می کند، انجام نداده و بعداً روزه ی آن روز را قضا نماید، والله العالم.

دوم: استفراغ عمدی

اگر استفراغ به خاطر ضرورتی باشد؛ مثل معالجه و مانند آن، برای روزه دار مانعی ندارد و همچنین استفراغ غیر اختیاری اشکالی ندارد.

(مسئله) اگر در شب غذایی بخورد که خوردن آن در روز موجب استفراغ می گردد، در صورتی که قصد استفراغ در روز را داشته باشد، روزه اش باطل می شود. و در صورتی که قصد استفراغ ندارد، بنابر اظهر روزه باطل نمی شود و در این مسئله فرقی بین واجب معین و غیر معین نمی باشد و همچنین فرقی نیست، بین صورتی که بیرون آوردن آنچه خورده، منحصر به استفراغ باشد یا نباشد.

سوم: باقی ماندن بر جنابت عمداً

(مسئله) در صورتی که شخص جنب به خاطر مرض و غیر آن قدرت بر غسل کردن ندارد، باید قبل از فجر تیمم نماید و در صورتی که تیمم

انجام ندهد، روزه اش باطل است و در صورت تیمم نمودن بنا بر احتیاط، باید تا طلوع فجر بیدار بماند.

چهارم: احتقان به مایعات

احتقان به اشیاء جامد و همچنین به اشیایی که داخل شکم می شود و لکن از راه حلق نبوده و صدق خوردن و آشامیدن هم به آنها نمی شود، مانعی ندارد؛ مانند دارویی که در رحم استفاده می شود یا داخل گوش ریخته می شود و یا در چشم و مواضع دیگر استفاده شده و در بعضی موارد داخل شکم می شود. و هم چنین اگر شخصی روزه دار مورد اصابت چاقو و نیزه و امثال آنها واقع شود که وسیله ی مذکور داخل شکم او می شود، ولی در صورتی که برای رسیدن غذا به معده راه دیگری غیر از حلق درست کرده باشند و از آن راه غذا را به معده برسانند، بعید نیست که خوردن و آشامیدن بر آن صدق کرده و در این صورت روزه باطل شود و همچنین اگر به خاطر استنشاق آبی از راه بینی داخل شکم شود و در صورتی که آب و یا غذا وارد بدن شده، ولی داخل معده نگردد. در این صورت باید بنا بر احتیاط واجب آن عمل را ترك نماید، مانند سرم غذا که در زمان ما متعارف است. ولی داخل نمودن دارو و وسیله ی آمپولی که به دست یا پا می زنند، اشکالی ندارد و همچنین قطره ای که در چشم و یا گوش می ریزند.

ص: 125

سؤال (105) دارویی که خانم ها برای معالجه ی بعضی از امراض خود استفاده می کنند و آن را داخل مجرای رحم قرار می دهند، آیا ضرری به صحت روزه می رساند؟

(بسمه تعالی): استفاده از این داروها ضرری به روزه نمی رساند، والله العالم.

سؤال (106) مفهوم تنقیه در احکام روزه چیست؟

(بسمه تعالی): معنای آن داخل نمودن آب و یا مایع دیگر از پشت انسان، به بدن است.

حکم داخل کردن دوربین عکسبرداری از طریق دهان به معده

سؤال (107) آیا داخل نمودن تجهیزات عکس برداری و مانند آن داخل بدن، جهت عکس برداری از معده موجب بطلان روزه می شود؟

(بسمه تعالی): داخل نمودن وسایل ذکر شده، در صورتی که فقط برای عکسبرداری باشد، مانعی نداشته و روزه صحیح می باشد، والله العالم.

پنجم: استفاده از آمپول در روزه

1 - حکم آمپولی که جهت معالجه استفاده می شود

سؤال (108) آیا استفاده از آمپولهای مختلف (غذایی و یا بیهوش کننده و یا دارویی) روزه را باطل می کند.

(بسمه تعالی): استفاده از آمپول هایی که به نحو تزریق در عضو می باشد و جنبه ی دارویی دارد، اشکالی ندارد. ولی استفاده از آمپولهای که موجب بیهوشی می شود، هر چند مدت بیهوشی کم باشد، قابل اشکال است، والله العالم.

سؤال (109) آیا تزریق آمپول موجب باطل شدن روزه می شود؟ و آیا فرقی بین آمپول دارویی و آمپول تقویتی وجود دارد، در صورت اشکال، آیا تزریق در دست و یا پا فرقی دارد؟

(بسمه تعالی): تزریق آمپول در ماه رمضان چه دارویی و چه تقویتی مشکلی ندارد و در حکم ذکر شده، فرقی بین تزریق از دست و یا پا وجود ندارد. البته باید توجه شود که شخص مریض با تفصیلی که در رساله ی عملیه گفته شده، روزه بر او واجب نمی باشد، والله العالم.

2 - حکم آمپولی که جهت تغذیه در مریض استعمال می شود (آمپول و سرم غذایی)

سؤال (110) استفاده از آمپول های تقویتی و غذایی مانند (ب 12) و (ب کمپلکس) در حال روزه چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): ضرری به روزه نمی رساند، والله العالم.

ص: 127

سؤال (111) آیا استفاده از سرم خوراکی که حاوی آب و شکر و بعضی داروهای دیگر می باشد و به جای آب و غذا به بیماران داده می شود، باعث بطلان روزه می شود؟

خوئی (قدس سرّه): بنا بر احتیاط واجب در حال روزه، ترك شود.

سؤال (112) آیا سرم غذایی در صورتی که شخص روزه دار با توجه به گرسنگی نیازی چندان به غذا ندارد مبطل روزه محسوب می شود. در بعضی از استفتائاتی که شده، فرموده اید بنا بر احتیاط واجب مفطر بوده و

باید از آن اجتناب شود. این در حالی است که در استفتایی دیگری که بدین گونه مطرح شده است.

آیا دارویی که جهت تغذیه به مریض از راه آمپول داده می شود، برای روزه اشکال دارد یا نه، و آیا این آمپول غذایی حکم آمپول های دیگر را دارد؟ با توجه به اینکه مواد غذایی مذکور داخل معده نگشته و از راه خون جذب بدن می گردد، مانند سایر داروهای که به وسیله ی آمپولها جذب می گردد؟

در جواب این استفتاء فرموده اید، داروی ذکر شده مفطر نبوده، اگرچه بنا بر احتیاط مستحب ترك شود. آیا جواب دوم عدول از جواب اول بوده و نظر مبارك تغییر نموده است؟

ص: 128

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که داروی مذکور که جهت تقویت استفاده می شود، جایگزین غذا بوده و احساس گرسنگی را در شخص از بین می برد، باید بنابر احتیاط واجب از آن اجتناب گردد، هر چند داخل معده نگردد. ولی در صورتی که جایگزین غذا در رفع گرسنگی در انسان نباشد، هر چند از طریق خون جذب بدن گردد، استفاده از آن ضرری به روزه نمی زند.

ششم: حکم عمل جراحی و بیهوشی برای شخص مریض

سؤال (113) در مواردی که اجرای عمل جراحی بر روی انسان متوقف بر بیهوشی باشد، در صورتی که بیهوشی مقداری از روز و یا همه ی آن روز باشد، آیا روزه ی شخص روزه دار با این بیهوشی اشکال پیدا می کند؟

(بسمه تعالی): عمل مذکور با توجه به بیهوشی اشکالی ندارد و بنابر احتیاط روزه ی آن روز را قضا نماید، الله العالم.

هفتم: خون دادن شخص روزه دار

سؤال (114) آیا پرداخت خون از طریق رگ برای روزه اشکال دارد؟

(بسمه تعالی): ضرری به روزه نمی رساند و لکن مکروه است، والله العالم.

سؤال (115) من در ماه رمضان خون داده ام، آیا روزه ام صحیح است؟

(بسمه تعالی): خون دادن در ماه رمضان و در حال روزه اشکالی ندارد و لکن مکروه می باشد، والله العالم.

تذکر: حکم حجامت در ماه رمضان، در احکام حجامت ذکر گردیده است.

فصل دوم: در احکام افطار

مبحث اول: اشخاصی که از روزه گرفتن معافند

1 - پیرزن و پیر مرد و کسی که ذوالعطاش بوده، یعنی باید پیوسته در روز آب بنوشد. در صورتی که روزه گرفتن برای آنها غیر ممکن باشد و یا اینکه موجب سختی و دشواری برای آنها باشد، روزه بر آنان واجب نمی باشد، ولی باید برای هر روزی که روزه را افطار می کند، یک مد طعام به فقیر جهت فدیة پرداخت کنند و بهتر آن است که یک مد گندم بدهند، بلکه بنا بر احتیاط مستحب دو مد بدهند. و در پیر مرد و پیرزن در صورتی که بعد از رمضان تمکن از قضا نمودن روزه پیدا نمایند. قضا کردن واجب نمی باشد، ولی ذوالعطاش بنا بر احتیاط واجب در صورت تمکن از قضا، باید روزهایی را که خورده، قضا نماید.

2 - زنی که باردار بوده و زمان وضع حمل او نزدیک است، در صورتی که روزه برای خود او و یا برای بچه اش ضرر داشته باشد و همچنین زنی

که بچه شیر می دهد در صورتی که روزه برای خودش و یا برای بچه ضرر داشته باشد. در هر دو صورت باید بعد از رفع عذر، روزه ها را قضا نمایند. و همچنین باید در صورتی که بارداری و یا شیردادن فقط برای بچه ضرر داشته باشد علاوه بر قضای روزه، برای هر روز فدیة هم بدهند؛ یعنی يك مد طعام به فقیر پردازند و در مواردی که مكلف باید يك مد طعام پرداخت نماید. مجرد اشباع و سیر کردن فقیر، هر چند به کمتر از يك مد طعام باشد، کفایت نمی کند.

سپس ترخیص و اجازه ی افطار در موارد ذکر شده، به این معنا نیست که مكلف بین روزه و افطار، مخیر باشد. بلکه معنای آن این است که روزه بر اشخاص ذکر شده واجب نبوده و لازم است، آنها روزه را بخورند. حکم ذکر شده در غیر از پیرزن و پیرمرد بوده و این دو در صورتی که هر چند با سختی روزه بگیرند. در صورتی که روزه برای آنها ضرر نداشته باشد، روزه ی آنها صحیح می باشد.

(مسئله) در جواز خوردن روزه برای زن شیرده، فرقی نمی کند که بچه مال خود او بوده یا بچه ی شخص دیگری باشد. ولی بنابر اقوی حکم ذکر شده، اختصاص به صورتی دارد که شخص دیگری برای شیردادن بچه پیدا نشود.

سؤال (116) خانمی که باردار بوده و در ماه اول بارداری، پزشك به او گفته، باید روزه نگیری. او همچنین از يك عالم درباره روزه اش سؤال

نموده، عالم مذکور هم گفته است که نباید روزه بگیری و این خانم روزهایش را خورده و بعد از اتمام حمل روزهای خود را قضا نموده است، ولی كفاره و چیزی دیگری پرداخت نکرده است. اکنون مسئله ای که اینجا مطرح شده، این است که پزشك معالج مسلمان نبوده و این خانم به آن عالم نگفته است که پزشك معالج کافر بوده، آیا این مسئله موجب كفاره می شود؟

(بسمه تعالی): در صورتی که از روزه گرفتن می ترسیده و احتمال ضرر می داده، هرچند این احتمال به جهت گفته ی پزشك غیر مسلمان بوده، كفاره بر او لازم نمی باشد، والله العالم.

مبحث دوم: کسانی که افطار بر آنها جایز است

سؤال (117) بنابر معروف پیرزن و پیر مرد مریض باید فدیة را بعد از رسیدن ماه رمضان جدید بدهند، ولی هر چند به رساله ی عملیه ی و کتاب های فقهی دیگر مراجعه کردیم، اثری از این مسئله ندیدیم، آیا آنچه که معروف شده، صحیح می باشد و در صورتی که شخصی، فدیة بر او واجب شده، بمیرد و مردن او قبل از ماه رمضان جدید باشد. باید فدیة را از مال او خارج نمود یا خیر؟

خوئی (قدس سرّه): بر پیرزن و پیر مرد لازم نیست که تا رمضان جدید صبر نماید، ولی مریض باید صبر نماید و این تفصیل به جهت دلیل

خاص در مریض بوده که این دلیل در آن دو نمی باشد. اما اخراج فدیة بر ورثه لازم نیست، مگر در صورتی که شخص متوفی به آن وصیت کرده باشد.

سؤال (118) در صورتی که توانایی گرفتن روزه را نداشته باشم و بخواهم جهت هر روز يك مد طعام از جنس برنج بدهم. آیا باید 30 مد طعام را به سی فقیر جداگانه بدهم، یا می توانم همه ی آنها را به يك فقیر پرداخت نمایم؟

(بسمه تعالی): پرداخت فدیة سی روز به يك فقیر مانعی ندارد، والله العالم.

مبحث سوم: مواردی که مکلف مجبور به افطار می شود

سؤال (119) شخصی روزه دار در صورتی که به خاطر ترس از تلف شدن و یا به خاطر سختی و دشواری فراوان مجبور به خوردن روزه می گردد، آیا باید مانند ذوالعطاش بمقدار ضرورت اکتفا نموده و بقیه روز را امساک نماید یا می تواند به هر اندازه ای که می خواهد غذا بخورد و بقیه ی روز را هم امساک نکند؟

خوئی (قدس سرّه): شخص مذکور حکم ذوالعطاش را داشته و باید به اندازه ی رفع اضطرار غذا بخورد و باید بقیه ی روز را هم تا شب امساک نماید و عملی که روزه را باطل می کند، انجام ندهد، والله العالم.

تبریزی (قدس سره): بنابر احتیاط واجب شخص مذکور حکم ذوالعطاش را دارد.

سؤال (120) در صورتی که روزه برای شخص ضرری ندارد، ولی مجبور است که در بین روز قرص بخورد. آیا امساک در بقیه ی روز بر او واجب است؟

خوئی (قدس سره): در صورتی که در خوردن قرص مجبور و مضطر باشد، امساک روز بر او لازم نمی باشد، والله العالم.

مقصد سوم: مسایل قضای روزه

(مسئله) کسی که به خاطر مریضی نتوانسته، بعضی از ایام ماه رمضان را روزه بگیرد، و قبل از آنکه از مریضی بهبود یابد، از دنیا رفته است، در این صورت قضای روزه ی آن ایام بر او واجب نمی شود و همچنین اگر به خاطر عذر حیض و یا نفاس نتواند روزه بگیرد و در همان ایام عادت از دنیا برود و یا آنکه بعد از اتمام ایام عادت بدون آنکه وقتی برای قضای روزه پیدا کند، از دنیا برود، قضای روزه بر آن زن واجب نمی شود.

(مسئله) در صورتی که تمام ماه رمضان و یا بعضی از آن را به خاطر بیماری نتواند روزه بگیرد، و این بیماری تا رمضان سال آینده استمرار پیدا نماید، قضای آن بر شخص مریض واجب نمی باشد، ولی باید به جای

هر روز يك مدسؤال (750 گرم) غذا و طعام به شخص فقير صدقه بدهد، و اگر اين شخص روزه ها را قضا نمايد، كفايت از تصدق نكرده و وظيفه ي صدقه دادن از او ساقط نمي شود.

ولي در صورتی که به جهت عذر دیگری غير از بیماری موفق به گرفتن روزه نشده و آن عذر تا رمضان ديگر ادامه داشته باشد، بايد شخص صاحب عذر روزه های رمضانی را که روزه اش را نگرفته، قضا نموده و بنابر احتیاط واجب برای هر روز، يك مد طعام به فقير صدقه دهد.

و همچنين اگر به سبب مریضی نتوانسته روزه ي رمضان را بگیرد، ولي تا رمضان بعدی به خاطر مسافرت پی در پی نتوانسته قضای آن را به جا آورد، بايد روزه ها را قضا کرده و برای هر روز، يك مد طعام صدقه دهد.

(مسئله) در صورتی که تمام ماه رمضان و یا بعضی از آن را به جهت عذر و یا عمداً روزه نگرفته باشد و قضای آن را هم با آنکه توان آن را داشته، به خاطر سهل انگاری و تنبلی نگرفته و تا رمضان بعد تأخیر انداخته باشد، بايد قضای روزه ي ایامی را که خورده، بجا آورده و برای هر روز يك مد طعام صدقه بدهد و در صورتی که قصد قضا کردن روزه ها را داشته، ولي قبل از رسیدن رمضان بعدی مبتلا به عذری گردیده و نتوانسته آنها را قضا نماید، بايد قضای آن روزه ها را بجا آورده و بنابر احتیاط واجب، هر روز يك مد طعام صدقه بدهد و در این مسئله که

روزه ی رمضان را عمداً خورده، باید علاوه بر قضا و فدیة، كفاره ی خوردن عمدی روزه را هم بدهد.

(مسئله) در صورتی که مریضی شخص تا چند رمضان استمرار پیدا نماید، باید برای هر رمضان که روزه ی آن را نگرفته، فدیة ی جداگانه پرداخت نماید، به این معنی که اگر سه رمضان پی در پی روزه را خورده و نتوانسته قضای آنها را بگیرد يك فدیة برای رمضان اول و یکی برای دوم و یکی دیگر برای رمضان سوم پرداخت کند، ولی اگر يك رمضان را روزه نگرفته، تنها يك فدیة واجب است.

مقصد چهارم: مسایل متفرقه ی روزه

سؤال (121) شخصی که می داند اگر داروی خاصی را در شب استفاده نکند، در طول روز مبتلا به سر درد شدیدی می شود که نمی تواند با آن روزه را ادامه دهد، آیا خوردن و یا استعمال آن دارو در شب واجب است؟

(بسمه تعالی): واجب است که این دارو را هنگام سحر اگر ضرری برای او ندارد، بخورد، والله العالم.

ص: 136

سؤال (122) آیا می توان از دارویی که انسان را در مقابل گرسنگی در روز کمک می کند و او را از ضعف و ناتوانی نجات می دهد، در شب های ماه رمضان استفاده نمود؟

خوئی (قدس سرّه): اگر این دارو را قبل از فجر بخورد، مانعی ندارد.

سؤال (123) در صورتی که شوهر به خاطر مریضی و یا مسافرت توان روزه گرفتن را ندارد، می تواند با همسرش در حالی که او خواب است، نزدیکی نماید و اگر زن در هنگام نزدیکی از خواب بلند شود، باید شوهر عمل جماع و نزدیکی را ترك نماید، آیا مرد در حال روزه می تواند با دست خود و مالیدن آن به آلت تناسلی منی خود را انزال نماید؟

خوئی (قدس سرّه): در صورت خواب بودن همسر این عمل مانعی ندارد و در صورتی که در اثناء عمل از خواب بیدار شود، مرد باید خود را از او جدا نماید. اما استمناء به شکلی که در سؤال ذکر شده، مطلقاً حرام است و در روز ماه رمضان این عمل در حکم افطار به حرام می باشد، والله العالم.

سؤال (124) خلبانی که روزه، او را از عملش بازداشته و موجب ناتوانی و ضعف در قوه ی بینایی او می شود و این مشکل در حال کار و هدایت هواپیما خطرات جدی دارد، آیا می تواند روزه را افطار نماید؟

ص: 137

(بسمه تعالی): در صورتی که ترك شغل در ماه رمضان برای این شخص موجب حَرَج و سختی باشد، می تواند روزه را افطار کرده و باید بعداً قضا نماید، والله العالم.

ص: 138

قسمت اول: عبادات

احكام حج

اشاره

ص: 139

1 - پوشیدن لباس دوخته شده برای مردان

سؤال (125) آیا استفاده از پوششی که از ورود هوای آلوده به بینی جلوگیری می کند، در صورتی که دوخته شده باشد، جایز است؟
(بسمه تعالی): استفاده از آن برای مردان اشکال ندارد، اما در استفاده از آن برای زنان اشکال است، مگر در حال ضرورت، واللّه العالم.

2 - روغن مالی کردن بدن

سؤال (126) آیا روغن مالی کردن بدن قبل از احرام با روغنی که اثر آن تا بعد از احرام باقی می ماند، جایز است؟

(بسمه تعالی): اشکالی ندارد، واللّه العالم.

سؤال (127) استفاده از دارویی که برای رفع حساسیت پوستی قبل از احرام مصرف می شود و موجب چرب شدن پوست شده و اثر آن تا بعد از احرام می ماند و یا اینکه دارویی را شخص محرم جهت بیماری مصرف می کند که باعث روغن مالی بدن شده و اثرش تا بعد از احرام می ماند.

حکم هر دو صورت را بیان فرمایید و بنابر تقدیر حرمت عمل ذکر شده، آیا کفاره بر شخص محرم واجب می شود؟

(بسمه تعالی): اشکالی ندارد، والله العالم.

سؤال (128) در صورتی که شخص محرم مجبور شود از روغنی در بدن خود استفاده کند و یا اینکه از پمادی استفاده نماید که موجب چرب شدن پوست بدن می شود، آیا عمل ذکر شده جایز است؟

(بسمه تعالی): عمل ذکر شده جایز است و موجب کفاره نمی شود، والله العالم.

سؤال (129) آیا استفاده از کرمهای آرایشی خوشبو کننده که زنها استفاده می کنند در حال احرام، جایز است؟

(بسمه تعالی): روغن مالی کردن بدن و زینت کردن جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (130) آیا استفاده از کرم های ضد آفتاب قبل از طواف جایز است و در صورتی که اگر مکلف از آنها استفاده نکند، مبتلا به سوختگی بین رانهایش می شود، آیا در این صورت استفاده بلامانع می شود؟

(بسمه تعالی): تا زمانی که به مرحله ی عسر و حرج نرسیده، استفاده جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (131) آیا استفاده از پماد برای برطرف شدن شکافها و ترکهایی که بین انگشتان ایجاد می شود، در حال احرام جایز است. با توجه به اینکه بعضی از این پمادها بوداشته و بعضی دیگر فاقد بو می باشد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که این شکاف ها و ترک ها در حال احرام به وجود آمده، استفاده از این پمادها جایز است، ولی در صورتی که هنوز ایجاد نشده و شخص محرم می خواهد از بوجود آمدن آنها جلوگیری کند، استعمال این پمادها جایز نمی باشد، واللہ العالم.

3 - پوشاندن سر برای مردان

سؤال (132) در صورتی که سر شخص محرم مبتلا به عارضه ای است که خجالت می کشد سرش را در منظر مردم نشان دهد، آیا جایز است در حال احرام آن را بپوشاند و در صورت پوشاندن، آیا کفاره بر او واجب می گردد؟

(بسمه تعالی): پوشانیدن سر جایز نمی باشد، مگر در صورتی که باز کردن سر موجب سختی و حرج باشد، واللہ العالم.

4 - خارج کردن خون از بدن

سؤال (133) آیا شخص محرم می تواند با دست خودش به شخصی دیگر آمپول بزند، در حالی که این عمل موجب خونریزی بدن آن شخص می گردد؟

ص: 143

(بسمه تعالی): در صورتی که شخص دیگر محرم نباشد، جایز و در صورتی که او هم محرم است، عمل مذکور در صورتی که از اول بداند، زدن آمپول موجب خونریزی است، جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (134) آیا شخص محرم می تواند به خودش آمپول بزند، در حالی که عمل مذکور باعث خونریزی می گردد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که می داند عمل مذکور موجب خونریزی است، جایز نمی باشد، مگر در صورت ضرورت، والله العالم.

سؤال (135) آیا شخص محرم می تواند، به دیگری خون بدهد؟

(بسمه تعالی): جایز نمی باشد، مگر در حال ضرورت، والله العالم.

سؤال (136) آیا محرم می تواند جوشهای اطراف لب و انگشت خود را از بین ببرد؟

(بسمه تعالی): اگر موجب خونریزی نشود، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (137) آیا محرم می تواند برای انجام عمل مستحب و یا برای حفظ الصحه در حال احرام حجامت نماید؟

(بسمه تعالی): قبل از احرام حجامت اشکالی ندارد. اما بعد از آن جایز نبوده، مگر در صورتی که محرم به خاطر ضرورت مجبور شود، حجامت کند و در صورت مذکور، باید بنا بر احتیاط گوسفندی کفاره بدهد، والله العالم.

سؤال (138) در صورتی که حجامت به دستور پزشک بوده و انجام آن برای معالجه و یا بر طرف شدن مرض لازم باشد و نتوان آن را به بعد از حج موکول نمود. آیا حجامت در حال احرام جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورت اضطرار جایز است، والله العالم.

5 - کشیدن دندان

سؤال (139) آیا شخص محرم می تواند دندان محرم دیگر را بکشد. با توجه به اینکه کشیدن دندان موجب خونریزی است؟

(بسمه تعالی): در صورت ضرورت اشکالی ندارد، والله العالم.

6 - اصلاح موی سر

سؤال (140) آیا برای شخص محرم جایز است که موی محرم دیگر را اصلاح نماید، بعد از آنکه هردوی آنها عمل ذبح را انجام داده اند؟

(بسمه تعالی): عمل ذکر شده قبل از خروج از احرام، ولو به واسطه ی تقصیر جایز نمی باشد، والله العالم.

ص: 145

مبحث اول: موالات در حج تمتع

سؤال (141) شخصی که از اعمال عمره ی تمتع فارغ شده، ولی مبتلا به مرضی شده که او را به بیمارستان خارج از شهر مکه برده اند و پزشك هم به او اجازه ی برگشت به مکه، جهت احرام برای حج را فعلاً نداده است. وظیفه ی این شخص در صورتی که قدرت بروقف در عرفات و مشعر را دارد، چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که قدرت بر احرام را در محل خودش دارد، احرام بسته و به عرفات و بعد از آن به مشعر رفته، سپس اعمال بعدی را یا خودش و یا با نایب کردن غیر انجام دهد، والله العالم.

سؤال (142) در صورتی که شخص متمتع از مکه خارج شده، در حالی که محرم نبوده است. سپس بدون احرام، داخل شهر دیگری شده، آیا عمره ی قبلی او باطل می شود؟

(بسمه تعالی): باطل نمی شود، والله العالم.

مبحث دوم: تلبیه گفتن شخص لال

سؤال (143) فرموده اید که شخص لال برای تلبیه باید با انگشت خود اشاره کند و زبان خود را دایم حرکت دهد. آیا کیفیت خاصی برای اشاره با انگشت وجود دارد؟

(بسمه تعالی): کیفیت خاصی وجود ندارد، آنچه که لازم است، اشاره باید به گونه ای باشد که قصد شخص مکلف نسبت به تلبیه فهمانده شود، والله العالم.

مبحث سوم: احکام استفاده از داروی جلوگیری از عادت ماهیانه

سؤال (144) دارویی که زن ها برای به تاخیر انداختن عادت ماهیانه استفاده می کنند. در صورتی که خانمی بداند، اگر از این دارو استفاده نکند، قبل از آنکه به میقات برسد حائض می شود و قدرت بجا آوردن عمره ی تمتع را پیدا نخواهد کرد، آیا استفاده از داروهای ذکر شده و به تاخیر انداختن عادت ماهیانه لازم است؟

(بسمه تعالی): واجب نمی باشد، والله العالم.

سؤال (145) بعضی از خانم ها قرص هایی را در سفر حج استفاده می کنند که حیض را تاخیر می اندازد، ولی گاهی اوقات باز خون دیده و آن را با زدن آمپول قطع می کنند. آیا قطع آن خون بعد از جریان آن، حکم طهارت بعد از حیض را دارد و می تواند اعمال مشروط به طهارت را انجام دهد. سپس بعد از حبس و قطع آن خون در زمان عادت، به چه قصدی غسل نماید؟

(بسمه تعالی): خونی که از سه روز کمتر باشد، حیض محسوب نمی گردد و واجب است اعمال مستحاضه را بجا آورد، والله العالم.

سؤال (146) زنی که قرص های ضد حیض و عادت ماهیانه را استعمال نموده تا اینکه در حال طواف حائض نگردد، ولی گاهی اوقات يك بار یا دوبار در ایام عادت ماهیانه خون می بیند، وظیفه ی او چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که خون تا سه روز استمرار پیدا نکند، باید اعمال مستحاضه را انجام دهد. چنانچه در رساله ی عملیه گفته شده و اگر از سه روز بیشتر شده، محکوم به حیض می شود، هر چند مشخصات خون حیض را نداشته باشد، والله العالم.

سؤال (147) زنی که محرم بوده و بعد از دو وقوف حائض گردیده، سپس با قرص های جلوگیری از عادت ماهیانه ی خود جلوگیری کرده و خون قطع شده و بقیه ی اعمال را انجام داده است، او بعد از مصرف آن قرص ها دوباره خون دیده است، وظیفه ی او چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که خون از سه روز کمتر بوده و به اندازه ی سه روز، هر چند در باطن فرج جریان نداشته است، اعمال او صحیح می باشد، والله العالم.

سؤال (148) خانمی که برای جلوگیری از حیض، قرص استفاده نموده تا بتواند اعمال حج را انجام دهد، ولی در همان زمان ترشحات زرد رنگی دیده و احتمال داده که آن ترشحات خون باشد و چون این ترشح در ایام عادت ماهیانه اش بوده، شك کرده، آیا آنچه را دیده، استحاضه است یا نه. با توجه به اینکه قدرت بر تشخیص نداشته است، ولی بنا بر استحاضه

ص: 148

گذاشته و احکام آن را مراعات نکرده و طواف نموده و نماز طواف را خوانده، در این صورت، آیا اعمالش صحیح می باشد یا نه؟

(بسمه تعالی): در صورتی که یقین نداشته، مایعی را که از او خاج شده، خون است، اعمالش صحیح می باشد. ولی اگر یقین کرده که خون است. اگر مدت دیدن آن خون از سه روز کمتر نبوده، محکوم به حیض است؛ زیرا آن را در ایام عادت دیده است، ولی اگر از سه روز کمتر بوده، محکوم به استحاضه می باشد و در صورتی که در غیر ایام عادت ماهیانه دیده است، برای پی بردن به احکام آن به رساله ی عملیه مراجعه کند، واللہ العالم.

فصل سوم: بعضی از شروط طواف

1 - ختنه برای مردان

اشاره

سؤال (149) شخصی که بدون احرام چند دفعه داخل شهر مکه شده، این شخص ختنه شده هم نمی باشد و همه ی این کارها را از روی علم و عمد انجام داده، آیا واجب است آنچه را که از او فوت شده، دوباره انجام دهد. آیا تا زمانی که اعمال فوت شده را انجام ندهد، زن ها بر او حرام هستند؟ یا اینکه فقط گنهکار بوده و احکام ذکر شده، در حق او مترتب نمی شود؟

ص: 149

(بسمه تعالی): در صورتی که بدون احرام داخل مکه شده، فقط گنهکار می باشد، والله العالم.

سؤال (150) پسر بچه ای که ختنه شده، ولی گردی سر آن به شکل کامل ظاهر نمی باشد، آیا حج او بعد از بلوغ صحیح می باشد؟

(بسمه تعالی): حج او صحیح می باشد، والله العالم.

سؤال (151) مردی که بعد از پایان اعمال حج می فهمد که ختنه ی او کامل نبوده، بلکه مقداری از پوشش روی گردی سر آلت هنوز باقی مانده است، آیا حج او صحیح می باشد؟

(بسمه تعالی): حج او صحیح می باشد، والله العالم.

سؤال (152) اگر کسی بعد از ختنه شدن در صحت ختنه ی خود شك نماید، آیا حج او مجزی می باشد؟

(بسمه تعالی): اگر مقداری از گردی سر آلت با قطع کردن لایه ی روی آن بیرون آمده باشد، شخص مذکور ختنه شده محسوب می گردد و طواف او اشکالی ندارد، والله العالم.

سؤال (153) آیا واجب است که مکلف صرف نظر از مسئله ی حج، ختنه شدن خود را احراز نماید؟

(بسمه تعالی): ختنه فی حد نفسه واجب بوده و اصل وجوب آن ربطی به مسئله ی حج ندارد، والله العالم.

سؤال (154) شخصی که در هنگام طواف عمره ی تمتع مبتلا به سکتة قلبی شده و به وطنش برگردانده شده، تکلیف او چیست؟

(بسمه تعالی): بنا بر احتیاط خود او و یا ولی او کسی را برای تمام کردن اعمال عمره ی مفرده نایب بگیرد و این کفایت از حج واجب نمی کند، والله العالم.

سؤال (155) زنی که بعد از طواف از حال رفته و بیهوش شده است و بعد از بیهوش آمدن خودش را با ادرار نجس کرده، ولی سهل انگاری نموده و خودش را تطهیر ننموده و فرزندش را نایب قرار داده، سپس خودش عمل سعی را انجام داده است، حکم حج این زن چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که امکان برگشتن برای او باشد، نماز طواف را در هر جایی که هست، قضا نماید و بنا بر احتیاط شخصی را نایب کند که نمازش را آنجا بجا آورد، والله العالم.

فصل چهارم: وقوف در عرفه

سؤال (156) آیا برای شخص ضعیف و یا شخص مریض و مانند این دو جایز است که قبل از غروب، عرفات را ترك کنند؟

تبریزی (قدس سرّه): بنا بر احتیاط جایز نمی باشد، والله العالم.

مبحث اول: بیتوته در منی

سؤال (157) من به خاطر ابتلا به مریضی نتوانستم در منی حاضر شوم، ولی سعی نمودم با سختی هم که شده، نصف دوم را در منی بوده و بیتوته کنم، ولی کثرت و ازدحام جمعیت مانع از آن شد، وظیفه ی من چیست؟

(بسمه تعالی): اگر از مکه خارج شده ای، چیزی به عهده ی تو نمی باشد، والله العالم.

مبحث دوم: رمی جمرات

سؤال (158) خانمی که با شوهرش در روز یازدهم برای رمی جمرات رفته، ولی به خاطر شدت گرما شوهرش را گم کرده و در حال سرگردانی و شدت اضطراب بیهوش بر روی زمین می افتد. او را به بیمارستان منتقل نموده و بعد از چند روز شوهرش او را در بیمارستان پیدا نموده، در حالی که این زن مریض بوده و توانایی انجام بقیه ی اعمال حج را نداشته است. شوهرش از زن خود نایب شده، ولی چون در آن زمان نگران بیماری زنش بوده است، در آن حال و در هنگام حج گفته است که من اعمال همسرم را انجام داده ام، ولی بعد از برگشت از سفر حج، شوهر می گوید که من حال مناسبی در آن وقت نداشتم و نتوانستم اعمال همسرم را انجام دهم. اینك شوهر می گوید که زخم بر من حرام گشته، آیا حج زن صحیح

ص: 152

است یا نه و بنابر فرض عدم صحت حج، زن می تواند نایب بگیرد یا اینکه خودش باید اعمال را بجا آورد و آیا ذبح کفاره بیتوته نکردن در منی را باید در منی انجام دهد و یا می تواند در وطن خود هم ذبح نماید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که فقط مبيت به منی و رمی جمرات را در روز یازدهم و دوازدهم ترك نموده، حج او صحیح می باشد و باید برای انجام رمی جمرات در صورتی که خودش در سال آینده نمی تواند آن را انجام دهد، نایب بگیرد و واجب است عوض هر شبی که مبيت در آن را ترك نموده، يك گوسفند قربانی نموده و لازم نیست که آن را در منی ذبح نماید و در صورتی که طواف فریضه و یا سعی را ترك نموده، اگر ماه ذی الحجه تمام نشده است، باید نایب بگیرد تا طواف و سعی را بجای او انجام داده و همچنین طواف نساء را برای او بعمل آورد و در این صورت چیزی بر او واجب نمی باشد، ولی در صورتی که ماه ذی الحجه تمام شده، حج او باطل شده و او از احرام خارج گردیده است و اگر استطاعت او باقی مانده است و یا اینکه حج قبلاً بر گردن او استقرار پیدا نموده، باید سال آینده دوباره حج بجا آورد، والله العالم.

مبحث سوم: تذکيه و ذبح حیوان توسط شخص لال

سؤال (159) چگونه شخص لال در هنگام ذبح حیوان بسم الله بگوید. همچنین در موارد عقود و ایقاعات هنگامی که یکی از دو طرف معامله

ص: 153

شخص لالی می باشد، چگونه عمل ایجاب و قبول از شخص لال محقق می شود؟

(بسمه تعالی): در صورتی که شخص لال با حرکت دادن زبان و با اشاره نمودن به شکلی که قرینه باشد بر اینکه او در مقام انشاء عقدی مثل بیع و یا نکاح و یا ایقاع طلاق است، اشاره او در مقام انشاء کفایت می کند، واللہ العالم.

مبحث چهارم: شرایط قربانی و موارد مصرف آن

سؤال (160) تهیه ی قربانی که واجد شرایط باشد؛ مثل اینکه آلت تناسل او قطع نشده باشد و یا بیضه هایش کوبیده نشده باشد، غالباً ممکن نمی باشد. آیا تهیه ی قربانی ناقص که جامع شرایط نباشد، کفایت می کند؟ با توجه به اینکه غالب قربانی ها شرایط ذکر شده را ندارد، بلکه در هر پنجاه قربانی یک قربانی واجد شرایط بوده و بقیه ناقصند. آیا با توجه به آنچه گفته شد، قربانی ناقص کفایت می کند؟

(بسمه تعالی): فرضی که شما ذکر کردید صحیح نمی باشد و در صورتی که آنچه گفته شده، صحیح باشد. در این صورت قربانی کردن ناقص که جامع شرایط نباشد، کافی می باشد و احتیاط نسبت به قربانی استحبابی است، واللہ العالم.

سؤال (161) چه فرقی بین قربانی حَصّی و قربانی مرضوض الخصیتین وجود دارد؟

ص: 154

(بسمه تعالی): خصی به حیوانی گفته می شود که بیضه های آن را کشیده اند و مرضوض به حیوانی گفته می شود که بیضه های آن را کوبیده اند، والله العالم.

فصل ششم: استنابه در حج و احکام نایب

سؤال (162) در صورتی که شخص نایب احتمال می دهد که مبتلا به حیض و یا مرض گردد. آیا می تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم سازد یا خیر؟

(بسمه تعالی): بله می تواند تقدیم کند، هر چند به حیض و یا مرض مبتلا نشود و بنا بر احتیاط اعمال مکه را اعاده نماید و در صورتی که از اول می دانسته که مبتلا به حیض و یا مرض می شود، گرفتن نیابت خالی از اشکال نمی باشد، والله العالم.

سؤال (163) شخصی که باقی بر تقلید مرحوم آیت الله خوئی (قدس سرّه) می باشد و به خاطر مبتلا بودن به مرض قند توانایی مسافرت های طولانی و پیاده روی های ممتد را ندارد. آیا این شخص می تواند شخص دیگری را برای حج خود نایب کند، با توجه به اینکه تا به حال حج بجا نیاورده است؟

ص: 155

(بسمه تعالی): در صورتی که توانایی طی طریق و مسافت را، هر چند به وسیله سوارشدن بر دوش کسی داشته باشد، باید اعمال را با کیفیت ذکر شده انجام دهد و اگر در سعی و طواف هم بتواند به کیفیت ذکر شده عمل کند، گرفتن نایب مجزی نمی باشد، والله العالم.

سؤال (164) در صورتی که مکلف به خاطر مرض مثانه عمل جراحی نموده و توانایی ادرار کردن در حال نشسته را ندارد. همچنین از او پیوسته باد خارج شده و او مجبور است، ایستاده ادرار کند. آیا می تواند شخصی را جهت نیابت از خود به حج بفرستد، با توجه به اینکه تا به حال حجی انجام نداده است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مسافرت برای او ممکن بوده و همچنین بتواند طهارتی را که وظیفه ی اوست در حج تحصیل کند، باید خودش حج انجام داده و نایب گرفتن جایز نمی باشد و در صورتی که مسافرت برای او سخت و دشوار بوده، به شکلی که برای او حَرَجی باشد، باید شخصی را به نیابت از خود به حج بفرستد و بنابر احتیاط باید کسی را که نایب می کند، مردی باشد که صروره است، والله العالم.

ص: 156

سؤال (165) در صورتی که شخص مریض و یا پیرمرد و یا پیرزن استطاعت مالی داشته باشند، ولی حج برای آنها حرجی و دشوار باشد. آیا حج بر آنها واجب است و در صورت وجوب، آیا باید نایب بگیرد؟

(بسمه تعالی): بنابر احتیاط واجب باید نایب بگیرد، والله العالم.

سؤال (166) شخصی که مبتلا به فلج در نصف بدنش می باشد، اگر دارای مالی باشد که کفاف گرفتن نایب برای حج را دارد. آیا گرفتن نایب واجب است یا اینکه باید صبر کند، مالی بدست آورده و کسی را به عنوان مساعد و کمک با خود به حج برده و خودش مباشرتاً اعمال حج را بجا آورد و بنابر وجوب گرفتن نایب، اگر نایب ضرورت پیدا نکند و در سال آینده استطاعت برای گرفتن نایب نداشته باشد، آیا حج بر او مستقر شده یا خیر؟

(بسمه تعالی): اگر کسی را پیدا کند که هر چند به شکلی مجانی او را کمک کند باید حج را خودش انجام دهد و در غیر این صورت بنابر احتیاط واجب باید نایب گرفته و حج را به تاخیر نیندازد، مگر اینکه یقین کند و یا اطمینان داشته باشد که عذرش زایل می گردد و اگر نایب پیدا نموده و او را برای حج نفرستد، بنابر احتیاط حج بر او مستقر گردیده؛ به این معنی که واجب است در صورتی که مرض او استمرار پیدا کرده، به شکلی که نتواند خودش حج را بجا آورد، نایب بگیرد، والله العالم.

اشاره

سؤال (167) خانمی که حج واجبش را بجا آورده و چون مناسک حج برای او سخت و دشوار می باشد و دارای ضعف بدنی است، آیا می تواند فقط به زیارت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در مدینه اکتفا کرده و برای سالهای آینده فقط به این زیارت اکتفا نماید؟

(بسمه تعالی): بله جایز است، والله العالم.

ص: 158

قسمت اول: عبادات

احكام خمس و جهاد

ص: 159

سؤال (168) من مانند پزشکان همیشه مقداری دارو در منزل خویش نگهداری می کنم و این داروها را یا خودم استفاده کرده و یا به اشخاصی که نیاز داشته باشند می دهم. آیا هنگام رسیدن سرسال خمسی باید داروهای ذکر شده را تخمیس نمایم. با توجه به اینکه من این داروها را به مریض های شهرم بدون کسب قیمت و یا وجه دیگری می دهم؟

(بسمه تعالی): اگر داروهای ذکر شده قیمتی دارد که در بازار خرید و فروش می شود، باید خمس آن پرداخت شود، والله العالم.

سؤال (169) پدر و مادری که زمین گیر شده اند و مقداری از سود سهام شرکتی را در ماه دریافت نموده و خرج می کنند، ولی معلوم نمی باشد که این حقوق کافی برای مصارف آنها می باشد یا نه، و در صورت کفاف هم معلوم نمی باشد که خمس اموالشان را می دهند یا نه و آیا حساب سالی دارند یا نه، با توجه به اینکه معلوم نیست که این پدر مریض اموالی را که با آن سهام خریده، خمسش را داده است یا خیر. فرزندان این پدر

ص: 161

بعنوان هدیه و یا مساعدت به آنها، اموالی را به پدر می دهند و از این کمک ها مقداری جمع می شود. آیا تخمیس آن لازم است. با توجه به اینکه پدر قادر به تکلم نمی باشد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که پدر و مادر از عقل کافی برخوردارند، واجب است خمس اموالی را که از مصرف سال آنها بیشتر می شود بدهند، والله العالم.

جهاد

اشاره

(مسئله) جهاد بر شخص عاجز و مریض بنا بر اظهر واجب نمی باشد، چه به شکل عینی و چه کفایی، زیرا وجوب تجهیز غیر محتاج به دلیل بوده و در اینجا دلیلی وجود ندارد، بله شبهه ای نیست که این کار مستحب بوده و یکی از مصادیق فی سبیل الله محسوب می گردد. این در صورتی است که جهاد متوقف بر این نباشد که شخص دیگری بجای او برای جهاد مهیا شود و در غیر این صورت واجب است شخص دیگری را برای جهاد تجهیز و آماده سازد.

ص: 162

قدرت

جهاد بر شخص کور و فلج و زمین گیر و پیرمرد ناتوان و پیرمردی که زمین گیر بوده و یا بر شخص مریض و شخص فقیری که قادر بر تهیه ی مقدمات جهاد؛ مثل نفقه و خرج راه و نفقه ی زن و بچه را ندارد و مثل اینها واجب نمی باشد و دلیل این حکم آیه ی شریفه (لیس علی الاعمی حرج ولا علی الاعرج حرج) و آیه ی شریفه (لیس علی الضعفاء ولا علی المرضى ولا علی الذین لایجدون ماینفقون حرج) می باشد (بر شخص کور و شخص فلج تکلیفی نمی باشد و همچنین بر ضعفا، ناتوانان و بر مریضان و بر کسانی که نفقه ندارند، تکلیفی نمی باشد).

خاتمه

اول: معنای نفی حرج

سؤال (170) معنای نفی حرج در دین چیست؟

(بسمه تعالی): تکالیف و احکامی که در شرع مقدس ثابت شده، اگر به مرتبه ی حرج و دشواری شدید برسد، به شکلی که انجام آنها برای شخص مکلف دشوار باشد، این تکالیف رفع؛ و برداشته شده است. مانند مریضی که نماز خواندن به شکل ایستاده برای او دشوار است. این وجوب قیام از او رفع شده و باید نشست نماز بخواند، والله العالم.

سؤال (171) شخصی که دارای عقل و تشخیص بوده، ولی به مریضی فراموشی به شکل موقت یا دائم مبتلا بوده و در بعضی از موارد احتمال داده می شود که او از روزه دار بودن خود غافل بوده و یا اینکه در هنگام نماز غفلت کرده و اعمال منافی با روزه و نماز بجا می آورد. چنانچه قادر به حفظ رکعات نماز هم نمی باشد، وظیفه ی این شخص چیست؟

خوئی (قدس سرّه): حکم این شخص و تشخیص حال او موقوف به نظر عرف است. و چه بسا خود او هم در بعضی اوقات بفهمد که آیا غافل است یا ملتفت. و در صورتی که شك کند، غافل محسوب شده یا ملتفت، باید طبق آنچه که عادت داشته و انجام می داده است، اعمالش را انجام دهد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که در همه ی وقت نمازها و روزه ها همین حالت را دارد، چیزی بر او واجب نبوده و در غیر این صورت باید در زمانی که این حالت را ندارد، نماز بخواند.

قسمت دوم: معاملات

احكام نكاح

اشاره

ص: 165

مقدمه: حکم آزمایشات پزشکی قبل از ازدواج

سؤال (172) مریضی کم خونی، یکی از مریضی های شایع و معروف در زمان ماست. و در صورتی که مرد و یا زن مبتلا به این مرض باشند، باعث عواقب خطرناک و وخیمی در فرزندان آنها شده، و آنها هم مبتلا به مریضی های خطرناک می شوند؟

آیا از جهت شرعی آزمایشات قبل از ازدواج برای اینکه زوجین بدانند، مبتلا به کم خونی نمی باشند، مستحب است؟

(بسمه تعالی): آزمایشات ذکر شده اشکالی ندارد. بله این آزمایشات چون احتیاط در احراز صحت و سلامت خود شخص می باشد، مستحب می باشد و احتیاط در هر حال مستحب است. ولی عقدی که واقع می شود، هر چند بدون آزمایشات ذکر شده باشد و حتی با علم به اینکه یکی از زوجین مبتلا به کم خونی است، صحیح می باشد، والله العالم.

سؤال (173) امروزه مریضی خطرناکی شایع شده که باعث مبتلا شدن مریض به دردهای مزمن و خطرناک در انسان شده و این مرض به اسم (اینمیا) نام برده می شود، ولی ممکن است از این مرض با آزمایشاتی که

ص: 167

قبل از ازدواج از زن و شوهر گرفته می شود، در فرزندان جلوگیری نمود و در صورتی که زوجین مبتلا به این مرض نباشند. ازدواج سر گرفته و در غیر این صورت طرفین اقدام به آن ازدواج نمی کنند، هم اکنون سؤالی مطرح است.

آیا شخصی که قصد ازدواج دارد، واجب است، این آزمایشات طبی را انجام دهد یا خیر و آیا در حکم مذکور بین زن و مرد فرقی وجود دارد؟

خونی (قدس سرّه): انجام این آزمایشات برای زن و مرد واجب نمی باشد و می توانند آن را ترك کنند.

سؤال (174) بعضی از امراض وراثتی بوده و نمی توان از آن جلوگیری نمود، مگر با انجام آزمایشات قبل از ازدواج که یکی از این امراض خطرناک کم خونی و تالاسمی می باشد و از شایع ترین و خطرناک ترین مریضی های زنان محسوب می گردد. این مریضی عبارت است از تغییری که در ترکیب خون به وجود آمده به طوری که به شکل هلالی در می آید. و تالاسمی مریضی است که به سبب آن، بدن قدرت خونسازی نداشته و بچه ای که مبتلا به این دو بیماری می شود، مبتلا به دردهای مختلف در اعضای بدن می شود و باید هر ماه خونش را عوض کنند. نظر مبارک را راجع به وجوب انجام آزمایشات ذکر شده، قبل از ازدواج بیان فرمایید. با توجه به اینکه زندگی سالم زوجین مبتنی بر وجود بچه های سالم و صحیح می باشد؟

ص: 168

(بسمه تعالی): سزاوار است که زن و مرد قبل از اقدام به ازدواج آزمایشات ذکر شده را انجام دهند تا از بدنیا آمدن بچه ی مریض جلوگیری شود. پدر می تواند قبل از ازدواج دخترش اجازه ی خود را مشروط به انجام آزمایشات ذکر شده نماید، والله العالم.

سؤال (175) نظر مبارك حضرتتعالی درباره ی دستورات و سفارشاتى كه پزشكان قبل از ازدواج به زن و مرد می کنند، چیست؟ با توجه به اینکه پزشكان انجام آزمایشات قبل از ازدواج را برای کم شدن تولد بچه های ناقص و یا مریض لازم می دانند، آیا این سفارشات قبل از ازدواج وجوبی برای مرد و زن می آورد؟

(بسمه تعالی): احتیاط کردن به انجام آزمایشات پزشکی مانعی ندارد، خصوصاً با زیاد شدن مریضی های پنهان در این زمان، والله العالم.

سؤال (176) در صورتی که قوانین حکومتی آزمایشات پزشکی قبل از ازدواج را لازم دانسته و برای جلوگیری از شیوع بیماری ایدز، زن و مرد را مجبور به آن آزمایشات نماید با توجه به اینکه این آزمایشات متوقف برگرفتن منی مرد و زن بوده و در بعضی از موارد منجر به استمناء می گردد، آیا بیرون آوردن مایع از رحم زن جایز است یا خیر؟

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که ازدواج به شکل دیگری ممکن نبوده و شخص نیاز به آن داشته، به شکلی که ازدواج نکردن برای او

حرجی و دشوار باشد. آنچه در مسئله ذکر شده، برای زن و مرد اشکالی ندارد، والله العالم.

مقصد اول: عقد دائم

فصل اول: بعضی از احکام عقد دائم

مبحث اول: ساقط شدن وجوب تمکین

سؤال (177) مردی که مبتلا به مرض التهاب کبد به شکل ویایی آن بوده و این مرض يك بیماری کشنده و در بعضی موارد مسری هم می باشد و باعث می شود که شخص مبتلا به این بیماری نتواند با همسر خود عمل مقاربت انجام دهد، مگر با وسایلی که جلوگیری از تماس بدن او با بدن زن می کند. این مرد اقدام به ازدواج موقت نموده و حقیقت مریضی خود را برای زن ذکر نکرده و در اثناء ازدواج موقت برای زن مریضی خود را ابراز کرده و گفته است که اکنون آن مریضی بهبود پیدا کرده، مرد مذکور دائماً مریض بوده و زن از ترس اینکه مبتلا به مرض مذکور شود، نمی تواند به عمل جنسی تن بدهد. آیا این زن می تواند اعمال خیار تدلیس کند به جهت اینکه مرد مذکور بیماری خود را مخفی کرده و زن را در ازدواج دائم فریب داده است و آیا می تواند مهر خود را با توجه به اینکه مرد با او مقاربت کرده، طلب نماید؟

ص: 170

(بسمه تعالی): در صورتی که به طریقی معتبر مثل گفته ی پزشکان خبره که مورد وثوق هستند، ثابت شود که مریضی ذکر شده مسری می باشد، زن حق دارد از نزدیکی مرد جلوگیری کند، مگر در صورتی که مرد از وسایلی استفاده کند که از سرایت مرض جلوگیری کند و این زن حق فسخ نداشته، ولی می تواند زوج و همسر خود را به هر نحوی که ممکن است راضی به طلاق نماید، هرچند به بخشیدن مهر خود باشد، چنانچه در سؤال فرض دخول شده که موجب ثبوت مهر گردیده است، والله العالم.

سؤال (178) مردی که با زنهای آفریقایی ارتباط جنسی دارد، به شکلی که احتمال ابتلای او به بیماری ایدز زیاد است، آیا همسر این مرد می تواند از نزدیکی این مرد و سایر استماتانات دیگر برای حفظ خود از بیماری ایدز جلوگیری نماید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که به واسطه ی گفته ی پزشك حاذق و مورد وثوق این احتمال را می دهد، می تواند از نزدیکی مرد جلوگیری کرده و تمکین نکند، والله العالم.

سؤال (179) در صورتی که زن یقین به ابتلای همسرش به ایدز داشته باشد، وظیفه اش چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که اطمینان به بیماری شوهر دارد، می تواند از نزدیکی شوهر جلوگیری نموده و استحقاق نفقه را هم از مرد داشته و می تواند آن را طلب نماید، والله العالم.

مبحث دوم: احکام استمنائات

سؤال (180) در صورتی که مرد احتمال دهد، مبتلا به ایدز گردیده و یا یقین به ابتلا داشته باشد، آیا می تواند با همسرش نزدیکی کند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که بداند به بیماری مذکور مبتلا شده، هر چند به گفته ی پزشك حاذق باشد، جایز نمی باشد با همسرش نزدیکی کند، والله العالم.

سؤال (181) در صورتی که زن باردار بوده و در اواسط مدت بارداری است و پزشك شوهر را از نزدیکی با این زن منع نموده است. آیا شوهرش می تواند از عقب با این زن نزدیکی کند و در صورتی که زن از این عمل جلوگیری کند. آیا ناشزه محسوب می گردد؟

(بسمه تعالی): نزدیکی از عقب بنا بر احتیاط واجب مطلقاً جایز نمی باشد و شوهر می تواند شهوت خود را با سایر اعضای زوجه و همسرش ارضاء نماید، والله العالم.

مبحث سوم: احکام تعدد زوجات

سؤال (182) من مردی هستم که ازدواج نموده و همسرم مبتلا به سرطان سینه می باشد. او هزینه های بیماری خویش را پرداخت نموده و در زندگی هم همکار و کمک کار من بوده است، ولی من اکنون به زن دیگری علاقه پیدا کرده و می خواهم با او ازدواج کنم. آیا می توانم ازدواج مجدد کنم در حالی که اگر همسر مریضم بفهمد، امکان دارد به خاطر ناراحتی و فشار عصبی، بیماری او دوباره عودت کند؟

(بسمه تعالی): ازدواج شما با زن دیگر حرمتی ندارد، ولی این کار خلاف احسان و نیکی به همسر اول می باشد، خداوند می فرماید جواب احسان همیشه احسان است و گاهی اوقات ازدواج مجدد باعث می شود که خداوند شما را مواخذه نموده و برکتی در ازدواج مجدد قرار ندهد، خداوند به شما در این ابتلا صبر عنایت فرموده و شما را موفق به شکرگزاری فرماید.

مبحث چهارم: بعضی از احکام نفقه

سؤال (183) در مورد لباس و خرج مداوا: آیا بر پدر واجب است که مقداری پول برای مخارج زندگی فرزند و هزینه ی معالجه ی او کنار گذاشته و به او پردازد. آیا می تواند مبلغ مذکور را خود پدر برای فرزندش لباس تهیه نموده و هزینه ی معالجه ی او را خودش پرداخت کند؟

ص: 173

(بسمه تعالی): برای پدر جایز است که خودش لباس و چیزهای دیگری که بعنوان نفقه بر او واجب شده، برای فرزند تهیه نماید، والله العالم.

سؤال (184) آیا هزینه ی معالجه که بر پدر واجب می شود، شامل بیماری های پرهزینه و خطرناک هم می شود و در صورتی که مبلغ کافی برای معالجه ندارد، ولی می تواند قرض نموده و با سختی آن را پرداخت کند، هزینه ی معالجه به عنوان نفقه ی واجب است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مرض قابل معالجه بوده و امید بهبودی آن می رود، بر پدر واجب است به اندازه ای که توانایی داشته و برایش ممکن است، نسبت به آن اقدام نماید، والله العالم.

سؤال (185) در صورتی که غذای همسر به خاطر مریضی غذای مخصوص بوده، به شکلی که همسر برای تهیه ی آن نیاز به کار و فعالیت بیشتری دارد، آیا تهیه ی این غذا بر شوهر واجب است؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که برای شوهر امکان تهیه ی آن موجود باشد، واجب است.

مبحث پنجم: کارهای همسر در خانه

سؤال (186) آیا خدمت به شوهر و وظایف خانه داری، مثل پخت غذا و امور دیگر در صورتی که شوهر کاملاً سالم بوده و توانایی انجام آنها را

دارد، واجب است. و در صورتی که مرد مریض و زمین گیر شده باشد، خدمات ذکر شده، وجوبی دارد؟

(بسمه تعالی): متعارف این است که کارهای داخل منزل به عهده ی زن می باشد و خدمت نمودن به شوهر در حال مریضی او احسان و لطف به او محسوب می شود و داخل در عنوان حسن معاشرت با شوهر است که در روایات به آن اشاره شده است، والله العالم.

مبحث ششم: حکم ازدواج با دو خواهر به هم چسبیده

سؤال (187) آیا ازدواج با دو خواهر به هم چسبیده، جایز است؟

(بسمه تعالی): ازدواج با دو خواهر هر چند به شکلی که در مسئله گفته شده است، جایز نمی باشد، والله العالم.

فصل دوم: عیب هایی که موجب خیار فسخ عقد در ازدواج می شود

اشاره

(مسئله) عیوبی که در مرد موجب خیار فسخ عقد برای همسر او می شود، چهار عیب می باشد.

(1) جنون و دیوانگی زوج، هر چند این عیب بعد از عقد و نزدیکی با زوجه باشد.

ص: 175

(2) ناتوان بودن مرد از نزدیکی، هر چند بعد از عقد پدید آید، ولی اگر بعد از عقد و نزدیکی، هر چند اولین نزدیکی پدید آید، موجب حق فسخ برای زوجه نمی باشد.

(3) خصاء: یعنی بیضه های مرد را در آورده باشند؛ در صورتی که قبل از عقد وجود داشته و زوج آن را مخفی کرده و زوجه از آن مطلع نبوده است.

(4) بریده شدن مقداری از آلت است که مرد با آن اصلاً قادر بر نزدیکی نبوده، در صورتی که قبل از عقد وجود داشته و یا آنکه قبل از نزدیکی باشد و اگر این عارضه بعد از عقد و اولین نزدیکی پدید آید، بنابر اقوی موجب خیار نمی شود.

(مسئله) عیوبی که اگر در زن باشد، مرد خیار فسخ عقد ازدواج را دارد؛ هفت عیب می باشد: 1- دیوانگی، 2- جذام، 3- برص. 4- در صورتی که، در فرج گوشت و یا استخوانی باشد که مانع از نزدیکی باشد 5- افضاء: یعنی راه ادرار و حیض و یا حیض و مدفوعش یکی شده باشد. 6- در صورتی که زن کور باشد. 7- زمین گیر بودن زن یا شل بودن او که ظاهر و آشکار باشد. در این موارد خیار فسخ عقد برای زوج ثابت است، در صورتی که عیوب ذکر شده، قبل از عقد باشد و در صورت تحقق آن بعد از عقد و قبل از نزدیکی اشکال است و بنابر اقرب ثابت است، هر چند سزوار است که احتیاط ترك نگردد.

ص: 176

(مسئله) خيار فسخ از جهت عیوبی که در مرد و زن گفته شد در عقد دائم و منقطع ثابت است، و بنابر اظهار این خيار فوری نبوده و با تأخیر در اعمال آن، ساقط نمی باشد.

(مسئله) فسخ طلاق نبوده و حکم آن را ندارد. و در صورتی که زوج قبل از نزدیکی عقد را فسخ کند، زن مستحق مهر نمی باشد و در صورتی که فسخ بعد از دخول باشد، زوجه مستحق مهر می باشد. و برای دریافت خسارت پرداخت مهر به کسی که او را فریب داده، رجوع می کند و در صورتی که خود زن مرد را فریب داده، مستحق مهر نمی باشد. همچنین اگر زن عقد را قبل از دخول فسخ کند، مستحق مهر نبوده، مگر در صورتی که عیب موجب فسخ ناتوانی مرد از عمل جنسی باشد که به آن عنن گفته می شود که در این صورت نصف مهر برای زن ثابت است.

(مسئله) در صورت اختلاف در عیب، قول کسی که عیب را انکار می کند، در صورتی که منکر قسم خورده و مدعی عیب نبوده باشد، مقدم است.

(مسئله) در خصوص عیب ناتوانی جنسی باید به حاکم شرع رجوع شده و حاکم شخص عنین و ناتوان را بعد از مراجعه، يك سال مهلت می دهد، در خلال این زمان اگر بتواند با همسر خود و یا زن دیگری نزدیکی کند، حق فسخ برای زوجه نمی باشد و در صورتی که از عمل جنسی ناتوان ماند، زن در صورت خواست خود عقد را فسخ می کند.

(مسئله) اگر زنی را به گمان اینکه آن زن باکره می باشد، عقد نموده و بعد معلوم شود که باکره نبوده است، زوج حق فسخ عقد را ندارد، بلکه به مقدار تفاوت بین باکره و غیر باکره از مهر کم می شود که به این مابه التفاوت ارش گفته شده و فقط در این مورد به روایت معتبر ثابت بوده و در عیوب دیگر ثابت نمی باشد.

عیوب دیگر

سؤال (188) در صورتی که شخصی مبتلا به يك بیماری مسری مثل التهاب کبدی باشد و بیماری ذکر شده در حال نزدیکی قابل انتقال می باشد، آیا بر شخص مبتلا- به این بیماری واجب است، در هنگام خواستگاری مریضی خود را اعلام نموده و طرف مقابل را مطلع سازد؟

(بسمه تعالی): واجب است زنی را که می خواهد با او ازدواج کند از مریضی خود آگاه سازد. و همچنین در صورتی که شخص مبتلا به هرگونه مریضی مسری باشد که با معاشرت منتقل می گردد، والله العالم.

سؤال (189) مردی با زنی ازدواج نموده و بعد از آن فهمیده که یکی از دستهای او حرکت نداشته و فلج می باشد. آیا این نقص در زن با توجه به اینکه قبل از عقد مرد را مطلع نساخته، غش در ازدواج محسوب می گردد و در صورت طلاق، آیا این زن مستحق همه ی مهر می باشد؟

ص: 178

(بسمه تعالی): عقد ذکر شده صحیح بوده و در صورت طلاق، زن قبل از نزدیکی مستحق نصف مهر می باشد، والله العالم.

سؤال (190) مردی با زنی ازدواج نموده که مبتلا به بیماری صرع می باشد، در حالی که قبل از عقد و هنگام عقد هم مرد متوجه ی این بیماری نبوده و بعد از انجام نزدیکی متوجه ی بیماری همسرش شده، هم اکنون می خواهد او را طلاق دهد، چه مقدار از مهر را این زن مستحق می باشد؟ با توجه به اینکه پدر این زن از بیماری او مطلع بوده و در هنگام خواستگاری اشاره ای به آن ننموده و بیماری دخترش را چیزی جزیی و ساده جلوه داده و اشاره به اینکه، این مریضی صرع می باشد، نکرده است در حالی که این زن در هنگام ابتلاء به این عارضه، هرچه در دسترس او باشد، پرتاب می کند و اگر بچه ای در مقابل او باشد، از ضرر او ایمن نبوده و به طور کلی از حال طبیعی خارج است؟

(بسمه تعالی): بر همسر واجب است که همه ی مهر زن را به او پرداخت کند، هرچند که پدر دختر او را فریب داده باشد؛ زیرا در این فرض زوج راضی به بقاء ازدواج با زوجه بوده و بعد از مدتی قصد طلاق دادن را نموده است، والله العالم.

سؤال (191) مردی با زنی ازدواج نموده و بعد از ازدواج، زن متوجه شده که شوهرش مبتلا به ضعف اعصاب شدید بوده و پیوسته باید دارو مصرف کند، اگرچه این بیماری به حد جنون نمی رسد که زن حق فسخ

ص: 179

داشته باشد، اکنون این زن درخواست طلاق از شوهرش را داشته و شوهر هم او را طلاق خلع نموده است. آیا جایز است که زن این عیب را برای مردم بیان کند، در حالی که این عیب يك سر مخفی و عیب پنهانی می باشد و اگر فاش شود، مردم گمان می کنند که آن مرد دیوانه است؟

(بسمه تعالی): ذکر این عیب و بیماری برای مردم جایز نمی باشد، ولی در صورتی که زنی بخواهد با این مرد ازدواج کند و با همسر قبلی او مشورت کند، می تواند عیب او را فقط برای زنی که با او مشورت می کند، اظهار کند و به او بگوید ازدواج با این شخص به صلاح شما نمی باشد، والله العالم.

مقصد دوم: عقد منقطع و ازدواج موقت

فصل اول: حکم عقد موقت

سؤال (192) آیا مردی که همسر دائمی دارد، می تواند ازدواج موقت کند، هر چند در سفر هم نبوده و همسرش سالم است؟

(بسمه تعالی): ازدواج موقت با حفظ شرایط آن که در رساله ی عملیه آمده، مانعی ندارد، هر چند که شخص زوجه دائمی داشته باشد، ولی در صورتی که اراده ی ازدواج موقت با زن های اهل کتاب را داشته باشد، باید از همسر مسلمان خود اجازه بگیرد، والله العالم.

ص: 180

سؤال (193) دختر و پسری که هر دو مؤمن بوده و همدیگر را دوست دارند و ملتزم به احکام شرعیه می باشند، ولی به خاطر ابتلاء پسر به يك بیماری خطرناك، او نمی تواند به خواستگاری دختر رفته و هم اکنون به خاطر ابتلاء به يك نوع سرطان پوستی در صورت، مورد جراحی متعدد واقع شده و صورت او متورم و باعث تغییر شکل و شمایل صورت او شده است. وی هم اکنون در بیمارستان بستری بوده و توان خواستگاری از دختر مورد علاقه ی خود را ندارد و با وضعیت موجود هرگز والدین دختر اجازه ازدواج او با شخص مذکور را نخواهند داد. آیا می تواند قبل از مرگ با دختر دلخواه خود ازدواج موقت داشته باشد؟ با توجه به اینکه دختر باکره بوده و پسر هم در حال کاملاً نامساعدی می باشد؟ چگونه می توانند با هم ازدواج نمایند؟

(بسمه تعالی): در ازدواج باکره اذن و اجازه ی پدر در هر دو نوع ازدواج چه دائم و چه منقطع معتبر می باشد و حالات و شرایط طرفین برای انتخاب عقد دائم و یا موقت تاثیر در حکم ندارد، والله العالم.

سؤال (194) من دختر جوانی هستم که تا به حال ارتباط و یا ازدواج با شخصی نداشتم و در خانه ی پدری و زیر سایه ی پدرم بحمدالله زندگی می کنم و تربیت عمده ی من به واسطه ی مادرم بوده و پدرم به واسطه ی پیری و سن بالا نقشی در خانه ندارد و خرج زندگی و مایحتاج خود و

منزل را هم خودم تهیه می کنم. اکنون با جوانی که هم مذهب خودم می باشد، آشنا شده ام و تصمیم گرفتیم که عقد ازدواج موقت جاری نماییم، آیا اجراء عقد موقت به شرط عدم دخول زوج در ضمن عقد، بدون کسب رضایت پدر جایز است؟

(بسمه تعالی): در ازدواج باکره رضایت پدر و اذن او باید احراز شود و این مسئله در نزد ما بنا بر احتیاط واجب می باشد و شرط عدم دخول هم تاثیری در حکم ندارد، این در حالی است که بسیاری از اشخاص بعد از انعقاد عقد و ایجاد انس و الفت بین آنها و زوجه به شرط مذکور عمل نمی کنند. شما باید صبر کنید از خداوند عالم می خواهیم که انشاء الله شوهر مناسبی که متدین و دلخواه شما باشد، برایتان عنایت فرماید، والله العالم.

خاتمه: مسایل متفرقه ای در ازدواج

1 - تعریف شخص خنثی

سؤال (195) تعریف خنثی و حکم ازدواج با او را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): خنثی بر دو قسم تقسیم می شود، یکی آن خنثایی است که تشخیص مرد و یا زن بودن او ممکن است. پس اگر با وجود علامات مردانگی مرد بودن او مشخص شد، احکام مردانگی بر او جاری می شود و او می تواند با هر زنی که خواست، ازدواج کند و

ص: 182

اگر علایم و مشخصات زنانه در او نمایان شد، ملحق به زنان شده و او می تواند شوهر کند.

قسم دوم: آن خنثایی است که هیچ کدام از دو جنسیت در او محرز نبوده و علامات مشخصه ی هیچ کدام از دو جنس را ندارد، در این صورت نه می تواند زن بگیرد و نه شوهر کند، والله العالم.

2 - خواهری که به وسیله ی شیر خوردن محرم می شود

سؤال (196) زنی که مدتی دختر خاله اش را شیر داده و سبب آن مریضی و بستری شدن مادر بچه بوده، این زن به مدت هشت روز و شب به شکل مستمر او را شیر داده است. هم اکنون می تواند این دختر را بعد از مدتی برای یکی از پسرانش عقد کند؟

(بسمه تعالی): اگر شیر دادن شرعی تمام شده باشد، چنانچه از ظاهر سؤال استفاده می شود. این دختر حکم خواهر رضایی برای پسران زن شیرده را دارد و ازدواج پسرهای زن شیرده با این دختر جایز نمی باشد، والله العالم.

ص: 183

قسمت دوم: معاملات

احكام طلاق

اشاره

ص: 185

سؤال (197) در عمل تلقیح و باروری مصنوعی، آیا زن در صورتی که منی متعلق به زوج خودش نبوده، باید عدّه نگه دارد؟

خوئی (قدس سرّه): در فرض سؤال اگر این زن بعد از باروری مصنوعی طلاق داده شود، باید عدّه ی طلاق را نگه دارد. و اگر عدّه جهت طلاق نباشد، باید به خاطر باروری مصنوعی باز عدّه نگه دارد.

سؤال (198) بنا بر قول معروف بین فقها زن باید قبل از ازدواج دوم عدّه نگه دارد و باید در این عدّه و مقدار آن به عادت ماهیانه ی خود رجوع کند. اگر زنی دارای رحم نبوده و یا یائسه باشد، آیا عدّه بر او واجب است؟

(بسمه تعالی): عدّه ی وفات 4 ماه و ده روز می باشد و بر هر زنی که شوهرش از دنیا رفته است واجب می باشد، بدون اینکه در این مسئله تفصیل باشد و اما عدّه ی طلاق اگر زن مطلقه در سن زنهایی است که بر حسب متعارف حیض می بینند، ولی این زن به

خاطر موانعی حیضی نمی بیند، هرچند مانع نداشتن رحم باشد، باید سه ماه عده نگه دارد. چنانچه این زن باید قبل از طلاق سه ماه صبر کند، پس وقتی طلاق واقع شد، در آن صورت بعد از طلاق عده نگه دارد.

سؤال (199) در صورتی که رحم زن را بیرون آورده باشند، آیا واجب است عده نگه دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که عمل نزدیکی در فرض سؤال انجام شده باشد، باید عده نگه دارد، والله العالم.

فصل دوم: وکالت در طلاق

سؤال (200) مردی که دارای مریضی روحی و عصبی می باشد و اقدام به ازدواج نموده، زوجه ی او بعد از گذشت چند ماه از ازدواج، از بیماری او اطلاع پیدا کرده است. این مرد در هر سال تقریباً دو تا سه ماه دارو استفاده کرده و همسرش هم به این حال راضی بوده، ولی بعد از حامله شدن به بچه ی اول حال مرد بدتر شده، به شکلی که هر هفته دارو مصرف می کند و زندگی با او برای زنش سخت و دشوار شده است و هم اکنون قصد طلاق و جدایی از مرد مذکور را دارد، آیا در شرایط موجود گرفتن وکالت در طلاق از مرد کفایت می کند و همچنین اجازه ی ولی او و یا حاکم شرع کفایت در صحت طلاق می کند؟

ص: 188

(بسمه تعالی): در صورتی که مرد در حال عادی و در اعتدال عقلی خود به زن وکالت در طلاق داده باشد، وکالت او صحیح می باشد. ولی اگر در حال عصبانیت و غضب شدید وکالت داده و بعداً پشیمان شده باشد، وکالت صحیح نمی باشد، والله العالم.

ص: 189

قسمت دوم: معاملات

احكام وكالت

اشاره

ص: 191

سؤال (201) زنی که برادرش وکیل مالی وی بوده و بعد از مدتی مبتلا به بیماری گردیده که در بعضی موارد دارای عقل و شعور لازم نبوده و در بعضی موارد فاقد درك لازم است، آیا وکالت در موارد عدم ادراك ساقط می گردد؟

تبریزی (قدس سرّه): تا زمانی که دارای عقل و ادراك باشد، وکالت استمرار داشته و در موردی که ادراك را از دست می دهد، وکالت ساقط می شود. و باید در صورت بهبودی دوباره عقد وکالت تجدید گردد و در هر زمانی که ادراك را از دست بدهد، وکالت ساقط می گردد، والله العالم.

سؤال (202) من يك نفر از افراد خانواده هستم که از پدرم مقداری پول برای مخارج خانواده می گرفتم، در آن زمان پدرم دارای صحت بدنی و عقلی کامل بود. ولی اکنون پدرم زمین گیر شده و من درصحت عقل او شك دارم و هم اکنون در خانواده ی من کسانی هستند که مستحق نفقه می باشند، تکلیف من الآن چیست. آیا برای تصرف در اموال پدری و پرداخت نفقه ی خانواده احتیاج به اجازه از شما دارم و آیا پول قبض تلفن

از نفقات واجبه محسوب می گردد، لطفاً نظر مبارك خود و مرحوم آیت الله خوئی را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که پدر بزرگ پدری شما زنده است، بنابر احتیاط واجب باید از حاکم شرع و یا از وکیل او اجازه گرفته و در اموال پسرش تصرف نموده و نفقه ی خانواده ی پسرش را، خود و یا وکیلش پرداخت کند. و در غیر این صورت شما به وکیل اینجانب در منطقه ی خود مراجعه نموده، و او با وجود مصلحت به شما اجازه تصرف در اموال پدرتان را داده و شما هم مانند پدر بزرگتان می توانید، در پرداخت نفقه واجبه به خانواده از اموال پدری استفاده نمایید و هزینه ی مکالمات تلفنی که ضروری باشد، جزء نفقه می باشد، والله العالم.

ص: 194

قسمت دوم: معاملات

احكام وصيت

اشاره

فصل اول: در منجزات مريض

فصل دوم: در ضمان اموال شخص

مريض

ص: 195

(مسئله) در صورتی که شخص مریضی در مرضی که منتهی به مرگش می شود تصرفاتی در اموالش کند که آن تصرفات منجز باشد، این گونه تصرفات به دو قسمت تقسیم می شود: 1- تصرفاتی که مجانی نمی باشد؛ مثل اینکه جنسی را به قیمت واقعی آن و یا اینکه مالی را به قیمت واقعی اجاره دهد. اینگونه تصرفات بلا اشکال صحیح می باشد.

2- تصرفاتی که مشتمل بر نوعی بخشش و اعطاء مجانی باشد؛ مثل اینکه بنده ای را آزاد نماید و یا اینکه کسی را بری الذمه نماید و یا اینکه هدیه ی مجانی به کسی بدهد. و یا اینکه هبه و هدیه معوضه بوده، ولی عوضی را که در مقابل آن قرار داده، قیمتش کمتر از جنسی باشد که هدیه داده و یا اینکه جنس را کمتر از قیمت آن بفروشد و یا اینکه اجاره دهد، و یا اینکه متاعی را به کمتر از قیمتش که آن را اجاره می کنند و مانند اینها که تصرف موجب نقص در مال او می شود. بنابر ظاهر این قسم از تصرفات صحیح بوده و قول بعضی از فقها که گفته اند، باید از ثلث مال

بیشتر نبوده و در صورت بیشتری باید ورثه ی او اجازه دهند، ضعیف می باشد.

(مسئله) اگر مریض اقرار کند که به گردن او عین یا دینی برای ورثه یا غیر از آنها می باشد، در صورتی این اقرار قابل قبول است که مریض امین و راستگو باشد و اگر شخص مریض متهم به کذب باشد، فقط به اندازه ی ثلث مالش، به اقرارش عمل می شود. این در صورتی است که اقرار کننده در مرضی باشد که منجر به فوت او شود، اما اگر شخص اقرار کننده سالم و یا مرضش قابل علاج باشد، از اصل مال این مقدار از اقرار خارج می شود، اگرچه مریض متهم به کذب باشد.

(مسئله) اگر در وصیت بگوید این مال بعد از مرگم وقف باشد، و یا امثال این تعابیر که ایقاع را معلق و مشروط به مرگ می کند، این شکل از وصیت باطل بوده و اثری ندارد، هر چند ورثه آن را اجازه دهند.

(مسئله) انشایی که مشروط به مرگ می باشد، در دو صورت صحیح است.

1 - انشاء ملکیت که به آن وصیت تملیکی می گویند و یا انشاء ولایت، چنانچه در موارد وصیت عهدیه می باشد.

2 - انشاء عتق و آزادی عبد که به آن تدبیر گفته می شود و در غیر این صورت از موارد دیگر انشاء صحیح نمی باشد.

(مسئله) اگر بگوید این مال را بعد از مرگم فروختم و یا اجاره دادم و یا معامله و یا وقف نمودم، باطل بوده و عبارات مذکور اثری ندارد و حکم وصیت به بیع و یا وقف جاری نمی گردد. بنابراین بر ورثه واجب نمی باشد که مال مذکور را بعد از مرگش بفروشند و یا وقف کنند، مگر اینکه از ظاهر کلامش استفاده شود که مراد او وصیت به بیع و یا وقف می باشد که در این صورت وصیت صحیح بوده و باید به آن عمل گردد.

(مسئله) اگر به شخص بدهکار بگوید که بعد از مرگم تو را بری الذمه کردم و ورثه ی او هم بعد از مرگش اجازه دادند، در این فرض ذمه ی مدیون از دین پاک می گردد و اجازه ی ورثه در حقیقت چشم پوشی از حقیقتان بوده و ابراء ذمه ی بدهکار از طرف آنها محسوب می گردد.

فصل دوم: در ضمان اموال مریض

سؤال (203) اگر فرزندی با پدرش در سفری همراهی نماید، در این سفر پدر توانایی انجام کارهای خود را نداشته و فرزند به خاطر لال بودن پدر و فقد درك و شعور لازم متکفل کارهای او شده است. آنها در سفر به مکانی می رسند که تا مقصد اصلی آنان فاصله ی زیادی بوده و فرزند برای مراعات حال پدر با اینکه ماشین سواری هم بوده، قصد می کند که پدر را با هواپیما به مقصد برساند، او مقداری پول به شخصی می دهد که آنان با هواپیما به مقصد برسند، ولی شخص مذکور بعد از گرفتن پول به وعده ی

خود عمل نکرده و پول را هم برنمی گردانند. اکنون سؤال این است، با توجه به اینکه تهیه ی هواپیما به خاطر حال نامناسب پدر ضروری بوده و فرزند هم امکان دسترسی به حاکم شرعی، برای استجازه در تصرف پول پدر را نداشته، آیا در مقابل پول هدر رفته، فرزند ضامن پدر می باشد.

و در صورتی که فرزند به خاطر مراعات امر پدر مجبور به این سفر شده، آیا می تواند اجرت خدمات خود و خانواده اش را از اموال پدر بردارد و آیا پدر در مقابل این خدمات ضامن فرزند می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): در مفروض سؤال، فرزند مقداری از مال پدر را به گمان اینکه صرف آن مال به صلاح پدر می باشد، تلف نموده و مصلحت هم حاصل نشده است و در مقابل مال تلف شده ضامن می باشد: اما اخذ و گرفتن اجرت خدماتی که خود و خانواده اش داشته اند، در صورتی که واقعاً او و خانواده اش خدماتی به پدر کرده و در این خدمات از اول قصد گرفتن اجرت داشته اند، مستحق اجرة المثل می باشند.

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که پدر از فرزند و خانواده اش خواسته که او را در سفر همراهی کنند و پدر هم می دانسته، آنان نفقه ی سفر را ندارند. باید هزینه و نفقه ی سفر آنان را پرداخت نماید و اگر در مسئله سوار شدن هواپیما فرزند سهل انگاری نموده، ضامن است و در غیر این صورت ضمانت ندارد. ولی در صورتی که پدر از

فرزندش درخواست نکرده، فرزند به میل خود و برای اینکه پدرشان تنها سفر نکند، همراه او رفته است. نفقه ی سفر به عهده ی خود او بوده و در صورتی که او و خانواده اش از اول قصد گرفتن اجرت از پدر را داشته و قصد شان خدمت مجانی نبوده، مستحق اجرة المثل می باشند و در این صورت فرزند ضامن پولی است که در اجرت هواپیما تلف نموده، چه مسامحه کرده باشد و چه نکرده باشد.

ص: 201

قسمت دوم: معاملات

احكام هديه و نذر و عهد

ص: 203

سؤال (204) فرزندم مریض گردید و برای معالجه ی او مقداری از کمک های مردم را جمع نمودم. بعد از پایان معالجه و با توجه به اینکه فرزندم از دنیا رفته، مقداری از کمک های مردم هنوز باقی مانده است. آیا باقی مانده ی کمک ها مال من می باشد؟ با توجه به اینکه من در مدت معالجه ی فرزندم از شغل خود که روضه خوانی و وعظ و تبلیغ می باشد، به طور کلی محروم بوده و تا آنجا که یکی از وکلای شما مجلسی منعقد نموده و به مردم مؤمن گفته است که آیا فکری برای این خطیب سیدالشهداء که مشغول معالجه ی فرزندش بوده و مدتی است، نتوانسته منبر برود، نموده اید. با توجه به کلمات این شخص مردم مؤمن مقداری برای معالجه ی فرزندم کمک نموده اند، حکم باقی مانده ی این کمک را بفرمایید؟

(بسمه تعالی): اگر مردم پولها را به خود شما داده اند و شما هم آنها را قبض کرده اید، همه ی پولها مال شماست، هر چند برای معالجه ی فرزند شما داده باشند و اگر پولها را برای فرزند مریض شما داده اند و

ص: 205

شما به وکالت از طرف فرزند و یا به خاطر ولایت بر او، پول ها را برای او گرفته اید در این صورت باقی مانده ی پول ها متعلق به ورثه ی فرزند شماست؛ مانند سایر اموالی که از او باقی مانده است، والله العالم.

سؤال (205) اگر مکلف نذر نماید که در صورت شفا و بهبودی مریض خود، عمل معینی را انجام دهد، ولی بعد از شفای مریض عمل مذکور را فراموش نموده و نمی داند که عمل نذر شده، روزه و یا حج عمره و یا نماز، یا صدقه بوده. وظیفه ی او در این حال چیست؟

خوئی (قدس سرّه): در این صورت اگر توانایی دارد، باید همه ی آن اعمالی را که احتمال می دهد متعلق نذر بوده، به جا آورد و در صورت عدم توانایی یکی از آنها را به قید قرعه معین نموده و انجام دهد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): در صورت توانایی باید همه ی آن اعمال را بجا آورد و در صورت عدم قدرت هر کدام را که احتمال می دهد، متعلق نذرش بوده، باید انجام دهد.

سؤال (206) در صورتی که التزام به عهد و یا قسم موجب حرج و سختی برای مکلف باشد؛ مثل کسی که عهد نموده که دیگر سیگار نکشد، ولی هم اکنون به خاطر مریضی و یا مثل آن ترك سیگار برای او موجب

خرج و دشواری است. آیا در این صورت سیگار برای او مباح می باشد و آیا کفاره از او ساقط می شود؟

خوئی (قدس سرّه): در مفروض سؤال استعمال دخانیات برای او مباح بوده و کفاره بر او نمی باشد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): نذر تابع قصد ناذر می باشد و هرچه متعلق نذر بوده، باید انجام دهد.

ص: 207

قسمت دوم: معاملات

احكام حدود و ديات و كفارات

اشاره

ص: 209

سؤال (207) علم پزشکی در حال حاضر آزمایشاتی انجام می دهد که با آنها زنا ثابت می شود و همچنین با این آزمایشات، فرزند ملحق به شخص خاص شده و در بعضی موارد حکم به عدم الحاق و یا عدم ثبوت زنا می گردد، آیا بر این آزمایشات اثر شرعی مترتب می شود، آیا با انجام این آزمایشات نیازی به وجود شهود برای اثبات زنا می باشد، آیا بر این آزمایشات، اثر شرعی در الحاق ولد و یا نفی آن مترتب می گردد؟

خوئی (قدس سره): بر این آزمایشات هیچ اثری شرعی مترتب نگشته و الحاق ولد و یا نفی آن و یا اثبات زنا و امثال این عناوین منوط به وجود ضوابط و قیود شرعیه ایست که بدون آنها هرگز الحاق ولد و یا زنا ثابت نمی شود، واللہ العالم.

سؤال (208) آیا با این آزمایشات می توان حجیت شهود را در طرف تعارض آنها، با آزمایشات طبی ساقط نمود؟

خوئی (قدس سرّه): از جواب سابق روشن شد که این آزمایشات اثر شرعی نداشته و نمی تواند با شهود تعارض نماید، والله العالم.

فصل دوم: اشتباهات پزشکان

مبحث اول: اشتباهی که منجر به قتل می شود

سؤال (209) در صورتی که در عمل جراحی، پزشک جراح اشتبهاً بعضی از رگهای اصلی بدن را که سالم بوده، بریده و این اشتباه موجب فوت مریض گردیده، لطفاً بفرمایید که این نوع از قتل چه قتلی محسوب گردیده و آیا او ضامن دیه ی مریض می باشد؟

(بسمه تعالی): اگر پزشک قبل از عمل جراحی از اولیاء مریض حکم مبنی بر عدم ضمانت خود در صورت اشتباه را نگرفته باشد، ضامن دیه ی شخص مریض می باشد.

سؤال (210) پزشکی که مریض را مورد عمل جراحی قرار داده و مریض در اثناء عمل به خاطر وخامت حالش و بدون کوتاهی پزشک معالج فوت نموده است. آیا اینگونه فوت در اثناء عمل قتل محسوب می گردد و اگر قتل محسوب می گردد، آیا قتل عمدی محسوب می گردد و یا شبه عمد بوده و یا خطای محض می باشد؟

ص: 212

(بسمه تعالی): اگر پزشك جراح قبل از عمل جراحی از اولیاء مریض حکم عدم ضمان خویش در صورت اشتباه منجر به فوت را نگرفته باشد، ضامن دیه ی شخص متوفی می باشد و ولی مریض، خود مریض می باشد، در صورتی که بالغ و عاقل و هوشیار باشد و اگر این خصوصیات را ندارد، پدر او و یا جد پدری او، ولی او محسوب می گردند و در صورت عدم وجود آنها مؤمنین عادل و در صورت عدم وجود آنها ولی او، حاکم شرعی و یا وکیل او می باشد.

سؤال (211) معیار و فرق بین اقسام سه گانه ی قتل؛ یعنی قتل عمد و یا شبه عمد و خطای محض را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که قصد و انگیزه ی قتل در شخص موجود بوده و یا آلت و وسیله ای که از آن استفاده نموده، عرفاً کشنده محسوب شود. قتل عمد محسوب می گردد و در صورتی که قصد و انگیزه ی قتل را نداشته و قصد عملی را نموده که عرفاً کشنده نمی باشد، ولی اتفاقاً موجب قتل گردیده، شبه عمد گفته می شود و در صورتی که قصد و انگیزه ی قتل را نداشته؛ مثل اینکه تیر را در کمان گذاشته، برای صید حیوانی و طریق و راه هم محل مرور انسان نبوده، ولی اتفاقاً تیر به انسان اصابت نمود، در این صورت قتل خطای محض گفته می شود.

ص: 213

سؤال (212) پزشکی جهت دلسوزی به حیات مریضی که دارای مرضهای متعدد غیر قابل معالجه بوده، خاتمه داده است. آیا این عمل فقط

موجب دیه می گردد و یا موجب قصاص هم می شود؟ با توجه به مورد سؤال، لطفاً جواب موارد زیر را بفرمایید؟

الف - در صورتی که مریض از پزشک درخواست خاتمه دادن به زندگیش را نکرده؟

(بسمه تعالی): پایان دادن به حیات مریض جایز نمی باشد، هر چند مریض از پزشک طلب کند و قتل در این صورت عمدی محسوب می گردد.

ب - مریض با نوشتن نامه و یا شفاهاً از پزشک درخواست عمل مذکور را نموده است؟

(بسمه تعالی): از جواب مسئله ی قبلی جواب این مسئله ظاهر می گردد.

ج - نوع قتل در صورت ذکر شده، چه نوعی از انواع قتل محسوب می گردد؟

(بسمه تعالی): جواب از مسایل قبلی معلوم گردید.

سؤال (213) آیا در صورت اشتباه پزشک و رسیدن ضرر به مریض، پزشک ضامن می باشد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که از مریض و یا ولی شرعی او حکم عدم ضمان خود را در صورت اشتباه گرفته، ضامن نبوده و در غیر این صورت ضامن است، والله العالم.

ص: 214

سؤال (214) اینجانب پزشک هستم و در رساله ی عملیه ی منهاج الصالحین جزء سوم در ضمن احکام دیات در مسئله سؤال (1168) معنا و مفهوم کلماتی مثل ارش و عاقله را نفهمیدم. همچنین آیا مراد از اهل خبره که حاکم شرع در یقین به مقدار ارش به آنان رجوع می کند. همه ی پزشکان می باشند و یا خصوص پزشکان متخصص؟ البته بحسب تخصصی که دارند و آیا مذهب و دیانت و اعتقادات شرعی پزشک در این موضوع دخالتی دارد؟ مستدعی است که معنای عنوانین ذکر شده را بیان فرمایید که دارای اهمیت فراوانی در حرفه ای پزشکی می باشد؟

(بسمه تعالی): ارش یعنی مقدار تفاوت مابین سالم و معیّب از هر چیزی. و عاقله به کسانی گفته می شود که با مکلف نزدیکی و قرابت دارند؛ مانند فرزندان و برادران و فامیل او. و اهل خبره هم کسانی هستند که اطلاع از قیمت و ارزش واقعی اشیاء دارند.

سؤال (215) من پزشک متخصص زنان و زایمان هستم، در يك جراحی جهت اهمال و اشتباهی که کردم، خانمی که باکره بوده، بکارت خود را از دست داده است. آیا ديه ی ازاله ی بکارت بر من واجب می شود؟

(بسمه تعالی): در صورتی که پزشک قبل از عمل جراحی از مریض و یا ولی شرعی او حکم ضامن نبودن به ديه در صورت اشتباه در

معالجه را گرفته، ضامن ديه نمى باشد و در غير اين صورت اگر خود پزشك مباشرتاً عمل جراحى را انجام داده باشد، ضامن است.

ولى در صورتى كه معالجه ي به اين شكل بوده كه پزشك مصرف داروى را براى معالجه مرضى مفيد دانسته و مريض به اختيار خودش آن دارو را مصرف نموده و موجب مرگ و يا ضررى بر او گرديده، در اين صورت پزشك ضامن نمى باشد و از اين جواب، جواب بسيارى از مسايل مطرح شده ظاهر مى شود.

سؤال (216) من پزشك متخصص اطفال مى باشم و مريضان من اشخاصى هستند كه به بلوغ شرعى نرسيده اند در بعضى اوقات به خاطر اشتباه و سهل انگارى من، بر من ديه ي شرعى واجب مى شود، آيا ديه ي طفل قبل از بلوغ و ديه ي انسان بالغ يكسان است؟

(بسمه تعالى): در مقدار ديه فرقى بين بلوغ مريض وعدم بلوغ او در صورت زنده ماندن مريض نمى باشد.

سؤال (217) من پزشك متخصص جراحى هستم. در يك عمل به خاطر سهل انگارى من يك مريض مجنون از دنيا رفته است. آيا پرداخت ديه ي شخص مجنون واجب است و آيا در وجوب ديه فرقى بين جنون ادوارى و طباقى وجود دارد؟

(بسمه تعالى): جواب اين سؤال از جواب سؤال قبلى روشن مى شود.

سؤال (218) من شخص مسلمانی هستم که فرزندم را که 20 سال از عمرش گذشته بود، برای عمل جراحی نزد پزشک غیرمسلمان بردم. این عمل جراحی به اعتراف خود پزشک جراح به خاطر سهیل انگاری او منجر به فوت فرزندم شد. آیا من حق مطالبه ی دیه ی فرزندم را در مفروض سؤال دارم. آیا دین شخص جانی در ثبوت دیه تفاوتی می کند، آیا اگر دین پزشک دیه ای را در صورت مذکور واجب نداند، من می توانم مطالبه ی دیه نمایم؟

(بسمه تعالی): جواب این مسئله، در جواب سؤال های سابق گذشت.

سؤال (219) در اتاق عمل، عمل جراحی را گروهی که متشکل از یک پزشک متخصص جراحی و پزشک متخصص بیهوشی و پزشکی که به جراح کمک می کند و کسی که به پزشک بیهوشی کمک می کند و پرستاری که به جراح کمک می کند، انجام می دهد. لطفاً بفرمایید که مباشر به قتل در صورت بروز اشتباهاتی که در سؤال های زیر گفته می شود، چه کسی می باشد؟

۱- پزشک متخصص جراح رگ سالمی را که رگ شریانی بوده، اشتبهاً قطع نموده و این عمل منجر به مرگ مریض شده است؟

(بسمه تعالی): جواب از جواب های گذشته معلوم می گردد.

ص: 217

ب - پزشك متخصص بیهوشی قطره ای را که مخصوص بیهوشی می باشد، به مقدار بیشتر از معمول به مریض داده است و این عمل موجب مرگ مریض هنگام عمل می شود؟

(بسمه تعالی): جواب از جواب های گذشته معلوم می گردد.

سؤال (220) در بیمارستان ها به شکل معمول طریق معالجه ی مریضان با رجوع به گروهی است که عبارت اند از: يك متخصص و يك پزشك ثابت در بیمارستان و کسی که در داروخانه، داروها را جمع نموده و به مریض می دهد و پرستاری که عمل دادن داروها و تزریق آمپول و یا سرم را به عهده دارد، با توجه به آنچه که ذکر شده، مباشر به قتل در موارد سؤالات زیر چه کسی می باشد؟

الف - موردی که پزشك متخصص دارویی را برای مریض اشتباهاً نام می برد و پزشك ثابت هم این دارو را اعتماداً به قول پزشك متخصص نوشته و به مریض می دهد، مریض هم نسخه را به داروخانه برده و از مسئول داروخانه تحویل می گیرد و پرستار هم این دارو را به مریض داده و مصرف آن منجر به فوت او می شود، در این صورت مباشر به قتل چه کسی است؟

(بسمه تعالی): جواب سؤال از جوابهای قبلی روشن می شود.

ب - در صورتی که پزشك متخصص دارویی را برای مریض تجویز نموده، ولی پزشك عمومی در نوشتن نام داروی مورد نظر اشتباه نموده و

داروی دیگری را در نسخه نوشته است و مسئول داروخانه هم این داروی اشتباه را به مریض داده و پرستار هم همان دارو را به مریض خورانیده است که منجر به فوت مریض گردیده، حکم فرض مذکور را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): جواب این سؤال از جوابهای سابق روشن می شود.

1 - موارد زیادتز شدن دیه و یا تبدیل آن

سؤال (221) 1 - من پزشك جراح می باشم که به عهده ی من دیه ی شرعیه آمده و من می خواهم آن را با پرداخت 200 گاو بپردازم، آیا می توانم 200 گاو را قیمت نموده و قیمت آن را ادا نمایم، با توجه به اینکه تهیه ی 200 گاو و پرداخت آن نوعاً مشکل می باشد؟

(بسمه تعالی): پرداخت قیمت دیه به جای خود آن، چنانچه در مسئله فرض گردیده، مشروط به اجازه و رضایت ولی شرعی کسی است که جنایت بر او وارد شده و قاتل در پرداخت نوع دیه در صورتی مخیر است که قتل، قتل خطایی باشد.

2 - آیا علاوه بر دیه، کفاره هم بر من واجب می شود؟

(بسمه تعالی): در صورتی که قتل مستند به عمل پزشك باشد و قتل هم عمدی باشد، بر عهده ی او کفاره جمع ثابت می شود و در صورتی که قتل خطایی باشد، کفاره به نحو ترتب بوده؛ یعنی اگر نتوانست دو ماه روزه بگیرد، باید شصت فقیر را اطعام نماید.

ص: 219

3 - آیا حکم دیه تشدید و تغلیظ می‌گردد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که قتل در ماه‌های حرام باشد، دیه تشدید و تغلیظ می‌گردد.

4 - در صورتی که عمل جراحی در مسایل ذکر شده، در یک روز قبل از ماه رجب واقع شده و مریض در روز اول ماه رجب فوت کرده باشد، آیا دیه ی ماه حرام محسوب می‌گردد و به عبارت دیگر معیار تغلیظ دیه، وقت واقع شدن جنایت است یا هنگام وفات؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مرگ در ماه رجب باشد، دیه تغلیظ می‌گردد، هر چند جنایت قبل از رجب باشد.

سؤال (222) من پزشك متخصص جراحی هستم. در روز آخر ماه محرم الحرام عملی را بر روی مریضی انجام دادم، ولی متاسفانه بر اثر اشتباه من و بریده شدن یکی از رگهای اصلی بدن، مریض از دنیا رفت، ولی هنگام فوت او اول ماه صفر بود، آیا دیه ی واجبه، دیه ی عادی است یا دیه ی ماههای حرام محسوب می‌گردد؟

(بسمه تعالی): در قتل عمدی یا خطایی در صورتی که در ماه حرام باشد، یک دیه ی کامله و ثلث آن را باید پزشك، در صورتی که قتل مستند به عمل او بوده، پرداخت کند.

ص: 220

سؤال (223) مردی به همسرش گفته، حمل خود را سقط کند. همسر هم به حرف شوهرش گوش داده و برای سقط به نزد پزشك مراجعه نموده و بچه را ساقط نموده است. اکنون ديه بر چه کسی واجب است و باید ديه را به چه کسی پرداخت نمود. آیا در صورتی که حمل سقط شده، دارای برادرانی باشد، ديه به آنها داده می شود و اگر خود مادر با خوردن قرص حمل را سقط نماید، ديه به عهده ی چه کسی است؟

(بسمه تعالی): ديه به عهده ی کسی است که به دست او و با عمل او حمل ساقط شده است. به همین جهت در فرض اول ديه به عهده ی پزشك و در فرض دوم به عهده ی زن می باشد، والله العالم.

سؤال (224) یکی از فامیل های من که نابینا می باشد، بچه ی اوّل او نابینا بدنیا آمده و همچنین فرزند دوم او هم نابینا متولد گردیده است. او هم اکنون حامله به بچه ی سوم می باشد. پزشك متخصص او به ایشان پیشنهاد سقط حمل را داده و به او گفته که بچه ی سوم هم نابینا بدنیا خواهد آمد.

اکنون با توجه به اینکه مدت حمل 30 روز بوده، چه کسی ضامن ديه می باشد و در صورتی که این شخص از کرده ی خود نادم است، چه کار کند که در نزد خدا بری الذمه گردد؟

(بسمه تعالی): برای زن جایز نمی باشد که از گفته ی پزشك در اسقاط حمل پیروی کند، چنانچه جایز نیست در نزد پزشك برای عمل سقط بدن خود را ظاهر سازد و دیه به گردن کسی است که به دست و به مباشرت او حمل ساقط می شود، والله العالم.

3 - دیه ی کفار

سؤال (225) من پزشك جراح می باشم که مریضانی به من مراجعه نموده و گاهی اوقات به سبب اشتباه من، دیه بر من واجب می گردد، ولی مریضانی که به من مراجعه می نمایند، همه از متدینین به آیین اسلام نبوده و در بین آنها از اتباع ادیان دیگر هم هستند. به همین منظور من وعده ای از همکاران از حضرت تعالی می خواهیم که مهمترین دین های غیر اسلامی را ذکر نموده و بالخصوص مقدار دیه ی کفار، مسیحی، صابئین، یزیدی ها، سیک ها، هندوها و بودایی ها را مشروحاً بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): کافر غیر ذمی دیه ندارد و کافر ذمی دیه اش هشتصد درهم می باشد.

سؤال (226) مقصود از کافر حربی که دیه ندارد، چه کسی است؟

(بسمه تعالی): کافر ذمی که به شرایط ذمه عمل می کند، دارای احترام و غیر او کافر حربی محسوب می گردد.

سؤال (227) من پزشك جراحی هستم كه يك عمل جراحی بر روی شخصی كه خنثی بوده انجام داده ام، ولی متأسفانه به خاطر اشتباه من در عمل جراحی شخص خنثی از دنیا رفته است. لطفاً مقدار ديه ی خنثی را طبق موازین شرعیه مرقوم فرمایید؟

(بسمه تعالی): ديه ی خنثی مشکل عبارت است از نصف ديه مرد و نصف ديه زن، اما خنثای غیر مشکل در ديه ملحق می شود، به هر جنسی كه شباهت بیشتری به آن جنس دارد.

ص: 223

قسم سوم: مسایل پزشکی جدید

اشاره

ص: 225

اشاره

سؤال (228) در چه حالی می توان جنین را عمداً سقط نمود؟

(بسمه تعالی): سقط جنین جایز نمی باشد، مگر در صورتی که هنوز روح در جنین دمیده نشده و حمل جنین برای مادر حرجی و مشکل بوده، به شکلی که مادر از بقای جنین در رحم به سلامت خودش بترسد. در این صورت فقط خود مادر می تواند جنین را ساقط نماید، والله العالم.

سؤال (229) در صورتی که زنی دوقلو حامله بوده، سپس یکی از بچه ها در شکم او مرده است. آیا سقط جنین مرده در صورتی که موجب سقط جنین زنده باشد، جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که اخراج طفل مرده با عمل جراحی و حفظ بچه ی دیگر ممکن باشد، این عمل واجب است و در صورتی که اهل

خبره و پزشکان ماهر تشخیص دهند که بقاء و باقی ماندن بچه ی دیگر در رحم مادر منجر به مرگ مادر می شود، در این صورت فقط خود مادر می تواند با خوردن دارو و یا چیزی دیگری برای دفاع از نفس خود، طفل در شکم را ساقط نماید. سپس بعد از مرگ جنین، پزشکان آن را در می آورند و در غیر این صورت سقط بچه ی دیگر جایز نمی باشد، مگر در صورتی که بچه ی دیگر هم مثل بچه ی قبلی بمیرد، والله العالم.

سؤال (230) نظر مبارك شما درباره ی کسی که جنین را سقط کرده، چیست؟ آیا بر این عمل كفاره ی قتل عمد، مانند بالغ مترتب می گردد؟

آیا در این مسئله عمر شخص برای جنین در جواز اسقاط و یا عدم آن معین شده است؟

آیا در شرع مقدس عذری که به استناد به آن بتوان جنین را سقط نمود، معین شده است؟

آیا در صورتی که نظر شما عدم جواز باشد، اجازه می دهید به علمایی که این عمل را جایز می دانند، رجوع شود؟

(بسمه تعالی): سقط جنین جایز نمی باشد، مگر در صورتی که باقی ماندن جنین در رحم باعث مرگ مادر شود که در چنین صورتی فقط مادر به تنهایی می تواند آن را سقط نماید؛ مثل صورتی که دارویی را بنوشد که باعث سقط حمل شود. غیر از مادر کسی

دیگر حق این کار را ندارد و در صورتی که مادر آن را ساقط نمود، باید دیه ی جنین را بپردازد و برای مقدار آن و مراتب جنین به رساله ی عملیه مراجعه نمایید. در صورتی که جنین بر اثر خوردن دارو در رحم مادر بمیرد، برای پزشك خارج کردن آن جایز است و این مورد از مواردی است که زن می تواند، به عنوان معالجه بدن خود را به نامحرم نشان دهد، والله العالم.

1 - اسقاط جنین به خاطر ترس از سلامت مادر

سؤال (231) در صورتی که بقای جنین در رحم مادر منجر به مخاطره افتادن زندگی مادر باشد و پزشكان سقط حمل را در این مورد تجویز نموده باشند، آیا برای مادر سقط حمل جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که بقاء جنین منجر به مرگ مادر شود، جایز است که خطر وارده را با سقط جنین از خود دفع نماید و دیه به عهده ی کسی است که سقط جنین به دست او و به فعل او محقق شده و باید دیه ی آن را به ولی شرعی جنین پرداخت نماید، والله العالم.

سؤال (232) زنی که حامله بوده و جنین در رحمش 4 ماهه می باشد، ولی در اثناء حمل مبتلا به خونریزی شدید شده و این خونریزی يك ماه است که ادامه دارد پزشكان به او گفته اند که اگر حمل را سقط نکنند، حیات و زندگی او به خطر می افتد، با توجه به اینکه خود حمل هم در

ص: 229

خطر بوده و امکان دارد بعد از مدتی سقط شود، آیا اسقاط این جنین جایز است؟

(بسمه تعالی): اگر بقاء جنین در رحم منجر به خطر جانی برای مادر شود، فقط برای مادر جایز است که با خوردن دارو به حیات جنین خاتمه داده و بعد از آن، پزشکان آن را از رحم خارج سازند، والله العالم.

سؤال (233) در بعضی از موارد که زن حامله بوده و در اثناء حمل مبتلا به عوارضی می گردد که بقاء حمل برای حیات او خطر دارد. در این هنگام شوهر او به بیمارستان مراجعه نموده و به او گفته می شود که حفظ جان مادر و بچه هر دو ممکن نبوده و او باید امضا بدهد که یکی از آن دو را پزشکان از خطر مرگ نجات دهند، وظیفه ی شوهر در این حال چیست و وظیفه ی شرعی پزشک معالج را هم بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): اگر شوهر بداند که اگر عمل جراحی سقط انجام نشود، مادر و فرزندش هر دو با هم می میرند، می تواند نجات جان یکی از آن دو را امضا نموده و همچنین برای طبیب، حفظ جان یکی از آنها جایز است.

ولی در صورتی که این مسئله محرز نگردد؛ یعنی مسئله به شکلی باشد که یکی از آن دو در این عارضه می میرد و دیگری سالم می ماند، نمی تواند نجات یکی را امضاء نموده و در صورت امضاء، امضای او فاقد اثر شرعی می باشد. بله اگر مادر بقاء جنین را برای

زندگی خود خطرناک بداند و بقاء آن را موجب مرگ خویش ببیند، می تواند با استعمال دارو به حیات جنین خاتمه داده و بعد از مرگ جنین، پزشکان می توانند آن را بیرون آورند، والله العالم.

2 - اسقاط جنین به خاطر ترس از آبرو و حیثیت

سؤال (234) حکم سقط جنین در صورت ازدواج زن و عدم ازدواج او را بیان فرمایید و همچنین حکم زنی که مرتکب زنا شده، در حالی که ازدواج کرده و یا زنی که مرتکب آن می شود، در حالی که شوهردار نمی باشد، چیست؟

(بسمه تعالی): سقط جنین مطلقاً جایز نمی باشد، ولی در صورتی که انعقاد حمل از زنا باشد و هنوز روح در جنین دمیده نشده و بقاء آن برای زن حرجی و مشکل است، اسقاط آن جایز است و در صورت دمیده شدن روح، اسقاط مطلقاً جایز نبوده و زن حامله از زنا می تواند به نقطه ی دوری سفر کرده و در آنجا وضع حمل نماید، والله العالم.

سؤال (235) آیا اسقاط جنین در مواردی که حمل از زنا باشد و بقاء حمل برای زن حرجی و مشکل باشد، جایز است. در صورت اسقاط، دیه بر عهده ی کیست؟

ص: 231

(بسمه تعالی): در صورتی که حمل از زنا باشد و حفظ حرمت و آبروی زن متوقف بر اسقاط جنین باشد و هنوز روح در جنین دمیده نشده باشد و امکان سفر به محل دور دستی برای وضع حمل نباشد، اسقاط جایز است، والله العالم.

سؤال (236) مردی با زن نامحرمی زنا کرده و زن حامله شده است، بعد از گذشت دو ماه از مدت حمل آن دو، تصمیم به سقط آن حمل گرفته و آن را به خاطر ترس از آبرو و حیثیت زن به کمک هم سقط کرده اند. آیا در این صورت كفاره واجب می گردد و مقدار دیه چقدر بوده و آن دیه را به چه کسی پرداخت نمایند؟

(بسمه تعالی): اسقاط جنین جایز نمی باشد و در صورت تحقق اسقاط، دیه به عهده ی کسی است که مباشرتاً آن را سقط کرده است و در صورت اشتراك در سقط، دیه بین زن و مرد سقط کننده تقسیم می شود و دیه را باید به حاکم شرع بدهند و مبلغ آن چهل دینار طلاست، والله العالم.

سؤال (237) در کتاب صراط النجاة، ج 3، سؤال 780 اینگونه ذکر شده، اگر زنی از راه زنا باردار گردد، می تواند حمل را سقط کند تا آبروی خود را حفظ نماید، که در جواب مرحوم آقای خوئی (قدس سرّه) آمده، جایز نمی باشد، مگر در صورتی که زن اضطرار به سقط داشته باشد. آیا مراد از اضطرار در جواب مرحوم خوئی فقط اضطرار حفظ جان زن می باشد و یا شامل

ص: 232

ترس از بی آبرویی و بی حیثیتی او هم می شود و اگر مرد زانی با زن مذکور اتفاق کرده و برای سقط به پزشک مراجعه نمایند. دیه ی سقط بر عهده ی کدام يك از آنهاست؟ و در صورتی که حمل شش هفته و یا هفت هفته از عمرش گذشته باشد، مقدار دیه اش چقدر می باشد و دیه را باید به چه کسی پرداخت نماید؟

(بسمه تعالی): سقط جنین قبل از دمیدن روح در حال اضطرار؛ مثل ترس از جان و یا از عرض و آبروی خود و خانواده اش جایز بوده و مقدار دیه یکصد دینار می باشد که باید در مفروض سؤال، چون پزشک اقدام به آن نموده، به حاکم شرع پرداخت کند، واللہ العالم.

3 - اسقاط جنین به خاطر ناقص بودن آن

سؤال (238) آیا سقط جنین در موارد زیر جایز است:

الف - در صورتی که زن باردار مبتلا به مرض خطرناک باشد؛ مثل عوارض قلبی شدید که بقاء جنین موجب مرگ مادر می شود؟

ب - در صورتی که از راه آزمایش های پزشکی معلوم شود که جنین ناقص بوده و یا مبتلا به مرض صعب العلاج می باشد و بعد از تولد مشکلات زیادی را برای خانواده اش به بار می آورد؟

خوئی (قدس سرّه): الف - در صورتی که بقاء جنین برای زندگی مادر خطرناک باشد، مادر می تواند آن را سقط کرده و باید دیه اش را هم بپردازد.

ص: 233

ب - سقط در این فرض با همه ی اقسامش جایز نمی باشد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): ب - سقط در صورت قبل از دمیده شدن روح، مانعی ندارد.

سؤال (239) زنی که بچه ای ناقص را بدنیا آورده و اکنون به بچه ی دوم باردار است. پزشکان به او گفته اند که اگر بچه ی دوم سالم بدنیا آید، می توان به کمک مواد خونی بچه ی دوم نقص بچه ی اول را از بین برد و اگر دومی ناقص باشد، در صورت حمل به بچه ی سوم، اگر حمل سوم سالم باشد، می تواند با مواد خونی او نقص دو بچه ی ناقص اول را از بین برد. اکنون سؤال این است که آیا سقط حمل دوم با توجه به احتمال ناقص بودن آن جایز است؟

(بسمه تعالی): سقط مطلقاً جایز نمی باشد، چه حمل کامل باشد و چه ناقص، والله العالم.

سؤال (240) خانمی که باردار بوده و بعد از آزمایش ها و عکس های متعددی که پزشکان از حمل او داشته اند، به این نتیجه رسیده اند که حمل او از حیث عقلی و جسمی ناقص بوده و این حمل به اصطلاح (منگول) می باشد، آیا سقط جنین با توجه به آنچه گفته شد، جایز است؟

(بسمه تعالی): سقط حمل توسط زن باردار جایز نبوده، چنانچه نمی تواند برای سقط خود را در اختیار شخص دیگری قرار دهد، والله العالم.

ص: 234

سؤال (241) خانم باردای که با آزمایشات متعدد پزشکی و عکس برداری های متعدد معلوم شده که جنین داخل رحم او ناقص بوده و قسمت فوقانی سر را ندارد، اطباء و پزشکان به او سفارش کرده اند که برای جلوگیری از تولد بچه و گرفتاریهای بعد از آن، جنین را سقط نماید. لطفاً حکم شرعی سقط را در مسئله ذکر شده بیان فرمایید. خدواند مسلمین را از برکات شما محروم نفرمایید؟

(بسمه تعالی): اسقاط جنین جایز نبوده و در صورتی که هنوز روح در آن دمیده شده و باقی ماندن جنین در رحم برای مادر حرجی و مشکل باشد و موجب خوف مادر و ترس او از سلامت جسمی اش باشد، فقط خود مادر می تواند اقدام به سقط نماید، والله العالم.

سؤال (242) من و همسرم دارای کم خونی شدید و خطرناک می باشیم که به آن تالاسمی گفته می شود و همسرم با توجه به ژن مذکور باردار گردیده و پزشکان وجود این ژن را در فرزنددار شدن او خطرناک دانسته و ابتلای جنین به این عارضه را جدی دانسته اند. علم پزشکی در زمان ما با پیشرفت هایی که داشته، توان تشخیص ابتلا جنین به این ژن را داشته و خطر این ژن برای فرزند به حدی است که او را بعد از تولد مبتلا به بیماری های مختلف و خطرناک می کند که بطور کلی فرزند مبتلا به این بیماری، زندگی پر مشقت و پر زحمتی را خواهد داشت. اکنون سؤالاتی

ص: 235

با توجه به موارد ذکر شده مطرح گردیده، که امیدواریم جواب آنها را مشروحاً بیان فرمایید؟

سؤال اول: آیا زوجین می توانند بعد از تشخیص مبتلا بودن جنین به این بیماری، او را سقط نمایند؟

سؤال دوم: آیا سقط جنین قبل از دمیده شدن روح جایز است و اساساً چه زمانی روح دمیده می شود؟

سؤال سوم: بر اساس پیشرفت های علم پزشکی، پزشکان می توانند، نطفه ی منعقد شده را در فضایی خارج رحم نگه داشته و با این عمل نطفه ی منعقد از منی مرد و زن را از اول در خارج رحم پرورش داده و آزمایشات پزشکی را بر روی آن انجام می دهند. آیا سقط جنین نطفه ی منعقد شده ای که در خارج رحم تولید شده، جایز است. آیا این آزمایشات و آنچه علم پزشکی جدید در خارج رحم انجام می دهد، جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): اسقاط جنین چه بعد از ولوج روح و چه قبل از آن جایز نمی باشد، هر چند معلوم شود که مبتلا به مرض مذکور است.

تبریزی (قدس سرّه): آزمایشات ذکر شده، فی حد نفسه مانعی ندارد، چنانچه قرار ندادن نطفه ی منعقد در خارج رحم، در داخل رحم اشکالی ندارد، ولی برای زن جایز نمی باشد که بدن و عورت خود را در نزد اجنبی ظاهر سازد، ولی اگر شوهرش پزشک باشد و این عمل را انجام دهد، مانعی ندارد و آنچه که در سؤال ذکر شده، مجوز

برای کشف عورت در نزد پزشك اجنبی نمی باشد و کشف عورت برای زن در مواردی جایز است که در رحم او مرضی باشد که علاج آن مستلزم کشف عورت باشد و همچنین کشف عورت مرد برای گرفتن نطفه از او در مقامی که جای معالجه و مداوا نباشد، جایز نیست، والله العالم.

4 - اسقاط جنین به خاطر سختی تربیت بچه

سؤال (243) آیا سقط جنین برای مادر در ماه های اول بارداری به خاطر سختی بچه داری و مشکل بودن تربیت او جایز است؟

(بسمه تعالی): سقط جنین در فرض مذکور جایز نمی باشد، والله العالم.

5 - اسقاط جنین به خاطر اجبار شوهر

سؤال (244) در صورتی که شوهر همسرش را وادار و مجبور به سقط جنین نماید به شکلی که او را مجبور به طلاق و یا سقط نماید، زن می تواند سقط جنین نماید؟

(بسمه تعالی): اکراه همسر برای سقط جنین بر شوهر حرام است و این کار اجبار کردن همسر بر فعل حرام است، و اجبار زوج موجب جواز سقط جنین نمی شود، والله العالم.

ص: 237

1 - عمل پاکسازی رحم در صورت شك در بارداری

سؤال (245) همسر م یقین به بارداری نداشته و در حمل سابقش به خاطر مبتلا بودن همسر به بیماری التهاب کلیه ی راست و سنگ کلیه در

کلیه ی چپ به سر حد مرگ رسید. با توجه به اینکه او باید پیوسته دارو مصرف نموده و زیر اشعه برود، آیا عمل پاکسازی رحم به خاطر وجود احتمال جنین و نطفه، جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که زن مبتلا به مرضی است که باقی ماندن جنین در رحم او، برایش ضرر داشته باشد، سقط جنین مشکوک، بلکه جنینی که وجودش در رحم مسلم بوده و هنوز روح در او دمیده نشده، جایز است و جواز این سقط قبل از اكمال چهار ماه از عمر جنین می باشد، والله العالم.

2 - کشتن یکی از دو فرزند چسبیده به یکدیگر در رحم برای نجات دیگری

سؤال (246) در بعضی از حالات دو حمل به هم چسبیده و در بعضی از اعضاء بدن مثل قلب مشترکند در این حال پزشکان برای حفظ جان یکی از آنها مجبورند دیگری را از بین ببرند در این صورت، آیا شرعاً قتل دیگری جایز است. وظیفه ی پزشك در این حال چیست؟

(بسمه تعالی): قتل هیچکدام جایز نمی باشد، بلکه پزشك باید صبر نماید تا قضا و قدر خداوند راجع به آنها معلوم شود، والله العالم.

3 - کشتن جنینی که از راه باروری مصنوعی به وجود آمده

سؤال (247) در زمان حاضر بعضی از پزشکان منی مرد و همسرش را با هم مخلوط نموده و در فضایی خارج از رحم، آنها را بارور نموده و جنین تشکیل می دهند. این جنین مبدأ پیدایش بشر بوده و گاهی بر اثر ترکیب منی زوج و زوجه عدّه ی زیادی از جنین ها بوجود می آید، آیا جادادن همه ی این جنین ها در رحم مادر واجب است و آیا حفظ يك جنین و کشتن بقیه جایز است. آیا در صورت جایز نبودن قتل این جنینها، دیه بر پزشك واجب می شود؟

خوئی (قدس سرّه): در فرض سؤال تلف کردن این جنینها مانعی ندارد و قتل جنین در صورتی حرام است که جنین در رحم مادر بوده و در صورت انعقاد در فضای خارج رحم، اتلاف آن حرمتی ندارد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): و همچنین دیه هم ندارد.

خاتمه: زمان دمیدن شدن روح

سؤال (248) چه زمانی روح در جنین دمیده می شود و در چه زمانی به خاطر مرض مادر، سقط جنین جایز می شود؟

ص: 239

(بسمه تعالی): روح بعد از تمام شدن چهار ماه از عمر جنین در آن دمیده می شود و سقط جنین بعد از منعقد شدن نطفه، هرچند با گذشت چند لحظه از انعقاد آن باشد، جایز نمی باشد، والله العالم.

مقصد دوم: جلوگیری از بارداری

فصل اول: حکم جلوگیری از بارداری

سؤال (249) آیا کنترل و تحدید نسل جهت بهتر شدن تربیت فرزندان و به خاطر اغراض دیگر جایز است؟

(بسمه تعالی): استفاده کردن از داروهای ضد بارداری در صورتی که موجب ضرر مهمی نباشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (250) آیا زن می تواند بدون اجازه ی شوهرش قرص ضد بارداری مصرف کند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مصرف قرص های ذکر شده باعث نازایی دائمی شود، جایز نیست. ولی در صورتی که زن دارای بیچه بوده و از قرص های ضد حمل برای مدت معینی استفاده کند مانعی ندارد، هرچند شوهر راضی نباشد، والله العالم.

سؤال (251) آیا شوهر می تواند همسرش را مجبور به نازایی کند، بدون اینکه زوجه راضی باشد؟

ص: 240

خوئی (قدس سرّه): مرد حق ندارد، همسرش را مجبور به نازایی نماید، والله العالم.

سؤال (252) آیا اقدام به عمل جلوگیری از بارداری، با توجه به اینکه مستلزم کشف عورت در نزد پزشک می باشد، مانند بستن لوله و بستن رحم و طرق دیگر جایز است، آیا فرقی بین مورد اضطرار و غیر آن وجود دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که زن مریض باشد و مرض او مانع از بارداری باشد و علاج متوقف برکشف عورت در نزد پزشک باشد اشکالی ندارد، والله العالم.

سؤال (253) در بسیاری از موارد در حرام بودن جلوگیری از بارداری و یا حلال بودن آن عناوینی مانند (اگر حمل حرجی و شاق باشد) دیده می شود، مقصود از دو کلمه حرج و مشقت را در این عناوین بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): معنای حرج و مشقت این است که زن دارای ضعف مفرط بوده و یا مرضی دارد که با وجود آن، زن تحمل و توانایی حمل را ندارد و در بعضی از موارد چه بسا موجب هلاکت زن شود، والله العالم.

ص: 241

فصل دوم: قرص های ضد بارداری

سؤال (254) استفاده از قرص های ضد بارداری جهت کنترل نسل چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که استفاده از این قرصها ضرر مهمی نداشته باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

فصل سوم: بستن لوله ها

اشاره

سؤال (255) آیا بستن لوله های زن برای منع از بارداری به شکل موقت و یا دائم جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که زن صاحب فرزند باشد و عمل مذکور موجب کشف عورت نباشد، مانعی ندارد و

ص: 242

همچنین اگر مستلزم کشف عورت بوده، ولی شوهر زن اقدام به این عمل نماید، جایز است، والله العالم.

سؤال (256) آیا زن می تواند اقدام به عمل جراحی بستن رحم برای جلوگیری از بارداری نماید تا اینکه هیچگاه باردار نشود با توجه به اینکه بارداری ضرری بر او ندارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که زن دارای فرزند بوده و عمل مذکور در نزد پزشک زن باشد و مستلزم کشف عورت هم نباشد، مانعی ندارد و در غیر این صورت جایز نبوده، مگر اینکه به خاطر معالجه ی مرض ناچار به این عمل گردد، والله العالم.

سؤال (257) در سابق بستن لوله ها موجب عدم بارداری به شکل دائم می گردید، ولی الان با توجه به پیشرفت علم پزشکی حتی با بستن لوله ها امکان بارداری موجود بوده، به این شکل که تخمک ها را خارج رحم بارور نموده و سپس آن را مجدداً در رحم قرار می دهند با توجه به اینکه اینگونه باروری فقط 20 و یا 30 امکان حصول حمل در رحم را داشته و بیشتر از این مقدار امکان انعقاد حمل موجود نمی باشد. آیا با توجه به این نکته بستن لوله ها برای جلوگیری از بارداری که موجب عقیم شدن همیشگی می شود، جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که زن مبتلا به مرضی باشد که موجب بستن لوله ها به شکل دائمی شود، عمل ذکر شده در سؤال خالی از اشکال نمی باشد، والله العالم.

1 - بستن لوله های زن و مرد جهت جلوگیری از بارداری در حال ضرورت

سؤال (258) آیا بستن لوله های زن برای جلوگیری از بارداری در هنگام ضرورت مثل مواردی که حمل موجب ضرر برای زن و یا به خطر افتادن زندگی او می شود، جایز است؟ با توجه به اینکه این عمل به شکل

موقت بوده و بعد از مدتی می توان توسط عمل جراحی آنها را دوباره باز نمود؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که بعداً بتواند دوباره لوله ها را باز کند، مانعی ندارد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که عمل مذکور نزد پزشک زن بوده و مستلزم کشف عورت نباشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (259) آیا زن می تواند عمل بستن لوله ها را برای جلوگیری از حمل انجام دهد، در صورتی که زن خیلی ضعیف بوده و حمل مجدد او را به سختی می اندازد. او 33 ساله بوده و تا به حال 8 فرزند آورده است و آیا شوهر این زن می تواند عمل بستن لوله ها را برای خود انجام دهد تا همسرش باردار نگردد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که حمل و بارداری برای زن موجب سختی و مشقت فراوان باشد و برطرف کردن آن متوقف بر بستن لوله ها باشد، جایز است که زن این عمل را انجام دهد و برای شوهرش جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (260) در صورتی که زن در دوران بارداری مبتلا به سختی های زیادی شده و دارای چهار فرزند می باشد، آیا می تواند عمل جراحی منع بارداری انجام دهد و آیا می تواند از اسباب دیگر برای جلوگیری از بارداری استفاده نماید؟

(بسمه تعالی): استفاده از قرص ضد بارداری مانعی ندارد، اما عمل جراحی در صورتی که مستلزم کشف عورت باشد جایز نمی باشد، مگر در صورتی که مبتلا به مرض در همان عضو باشد و معالجه ی مرض متوقف بر کشف آن عضو باشد، والله العالم.

2 - بستن لوله برای مرد

سؤال (261) مردی می خواهد به وسیله ی عمل جراحی یکی از رگ های عضو تناسلی را مسدود نموده، تا دیگر همسر او باردار نگردد و این عمل مستلزم لمس و یا نظر به عورت نمی باشد، مگر در مقدار بسیار کمی از عورت که ظاهر می گردد، آیا این عمل جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مبتلا به مرضی باشد که متوقف بر کشف عورت باشد، هرچند به مقدار کمی از آن مانعی ندارد و در غیر این صورت جایز نمی باشد، والله العالم.

3 - عمل بازکردن لوله

سؤال (262) شخصی عمل جراحی بستن لوله اش را انجام داده و هم اکنون می خواهد توسط عمل جراحی لوله را باز کند. آیا این عمل جایز است و در صورتی که همسرش به خاطر حامله نشدن درخواست طلاق نماید، حکم شرعی این مرد چیست؟

ص: 245

(بسمه تعالی): در صورتی که بازکردن لوله برای این مرد معالجه محسوب گردد و حامله شدن زن متوقف بر آن باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

فصل چهارم: استفاده از دریچه جهت منع از بارداری

اشاره

سؤال (263) یکی از طرق جلوگیری از بارداری در زمان ما، به نام کار گذاشتن لوله نامگذاری شده که آن را در ابتدای رحم کار گذاشته تا آن را محدود نماید. وقتی که من از پزشک سؤال نمودم به من گفت که تلقیح در رحم صورت می گیرد، ولی تخمکی که مورد لقاح واقع شده، هنگامی که وارد رحم می شود، وقتی که دریچه رحم را مسدود می بیند به خارج ریخته می شود. آیا استفاده از این طریق برای منع حمل با توجه به اینکه در موضوع منع بارداری انواع دیگری از لوله بوده که محتوی مواد شیمیایی بوده که قرصهای ضد بارداری هم محتوی همین مواد شیمیایی می باشد و وظیفه ی این مواد شیمیایی کشتن و از بین بردن موجودات زنده فعال در منی است، حکم این نوع از طریق حمل را بیان فرمایید و در صورتی که این عمل باعث اذیت زوجه شود، به کاربردن آن چه حکمی دارد؟

ص: 246

خوئی (قدس سرّه): استفاده از طریق مذکور در سؤال مانعی ندارد و زوجه می تواند از این عمل، خصوصاً اگر موجب اذیت او می شود، خودداری نماید، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که مباشر عمل ذکر شده، شوهر و یا زوجه باشد، مانعی ندارد.

سؤال (264) جدیداً وسیله ای در طب جدید برای منع از بارداری اختراع شده که به آن لولب گفته می شود. این وسیله را در رحم کارسازی می کنند و کار این وسیله جلوگیری از تلقیح تخمک با منی و نطفه ی مرد می باشد و وضع و قراردادن این وسیله در رحم توسط پزشک مستلزم نظر به عورت می باشد، آیا این عمل جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که عمل ذکر شده، مستلزم نظر به عورت باشد، جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (265) آیا بکارگیری وسیله ی لوله برای جلوگیری از حمل جایز است؟ آیا حرمت به خاطر نظر به عورت می باشد و یا نفس این عمل اشکال شرعی دارد؟

(بسمه تعالی): حرمت به جهت کشف عورت در مقابل پزشک مرد و یا زن می باشد، بدون اینکه ضرورت معالجه در بین باشد، ولی اصل بکار بردن لوله مانعی ندارد. بله در صورتی که زن مبتلا به مرضی

در رحم است که پزشك به خاطر معالجه مجبور است به عورت زن نگاه نماید، می تواند در اثناء معالجه لوله را کار گذارد، والله العالم.

سؤال (266) نوعی دریچه هست که زنها جهت منع حمل و یا اسقاط نطفه بعد از گذشت شش روز از انعقاد نطفه استعمال می کنند، آیا استفاده از وسیله ی مذکور، در این حال جایز است؟

(بسمه تعالی): اسقاط حمل بعد از انعقاد، جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (267) در مسایل طیبیه مسئله ی 996 نسبت به عمل قراردادن لوله که مانع از حمل و بارداری می گردد، فرموده اید که قراردادن دریچه در رحم زن اگر مستلزم نظر به عورت باشد، جایز نیست. با توجه به این مسئله، اگر پزشك خانم که این عمل را انجام می دهد کافر و پیر زن باشد، آیا حکم نظر مترتب می شود. با توجه به اینکه راههای دیگر منع از بارداری دارای عوارض جانبی بوده و مشکلاتی را پدید می آورد؟

(بسمه تعالی): کشف عورت در نزد پزشك هر چند زن باشد، حرام است و پیری پزشك تأثیر در حکم ندارد، والله العالم.

1 - قرار دادن دریچه در داخل رحم جهت جلوگیری از بارداری

سؤال (268) اگر پزشکی به خانمی گفته باشد که در صورت باردار شدنش بچه های او عقب افتاده می باشند، در این فرض زن می تواند از

ص: 248

وسیله ی لولب برای منع بارداری استفاده کند، با توجه به اینکه قرار دادن این وسیله مستلزم کشف عورت می باشد؟

(بسمه تعالی): این عمل جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (269) استفاده از وسیله ی دریچه برای جلوگیری از بارداری در خانم ها با توجه به اینکه کار گذاشتن آن مستلزم کشف عورت مقابل پزشك معالج می باشد، چه حکمی دارد؟ آیا عوارض بارداری برای زن مثل درد استخوان که در صورت بارداری و شیردادن بچه شدت پیدا می کند، مسوغ و مجوز کشف عورت برای استفاده از دریچه می شود؟

(بسمه تعالی): جلوگیری از بارداری منحصر به استفاده از دریچه نمی باشد، بله در صورتی که خانمی مبتلا به مرضی در رحم باشد که معالجه ی آن مستلزم نظر به عورت باشد، کشف عورت مانعی ندارد، والله العالم.

2 - قرار دادن دریچه ضد بارداری در هنگام ضرورت

سؤال (270) آیا استفاده از دریچه ی ضد بارداری برای زنی که مبتلا به بیماری کم خونی شدید می باشد و بارداری برای او و جنین مخاطره انگیز می باشد، جایز است؟ آیا قرار گرفتن دریچه ی مذکور توسط متخصص مسلمان و یا مسیحی مانعی ندارد؟

ص: 249

(بسمه تعالی): کشف عورت در مقابل دیگران جایز نمی باشد، مگر در صورتی که مبتلا به مرضی در رحم باشد که معالجه ی آن مستلزم کشف عورت باشد و در غیر این صورت جایز نمی باشد و آنچه در سؤال ذکر شده، مرض نمی باشد، والله العالم.

3 - خارج کردن دریچه ی ضد بارداری

سؤال (271) معلوم است که استفاده از دریچه ی بارداری اگر مستلزم لمس و یا نظر به عورت باشد، جایز نمی باشد. اکنون سؤال این است که اگر خانمی از وسیله ی مذکور استفاده نموده و هم اکنون می خواهد آن را بردارد و این عمل ممکن نیست، مگر با نگاه پزشك معالج، آیا برداشتن دریچه جایز است؟

(بسمه تعالی): خارج نمودن دریچه در مفروض سؤال جایز نمی باشد، مگر در صورتی که باقی بودن دریچه مستلزم ضرر و یا حرج و سختی برای زن باشد، مثل اینکه مبتلا به مرضی است که معالجه ی آن متوقف بر برداشتن دریچه است، والله العالم.

خاتمه: عقیم ساختن عمدی

سؤال (272) آیا برای مرد و یا زن جایز است که خود را برای همیشه عقیم سازند؟

خوئی (قدس سرّه): بنابر احتیاط واجب جایز نمی باشد، والله العالم.

ص: 250

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که عمل عقیم نمودن جنایت بر نفس نباشد، مثل صورتی که مرد و زن دارای فرزند می باشند، مانعی ندارد.

مقصد سوم: باروری مصنوعی

فصل اول: باروری مصنوعی

اشاره

سؤال (273) آیا باروری غیر طبیعی و مصنوعی که در فضای خارج به واسطه جمع بین منی مرد و زن حاصل می شود، جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): این عمل فی نفسه اشکالی ندارد، مگر در صورتی که مستلزم عمل حرامی باشد، والله العالم.

سؤال (274) اگر این باروری و نقل نطفه بارور شده، به وسیله ی پزشک اجنبی باشد، جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (275) در صورتی که عمل تلقیح به وسیله ی پزشک اجنبی جایز نباشد، آیا در صورتی که زوجین میل به بچه دار شدن داشته و طریق دیگری برای این مسئله جز باروری مصنوعی و تلقیح بوسیله ی پزشک نامحرم نباشد، آیا این مورد جز موارد ضرورت در کشف عورت محسوب می گردد؟

خوئی (قدس سرّه): رغبت و میل به بچه دار شدن ضرورت برای انجام حرام محسوب نمی گردد، والله العالم.

سؤال (276) در بعضی از موارد باروری مصنوعی پزشك به زن سفارش می کند که در ایام عادت ماهیانه برای باروری به پزشك رجوع کند، حکم شرعی این مسئله چیست؟

(بسمه تعالی): این عمل جایز نمی باشد و فرقی بین زمان عادت ماهیانه و زمان دیگر نمی باشد، والله العالم.

سؤال (277) حکم تلقیح و باروری مصنوعی را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): باروری مصنوعی بعنوان اولی خود اشکالی ندارد و اشکال این عمل در کشف عورت در نزد پزشك اجنبی می باشد و در صورتی که شوهر خودش اقدام به این عمل نماید، اشکالی ندارد، والله العالم.

سؤال (278) زن و شوهری که امکان باروری برای آنها نمی باشد، مگر از طریق باروری با آمپول و این طریق منحصر است در اینکه منی خود را خارج سازد، آیا در این فرض استمناء جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مرد بر اثر معاشرت با همسر خودش و یا با تماس جسمی با همسرش منی را خارج سازد، سپس آن را به وسیله آمپول داخل رحم همسرش نماید، مانعی ندارد و در غیر این صورت جایز نمی باشد، والله العالم.

ص: 252

ثبوت نسبت فرزندى در بارورى مصنوعى

(مسئله) گرفتن نطفه ی مرد و قرارداد آن در يك رحم ساختگی و مصنوعى و تربیت آن برای ایجاد فرزند، جایز است و بعد از آن فرزند ملحق به صاحب نطفه می گردد؟

بر حسب ظاهر این فرزند ملحق به صاحب نطفه بوده و همه ی احکام پدرى و پسرى و حتى مسئله ارث در این مورد مترتب می گردد، ولی این فرزند، فرزندى است که مادر ندارد.

فصل دوم: تلقیح و بارورى با نطفه ی شوهر

اشاره

(مسئله) بارورى نطفه ی زن با نطفه ی شوهرش جایز است، ولی در صورتى که شخص دیگری غیر از شوهر این عمل را انجام دهد و این عمل مستلزم نظر به بدن و عورت باشد، جایز نیست و در صورتى که از این عمل فرزندى بدست آید، حکم سایر فرزندان را داشته و فرقى بین این فرزند با سایر فرزندانى که از راه طبیعى به وجود می آیند، نمى باشد.

سؤال (279) نظر مبارك را در مسئله ی تلقیح و بارورى مصنوعى برای كسانى که قدرت بارورى را نداشته و تلقیح به وسیله ممزوج شدن نطفه ی زنى با نطفه ی همسرش می باشد، بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): بارورى مصنوعى به عنوان اولی خود اشکالی ندارد، ولی اگر مستلزم کشف عورت در مقابل اجنبى باشد، جایز نمى باشد و

اگر خود شوهر اقدام به این عمل نماید، مانعی نخواهد داشت، والله العالم.

1 - باروری مصنوعی با نطفه ی شوهر در حال ضرورت

سؤال (280) آیا بارور کردن نطفه ی زن با نطفه ی شوهرش توسط پزشك خانم در صورتی که بدست آوردن فرزند ضروری بوده و مستلزم كشف عورت می باشد، جایز است؟

(بسمه تعالی): بارور کردن نطفه ی زن با نطفه ی شوهرش به عنوان اولی اشکالی ندارد، ولی چون مستلزم كشف عورت در مقابل پزشك زن می باشد، حرام می باشد. بلکه اگر زن دارای مرضی در رحمش باشد و در اثناء مداوای مرض، پزشك عمل تلقیح را انجام دهد، مانعی ندارد، والله العالم.

2 - باروری نطفه ی شوهر در حال حَرَج

سؤال (281) در صورتی که خانمی مبتلا به مرضی است که مانع از باروری و حمل او شده و نطفه ی شوهرش در انعقاد نطفه در رحم زن مؤثر نیست که در نتیجه زن باردار نمی گردد. اکنون این زن دو مشکل اساسی در زندگی دارد. یکی اینکه ممکن است شوهرش او را طلاق داده و در این صورت این زن فرصتی برای زندگی و ازدواج مجدد نخواهد داشت؛ زیرا نوعاً مرد دیگری راضی به ازدواج با يك زن نازا نخواهد شد

ص: 254

و یا اینکه باید به ازدواج مجدد شوهرش رضایت دهد که این مسئله هم برای او خیلی مشکل و ناگوار است. الف - آیا زن می تواند اقدام به باروری مصنوعی نموده و از این طریق باردار گردد. آیا عمل باروری مصنوعی که مستلزم کشف عورت و نظر اجنبی به بدن و عورت زن می باشد، جایز است؟

(بسمه تعالی): کشف عورت و نظر پزشك به بدن و عورت زن در مقام معالجه و مداوا مانعی ندارد و در غیر این صورت جایز نمی باشد،
والله العالم.

ب - آیا از جهت حَرَج و سختی زیادی که برای زن در جامعه پیش می آید و حرفهایی که راجع به نازا بودن این زن زده می شود، عمل باروری مصنوعی جایز است؟

(بسمه تعالی): جواب این مسئله از جواب سابق معلوم گردید، و حرفهای مردم و حرج و سختی که به واسطه ی حرف آنها که بر اساس جهالت و بی توجهی به مسایل شرعی زده می شود، حکم شرعی را تغییر نمی دهد، والله العالم.

سؤال (282) آیا برای زنی که مقلد مرحوم آیه الله خوئی می باشد، جایز است که در هنگام باروری مصنوعی بدن و عورت خود را در مقابل پزشك مرد ظاهر سازد؟

ص: 255

(بسمه تعالی): این عمل به نظر آیه الله خوئی و دیگر فقهای بزرگ قدس الله اسرارهم جایز نمی باشد، والله العالم.

3 - باروری با نطفه ی شوهر بعد از طلاق رجعی

سؤال (283) آیا زنی که در طلاق رجعی می باشد، می تواند از نطفه ی شوهرش جهت عمل باروری مصنوعی استفاده نماید و در صورتی که این کار را انجام دهد، آیا دوباره به همسری شوهرش برمی گردد، در صورتی که این عمل با اجازه ی شوهرش باشد؟

(بسمه تعالی): باروری با نطفه ی شوهر در اثناء طلاق رجعی خالی از اشکال نمی باشد و در صورتی که این عمل را انجام داد، عدّه ی او با وضع حمل تمام می شود و در صورتی که عمل باروری با اجازه شوهر بوده و شوهر هم از این اجازه دادن قصد رجوع به همسرش را داشته، رجوع محقق می شود و در غیر این صورت رجوع محقق نمی شود، والله العالم.

4 - باروری با نطفه ی شوهر بعد از وفات او

سؤال (284) آیا جایز است که زن در زمان عدّه و یا بعد از آن از نطفه ی شوهرش که از دنیا رفته، استفاده نموده و به طریق باروری مصنوعی خود را باردار نماید. با توجه به اینکه زن اکنون به همسری شخص دیگری درآمده، آیا می تواند از منی و نطفه ی شوهر اول جهت

ص: 256

باروری استفاده نماید، آیا در عمل ذکر شده، اجازه ی شوهر فعلی شرط می باشد؟

(بسمه تعالی): این عمل جایز نمی باشد؛ چون احکام زوجیت و همسری تا زمان حیات و زندگی شوهر مترتب می گردد، هر چند بعضی احکام مثل جواز نظر باقی می ماند، والله العالم.

سؤال (285) آیا زنی که شوهرش از دنیا رفته، می تواند از منی همسرش که در بانک منی نگهداری می شود، جهت باروری استفاده نماید؟

(بسمه تعالی): این عمل جایز نمی باشد و در صورت اتفاق این عمل ذکر شده، شوهری که از دنیا رفته، پدر بچه و زن بارور شده، مادرش محسوب می گردد؛ ولی فرزندی که از این طریق متولد می گردد، از پدرش ارث نمی برد، والله العالم.

5 - باروری مصنوعی جهت تشخیص امراض زنی

سؤال (286) امروزه نوعی بیماری در جوامع ظاهر شده که به آن بیماری تالاسمی گفته شده و به وسیله وراثت از اشخاص منتقل می گردد، آثار این بیماری را می توان در سه چیز خلاصه نمود:

1 - متولد شدن اطفال عقب افتاده که در اصطلاح به آنها منگول گفته می شود.

2 - متولد شدن فرزندان و نوزادانی که دارای کم خونی شدید بوده، به شکلی که باید پیوسته به آنها خون تزریق گردد، علاوه بر اینکه این

ص: 257

نوزادان به مرور زمان مبتلا به بیماری های مشکل، در بعضی از حواس خود مثل بینایی و شنوایی خواهند شد که زندگی را بر آنان سخت و دشوار نموده و ادامه ی زندگی آنان توام با درد ورنج فراوان خواهد بود.

3 - نوزادانی که از جهت خلقت ظاهری سالمند، ولی حاوی ژن تالاسمی بوده و می توانند آن را به فرزندان و نسل بعد از خود انتقال دهند، آنچه که در دو احتمال اول و دوم گفته شد، متوجه فرزندان آنها شده و آنها در معرض ابتلا هستند.

با توجه به آنچه گفته شد، علم پزشکی امروز توانایی دارد که قبل از انعقاد نطفه در رحم مادر به شکلی طبیعی ترکیبی از نطفه ی مرد و زن را در محیطی خارج از رحم نگه داشته و آن را به شکل مصنوعی بارور سازد و در اولین مرحله از مراحل لقاح تعیین نماید که آیا ژن پدر و یا مادر حاوی مرض تالاسمی می باشد یا خیر. در این فرض زوجین می توانند به راحتی پی به سلامت جسمی فرزند خود برده و از بروز هر نوع ابتلا بعد از زایمان جلوگیری نمایند. اکنون در این باره سؤالاتی مطرح می گردد.

الف - آیا پزشکان متخصص در این زمینه می توانند اقدام به عمل باروری خارج رحم بنمایند یا خیر؟

(بسمه تعالی): عملی که مستلزم نظر پزشك به عورت و جسد زن گردد، جایز نمی باشد و همچنین كشف عورت در نزد پزشك جایز نبوده، مگر در مقام مداوا و معالجه ی مرض، والله العالم.

ب - آیا مادر می تواند بعد از لقاح مصنوعی در خارج رحم و بعد از اطلاع از ناقص بودن و یا مبتلا بودن جنین به تالاسمی آن را از بین برده و از آن چشم پوشی کند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که پزشك عمل باروری را در خارج رحم انجام داده، زن می تواند از جاسازی آن در رحم خود جلوگیری نماید، چه جنین سالم باشد و چه ناقص، و شوهرش هم حق ندارد او را مجبور به جاسازی جنین در رحم نماید، والله العالم.

ج - آیا شوهر می تواند همسر خود را مجبور به انجام آزمایشات ذکر شده نماید؟ و بنابر جایز بودن اجبار همسر، آیا در همه ی موارد سه گانه ی ذکر شده، شوهر حق اجبار دارد؟ البته در صورتی که پزشك معالج متوجه شود که جنین از قسم اول و یا دوم می باشد، از قرار دادن آن به رحم همسر جلوگیری می کند، هرچند آن دو به آن رضایت داده باشند، آیا پزشك در صورت رضایت پدر و مادر با قرار دادن جنین مبتلا به رحم می تواند به رضایت آنان اعتنایی نکرده و آن را در رحم قرار ندهد؟

(بسمه تعالی): جواب این سؤال از جواب های قبل روشن می شود، والله العالم.

د - آیا اصولاً عمل باروری مصنوعی نوعی تغییر و تبدیل در خلقت خداوند محسوب می‌گردد؟

(بسمه تعالی): عمل ذکر شده، تغییر و تبدیل خلقت خداوندی نمی‌باشد و مفهوم تغییر و تبدیل خلقت به عنوان مثال در مواردی مثل تغییر زن و تبدیل او به مرد و یا بالعکس ثابت می‌باشد، والله العالم.

فصل سوم: باروری با نطفه ی اجنبی

(مسئله) بارور ساختن زن با منی مرد اجنبی چه به واسطه ی مرد اجنبی باشد و چه به واسطه ی شوهر خودش باشد، جایز نمی‌باشد و در صورتی که این عمل انجام شود و زن بچه دار شود، بچه به مرد صاحب نطفه تعلق داشته و بین بچه و او همه ی احکام شرعیه ای نسب؛ مانند ارث مترتب می‌گردد، چون فرزند متولد از زنا از مسئله ی ارث مستثنی گردیده و این مورد از موارد زنا محسوب نمی‌گردد (هر چند این عمل حرام می‌باشد) و همچنین زنی که فرزند را بدنیا آورده، مادرش محسوب می‌گردد و بین این بچه و زنی که او را بدنیا آورده، همه ی احکام شرعیه ای نسب مترتب می‌گردد و فرقی بین این فرزند و بقیه ی فرزندان مرد صاحب نطفه و زنی که او را بدنیا آورده، نمی‌باشد و همچنین از قبیل همین مسئله ذکر شده است که اگر زنی به وسیله ی عمل حرام مساحقه و یا عمل دیگر منی همسر خود را در رحم زن دیگر قرار دهد و آن زن باردار گردد، در این صورت فرزند، به صاحب منی و نطفه ملحق می‌گردد.

ص: 260

سؤال (287) آیا بارور ساختن زن به وسیله ی نطفه و منی مرد اجنبی و قرار دادن نطفه ی او در رحم زن، جایز است؟

(بسمه تعالی): این عمل به هیچ وجه جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (288) مدتی است که مشغول نوشتن يك رساله ی علمی راجع به باروری مصنوعی بوده، ولی متأسفانه فتوایی از مراجع بزرگوار در این زمینه به دست نیاوردم. و همچنین به دلیل و مستند شرعی در این مسئله برخورد نکردم، من هم اکنون نیازمند جواب جنابعالی از سؤالاتی هستم که مطرح می گردد؟

1 - حکم باروری زن به وسیله نطفه ی مرد نامحرم، در صورتی که مرد همسر دار نبوده و مجرد است؟

2 - حکم باروری در صورتی که مرد اجنبی همسر دار و متاهل باشد؟

3 - حکم فرزندی که از این طریق متولد شده، نسبت به آثار شرعی، نسبت پدری و مادری و مسئله ی ارث چگونه است؟

(بسمه تعالی): باروری زن با نطفه ی مرد اجنبی جایز نمی باشد و در این مسئله فرقی بین اجنبی مجرد و ویا متاهل نمی باشد و در صورتی که فرزندی از این طریق به وجود آید به مرد صاحب نطفه ملحق می شود و این فرزند از مرد صاحب نطفه ارث می برد؛ زیرا او پدر بچه محسوب می گردد و همچنین صاحب منی از این بچه ارث می برد؛ زیرا فرزند اوست و همچنین زنی که بچه را بدنیا آورده،

ص: 261

مادرش محسوب می شود و همه ی احکام مربوط به مادر و فرزند مترتب می گردد، والله العالم.

سؤال (289) آیا در مسئله ی باروری مصنوعی نسبت ها با همدیگر مخلوط نمی گردد؟

(بسمه تعالی): اختلاطی در انساب نمی باشد، پدر بیچه صاحب نطفه است و مادرش زنی می باشد که او را زاییده است، والله العالم.

سؤال (290) در صورتی که در هنگام باروری مصنوعی اشتباهاً به جای تلقیح نطفه ی شوهر، نطفه ی مرد دیگری را با نطفه ی زن مخلوط

کرده و بارور نموده اند. در این صورت فرزند متولد شده، ملحق به چه کسی می باشد؟

(بسمه تعالی): طبق آنچه در سؤال ذکر شده، فرزند ملحق به مرد صاحب نطفه می باشد و از او ارث می برد، والله العالم.

سؤال (291) تلقیح و باروری نطفه ی زن به وسیله منی مرد اجنبی در صورتی که این عمل را شوهر زن انجام دهد، چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): جایز نمی باشد، والله العالم.

ص: 262

1 - کاشتن نطفه ی بارور شده در رحم زن اجنبی

سؤال (292) یکی از طرق بارداری در اماکن اروپایی بارور کردن منی شوهر است به کمک همسرش، سپس قراردادن آن در رحم زن دیگر، اکنون چند سؤال در این زمینه مطرح است؟

1 - حکم شرعی این عمل چیست؟

2 - چه کسی مادر بچه ایست که به دنیا آمده (صاحب رحم مادر است و یا صاحب تخمک)؟

3 - به چه کیفیت می توان این عمل را به شکل مشروع انجام داد؟

4 - آیا صاحب رحم می تواند بعد از زاییدن بچه، او را به عنوان فرزند خود مطالبه کند؟

خوئی (قدس سرّه): 1 - این عمل چنانچه در سؤال مطرح شده، قابل اشکال می باشد.

2 - اما مادر فرزند زنی است که او را زاییده است.

3 - مورد مشروع و صحیح این عمل دو مورد می باشد.

اول: اگر کنیز مملوکی را شوهر به دست آورد و یا با کنیزی که برایش حلال شده، این عمل انجام شود، هر چند تحلیل به جهت عمل تلقیح باشد، ولی این فرض در زمان ما بعید است.

دوم: اینکه مرد صاحب نطفه زنی را که شوهر ندارد، عقد نموده، هر چند مدت آن محدود به چند ساعت باشد و اجرت مشخصی را هم برای او قرار دهد. سپس نطفه ی مرد را با نطفه ی زن عقد شده ترکیب نمایند و در رحم آن زن قرار دهند. این دو مورد راه حل مشکل است و راه سومی ندارد.

4 - بله به اندازه ی مادریش حق دارد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): (تعلیقه به سؤال 3) مورد ذکر شده در جواب، در صورتی است که شخصی که نطفه را در رحم زوجه ی موقت قرار می دهد، خود شوهر باشد و در صورتی که اجنبی این عمل را انجام دهد، دو طریقی که در جواب مرحوم خوئی آمده، کفایت نمی کند.

2 - کاشتن تخمک در رحم و باروری آن با نطفه ی شوهر

سؤال (293) خانمی که 15 سال قبل ازدواج نموده و تا به حال صاحب فرزند نگردیده و جهت آن هم نارس بودن تخمک های این زن می باشد. پزشکان بعد از تحقیقات و آزمایشهای گوناگون به این نتیجه رسیده اند که تنها راه باردار شدن این زن، این است که تخمکی را از خواهر این زن گرفته و در رحم او قرار دهند و سپس آن را با نطفه ی شوهرش بارور سازند. آیا این عمل جایز است؟ آیا فرزند متعلق به زنی است که تخمک از او گرفته شده، یا کسی که او را به دنیا آورده است؟

ص: 264

(بسمه تعالی): اگر شخصی که تخمک را از زن خارج می کند همسر خواهر بوده و کسی هم که تخمک را در رحم زن قرار می دهد، شوهر زن نازا باشد، مانعی ندارد و همچنین اگر خواهر دارای مرضی در رحم باشد که پزشک معالج در هنگام عمل جراحی تخمکی از او درآورد، مانعی ندارد. در هر صورت کسی که تخمک را در رحم زن نازا قرار می دهد، باید شوهرش باشد و در فرض تحقق این عمل پدر فرزند مرد صاحب نطفه بوده و مادرش هم کسی است که او را می زاید، والله العالم.

3 - کاشت تخمک بارور شده در رحم زن نازا

سؤال (294) در صورتی که زن نازا از تخمک زن دیگری که با نطفه ی مرد اجنبی دیگر بارور شده و در رحم او قرار داده شد، بارور گردد، آیا این عمل جایز است و در صورت تحقق این عمل، آیا بچه به زنی که صاحب تخمک بوده، ملحق می شود یا به زنی که او را زاییده است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که هر دو زن زوجه ی مرد واحدی باشند و یکی از آنها به تخمک دیگری باردار شود و کسی هم که تخمک را در رحم زن نازا قرار می دهد، شوهرش باشد، مانعی ندارد و فرزند متولد شده منسوب به زنی است که او را زاییده است و در غیر این فرض عمل ذکر شده، جایز نمی باشد، والله العالم.

ص: 265

سؤال (295) بعضی از همسران به خاطر اینکه زوجه دارای تخمک سالم نمی باشد، دارای فرزند نمی شوند و این قضیه مشکلاتی را مانند طلاق و جدایی و یا بیماریهای عصبی و روانی برای زوجین ایجاد می کنند. آیا در این فرض می توانند از تخمک زن دیگری استفاده نموده و با نطفه ی شوهر زن نازا بارور کرده و در رحم قرار دهند تا بعد از مدتی باردار شود؟

(بسمه تعالی): در صورتی که عمل باروری به وسیله تخمک زن دیگر و نطفه ی شوهر زن نازا انجام شده و تخمک و منی مرد توسط عمل مباح و مشروع گرفته شود و از راه استمناء نباشد و یا مستلزم لمس و نظر مرد نامحرم نباشد، عمل ذکر شده مانعی ندارد و زوجه می تواند با استفاده از تخمک زن دیگر و لقاح آن با نطفه ی شوهرش باردار شود. البته عمل قرار دادن تخمک بارور شده، باید به وسیله خود زن و یا همسر او انجام شود و در این صورت فرزند متولد شده، فرزند شرعی آن دو محسوب می گردد، والله العالم.

سؤال (296) لطفاً حکم شرع مقدّس را درباره ی خواهری که می خواهد تخمک سالم خود را به خواهرش داده تا با بارور کردن آن به وسیله منی و نطفه ی شوهرش، این خواهر بتواند باردار شود، آیا این عمل حرام است یا حلال؟

ص: 266

(بسمه تعالی): عملی که موجب کشف عورت در مقابل مرد نامحرم باشد، جایز نمی باشد و همچنین اگر مستلزم کشف قسمتی از بدن در مقابل پزشک نامحرم باشد، والله العالم.

خاتمه: اجاره دادن رحم

سؤال (297) مردی که نطفه ی خود و همسرش را در رحم يك زن اجنبی و نامحرم به وسیله آزمایشات پزشکی قرار داده است و با آن زن قرار داد بسته که بعد از وضع حمل به آن زن مبلغی را بدهد. این در صورتی است که رحم همسر خودش توانایی نگهداری جنین را ندارد و زن اجنبی فقط به عنوان يك ظرف نگهدارنده ی جنین مورد استفاده قرار می گیرد، با توجه به اینکه این عمل حرام بوده است. هم اکنون زنی که رحم خود را اجاره داده، بعد از وضع حمل، بچه ی متولد شده را مطالبه نموده و خود را مادر او می داند. وظیفه و حکم شرعی ما را در این مسئله بیان فرمایید؟

خوئی (قدس سرّه): زنی که منی در رحم او قرار گرفته و بچه را بعد از آن زاییده، مادر شرعی بچه می گردد و در شرع مقدس مادر بچه کسی است که او را می زاید، چنانچه خداوند در قرآن می فرماید (الذین یظاهرون منکم من نسائهم ما هن امهاتهم ان امهاتهم إلا الایبی ولدنهم) و صاحب نطفه پدر شرعی فرزند محسوب می گردد. اما زن نازا مادر شرعی فرزند نمی باشد؛ بنابراین زنی که رحمش را

اجاره داده، حق حضانت بچه متولد شده را تا دوسال دارد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): معامله ذکر شده در سؤال بین مرد و زن اجنبی به جهت حرمت این عمل؛ یعنی قرار دادن نطفه در رحم زن اجنبی باطل می باشد و همسر شرعی مرد صاحب نطفه مادر شرعی بچه نمی باشد و مادر شرعی بچه زنی است که رحم خود را اجاره داده است، ولی این مادر حق حضانت ندارد؛ زیرا ادله ی حضانت مادر، از بچه دار شدن به طریق حرام انصراف دارد، والله العالم.

سؤال (298) آیا در صورتی که بارداری با باروری تخمک زن دیگری باشد، جایز است؟

و در صورتی که این عمل انجام شود، آیا بچه تعلق به زنی دارد که او را زاینده، و یا ملحق به زن صاحب تخمک می باشد؟

(بسمه تعالی): عمل ذکر شده در سؤال، اگر مستلزم کشف عورت باشد، حرام است و در صورت انجام این عمل و تولد بچه، مرد صاحب نطفه پدر او و زنی که او را زاینده مادر او می شود و زن صاحب تخمک مادر شرعی محسوب نمی گردد، والله العالم.

سؤال (299) در صورتی که شوهر با تهیه ی منی از بانک منی آن را در رحم زن اجنبی قرار دهد، البته به طریق علم پزشکی جدید، آیا این

عمل جایز است؟ در صورت تولد فرزند، فرزند به چه کسی ملحق می شود؟

(بسمه تعالی): آثار ولادت شرعی در فرض مسئله محقق نمی شود و فرزند متولد شده، هیچگونه نسبتی با زوج ندارد. البته این بچه زنازاده هم محسوب نمی گردد، والله العالم.

مقصد چهارم: جنینی که ابتداءً در خارج از فضای رحم پرورش داده می شود

اشاره

سؤال (300) آخرین موفقیتی که علم پزشکی جدید به آن دست یافته است و با این موفقیت مشکل بسیاری از همسرانی که بچه دار نمی شوند، بالخصوص مردانی که قدرت بر بارور کردن نداشته و فاقد منی فعال و مؤثر بودند، حل شده، به این شکل است که پزشک مقدار از اسپرم موجود در بیضه ی شوهر را گرفته و آن را با تخمک زوجه اش در خارج رحم او بارور نموده و بعد از مدتی آن را دوباره در رحم زوجه قرار می دهد تا در رحم ثابت گشته و به شکل جنین درآید. این عمل تا به حال در چند نقطه ی عالم انجام شده است و بحمدالله در کشور سعودی يك پزشك مسلمان در بیمارستان شهر جده موفق به انجام آن شده است و مجله ی معروفی هم عکس پزشک مذکور را انداخته و این خبر را به

ص: 269

عنوان (تولد بچه ای بدون وجود منی مؤثر از پدرش) چاپ کرده است. این عمل پزشکی در عربستان با موافقت مجمع فقهی مطابق با شرع اسلامی انجام شده و وقتی که از پزشك سؤال می شود، آیا این عمل نوعی از استتساخ و شبیه سازی می باشد، او می گوید این عمل هیچ ربطی به شبیه سازی ندارد. اکنون سؤال این است که نظر حضرت عالی در این مسئله چیست؟ آیا این عمل جایز است؟ با توجه به اینکه با این عمل مشکل نازایی بسیاری از همسران حل شده و آنان همیشه از خداوند می خواستند که طریقی برای حل مشکل آنان پیدا شود و در صورتی که شما این عمل را جایز می دانید، آیا مباشرت پزشك نامحرم در مورد بارور کردن تخمك های زن و نبودن پزشك زن مشکلی ایجاد می کند و در صورتی که این عمل مستلزم كشف عورت نباشد، آیا اشکال دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که آنچه از بیضه ی شوهر گرفته شده، بعد از باروری مبدل به منی شده، فرزند متعلق به صاحب منی می باشد و در صورتی که تبدیل به منی نگردد، در الحاق فرزند به صاحب آن اشکال است. بله زنی که او را زاینده مادر او محسوب می گردد و انجام این عمل فقط برای زوج جایز است؛ یعنی تنها او می تواند این منی را با تخمك زن بارور نموده و در رحم همسرش قرار دهد و كشف عورت در مقابل غیر و همچنین كشف عورت برای زن در مقابل نامحرم جایز نمی باشد، مگر در صورتی که خود

شوهر اقدام به این عمل کند، چنانچه پزشك هم حق نگاه به عورت دیگری را ندارد، مگر برای معالجه ی مرض، والله العالم.

سؤال (301) آیا عمل بارور نمودن منی مرد و زن در فضای خارج رحم حلال است یا حرام؟

(بسمه تعالی): عمل ذکر شده جایز نمی باشد، مگر در يك صورت و آن صورت موردی است که شخصی که عمل ذکر شده را انجام می دهد، خود زوج و یا زوجه باشند و نطفه ی منعقد شده در خارج رحم توسط خود شوهر و به دست او در رحم همسرش قرار گیرد، والله العالم.

سؤال (302) من دانشجویی هستم که در دانشگاه مشغول تحصیل می باشم. از من خواسته شده که بحثی درباره ی باروری منی زن و یا مرد در خارج رحم و قرار دادن آن در رحم همسر تهیه نموده و بنویسم و در این نوشته راجع به فتاوی و انظار علما و مراجع شیعه تحقیق نمایم، آیا این عمل در نظر حضرت عالی مجاز است؟

(بسمه تعالی): این عمل به عنوان اولی جایز می باشد، ولی اشکال در مباشرت و اقدام پزشك نامحرم می باشد و مستلزم کشف عورت در نزد اوست و در صورتی که خود شوهر اقدام به این عمل کند و نطفه ی بارور شده را در رحم همسرش قرار دهد، مانعی ندارد، والله العالم.

ص: 271

سؤال (303) مدت زمانی است که ما در بیمارستانها با مشکلی به نام نازایی روبرو بوده و این مشکل حدود ده سال است که قلب ما را آتش زده و بعد از مراجعه به پزشکان متعدد آخر الامر به این نتیجه رسیدیم که طریقی برای بارداری و به دست آوردن فرزند در نظام پزشکی وجود دارد که به آن باروری مصنوعی گفته می شود. به این شکل که پزشک مقداری از نطفه ی شوهر را گرفته و آن را بارور نموده، سپس مقداری از نطفه و منی زن را گرفته و در فضای خارج رحم با نطفه ی مرد بارور می کنند و بعد از مدتی آن نطفه ی بارور شده ی زوجین را در رحم همسرش قرار می دهند. اکنون با توجه به اینکه این عمل را مرحوم آية الله العظمی خوئی حرام می دانسته و من هم مقلد آن مرحوم بودم. آیا من می توانم به مجتهدی دیگری که این عمل را جایز می داند، مراجعه کنم و شما می دانید که اطفال و بچه های ما زینت زندگی دنیا هستند؟

(بسمه تعالی): فتوای ما در این مسئله مطابق با نظر مرحوم استاد، آقای خوئی می باشد. در صورتی که مشکل در همسر شماست، خداوند او را شفا و عافیت عنایت نموده و بدانید که آنچه خداوند برای بنده ی مؤمنش تقدیر می کند، برای او خیر و صلاح است، والله العالم.

سؤال (304) حکم شرعی باروری مصنوعی که در زمان ما انجام می شود به این طریق که منی مرد را گرفته و با آمیختن با تخمک همسرش آن را در فضای خارج رحم بارور نموده و بعد از مدتی نطفه ی بارور شده را در رحم همسرش قرار می دهند، با توجه به اینکه این حمل به وسیله نزدیکی طبیعی نبوده، سؤالاتی مطرح است؟

آیا در صورتی که نازایی باعث لطمه خوردن و افسرده شدن زوجه شود و همچنین عمل باروری مستلزم کشف عورت زوجه در نزد پزشک خانم باشد، عمل تلقیح مصنوعی جایز است؟

(بسمه تعالی): جایز نیست که زن عورت خود را در نزد اجنبی و نامحرم ظاهر سازد چنانچه کشف عورت در نزد پزشک زن هم جایز نیست، ولی در صورتی که در رحم زن مرضی باشد که معالجه ی آن متوقف بر کشف عورت باشد، مانعی ندارد، واللہ العالم.

مقصد پنجم: احکام شبیه سازی

سؤال (305) جهان در چندین سال گذشته شاهد يك تحول عجیب بود که بشریت را به تعجب انداخته و باعث منقلب شدن قوانین طبیعی و مفاهیم علم بیولوژی گردید. دانشمندان موفق شدند که با استفاده از اجزاء منی يك انسان، انسانی کاملاً شبیه به او را بسازند و این شبیه سازی عبارت است از گرفتن مقداری از منی موجود در حیوان زنده که دارای

تمام معلومات و خصوصیات وراثتی بوده و کاشتن و بارور کردن آن در تخمکی که خالی از آن خصوصیات وراثتی بوده و بعد از بارور کردن این دو باهم موجودی متولد می شود که کاملاً شبیه حیوانی است که منی او را گرفته اند. اکنون در این زمینه سؤالاتی مطرح است که امید است، جواب فرمایید؟

1 - آیا بر این عمل حرمت وارد شده است؟

2 - آیا این نطفه منعقدۀ فرزند شرعی می باشد؟

3 - پدر و مادر این جنین چه کسانی هستند؟

4 - آیا در این عمل خطری برای اجتماع بشری از جهت شرعی به نظر می رسد؟

5 - آیا علماء سفارش به انجام این عمل می نمایند یا اینکه با استمرار این عمل مخالفت نموده و آن را برای بشریت مخاطره انگیز می دانند؟

(بسمه تعالی): این عمل جایز نمی باشد، زیرا تمایز و اختلاف در شکل و صورت بین انسان ها یکی از اموری است که خداوند طبق حکمت و مصلحت خود آن را قرار داده و این امر برای همه ی اجتماعات انسانی ضروری است. خداوند در قرآن می فرماید (وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافُ ألْسِنَتِكُمْ وَألْوَانِكُمْ....) و همچنین می فرماید (وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا) و همه این ها به این

ص: 274

جهت است که نظام عام اجتماعی در همه جای دنیا متوقف بر اختلاف در شکل و شمایل، و خصوصیات ظاهری می باشد، اضافه بر اینکه این امر مستلزم امور حرام دیگری مثل کشف عورت و مباشرت با نامحرم و پدید آمدن هرج و مرج و بهم خوردن نظم اجتماعی می باشد؛ مثلاً در ازدواج تشخیص زن و شوهر و محرم و نامحرم مشکل می شود و همینطور در همه ی معاملات نمی توان طرفین معامله را شناخت و تشخیص دادن بایع از مشتری و موجب و قابل ممکن نمی شود و در موارد قضاوت ها و شهادت ها تشخیص مدعی و منکر ممکن نگشته و همچنین شناخت شخص منکر و مدعی از شهود میسر نمی شود و همچنین فرق بین مالک و غیر مالک و همچنین در مدرسه ها و ادارات دولتی و امتحاناتی که برگزار می شود موجب اختلال می شود؛ زیرا می تواند بدل و انسان شبیه را به جای خودش بفرستد و با این وسیله حقوق انسان ها زایل می شود و در نسب و مواریث نمی توان فرزند را از غیر فرزند تشخیص داد. نسبت های شرعیه و مواریث از بین می رود. با ذکر این امور معلوم می شود که این عمل موجب اختلال نظم اجتماعی است، والله العالم.

سؤال (306) امروز در محافل علمی و پزشکی راجع به عمل شبیه سازی صحبت های زیادی می شود و در این زمینه سؤالاتی شرعی

ص: 275

مطرح گردیده، آیا شبیه سازی بعضی از اعضای انسان و حفظ و نگهداری آنها در مواردی که انسانهایی به آن ها احتیاج داشته و برای معالجه ی آنها استفاده می شود، جایز است؟

ب: در صورت جایز بودن عمل ذکر شده، آیا جواز شامل اعضای تناسلی هم می شود؟ آیا این اعضاء منسوب به شخص خاصی می باشند تا اینکه کشف و ظاهر کردن آن حرام باشد؟

د: آیا شبیه سازی انسان به این طریق که مقداری از تخمک زنی را گرفته و آن را با اسپرم خود زن بارور نموده و جنینی که درست می شود، دقیقاً شبیه خود آن زن می گردد. آیا انجام این عمل جایز است؟

(بسمه تعالی): شبیه سازی اعضای داخل مانند کبد و کلیه مانعی ندارد، اما شبیه سازی اعضای خارجی بدن قابل اشکال است، والله العالم.

ب: شبیه سازی اعضای تناسلی که مستلزم کشف عورت باشد، جایز نمی باشد، والله العالم.

د: عمل ذکر شده در سؤال جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (307) آیا عمل شبیه سازی جایز است و فرزندى که به این طریق متولد می شود. منسوب به چه کسی است و چه نسبتی با موارد ذکر شده در ذیل دارد؟

1 - اگر مقداری از اسپرم زوج و تخمک زن باهم بارور شود.

ص: 276

2- اگر مقداری از اسپرم مرد اجنبی گرفته شده و در تخمک زنی قرار گیرد.

3- در صورتی که اسپرم از يك زن و تخمک از زن دیگری باشد.

4- اگر اسپرم و تخمک، هر دو از يك زن باشد.

5- اگر اسپرم انسانی را در تخمک حیوانی قرار دهند.

(بسمه تعالی): شبیه سازی جایز نمی باشد؛ زیرا موجب اختلاف و به هم ریختن و اشتباه نسبت ها می شود، به شکلی که موجب اختلاف و بهم خوردن نظم اجتماعی می گردد و در موارد ذکر شده در شبیه سازی، آثار پدری و فرزندى و یا برادری و همچنین احکام نفقه و ارث جاری نمی شود و این عمل جایز نیست و اگر خدای ناکرده انجام شد. در صورت حامله شدن زن، فرزند متولد شده به شوهر این زن محرم نبوده و هیچ نسبتی با او ندارد، مگر در صورتی که نطفه ی مرد با تخمک زنش در خارج بارور شده و در رحم همسرش قرار گیرد به شرط اینکه مباشر در قرار دادن نطفه در رحم زن، خود زن و یا همسرش باشد.

سؤال (308) مردی که عقیم بوده و بچه دار نمی شود، آیا می تواند از طریق شبیه سازی با توجه به اینکه همسرش قدرت بارداری دارد، اقدام به فرزند دار شدن کند؟

ص: 277

(بسمه تعالی): شبیه سازی جایز نمی باشد؛ چون باعث هرج و مرج در اجتماع و بهم خوردن نسبتها و اختلال و بی نظمی در زندگی و اجتماع انسانی می شود و در صورتی که این عمل انجام شود بر فرزند متولد شده، احکام شرعی ی فرزند شرعی مترتب نمی شود و پدر شرعی بودن و یا فرزند شرعی بودن و آثار میراث و احکام دیگر جاری نمی شود، واللہ العالم.

مقصد ششم: احکام مرگ

فصل اول: آنچه که مرگ به آن محقق می شود

سؤال (309) پزشکان می گویند که مرگ هر انسانی با از بین رفتن قوه ی عاقله ی او محقق می شود، حتی در صورتی که قلب انسان به شکل کامل از کار نیفتاده و هنوز دارای حرکت می باشد. ولی عرف عادی مرگ را با از بین رفتن حرکت و حیات در همه ی اعضای بدن به شکل کامل می داند. ولی اگر عرف هم متوجه گفته ی پزشکان شود، شاید نظر پزشکان را تایید کند با توجه به آنچه گفته شد، ملاک تحقق مرگ شرعی کدام است؟

(بسمه تعالی): میزان و ملاک در تحقق احکام مرگ، خروج روح انسانی از بدن و باقی ماندن انسان و یا حیوان به شکل جسد محض می باشد و در روایات برای مرگ شرعی آثاری ذکر گردیده و مجرد مرگ

قوه ی عاقله و مغز تنها، ملاك مرگ شرعی به تنهایی نمی باشد، والله العالم.

سؤال (310) فقها و عرف عامه ی مردم و عرف خاص پزشکی در اینکه آیا مرگ مغزی مرگ انسان محسوب می شود یا خیر، اختلاف دارند. آیا در این موضوع باید به فقیه رجوع نمود؛ زیرا موضوعی است که نیاز به استنباط دارد و یا اینکه باید به عرف مراجعه کرد. در صورت دوم حکم اختلافی عرف در تحدید آن را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): مرگ مغزی که همان مرگ علمی و پزشکی است، ملاك حکم شرعی نبوده و ملاك در موت، موت عرفی می باشد، والله العالم.

فصل دوم: احکام مرگ مغزی

سؤال (311) هنگامی که شخصی مبتلا به مرگ مغزی شده و پزشکان از زندگی او مایوس شده اند و ادامه ی زندگی او فقط به وسیله ی تجهیزات پزشکی ممکن است. آیا واجب است که پزشکان آن تجهیزات را در بدن کار گذاشته، تا او به زندگی ادامه دهد؟

(بسمه تعالی): واجب نمی باشد، والله العالم.

سؤال (312) در صورتی که گذاشتن تجهیزات واجب نباشد و در صورتی که این تجهیزات گذاشته شده و با این تجهیزات پزشکی مریض

زندگی عرفی خود را دارد. آیا رفع و برداشتن آنها در صورتی که منتهی به مرگ وی شود، جایز است؟

(بسمه تعالی): برداشتن جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (313) اگر شخصی دستور به برداشتن تجهیزات پزشکی از شخص متوفی به مرگ مغزی کند، بر این عمل چه حکمی مترتب می گردد؟

(بسمه تعالی): به این عمل حکم تعزیر مترتب می گردد، والله العالم.

سؤال (314) در صورتی که انسانی مبتلا به مرض کشنده ای مانند سرطان بوده و این بیماری در تمام بدنش پراکنده شده است و اکنون زندگی را با درد و مشقت فراوان سپری می کند و معالجات پزشکی هم اثری ندارد. در صورتی که قلب این مریض از حرکت ایستاده، آیا پزشک معالج می تواند بگوید که دیگر معالجه را ترك نموده و اقدامات پزشکی را ادامه ندهید و امید به رحمت خداوند داشته باشید. در صورتی که پزشک معالج با دستور پزشک مافوق خود این عمل را انجام دهد، آیا حکم خاص بر عمل او مترتب می گردد؟

خوئی (قدس سرّه): ادامه دادن به زندگی کسی که حیات و زندگی او احترام دارد به وسیله ی معالجات پزشکی لازم است، مگر در صورتی که این عمل با عمل مهم تری تراحم پیدا نماید.

ص: 280

تبریزی (قدس سرّه): ادامه دادن به زندگی شخص مریض در فرض ذکر شده، به وسیله دارو و تجهیزات پزشکی که تنفس شخص مذکور را تامین می کند واجب نمی باشد، ولی کشتن و از بین بردن او هم جایز نیست.

سؤال (315) در صورتی که قلب مریض از تپش افتاده و پزشکان سعی می کنند که دوباره قلب او را به کار اندازند، ولی تلاش پزشکان اثری نداشته است. شما فرمودید که باید سعی و تلاش برای برگرداندن حرکت قلب را ادامه دهند با توجه به اینکه از دید پزشکی، در صورتی که تا سه ربع ساعت قلب به حرکت نیفتد، احتمال زندگی بسیار کم می باشد، آیا در فرض مذکور ادامه ی معالجات پزشکی لازم است؟

خوئی (قدس سرّه): بله استمرار در معالجه و سعی برای ادامه ی زندگی مریض لازم است.

تبریزی (قدس سرّه): استمرار واجب نبوده، ولی کشتن و یا از بین بردن مریض مذکور جایز نمی باشد.

سؤال (316) در صورتی که استمرار معالجه ی مریض که مبتلا به مرگ قلبی شده، متوقف باشد بر اینکه به سینه ی او فشار وارد کرده که قلب به حرکت افتد و این عمل در برخی موارد وقت زیادی برده و پزشکان با اطلاعاتی که دارند می دانند که این عمل غالباً فایده ای نداشته و باعث

تضییع وقت و تلف شدن وقت مریضان دیگر می گردد. آیا تلاش برای برگرداندن حرکت قلب به شکلی که گفته شد، بر پزشکان لازم است؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که استمرار مداوای مریض ذکر شده، مزاحم معالجه ی مریضان دیگر باشد، پزشك باید مریضی را که مداوای او ارجح می باشد، انتخاب نماید.

سؤال (317) آیا در صورتی که استمرار معالجه که مشتمل بر وارد کردن فشار شدید بر سینه شخص مریض می باشد که در بعضی موارد موجب شکستن قفسه ی سینه و یا بعضی از اعضای سینه ی مریض می گردد؛ مانند مریضانی که دارای سنین بالا بوده و استمرار معالجه به شکل مذکور در برخی موارد اثر معکوس می دهد، در این موارد تکلیف پزشك چیست؟

خوئی (قدس سرّه): آنچه که در مسئله ذکر شده، ضابطه ی مشخص ندارد، ولی می توان گفت، هر عملی که احتمال نتیجه اش در درمان مریض بیشتر باشد، باید انجام شود.

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که پزشك یقین کند و یا اطمینان داشته باشد که سعی او برای نجات مریض به شکلی که در سؤال ذکر شده، مؤثر واقع نخواهد شد. چیزی بر او واجب نمی باشد، مگر در صورتی که پزشك، برای انجام اعمال خاصی اجیر شده باشد

و آنچه که در سؤال ذکر شده، مورد اجاره باشد که در این صورت طبق آنچه که بر آن اجیر شده، باید عمل کند.

سؤال (318) در صورتی که پزشک معالج بتواند مریض را به حرکت در آورده، ولی بعد از حرکت، قلب و مغز مریض از حرکت و فعالیت ایستاده و مریض مبتلا به مرگ مغزی شود و در این صورت زندگی مریض متوقف بر نصب دستگاه تنفس مصنوعی و تزریق سرم و استفاده ی بعضی از داروهای دیگر می باشد به شکلی که اگر این موارد انجام نپذیرد، مریض می میرد. آیا در این فرض می توان دستگاه تنفس را از مریض برداشته و جدا ساخت؟ و در صورتی که پزشک مجبور به این عمل شود؛ مثل موردی که مریض دیگری که احتمال بهبودی او می رود، نیاز به سرم و این وسیله را داشته و اگر این دستگاه به او وصل نشود، می میرد. آیا برداشتن دستگاه از مریض اول و نصب آن بر مریض دوم جایز می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): در مورد سؤال برداشتن دستگاه از مریض اول جایز نمی باشد، مگر در صورتی که مورد مهم تری در بین باشد، چنانچه در سؤال ذکر شده است.

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که آنچه در سؤال ذکر شده، معلوم گردیده و احراز شود، استمرار و ادامه ی استفاده از دستگاه تنفس در مریض اول واجب نمی باشد.

سؤال (319) در بسیاری از بیمارستان های پیشرفته، پزشکان جهت به حرکت درآوردن قلبی که از حرکت ایستاده، اقدام به کاری می کنند که این کار موجب حرکت قلب و کار افتادن آن می باشد؛ مثل اینکه با دست خود محکم به قفسه ی سینه ی مریض فشار وارد نموده و چند مرتبه این عمل را انجام می دهند و همچنین باید از دستگاه تنفس و سرم و داروهای دیگری جهت ادامه ی حیات مریض استفاده کنند؟

1 - آیا جایز است که پزشک دستور دهد، این عمل را به خاطر پیر بودن مریض و بی فایده بودن و مؤثر نبودن آن در تنفس مریض انجام ندهند؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که این عمل در نزد پزشک راجح باشد مانعی ندارد و جایز است، والله العالم.

2 - آیا پزشک در مواردی که مریض مبتلا به سرطانی است که در همه ی بدن او پراکنده شده و هرگز قابل معالجه نمی باشد، می تواند اعمالی را که در سؤال ذکر شده، انجام دهد؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که پزشک صلاح بداند، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (320) در صورتی که مریض مبتلا به مرگ مغزی گردیده، آیا می توان دستگاه تنفس را از او جدا نمود؟

(بسمه تعالی): مرگ مغزی که مورد اصطلاح پزشکان می باشد، مورد احکام مرگ شرعی نبوده و در صورتی که برداشتن دستگاه تنفس موجب تعجیل در مرگ شخص مریض باشد، جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (321) در صورتی که شخص مبتلا به مرگ مغزی شده و برای او دستگاه تنفس مصنوعی گذاشته اند و از این دستگاه فقط يك عدد موجود بوده و مریض دیگری که نیاز به دستگاه مذکور داشته و مریضی او قابل معالجه و بهبودی است وجود دارد. آیا می توان دستگاه تنفس را از مریض اول که امیدی به بهبودی او نیست، برداشت و برای مریض دوم بکار برد؟

(بسمه تعالی): برداشتن دستگاه در فرض مذکور جایز می باشد، والله العالم.

سؤال (322) در مواردی که مریض مبتلا به مرگ مغزی شده، آیا بر اولیاء او واجب است که مخارج و هزینه ی استمرار معالجه و بقاء زندگی او را که پرداخت آن برایشان سخت بوده و موجب ضرر به ورثه می گردد، بپردازند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که اولیاء شخص مریض به پزشك معالج دستور داده اند که وسیله ی تنفس را در بدن مریض نصب کند، باید به این عمل ادامه داده، تا خداوند عمر مریض را پایان دهد، ولی اگر پزشکان بدون خواسته ی اولیاء از جانب خود وسیله ذکر شده را کار گذاشته اند، مبلغی را که بیمارستان در مقابل آن عمل دریافت

می کند. اگر ورثه پرداخت کرده و بیمارستان هم در این مورد کمکی نکرد، از اموال او استثناء می گردد، والله العالم.

مقصد هفتم: احکام مراجعه به پزشکان

فصل اول: موارد جواز کشف عورت برای بیمار

اشاره

سؤال (323) در چه حالی جایز است که زن مریض جهت مداوا عورت خود را در نزد يك پزشك زن ظاهر سازد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مریض بوده و معالجه ی آن متوقف بر اظهار عورت باشد، اشکالی ندارد، والله العالم.

سؤال (324) در صورتی که پزشك مرد دارای تبحر و مهارت بیشتری از پزشك زن باشد، آیا زن مریض می تواند به پزشك مرد مراجعه نماید و در صورت جواز، آیا می تواند جهت معالجه بدن خود را به پزشك مرد نشان دهد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که پزشك مرد دارای تبحر و خبرویت بیشتری از پزشك زن باشد، جایز است در مقام معالجه به او مراجعه شود، والله العالم.

سؤال (325) بعضی از مردها در معالجه ی زن هایشان بسیار سخت می گیرند و با توجه به آنکه پزشك مرد تبحر خاص و تخصص دارد، به

ص: 286

خاطر رعایت شئون اسلامی آنان را از مراجعه به پزشک مرد منع می کنند، در صورتی که پزشک زن یا از مرد تخصص کمتری دارد و یا اصلاً در این تخصص، پزشک زن وجود ندارد، آیا در این صورت، شرع مقدس مانع این کار است؟

(بسمه تعالی): از جهت شرع اگر پزشک مرد حاذق تر از پزشک زن باشد، مراجعه به پزشک مرد مانعی ندارد، واللہ العالم.

سؤال (326) آیا مریض مسلمان می تواند برای انجام عمل جراحی که ضرورت داشته و برطرف شدن مرض متوقف به آن است به پزشک غیر مسلمان رجوع نماید. با توجه به اینکه این عمل مستلزم نظر به عورت مریض مسلمان می باشد و آیا این عمل با توجه به اینکه پزشک مسلمان در آن بیمارستان و یا بیمارستانهای دیگر وجود دارد، جایز می باشد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که نظر به عورت برای معالجه ی مرض باشد، کشف عورت جایز بوده و فرقی بین پزشک کافر و مسلمان نمی باشد، واللہ العالم.

1 - کشف عورت و اظهار آن برای پزشک جهت رفع نازایی

سؤال (327) آیا نشان دادن عورت به پزشک برای معالجه و درمان نازایی جایز است؟

ص: 287

(بسمه تعالی): در صورتی که نازایی جهت مرض در رحم باشد که معالجه ی آن متوقف بر کشف عورت برای پزشك باشد، مانعی ندارد،
والله العالم.

سؤال (328) آیا نازایی برای زن از مواردی است که در رفع آن کشف عورت در نزد طبیب جایز باشد و آیا پزشك مرد می تواند زن هایی را که مبتلا به این معزل هستند، مداوا نموده و به بدن و یا عورت آنها نظر کند و در صورت حرمت آن، اگر نازایی در زن برای او سخت و مشکل باشد، آیا این سختی مجوّز رجوع او به پزشك و نشان دادن عورت به او می شود؟

(بسمه تعالی): مجرد دارو دادن و نسخه نوشتن از طرف پزشك مرد به زن نازا مانعی ندارد، اما نشان دادن عورت به پزشك نامحرم فقط در صورت مداوای مرضی که رفع آن متوقف بر کشف عورت است، جایز بوده و نازایی مرضی محسوب نمی شود، ولی در صورتی که نازایی به خاطر مرضی در رحم زن باشد که مداوای آن مرض متوقف بر کشف عورت باشد، مراجعه به پزشك مرد در صورتی که پزشك زن نباشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (329) آیا زنی که مبتلا به نازایی است، می تواند عورت خود را به پزشك زن جهت آزمایش و تشخیص علت نازایی نشان دهد؟

ص: 288

(بسمه تعالی): در صورتی که احتمال دهد نازایی به جهت وجود مرضی در رحم اوست که مانع از حاملگی می گردد و تشخیص آن متوقف بر کشف عورت در نزد پزشك زن باشد، کشف عورت مانعی ندارد، واللہ العالم.

سؤال (330) آیا خانمی که چند سال از ازدواج او گذشته و هنوز حامله نشده است، می تواند جهت آزمایش نزد پزشك مرد و یا زن رفته، با توجه به اینکه آزمایش مستلزم کشف عورت می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): جایز نمی باشد.

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که از وجود مرض در رحم خود می ترسد و احتمال می دهد که نازایی هم مستند به آن مرض باشد. برای تشخیص و مداوای آن مرض می تواند در نزد پزشك به مقدار ضرورت کشف عورت نماید، واللہ العالم.

2 - کشف عورت برای پزشك جهت بچه دار شدن

سؤال (331) آیا کشف عورت در نزد دکتری که متخصص نازایی می باشد، جایز است و آیا فرقی بین دکتری که خودش این عمل را انجام می دهد و یا شخص دیگری که به دستور پزشك متخصص اقدام به این عمل می کند، وجود دارد و در صورت جایز بودن، آیا بیشتر از يك مرتبه هم جایز است، یا فقط برای يك مرتبه جایز است؟

ص: 289

خوئی (قدس سرّه): مجرد نازایی مریضی محسوب نشده و کشف عورت در نزد پزشك زن و یا مرد برای رفع آن جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (332) آیا مراجعه زن به پزشك مرد و یا پزشك زن جهت رفع نازایی که مستلزم نظر و کشف عورت باشد، جایز است؟

و آیا در این مسئله فرقی بین صورت معالجه و غیر آن وجود دارد، مثل صورتی که مریضی در زن می باشد که آن مرض باعث نازایی است؟ خوئی (قدس سرّه): در صورتی که کشف عورت به خاطر معالجه ی مریضی باشد که بدون کشف عورت علاج آن ممکن نیست و شخص مریض را به سختی و مشقت انداخته، نشان دادن عورت به پزشك مانعی ندارد، والله العالم.

3 - کشف عورت برای پزشك در حال ضرورت

سؤال (333) نشان دادن عورت به پزشك نامحرم در حال ضرورت چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که معالجه ی مرض متوقف بر کشف عورت باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (334) در بعضی از موارد حاملگی در بعضی از زنان، باعث عوارضی مانند خونریزی و یا پایین آمدن فشار و کم کاری کلیه ها می گردد و در بعضی از موارد این عوارض باعث مرگ زن باردار می شود.

ص: 290

آیا زن بارداری که دارای حالت طبیعی بوده و عوارض قبلی نداشته، ولی می خواهد مطمئن شود که در آینده مبتلا به این عوارض نمی شود، می تواند اقدام به عمل سونوگرافی کند با توجه به اینکه این عمل مستلزم کشف عورت در نزد پزشک خانم می باشد و در صورتی که زن باردار احساس دردهایی می کند که بعد از مراجعه به پزشک معالج، به او توصیه شده که عمل سونوگرافی نماید. آیا این عمل با توجه به آنچه گفته شد، جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که زن باردار مریض بوده و احتمال دهد که مریضی او به خاطر بعضی از عوارض بارداری است که در سؤال ذکر شده، رجوع به پزشک جهت اطمینان به سلامت جسمی، جایز است.

4 - کشف عورت برای پزشک به خاطر اطمینان از سلامت

سؤال (335) آیا کشف عورت در نزد طیب و پزشک جهت اطمینان از سلامت جسمی، جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مداوا و معالجه ی مرض متوقف بر کشف عورت باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

ص: 291

5 - کشف عورت نزد پزشك مرد يا زن جهت جلوگیری از باردار شدن

سؤال (336) در صورتی که استفاده از وسایل جلوگیری از حمل، مثل قرص و امثال آن که موجب سختی و حرج باشد و جلوگیری از حمل به طرق دیگر مستلزم کشف عورت باشد، آیا جلوگیری از حمل مجوز کشف عورت می شود؟

(بسمه تعالی): عمل مذکور در سؤال در نزد پزشك مرد، جایز نمی باشد. اما در نزد پزشك زن در صورتی که مبتلا به مرضی در رحم باشد و پزشك بخواهد بیماری در رحم را معالجه کند، کشف عورت مانعی ندارد، والله العالم.

فصل دوم: مراجعه زن به پزشك مرد

اشاره

سؤال (337) در صورتی که معالجه ی بیماری در زن متوقف کشف عورت نزد طیب مرد باشد و یا معالجه ی مرضی مرد متوقف کشف عورت در نزد پزشك زن باشد. در صورتی که امکان مراجعه مریض به پزشك هم جنس باشد، می تواند به پزشك غیر هم جنس برای مداوا مراجعه کند. با توجه به اینکه پزشك غیر هم جنس حاذق تر و متبحرتر از پزشكان دیگر است؟

ص: 292

(بسمه تعالی): در صورتی که پزشك غير هم جنس حاذق تر از پزشكان ديگر باشد، مراجعه به او مانعي ندارد، هر چند مستلزم كشف عورت باشد، والله العالم.

سؤال (338) در صورتی که زن بداند، وضع حمل در بیمارستانی هم به وسیله پزشك مرد انجام می شود وهم پزشك زن، و در صورت مراجعه به این بیمارستان حق انتخاب پزشك زن را ندارد، آیا جایز است برای وضع حمل به این بیمارستان برود. در صورت جواز، آیا می تواند پزشك مرد عمل وضع حمل را انجام دهد؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که در رفتن به این بیمارستان مجبور می باشد و مراجعه به بیمارستانهای دیگر برای او ممکن نیست و در این بیمارستان هم حق انتخاب پزشك زن را ندارد، مراجعه مانعی ندارد و در صورتی که مجبور نباشد، مراجعه جایز نمی باشد. مراجعه به پزشك مرد در صورت عدم اضطرار و ضرورت جایز نمی باشد و برای پزشك مرد هم انجام عمل مذکور جایز نیست.

سؤال (339) آیا شوهر می تواند همسر خود را به بیمارستانی ببرد که می داند پزشك معالج مرد می باشد و مراجعه به بیمارستانی که پزشك زن دارد، مستلزم دفع هزینه ای است که برای زوج پرداخت آن دشوار است. در فرض مذکور آیا مراجعه به پزشك زن واجب است؟

ص: 293

(بسمه تعالی): مراجعه به پزشك مرد با وجود پزشك زن برای خانم باردار، جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (340) بعضی از خانم های جوان مبتلا به ریزش غیر طبیعی موی سر هستند که به عنوان يك مرض تلقی می گردد. آیا می توانند به پزشك مرد مراجعه نموده و موی سر خود را به او نشان دهند؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که تحمل این حالت و ریزش مو برای آن زن موجب سختی و مشقت باشد، می توانند به طبیب مرد مراجعه نموده و در این صورت کشف موی سر مانعی ندارد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): و همچنین در صورتی که این حالت در عرف به عنوان مرض شناخته شده و پزشك مرد حاذق تر و متبحرتر از پزشك زن باشد، والله العالم.

سؤال (341) گاهی اوقات زنی مبتلا به مرضی می شود که پزشك معالج زن برای آن مرض یافت نمی شود. آیا می تواند به پزشك مرد مراجعه کند؟

(بسمه تعالی): در فرض سؤال مراجعه به پزشك مرد مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (342) بعضی از پزشكان روان شناس می گویند که بعضی از مریضی های عصبی و روحی را در بیمار با نگاه به صورت او می توان

تشخیص داد. آیا زنی که مبتلا به این مریضی است، می تواند به پزشك مرد برای رفع این مرض مراجعه کند؟

(بسمه تعالی): نشان دادن صورت به پزشك مرد به اندازه ای که معالجه و درمان متوقف بر آن است، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (343) آیا زن می تواند به پزشك مرد برای کشیدن دندان مراجعه کند. با توجه به اینکه پزشك مرد در بیمارستان دولتی بوده و

مراجعه به دندان پزشك زن در بیمارستان خصوصی مستلزم هزینه کردن مبلغ فروانی است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که پزشك مرد حاذق تر و متبحرتر از پزشك زن نباشد، مراجعه به او برای کشیدن دندان جایز نمی باشد، والله العالم.

حضور زن مریض با پزشك معالج به شکل تنهایی در اتاق پزشك

سؤال (344) آیا زن می تواند به تنهایی و بدون حضور یکی از محارمش به پزشك مرد مراجعه کند و آیا این عمل مصداق خلوت با نامحرم محسوب می گردد. در صورت امکان، آیا همراه بردن یکی از محارم واجب است؟ آیا بر زن مریض واجب است که اول به دنبال پزشك زن رفته و در صورت نبودن پزشك زن، به پزشك مرد مراجعه کند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که زن مجبور شود به پزشك مرد مراجعه کند و در رجوع به پزشك مرد امنیت او محفوظ باشد، مراجعه بدون

محارم مانعی ندارد. چنانچه مراجعه به پزشك مرد در صورتی كه مجبور باشد، مانعی نداشته و نیازی به جستجو از پزشك زن نمی باشد، والله العالم.

تتمه

1 - معنای کلمه ی ثقة

سؤال (345) در بعضی از استفتائات فرموده اید كه كشف عورت در نزد پزشك ثقة و حاذق، مانعی ندارد. آیا مراد از ثقة بودن طیب و پزشك، ثقة بودن او در دین و اخلاق می باشد به شكلی كه زن مریض اطمینان دارد منظور پزشك مرد از نگاه به بدن او فقط معالجه و درمان است نه غرضی دیگر. و یا مراد از ثقة بودن او، اطمینان به مهارت و تشخیص طبی او می باشد و یا اینکه مراد هر دو عنوان است؟

(بسمه تعالی): مراد از ثقة بودن طیب كه در جواب آمده، این است كه زن مریضه بعد از آنكه احراز نمود كه پزشك حاذق است، اطمینان داشته باشد كه غرض او در هنگام كشف عورت تنها معالجه و درمان است و غرض های شیطانی دیگر ندارد، والله العالم.

2 - ملاك تشخیص اضطرار

سؤال (346) تشخیص موارد ضرورت و اضطرار در مراجعه ی زن به پزشك مرد و یا مراجعه مرد به پزشك زن، آیا به قول پزشك است یا

ص: 296

منوط به تشخیص خود مریض بوده و یا با حکم و فتوای مجتهد مشخص می شود؟

(بسمه تعالی): در صورتی که پزشک حاذق و مورد اطمینان از مریض بخواهد که برای معالجه و مداوا عورت را ظاهر کند، کشف عورت مانعی ندارد، والله العالم.

مقصد هشتم: احکام پزشکان

فصل اول: احکام عمومی

اشاره

سؤال (347) پزشکی سؤال می کند که آیا معیار مشخصی برای تعیین مبلغ اجرت برای پزشکان وجود دارد؟

(بسمه تعالی): تعیین اجرت برای اطباء و پزشکان امریست که مربوط به خود آنها می شود و لکن سزوار است، پزشکان مراعات حال مریضان مؤمن و تهی دست را تا آنجا که ممکن است، بنمایند.

سؤال (348) در صورتی که پزشکی در معالجه ی مریض، خود را ناتوان ببیند، وظیفه ی شرعی او چیست؟

(بسمه تعالی): در فرض سؤال باید مریض را به پزشک دیگری که توانایی مداوای مریض را داشته و دارای تبحر و مهارت کافی است، ارجاع دهد، والله العالم.

ص: 297

سؤال (349) آیا برای طبیبی که تازه از دانشگاه فارغ التحصیل گردیده، واجب است که کتاب های پزشکی و طبی جدید را مطالعه نموده و از پیشرفت های علمی روز آگاه گردد تا بتواند در خدمت دهی و معالجه ی مریضان مسلمان موفق تر باشد؟

(بسمه تعالی): بله واجب است که پزشك پیوسته تخصص و تبحر خود را با مطالعه ی کتاب های گوناگون بیشتر کند و برای طبیبی که توانایی معالجه را ندارد، طبابت جایز نمی باشد.

سؤال (350) پزشکی به خاطر خصوصیت شغلی خود مجبور است با پیروان ادیان دیگر؛ مانند هندوها که دولت آنها را استخدام نموده است، مراوده و معاشرت داشته باشد و با آنان در صرف غذا و خوردن چای مشارکت کند. گاهی اوقات غذا و یا نوشیدنی که دست شخص غیر مسلمان به آن خورده، به او تقدیم می کنند که اجتناب از آن و نخوردن آن باعث سختی و مشقت می باشد. حکم این معاشرت و خوردن از غذاهایی که تهیه می کنند، چیست؟

(بسمه تعالی): خوردن و آشامیدن آنچه که برای او می آورند، مانعی ندارد، مگر در صورتی که یقین به نجاست آنها پیدا کند و در صورتی که علم به نجاست غذا و یا نوشیدنی آنها پیدا نمود، خوردن آنها جایز نمی باشد، مگر بعد از تطهیر آنها در مواردی که تطهیر ممکن باشد،
والله العالم.

ص: 298

سؤال (351) پزشك جراحی که در اتاق عمل عملیات جراحی را انجام داده، در حالی که در محل مذکور فقط يك پزشك خانم متخصص بیهوشی همراه اوست. آیا این صورت از مسئله حکم خلوت با نامحرم را دارد؟

(بسمه تعالی): اگر در اتاق عمل باز باشد، به شکلی که هر کدام از اعضای بیمارستان بتوانند وارد اتاق شوند، مانعی ندارد.

وظیفه ی پزشك با کسانی که اعتصاب غذا کردند

سؤال (352) آیا پزشك وظیفه دارد، کسانی را که از خوردن غذا خودداری می کنند، به وسیله سرم و یا مانند آن به اجبار از مرگ نجات دهد؟

(بسمه تعالی): بله در صورتی که حفظ جان شخص متوقف بر آن شد، می تواند عمل مذکور را انجام داده و در صورتی که آن شخص مسلمان و مؤمن باشد، واجب می باشد.

فصل دوم: مواردی که معالجه ی پزشك متوقف بر لمس نامحرم و نگاه به او باشد

سؤال (353) پزشکی که خانم های مریض به او مراجعه نموده و این پزشك ابتداءً نمی داند که مورد مرض آنها به حد ضرورت و اضطرار رسیده، تا آنها را معالجه نماید و یا اینکه مورد از موارد اضطراری

ص: 299

نمی باشد و کشف بدن و یا نظر به بدن آنها جایز نیست. لطفاً وظیفه ی اینگونه پزشکان را معین فرمایید؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که پزشک به وجود ضرورت و اضطرار در مریضی مطمئن باشد، می تواند به بدن او نگاه نموده و کشف بدن او مانعی ندارد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که پزشک معالج اطمینان به وجود مرض در خانم های که به او مراجعه می کنند، دارد و خود را در معالجه از پزشک های زن حاذق تر و ماهرتر می داند، کشف بدن و یا نگاه به آنان مانعی ندارد.

سؤال (354) آیا برای پزشک جایز است به بدن زنی که ناچار است برای معالجه بدنش را به پزشک نشان دهد، نگاه کند، با توجه به اینکه پزشک اضطراری برای معالجه ی زن مریض ندارد؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که علاج و مداوای مرض ممکن نباشد، مگر با نظر و نگاه به بدن مریض، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (355) الف - در صورتی که زن ادعای اضطرار و ضرورت می کند و تاخیر معالجه را خطرناک می داند، آیا پزشک می تواند به محض ادعای مریض به بدن او نگاه کند؟

(بسمه تعالی): در صورتی که پزشک یقین به اشتباه زن نکند، کشف و نگاه مانعی ندارد، والله العالم.

ب - در صورتی که پزشك شك دارد که آیا ضرورتی برای كشف بدن زن مريض وجود دارد یا نه می تواند به بدن او نگاه کند؟

(بسمه تعالی): حکم این مسئله از جواب سابق دانسته می شود، والله العالم.

ج - در صورتی که پزشك یقین دارد، مريضی زن اضطراری نبوده و موجب كشف بدن و نگاه نمی باشد، ولی خود زن مريض، مرضش را اضطراری دانسته و خواهان كشف و نگاه طیب است؟

(بسمه تعالی): در این صورت كشف بدن و نگاه جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (356) یکی از اموری که پزشكان مرد به آن مبتلا می شوند، معاینه ی زن های مريضی است که به آنها مراجعه می کنند. در این موارد زنهای مريض برای معاینه گاهی اوقات بدن خود را به پزشك نشان داده و پزشك معالج مبتلا به نظر شهوانی می شود، این در حالی است که در بعضی از موارد یقین به مرض و معالجه ی آن بدون لمس و نظر به نامحرم ممکن نمی باشد؛ مانند موارد وضع حمل و یا مواردی که خانمهای باردار مبتلا به خونریزی می شوند که نجات آنها از مرگ متوقف بر نگاه و لمس بدن آنهاست و یا در بعضی موارد خانم ها مبتلا به سرطان سینه می شوند که طیب برای تشخیص و یا معالجه مجبور به لمس و نظر می گردد. در این اوقات بعضی از پزشكان مبتلا به نظر شهوانی می شوند. حال سؤال این است که آیا مراجعه به پزشك مرد با توجه به اینکه پزشك معالج زن

ص: 301

وجود ندارد، جایز است و آیا معالجه ی این خانم ها برای پزشکان مرد جایز است؟

(بسمه تعالی): نظر و لمس بدن نامحرم که توأم با شهوت باشد برای پزشك و غیر پزشك جایز نمی باشد و در صورتی که پزشك بداند، پزشك زن دیگری برای معالجه وجود دارد و یا پزشك مردی هست که بدون محذور شرعی مرض را معالجه می کند، باید مریض را به او ارجاع دهد، واللہ العالم.

سؤال (357) من پزشکی هستم که در استرالیا مشغول طبابت شدم و اکنون دو مشکل برای من وجود دارد، لطفاً نظر مبارک را بیان فرمایید؟

اول: مواردی که مداوا و معالجه متوقف بر فحوص و آزمایش و معاینه بوده و پزشك ناچار است، بدن زن مریض را برهنه نموده و نگاه و لمس نماید؟

دوم: مواردی که پزشك مجبور می شود با زنهای مریض و یا کادر بیمارستان که زن هستند، دست بدهد؟

اما مسئله ی معاینه ی بدنی مریض گذشته از آنکه در تشخیص مریضی اهمیت دارد، در صورتی که پزشك امتناع از آن نماید، منجر به از دست دادن کارش می شود. همچنین اگر با زنهای مریضه و یا کادر بیمارستان دست ندهد، باعث عداوت و دشمنی و اذیت بعضی می شود. گذشته از

ص: 302

اینکه در بعضی از موارد موجب محرومیت از کار می شود. با توجه به اینکه من به شغلم احتیاج داشته و نمی توانم از آن دست بردارم؟

(بسمه تعالی): مصافحه و دست دادن با زن نامحرم جایز نمی باشد و دست دادن در صورتی که از روی لباس و یا دستکش باشد و از روی شهوت و التذاذ نباشد، مانعی ندارد. ممکن است که پزشک مذکور به کسانی که می خواهند با او دست دهند، بگوید که من به جهت آلودگی دست و یا مداوای مریضی که آلوده بوده، نمی توانم دست بدهم و بدین گونه از آنها معذرت خواهی نماید و اما معاینه ی زنهاى مریض در صورتی که ضروری بوده و پزشک زن حاذق هم نباشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (358) بعضی از پزشکان که جراحی می کنند برای اینکه عمل جراحی و یا معالجه که مستلزم کشف بدن نامحرم و نگاه به بدن اوست، اقدام به اجرای عقد موقت بر زن مریض می کنند، آیا این عقد موقت صحیح می باشد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که علاج و مداوای این زنها بدون لمس و یا نگاه ممکن نباشد، لمس و نگاه به بدن آنها به قدر ضرورت مانعی ندارد و نیازی به اجرای عقد منقطع نمی باشد.

سؤال (359) خانمی که پزشک جراح بوده و برای مریضی خانمی عمل جراحی انجام داده و در اثناء عمل جراحی متوجه ی مشکلی در زن

مریض شده که رفع آن مشکل متوقف بر رجوع به پزشک مرد می باشد و رفع آن از توان پزشک خانم خارج است. حکم داخل شدن متخصص مرد و نگاه و لمس او به بدن نامحرم را بیان فرمایید؟ آیا پزشک معالج خانم باید برای رجوع به متخصص مرد از خانواده و یا اولیاء زن مریض اجازه بگیرد. و در صورتی که خانواده ی زن مریض از داخل شدن پزشک مرد جلوگیری کنند. آیا پزشک می تواند مریض را به حال خود رها کرده تا بمیرد و اقدام به نجات او نکند؟

(بسمه تعالی): ترك زن مریض و نجات ندادن او جایز نمی باشد و داخل شدن پزشک مرد برای معالجه زن مریض در صورتی که ضروری بوده و حفظ جان زن مریض متوقف بر حضور پزشک مرد در اتاق عمل باشد، مانعی ندارد، هر چند مستلزم کشف عورت و نظر به بدن مریض باشد، البته در نظر و یا لمس باید به مقدار ضرورت اکتفا کرد.

فصل سوم: نگاه به عورت زن در هنگام وضع حمل

سؤال (360) نگاه کردن به عورت زن در هنگام وضع حمل برای طیب معالج چه حکمی دارد و همچنین حکم پزشک زن و یا پرستاران و دانشجویانی که این عمل را انجام می دهند، بیان فرمایید؟

ص: 304

(بسمه تعالی): در صورتی که زن کافره باشد، نگاه به عورت او اگر از روی شهوت و التذاذ نباشد، مانعی ندارد و در مواردی که قصد تعلیم مسایل پزشکی بوده، اگر زن کافره نباشد، فقط پزشکان زن می توانند به عورت نگاه کرده و بر مردان جایز نمی باشد، والله العالم.

فصل چهارم: احکام فراگیری و تحصیل مسایل پزشکی

1 - آگاهی به مسایل پزشکی و پرستاری برای زنان

سؤال (361) آیا برای زن جایز است که مانند پزشك مرد در رشته ی پزشکی تحصیل نموده و به معالجه ی مریضان پردازد. با توجه به اینکه این عمل مستلزم اختلاط و رویارویی با نامحرمان در اثناء تحصیل و یا بعد از آن می باشد؟

(بسمه تعالی): این عمل بدون وجود ضرورتی که حکم حرمت را بردارد، جایز نمی باشد.

سؤال (362) آیا عمل پزشك زن و یا پرستاری که پزشك مرد را كمك می کند و گاهی اوقات ناچار به لمس و یا نظر به بدن نامحرم می شود، جایز است؟

ص: 305

(بسمه تعالی): در صورتی که معالجه و مداوا متوقف بر لمس و یا نظر باشد و نگاه این دو هم از روی شهوت و التذاذ نباشد، مانعی ندارد،
والله العالم.

2 - حکم لمس پرستاران زن، بدن مریضان را و بالعکس

سؤال (363) بعضی از مؤمنین وقتی به بیمارستان مراجعه می کنند با پرستاران زنی روبرو می شوند که می خواهند نبض آنها را گرفته و یا به آنها سرم وصل نمایند. با توجه به اینکه، این اعمال مستلزم لمس بدن نامحرم و یا نگاه به بدن اوست. آیا بر مردی که مریض است، واجب است از تماس بدن پرستاران زن جلوگیری کند. اگر بدست آوردن پرستاران مرد مشکل باشد، وظیفه ی شرعی مریض مرد چیست. و در صورتی که محل مرض شامل عورت مریض باشد؛ مانند باند پیچی محل که شامل عورت باشد که دسترسی به پرستار مرد هم نمی باشد. آیا در این صورت مباشرت پرستاران زن جایز است؟ حکم زن مریضه در مسایل گذشته چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مریض بتواند، از پرستاران زن بخواهد که با دستکش و یا حایلی بدن مریض را لمس کنند، باید این عمل را انجام دهد و در غیر این صورت اگر لمس بدن به خاطر ضرورت و اضطرار بوده و پرستار مرد هم در دسترس نباشد، مانعی ندارد و

در غیر صورت ضرورت لمس پرستار نامحرم و نگاه او جایز نمی باشد.

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که پرستار مرد نباشد، آنچه که در سؤال ذکر شده هنگام معالجه، مانعی ندارد و همچنین در صورتی که پرستار زن حاذق تر و ماهرتر از پرستار مرد باشد، نگاه او به بدن مریض مانعی ندارد، ولی باید پرستار مرد و یا زن در هنگام لمس عورت از حایل و یا دست کش استفاده نمایند.

سؤال (364) بعضی از مؤمنین در بیمارستان ها با پرستاران و پزشک های زن برخورد نموده و این مراجعه مستلزم نظر آنان به بدن مریض و یا عورت او می باشد. آیا رجوع اضطراری به پرستار و یا پزشک زن با امکان رجوع به پزشک و پرستار مرد جایز است؟

(بسمه تعالی): در مسایل گذشته بیان شد که مریض باید به پزشک مماثل و هم جنس خود مراجعه کند، مگر در حال ضرورت و عدم امکان رجوع به پزشک و یا پرستار هم جنس، والله العالم.

3 - تزریق آمپول توسط مرد برای زنان و بالعکس

سؤال (365) آیا تزریق آمپول برای زنان توسط پرستار مرد جایز است، با توجه به اینکه این عمل مستلزم نظر به بدن آنان می باشد؟

ص: 307

(بسمه تعالی): در صورتی که پرستار زن موجود نبوده و تزریق آمپول هم ضرورت داشته باشد و یا اینکه پرستار مرد حاذق تر و مطمئن تر باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (366) آیا تزریق آمپول توسط پرستار مرد برای خانمها در پا و یا بازو با وجود پرستار زن جایز است و در صورتی که پرستار زن در مکان دور دستی باشد که رسیدن به او برای مریض مشکل است. آیا مرد می تواند، برای آن مریضه آمپول را تزریق نماید؟

(بسمه تعالی): جایز است که مرد در مقام معالجه و مداوا در صورتی که دسترسی به پرستار زن ممکن نباشد و یا مشکل باشد، عمل تزریق را انجام دهد، والله العالم.

سؤال (367) آیا زن می تواند به بدن مرد نامحرم به غیر از صورت و کف دستها و مواضعی که مردها معمولاً نمی پوشانند، نگاه کند و بنابر عدم جواز، آیا تزریق آمپول توسط پرستاران مطلقاً جایز است و یا منحصر به حال ضرورت می باشد؟

(بسمه تعالی): در صورت اضطرار و ضرورت مانعی ندارد، والله العالم.

فصل اول: خوردن و استفاده از داروها

1 - داروهای که حاوی الکل می باشند

سؤال (368) آیا خوردن دارویی که بر روی آن نوشته، این دارو مشتمل الکل می باشد، در صورتی که مصرف آن هیچ تاثیری در انسان نگذارد، جایز است؟

(بسمه تعالی): الکی که به آن اسپرتو گفته می شود، اگر در دارو مستهلك گردد، خوردن آن دارو مانعی ندارد.

سؤال (369) در صورتی که مصرف این داروها باعث سستی بدن و یا خواب آلودگی نشود، آیا مصرف این دارو جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که دارو تنها مشتمل بر الکل باشد، مانعی ندارد، ولی اگر مشتمل بر خود شراب باشد، خوردن آن جایز نمی باشد.

سؤال (370) اگر پزشك برای مریضی سفارش دارویی را کند که مشتمل بر شراب باشد، آیا خوردن داروی مذکور جایز است؟

(بسمه تعالی): اگر مریض بداند که در دارو مقداری شراب مخلوط گردیده است. بنابر احتیاط واجب باید خوردن آن را حتی در حال انحصار معالجه به آن ترك نماید؛ زیرا خداوند شفای مریضی را در شراب قرار نداده است، والله العالم.

سؤال (371) آیا مداوا و معالجه با داروهایی که مشتمل بر الکل می باشد، جایز است؟

(بسمه تعالی): اگر مراد از الکل شراب و یا مایعات مست کننده است، استفاده از آن جایز نمی باشد، خداوند شفای مریضی را در شراب قرار نداده است، والله العالم.

سؤال (372) استفاده از سور بیتول و منیوتول که از الکل گرفته می شود و در بعضی از مواد غذایی استفاده می شود، چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): اگر مواد ذکر شده از شراب و یا مسکرات نباشد، مانعی ندارد، والله العالم.

2 - داروهای حاوی ژلاتین

سؤال (373) در زمان ما پوسته ی بعضی از قرصها و کپسول ها و یا پوشش آنها از ماده ی ژلاتین ساخته شده و یا در بعضی از داروهای دیگر ژلاتین یکی از مواد تشکیل دهنده ی آنهاست (قابل ذکر است که ماده ی ژلاتین از حیوانات گرفته شده و این ماده از آمیخته شدن بعضی از اجزای حیوان با مواد دیگر می باشد) چون اغلب این داروها در کشورهای اروپایی ساخته می شود و حیواناتی که از اجزاء آنها ژلاتین گرفته می شود، حیوانات غیر مذکی و حرام می باشد. آیا خوردن داروهایی که مشتمل بر ماده ی مذکور می باشد، جایز است؟ با توجه به اینکه استفاده ی این داروها

ص: 310

با تجویز و دستور پزشک ماهر و حاذق بوده و مداوا با داروهایی که متمر ثمر بوده و فاقد ژلاتین باشد، بسیار مشکل است؟

خوئی (قدس سرّه): در موارد ضرورت و مواردی که تهیه ی دارویی که ژلاتین ندارد، سخت و دشوار است. استفاده از دارویی که پزشک ماهر و حاذق تجویز می کند، مانعی ندارد.

3 - روغن ها و کرمهای دارویی که حاوی الکل می باشد

سؤال (374) حکم استفاده ی بعضی از کرم های دارویی که دارای الکل می باشد، را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): مالیدن کرمهای و روغنهای ذکر شده مانعی ندارد و باید در مواردی که لازم است بدن پاک باشد، در صورتی که الکل از مسکر مایع است، بدن را تطهیر کند و در صورتی که الکل از مسکرات نمی باشد، آب کشیدن و تطهیر بدن لازم نمی باشد و همچنین در صورتی که شک دارد، آیا الکل حاوی مایع مسکری می باشد یا خیر، شستن و تطهیر نمودن بدن لازم نمی باشد، والله العالم.

4 - داروهایی که با اجزاء حیوان حرام گوشت مخلوط می باشد

سؤال (375) در صورتی که شربتی به عنوان دارو از گیاهان صددرصد طبیعی گرفته شود که هیچگونه الکل و یا اجزاء حیوانات حرام گوشت در

ص: 311

آن نباشد و مورد استفاده و مصرف این شربت ها در معالجه ی امراض بسیاری مانند؛ روماتیسم و مریضی های قلبی و فلج ها و امراض دیگری می باشد، ولی اصل شربت در يك کپسول قرار داده شده که این کپسول از اجزاء حیوان حرام گوشت مثل خوک تهیه می شود، آیا در معالجه مصرف این دارو جایز است و آیا خرید و فروش این دارو به قصد تجارت جایز می باشد؟

(بسمه تعالی): اگر استفاده از داروی مذکور به وسیله ی قرارداد آن در کپسولی که از حیوان حلال گوشت است، ممکن باشد، استفاده از کپسولی که از حیوان حرام گوشت می باشد، هر چند در حال ضرورت جایز نمی باشد. این در صورتی است که کپسول از اجزاء خوک باشد و همچنین استفاده از کپسول های ذکر شده، اگر از استخوان گاو که دارای مغز بوده و یا از مغز تنهای آن ساخته شده باشد، جایز نمی باشد، ولی در صورتی که فقط از استخوانهای گاو گرفته شده باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (376) آیا استفاده از داروهای گیاهی که گاهی اوقات موجب ضرر می شود، جهت معالجه جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورت تجویز پزشک حاذق مانعی ندارد، خداوند به شما صحت و عافیت کامل عنایت فرماید.

ص: 312

فصل دوم: امتحان بعضی از داروها

سؤال (377) آیا امتحان نمودن داروی خاص بر روی مریض با توجه به اینکه دارو نافع بوده و مریض هم اطلاع ندارد، جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که مریض اطلاع نداشته باشد، جایز نیست.

سؤال (378) آیا امتحان نمودن دارویی خاص بر روی مریض در صورتی که مریض از امتحان آن آگاهی نداشته و منظور پزشک تشخیص

مقدار تاثیرگذاری داروی ذکر شده می باشد، جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مریض اجازه داده و استعمال داروی ذکر شده، ضرری برای مریض نداشته باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

فصل سوم: بعضی از ضررهای جانی داروها

سؤال (379) بعضی از داروهای علم پزشکی جدید که به آنها (کورتیکو ستیروئیدات corticos teroids گفته می شود، دارای موارد مصرف

فراوان در تنگی نفس و حساسیت و بالابردن فشار خون و بعضی از بیماری های خونی است، ولی متأسفانه مصرف این داروها دارای آثار و

مضرات جانی دیگری هم می باشد که می توان به کم شدن پوتالیسم و یا کم شدن کلوکز خون و ازدیاد التهابات کبدی که باعث تاخیر در

خوب شدن زخم ها می شود و همچنین ابتلاء به زخم معده و اثنی عشر و بیماریهای چشمی و ضعف در استخوان ها و پوکی آنها اشاره

نمود و همچنین مصرف این قرصها باعث جمع شدن خون در صورت شده و

ص: 313

موجب سرخی و زیبایی صورت می گردد و به همین جهت، به این دارو صورت ماه هم گفته می شود (face moon و از مهمترین عوارض مصرف این قرصها می توان به کند شدن عمل بعضی از غدد اصلی اشاره کرد که در بعضی موارد موجب مرگ می شود. این در حالی است که جمع فراوانی از دختران و پسران در زمان ما برای زیبایی صورت از این دارو استفاده می کنند. آنان این داروها را به اندازه ی فراوان و به مدت طولانی مصرف می کنند تا اینکه صورت آنها به نهایت زیبایی برسد.

1 - آیا فروختن این نوع داروها برای چنین اهدافی توسط مسئولین داروخانه جایز می باشد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که مصرف اینگونه داروها باعث ضرر مهمی بر بدن که عرفاً به آن جنایت بر نفس گفته می شود، گردد، استفاده از آن جایز نبوده و فروش آن برای مسئولین داروخانه ها جایز نمی باشد. مگر در صورتی که مسئولین داروخانه کیفیت استفاده از این دارو و مقدار آن را که موجب ضرر بر شخص استفاده کننده نباشد، برای او بیان کنند.

2 - آیا مصرف اینگونه داروها برای جوانان مجاز است؟

(بسمه تعالی): جواب از مسئله سابق روشن شد.

3 - آیا پزشک می تواند اینگونه داروها را جهت اهدافی که گفته شد، تجویز نماید؟

(بسمه تعالی): تجویز اینگونه داروها در صورتی که پزشک کیفیت و مقدار مجاز مصرف این داروها را برای مراجعین بیان نموده باشد، به شکلی که مصرف کنندگان به مخاطره نیفتند، مانعی ندارد.

4 - اگر یکی از جوانانی که این داروها را مصرف نموده، به خاطر کم کار شدن غدد بدنش از دنیا برود، آیا مسئولین داروخانه و یا کسی که دارو را به آن جوان فروخته، ضامن دیه ی او می شود؟

(بسمه تعالی): مسئولین داروخانه در این فرض ضامن نمی باشند.

فصل چهارم: مسایل مختلف داروها

سؤال (380) اگر کسی علاج جنون شخصی را منوط به خوراندن گوشت سگ به او بداند، آیا این عمل جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): آنچه گفته شد در صورتی که تشخیص داده و در این تشخیص مقصر نباشد، معذور می باشد.

سؤال (381) در صورتی که دارویی جهت برطرف شدن چاگی و کم شدن وزن تجویز می گردد که مواد آن از گیاهان مختلفی بوده و یکی از ترکیبات این دارو ماده ای است، شفاف رنگ که بین پوست و گوشت گاو می باشد، با توجه به اینکه این دارو در کشورهای غیر مسلمان تهیه شده و حیوانات آنان غیر مذکی می باشد، آیا استفاده از این دارو جایز است، آیا خرید و یا فروش این دارو اشکال دارد؟

ص: 315

(بسمه تعالی): در صورتی که مصرف داروی ذکر شده، جهت معالجه و درمان ضرورت داشته باشد، مصرف آن مانعی نداشته و خرید و فروش آن هم مانند سایر داروها بلا اشکال است، واللہ العالم.

سؤال (382) من شخص مریضی هستم که بعد از مراجعه به پزشک جهت معالجه، دارویی را به من تجویز کرده اند که طریق تهیه ی آن اینگونه می باشد، باید آب را جوشانیده و بعد از آنکه آن را از روی آتش برداشتم، باید مقداری کشمش در آن ریخته و آن را به حال خود رها کنم تا صاف شود، آیا نوشیدن این مایع برای من جایز است؟

(بسمه تعالی): اشکالی ندارد، واللہ العالم.

سؤال (383) آیا تحقیق و بررسی کردن نسبت به دارویی که انسان آن را برای معالجه مصرف می کند به جهت پی بردن به پاکی و یا نجاست آن و یا حرام بودن و حلال بودن آن واجب است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که علم به وجود مواد حرام در دارو ندارد، فحص و تحقیق لازم نمی باشد، واللہ العالم.

ص: 316

(مسئله) تشریح بدن مرده ی مسلمان جایز نمی باشد، هر کس تشریح کند باید به تفصیلی که در کتاب دیات گفته شده، دیه پرداخت نماید.

(مسئله) تشریح بدن مرده ی کافر با تمام اقسام آن جایز است و همچنین هنگامی که مسلمان بودن مرده مشکوک باشد، تشریح جایز بوده، چه مرده در بلاد اسلامی باشد و چه در بلاد کفر.

(مسئله) اگر نجات جان مسلمانی متوقف بر تشریح بدن مرده ی مسلمان باشد و تشریح بدن کافر و یا کسی که اسلامش مشکوک است، ممکن نباشد و همچنین طریق دیگری برای نجات جان شخص مریض نباشد، تشریح بدن مرده ی مسلمان خالی از اشکال نمی باشد.

سؤال (384) تشریح جنازه ی مرده ی مسلمان جایز نمی باشد. آیا گرفتن اجزایی از کبد و یا ریه متوفی توسط آمپول جهت آزمایش با توجه به اینکه بعد از این عمل هم اثری بر جنازه ی متوفی باقی نمی ماند، جایز است؟

خونی (قدس سرّه): این عمل جایز نمی باشد.

سؤال (385) دانشجویان پزشکی در کشورهای اسلامی بعضی از جنازه ها را تشریح می کنند، ولی نمی دانند جنازه ی مسلمان است یا کافر، بلکه گاهی اوقات گمان می کنند که جنازه ی مسلمان باشد، آیا در این صورت تشریح جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): در صورت شك و محرز نشدن جنازه ی مسلمان، تشریح مانعی ندارد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): تشریح در فرض سؤال خالی از اشکال نمی باشد، مگر در صورتی که دانشجو در عمل تشریح مجبور باشد.

سؤال (386) در صورتی که جنازه ی تشریح شده، متعلق به زن کافری باشد، آیا نظر به بدن او و یا لمس آن جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که مقارن با عمل حرامی نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال (387) در صورتی که تعلیم مسایل پزشکی متوقف بر تشریح جنازه ی مسلمان باشد، آیا تشریح جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): جایز نمی باشد.

تبریزی (قدس سرّه): بلکه واجب است، جنازه ی غیر مسلمان را پیدا کرده و تشریح نمایند، والله العالم.

سؤال (388) در صورتی که نجات جان مسلمان متوقف بر تشریح بدن میت مسلمان دیگر باشد و جسد کافر و یا مشکوک الاسلام در دسترس پزشکان نباشد و طریق دیگری هم برای حفظ جان مسلمان نمی باشد، آیا تشریح جسد مسلمان جایز است؟

(بسمه تعالی): برای تعلیم مسایل پزشکی و همچنین برای تشخیص امراض باید جنازه ی میت کافر را پیدا کنند، والله العالم.

سؤال (389) آیا قطع نمودن عضوی از اعضای انسان زنده جهت تشریح در صورت رضایت او جایز است؟

(بسمه تعالی): قطع عضو در صورتی که جنایت بر نفس انسان زنده باشد، هر چند با رضایت او انجام شود، جایز نمی باشد، والله العالم.

فصل سوم: تشریح بدن در امور جنایی

سؤال (390) نظر مبارك راجع به تشریح بدن اگر به خاطر غرض و هدف عقلانی، مثل کشف جهت جرم و یا برای تعلیم مسایلی طبی و پزشکی باشد، را بیان فرمایید؟

خوئی (قدس سرّه): تشریح در جسد غیر مسلمان و میت مشکوک الاسلام مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (391) اگر مرا مأمور کنند که جنازه ی شخص را جهت پی بردن به نوع فوت و اینکه آیا مرگ به سبب مرض بوده و یا به سبب غیر

عادی، تشریح کنم. آیا می توانم به این دستور عمل نموده و جنازه را تشریح نمایم و در صورتی که عمل جایز نباشد، وظیفه ی من نسبت به این موارد که مسئول تشریح می باشم، چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که میت کافر و یا مشکوک الاسلام باشد، مانعی ندارد، ولی تشریح جنازه ی میت مسلمان در صورتی که هتك و بی احترامی نسبت به او محسوب گردد و یا اینکه موجب تاخیر در تجهیز و دفن او باشد، جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (392) حکم تشریح بدن میت در حالات مختلفی که در ذیل مسئله گفته می شود، را بیان فرمایید. (با توجه به اینکه در این عمل هیچگونه قطع عضوی صورت نمی گیرد).

1 - اگر تشریح به خاطر تشخیص نوع مرگ باشد که معلوم شود، آیا مرگ عادی بوده و یا جنایی؟

2 - در صورتی که غرض فقط تحصیل معلومات پزشکی باشد؟

3 - در صورتی که علت مرگ معلوم بوده و غرض از تشریح تحصیل معلومات پزشکی و پی بردن به آثار مرض در بدن متوفی می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): تشریح جنازه ی مسلمان به مجرد احتمال جنایت جایز نمی باشد و به همین جهت در دو فرض آخر هم جایز نیست و این احکام در صورت مسلمان بودن متوفی می باشد، ولی در صورتی که کافر و یا مشکوک الاسلام باشد، مانعی ندارد.

سؤال (393) در صورتی که کیفیت مرگ میت مجهول بوده و معلوم نیست که با مرگ عادی فوت کرده و یا به خاطر وقوع جنایتی که بر او وارد شده است، از دنیا رفته. آیا برای تعیین سبب فوت می توان جنازه را تشریح نمود؟

(بسمه تعالی): به مجرد احتمال جنایت تشریح جنازه مسلمان جایز نمی باشد و در صورتی که وقوع جنایت مسلم بوده و تشریح برای یقین به خصوصیات جنایت و یا پیدا کردن جانی، انجام شود در این صورت تشریح مانعی ندارد، واللہ العالم.

سؤال (394) در بسیاری از موارد فوت، سبب فوت معلوم نبوده و همچنین در موارد جنایت، یقین به شخص جانی مشکل بوده و مشخص شدن جنایت و یقین به جانی متوقف بر تشریح جنازه است و اگر عملاً تشریح انجام نشود ممکن است انسان بی گناهی متهم شده و آبروی او در معرض خطر قرار گیرد، آیا در فرض مذکور تشریح جایز است؟

(بسمه تعالی): به مجرد اتهام، تشریح بدن میت مسلمان در صورتی که موجب توهین و بی احترامی به میت محسوب گردد و یا تأخیر در تجهیز و دفن او حساب شود، جایز نمی باشد. و مجرد متهم بودن شخص به جنایت موجب ایذاء و بی احترامی به او نمی شود و تا زمانی که جنایت به طریق شرعی ثابت نشده باشد، حق تعرض به متهم را ندارند، واللہ العالم.

سؤال (395) در بیمارستانی در قسمت تشریح جنازه ی اموات، از طرف بعضی از پزشکان و یا پرستاران و یا کارکنان بیمارستان اعمال حرام و خلاف شرعی مثل نگاه به بدن زن های اجنبیه و یا لمس بدن آنها صورت می گیرد. من کراً مسئله را به آنها تذکر داده و آنها را نهی از منکر نموده ام، آیا مسئولیت دیگری دارم و آیا در گناه آنها شریک می باشم؟

(بسمه تعالی): بعد از آنکه وظیفه ی شرعی خود که تذکر و نهی از منکر بوده، انجام داده اید، دیگر مسئولیتی نداشته و در گناه آنها شریک نخواهید بود، والله العالم.

فصل چهارم: تشریح حیوانات

سؤال (396) خواهر من از مقلدین حضرتعالی بوده و در دانشگاهی از او و دوستانش می خواهند که جنازه ی بعضی از حیوانات را تشریح نمایند. آنان ابتداءً حیوانات ذکر شده را بیهوش نموده و به مدت چهار ساعت روی آنها کار کرده و سپس آنها جنازه ی حیوان را تشریح می کنند و در بعضی از اوقات تشریح باعث رنج و شکنجه ی حیوانات می شود، آیا این عمل موجب گناه شده و آیا این تشریح جایز است؟

(بسمه تعالی): تشریح حیوانات ذکر شده، جهت تعلیم مسایل طبی مانعی ندارد، والله العالم.

ص: 322

سؤال (397) آیا عمل زیباسازی صورت مثل کوچک کردن بینی و یا بزرگ کردن آن و غیر این موارد جایز می باشد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که عمل های ذکر شده، برای برطرف کردن نقصی در بدن باشد، مانعی ندارد، در صورتی که از اجزاء میتة ی نجس یا حیوان نجس در جراحی صورت یا بدن استفاده نشود، واللہ العالم.

سؤال (398) آیا عمل های جراحی که جهت زیبا سازی صورت، بدون اینکه صورت هیچگونه نقص و یا عیبی داشته باشد، بلکه صرفاً برای زیبایی بیشتر صورت انجام می گیرد، اشکالی دارد؟

(بسمه تعالی): عمل های ذکر شده اشکالی ندارد، البته در صورتی که در این عمل از موادی استفاده نشود که مانع از رسیدن آب به صورت در وضو و غسل باشد، واللہ العالم.

سؤال (399) حکم عمل های جراحی زیباسازی را که در زمان حال رایج شده، بیان فرمایید؟ با توجه به اینکه این عمل ها جنبه ی معالجه ندارد؟

خوئی (قدس سرّه): اگر مراد از عمل های زیباسازی، زیبا سازی صورت های زشت می باشد، مانعی ندارد.

سؤال (400) آیا عمل زیباسازی برای دختری که بدن او زشت می باشد، جایز است؟ آیا برای پزشك این عمل جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): این عمل فی حد نفسه مانعی ندارد، ولی نباید این عمل را، اگر مستلزم لمس و یا نظر باشد، پزشك مرد انجام دهد.

فصل دوم: احکام تغییر جنس

سؤال (401) در صورتی که بعد از آزمایشات پزشکی احراز شود که مکلف در واقع مرد می باشد، هرچند شکل ظاهری زنانه دارد، آیا در اینحال می تواند مشخصات مردانگی در بدنش را از بین ببرد و خود را يك پارچه زن قرار دهد؟ با توجه به اینکه از سنین بچگی همه به دید دختر به او نگاه کرده و از بین بردن عوارض زنانه و الحاق به مردان برای شخص مذکور خیلی مشکل می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): مانعی ندارد.

تبریزی (قدس سرّه): اگر مستلزم در تغییر خلقت باشد، جایز نیست.

سؤال (402) آیا عمل جراحی جهت تبدیل اعضای تناسلی داخل و خارج بدن جهت تغییر مردانگی و یا زنانگی جایز است؟

(بسمه تعالی): تبدیل اعضای تناسلی مطلقاً چه در مرد و چه در زن جایز نمی باشد. مگر برای خنثی مشکل، والله العالم.

سؤال (403) 1 - آیا عمل های جراحی که جهت تغییر جنسیت در زن و یا مرد انجام می گیرد، جایز است؟

2 - در احکام مانند نظر و لمس و ازدواج و مانند این امور باید حالت جدید شخص را ملاحظه کرد یا جنسیت سابقه را؟

(بسمه تعالی): عمل های ذکر شده جایز نمی باشد و اگر در موردی این عمل بر روی شخص انجام شده باشد، باید بین احکام زن و مرد بنا بر احتیاط جمع شود، مانند خنثای مشکل، والله العالم.

فصل سوم: احکام پیوند اعضاء

اشاره

(مسئله) قطع عضوی از اعضای میت مسلمان مانند چشم و یا هر عضو دیگری برای ملحق نمودن به بدن انسان زنده جایز نمی باشد و در جایز بودن این عمل در صورتی که حفظ جان مسلمان متوقف بر آن باشد و یا اینکه میت خودش وصیت به دادن عضوی از اعضایش کرده باشد، اشکال است و همچنین در جواز پیوند عضو قطع شده به بدن زنده و ترتیب احکام بدن زنده بر عضو مقطوع، اشکال است و بنا بر اظهار دیده بر قطع کننده ی عضو در همه ی صور مسئله واجب می شود. ولی قطع عضوی از بدن انسان برای پیوند به جای دیگری از بدنش اشکالی ندارد.

(مسئله) آیا قطع عضوی از اعضای انسان زنده برای پیوند زدن آن در صورت رضایت او جایز است؟ در این مسئله چند صورت موجود می باشد. اگر عضو از اعضایی باشد مثل دست و یا پا و چشم که قطع آنها

ص: 325

ظلم و جنایت بر نفس محسوب می گردد، جایز نمی باشد، ولی اگر از قبیل يك تکه پوست یا گوشت باشد، مانعی ندارد و آیا می تواند در مقابل آن پول دریافت کند؟ بنابر ظاهر جایز است.

(مسئله) قطع عضوی از اعضای بدن مرده ی کافر برای پیوند زدن آن به داخل بدن مسلمان جایز است، چنانچه پیوند زدن عضوی از اعضای بدن حیوان نجس النفس مثل سگ و یا خوک به بدن مانعی ندارد.

سؤال (404) آیا قطع عضوی از اعضای انسان زنده برای پیوند در صورت رضایت او جایز است؟

(بسمه تعالی): اگر عمل پیوند بر روی خود شخص صاحب عضو باشد، مانعی نداشته و در غیر این صورت محل اشکال است، والله العالم.

عمل جراحی برای ترمیم پرده ی بکارت

سؤال (405) در زمان حاضر عمل جراحی انجام می گیرد که با آن پرده ی بکارت زایل شده را ترمیم می نمایند، به این شکل که پزشک جراح متخصص يك پرده ی مصنوعی بجای پرده ی طبیعی درست نموده و در داخل قرار می دهد، آیا این عمل جراحی جایز می باشد؟

(بسمه تعالی): این عمل به جهت اینکه مستلزم کشف عورت نزد طیب می باشد، جایز نیست، والله العالم.

سؤال (406) در صورتی که پرده ی بکارت من به غیر طریق شرعی زایل گردیده و من برای يك بار اشتباه کردم و پرده ی بکارت را از دست

دادم و اگر خانواده من بر اشتباه من اطلاع پیدا کنند، مرا می کشند، اکنون من چه کار کنم؟ آیا می توانم پرده ی بکارت را با عمل جراحی ترمیم نمایم. حکم شرعی ترمیم بکارت چیست و آیا فرقی بین زنا و غیر آن در عمل مذکور وجود دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که بکارت با عملی زایل شده که زن در آن معذور باشد، مانند پریدن و یا جستن شدید و این امر باعث حَرَج و سختی شدید برای او بوده و باعث متهم شدن او به حرف های زشت و نامناسب می شود و رفع آن اتهامات متوقف بر انجام عمل ترمیم باشد، هر چند عمل ذکر شده مستلزم کشف عورت باشد، مانعی ندارد و در صورتی که پزشک زن عمل ترمیم را انجام می دهد، رجوع به پزشک مرد بنا بر احتیاط واجب جایز نمی باشد، واللہ العالم.

سؤال (407) در صورتی که خانمی عمل جراحی ترمیم پرده ی بکارت را انجام داده باشد، آیا خانواده اش باید این قضیه را به خواستگاران او بگویند؟

(بسمه تعالی): اگر خواستگار از خانواده ی این خانم بپرسد که آیا او باکره است یا نه، نمی تواند خلاف واقع چیزی بگویند، ولی اگر راجع به این مسئله سؤالی نکنند، واجب نیست که خانواده ی دختر ابتداءً خواستگار را با خبر کنند، واللہ العالم.

فصل چهارم: عمل جراحی نقل بیضه

سؤال (408) مردی که ازدواج نموده و تا به حال، به خاطر عیبی که در بیضه های او می باشد، صاحب فرزند نشده است. در این مورد پزشکان به او سفارش کرده اند که عمل جراحی کاشتن و انتقال بیضه ی دیگری را بر وی انجام دهند تا او صاحب فرزند گردد، آیا این عمل جراحی جایز است و آیا انتقال بیضه ی کافر به مسلمان و یا انتقال بیضه از میت به زنده شرعاً مانعی دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که ممکن باشد از شخص کافر و یا کسی که محکوم به کفر می باشد، خصیه و بیضه را گرفته و داخل پوست بیضه های مریض مسلمان کنند به شکلی که پوست مریض آن جزء کاشته شده را بپوشاند، مانعی ندارد و در این مسئله فرقی بین کافر، چه زنده باشد و چه مرده، نمی باشد و در این صورت اشکالی در نظر پزشک به عورت مریض و عورت کافر در صورتی که التذادی نباشد، نیست.

فصل پنجم: استفاده از چیزهای نجس در معالجه و عمل جراحی

سؤال (409) زنی که می خواهد عمل دریچه ی قلب انجام دهد و اکنون در بیمارستانی در آمریکا بستری می باشد، پزشکان او را مخیر کرده اند

ص: 328

که یا از دریچه ی قلب خوک برای او استفاده کنند و یا از حیوان پاک، ولی دریچه ی قلب خوک دارای دوام بیشتری می باشد به شکلی که اگر دریچه ی حیوان پاک 10 سال کار کند، دریچه ی قلب خوک 20 سال دوام دارد، آیا می تواند از دریچه ی قلب خوک در بدن خود استفاده کند؟

(بسمه تعالی): استفاده از دریچه ی قلب خوک در شخص بیمار اشکالی ندارد و چون در باطن بدن قرار می گیرد، نجاست او ضرری ندارد،
والله العالم.

سؤال (410) استفاده از ماده ی انسولین برای مبتلایان به بیماریهای قندی با توجه به اینکه این دارو از خون خوک تهیه شده و نوع دیگر آن از خون گاو تهیه می شود، ولی انسولینی که از خون خوک تهیه می شود، دارای اثر و نفع بیشتری بوده و عوارض جانبی آن هم کمتر می باشد، آیا استفاده از این انسولین مانعی دارد؟

خوئی (قدس سرّه): استفاده و استعمال این انسولین از هر حیوانی گرفته شده باشد، مانعی ندارد.

ص: 329

1 - جدا کردن اعضای مهم بدن

سؤال (411) جدا نمودن اعضای مهم بدن برای انسان جایز نمی باشد، اعضای مهم بدن به چه اعضایی گفته می شود و دلیل حرمت جدا کردن این اعضاء از بدن چیست؟ آیا در مسئله نص خاص وجود دارد؟

خوئی (قدس سرّه): حرمت قطع و جداسازی اعضای مهم بدن از موارد متعددی که از این عمل منع شده، استفاده می شود و همچنین از ترخیص و تجویزی که نسبت به این عمل در موارد دیگر مطرح گردیده است.

تبریزی (قدس سرّه): هرچه که به عنوان ظلم بر نفس و جنایت بر آن محسوب گردد، جایز نمی باشد و در این حکم فرقی بین اعضای رئیسی و غیر رئیسی وجود ندارد.

سؤال (412) مقصود از اجزاء رئیسی در بدن چیست؟

خوئی (قدس سرّه): این کلمه در مقابل قطعه ای از گوشت و یا پوست ناچیز از بدن می باشد.

2 - مواردی که حفظ جان منوط به قطع عضو باشد

سؤال (413) آیا در مواردی که مکلف مبتلا به مرض قند بوده و اگر پای او را قطع نکنند، این مرض منجر به مرگ او می شود، ولی او اجازه ی قطع پا را نمی دهد، تکلیف شرعی شخص مذکور چیست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که حفظ جان او متوقف بر بریدن پا باشد، واجب است که جان خود را حفظ نموده و اجازه دهد پا را قطع کنند و حق ممانعت ندارد، والله العالم.

مقصد دوازدهم: بخشیدن خون و یا اعضای بدن به دیگران

فصل اول: بخشیدن اعضای بدن

سؤال (414) آیا انسان می تواند چشم خود را به انسان زنده ی دیگر ببخشد؟

خوئی (قدس سرّه): جایز نمی باشد.

سؤال (415) آیا انسان می تواند یکی از دو چشم و یا یکی از دو کلیه ی خود را به برادر مؤمن خود ببخشد در حالی که امکان بی نیازی از عضو بخشیده شده وجود دارد؟

خوئی (قدس سرّه): بخشیدن یکی از دو کلیه و یا اعضای دیگر بدن که جزء اعضای رئیسی نمی باشد، مانعی ندارد، ولی بخشیدن یکی از دو چشم جایز نمی باشد.

تبریزی (قدس سرّه): فرقی بین یکی از دو کلیه و یا یکی از دو چشم در حرمت عمل مذکور نمی باشد و هر دوی آنها ظلم و جنایت بر نفس محسوب می گردد.

سؤال (416) آیا جایز است که انسان یکی از دو کلیه ی خود را برای پیوند زدن به بدن انسانی که هر دو کلیه ی او مشکل دارد، ببخشد. با توجه به اینکه انسان با وجود يك کلیه هم می تواند به زندگی خود ادامه دهد و همچنین پدر و مادر می تواند چشم و یا بعضی از اعضای خود را به فرزندشان که نیاز مبرم به آن عضو دارد، اهدا کند. و بنابر جواز این عمل معاوضه و معامله بر عضو جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): بعید نیست که عمل ذکر شده جایز باشد. چنانچه گرفتن پول اگر به عنوان هبه معاوضه باشد، مانعی ندارد؛ یعنی صاحب پول مقداری پول به شخص هدیه کند مشروط به اینکه آن شخص هم یکی از کلیه های خود را به پرداخت کننده ی پول هدیه نماید، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): جواب مسأله از جواب های سابق معلوم شد و گرفتن مال در مقابل عمل ذکر شده، هر چند به قید هبه معاوضه باشد، جایز نبوده و اکل مال به باطل است.

سؤال (417) مؤمنی که حیات و زندگی او متوقف بر پیوند يك کلیه می باشد و شخص دیگری توانایی دادن یکی از کلیه های خود را به شخص مریض دارد، در فرض مذکور دیگر توانایی روزه گرفتن نخواهد داشت، آیا در این صورت اقدام به اعطا کلیه جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): عمل مذکور مانعی ندارد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): در مواردی که اعطای عضو مستلزم جنایت و ظلم بر نفس باشد، جایز بودن آن محل اشکال است و فرقی بین توانایی شخص اعطا کننده بر روزه و عدم توانایی او نمی باشد. و همچنین در صورتی که جان مسلمانی متوقف بر اعطاء عضو باشد، والله العالم.

سؤال (418) در چه سنی انسان می تواند کلیه اش را به دیگری عطاء نماید و آیا شخص غیر بالغ می تواند کلیه اش را با رضایت ولی شرعی خود اعطاء نماید؟

(بسمه تعالی): عمل مذکور قابل اشکال است و بعید نیست که مطلقاً حرام باشد، والله العالم.

سؤال (419) آیا جایز است انسان زنده بعضی از اعضای بدنش را که قابل استفاده برای او نمی باشد، به انسانی که نیاز به آنها دارد، اعطاء نماید؟ مثل شخص نابینایی که قرنیه و شبکه ی چشم او سالمند و می خواهد آنها را به شخص دیگری که نیاز به آنها دارد، اعطا کند. آیا می تواند برای بعد از مرگش وصیت به اعطاء عضو نماید و آیا اولیاء شخص مذکور بعد از مرگ مجازند، به وصیت او عمل نمایند؟

(بسمه تعالی): اعطاء عضو در مواردی که در سؤال ذکر گردید، جایز نمی باشد و جنایت و ظلم بر نفس محسوب می گردد.

سؤال (420) آیا گرفتن مال در مقابل اعطاء عضوی که به غیر بخشیده شده و یا به آن وصیت گردیده، تحت عنوان بیع و شرا جایز می باشد و آیا ورثه می تواند در مقابل اذن در عمل به وصیت ذکر شده، پولی دریافت کنند؟

(بسمه تعالی): چنانچه ذکر کردیم، اعطاء عضو جایز نبوده و همچنین خرید و فروش آن هم حرام است.

فصل دوم: وصیت به بخشیدن عضو

سؤال (421) آیا در صورت اعطاء و بخشش عضوی از اعضاء، به کسی که احتیاج به آن دارد، آیا شخص وصیت کننده مستحق اجر و ثواب می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که در وصیت ذکر شده و در عمل بخشش عضو قصد قربت داشته باشد؛ طبعاً مستحق ثواب می باشد.

تبریزی (قدس سرّه): در مشروع بودن و نافذ بودن این وصیت اشکال است، بله در صورتی که میت محکوم به کفر باشد، تشریح جسد او و بریدن آن و پیوند اعضای او به بدن مریضی که احتیاج دارد، در صورتی که جزء باطنی و داخلی بدن باشد، مانعی ندارد و در این صورت فرقی بین وصیت کافر به اعطاء یا غیر آن ندارد.

سؤال (422) اگر در حال حاضر مریض محتاجی که عضورا به او پیوند بزنند، نباشد، ولی بعداً مریضانی محتاج به این عضو یافت شوند. آیا

می توان عضو اعطاء شده را مدتی در اماکن مخصوص حفظ نمود، تا در وقت نیاز از آن استفاده شود؟

خوئی (قدس سرّه): جایز نمی باشد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): جایز نمی باشد، هر چند شخص به عمل مذکور وصیت کرده باشد.

سؤال (423) در صورتی که متوفی وصیت به اعطای عضو نکرده، ولی ورثه و اولیاء او صلاح می دانند که بعضی از اعضای او را به مریض محتاجی پیوند بزنند، آیا گرفتن عضو از میت مسلمان جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): در موردی که حفظ جان مسلمان بر آن توقف داشته باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): این عمل چنانچه در بعضی از مسایل قبلی گذشت، قابل اشکال می باشد، والله العالم.

سؤال (424) در صورتی که جواب مسئله در سابق جایز بودن عمل ذکر شده باشد، اگر در موردی جنازه ی شخص را در بلاد مسلمین پیدا نموده ولکن مسلمان بودن شخص متوفی محرز نمی باشد، آیا در این صورت می توان اعضای او را پیوند زد؟

خوئی (قدس سرّه): مورد سؤال محکوم به اسلام می باشد، والله العالم.

سؤال (425) در صورتی که شخص وصیت به اعطاء اعضایش جهت مریضان محتاج نکرده، آیا ورثه و اولیاء او می توانند اعضای او را جهت

پیوند به بدن مریض محتاج ببخشند، بدون اینکه پول و یا وجهی دریافت کنند؟

خوئی (قدس سرّه): ولی حق تصرف در جسم متوفی را ندارد، والله العالم.

سؤال (426) اگر به انتقال بعضی از اعضاء خود به بیمار دیگری وصیت کرد (مرگ مغزی)، آیا وصیت او نافذ است؟

(بسمه تعالی): در فرض سؤال وصیت باطل است.

سؤال (427) دلیل جایز بودن قطع اعضای میت در صورتی که وصیت به آن نموده باشد، چیست؟

خوئی (قدس سرّه): دلیل حرمت قطع اعضای میت هتك و بی احترامی به میت مسلمان می باشد و در صورتی که خودش وصیت نموده، دیگر هتك نمی باشد.

تبریزی (قدس سرّه): پیوند اعضای میت مسلمان جایز نمی باشد، هر چند وصیت به آن نموده باشد و احترام جنازه ی مسلمان مثل احترام زنده ی اوست و وصیت به آن هم اعتباری ندارد و در بعضی روایات از قطع ناخن و یا موی میت نهی شده، با این خصوصیت چگونه قطع اعضای او جایز می شود.

سؤال (428) در صورتی که شخص مسلمان وصیت به پیوند اعضای خویش ننموده، آیا پیوند آن بعد از مرگش به جنازه ی مسلمان دیگری

جایز است؟ با توجه به اینکه شرایط زمانی در بعضی موارد اجازه نمی دهد که در همان زمان عمل پیوند انجام گیرد؟

(بسمه تعالی): قطع عضو و حفظ آن و پیوند به بدن دیگری جایز نمی باشد، والله العالم.

فصل سوم: خرید و فروش اعضاء

سؤال (429) آیا فروش کلیه و جزء دیگری از بدن جایز می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): فروش اعضایی که رئیسی نمی باشد، اشکال ندارد؛ مانند قطعه ای از گوشت، اما اعضای رئیسی مثل کلیه، فروش جایز نمی باشد.

تبریزی (قدس سرّه): فروش عضو باطل است، بلکه جواز اعطاء عضو محل اشکال است.

سؤال (430) در بعضی از کشورهای بیگانه در حال حاضر برای فروش اعضای انسان بانك هایی تشکیل شده که اعضای انسان در این بانك ها نگهداری می شوند، مانند بانك قرنيه. آیا مسلمان می تواند، بعضی از این اعضاء را در حال احتیاج از این بانك ها خریداری کند و آیا مسلمان می تواند بعضی از این اعضاء را از کافر بخرد، در صورتی که محتاج به آن است؟

خوئی (قدس سرّه): بله جایز است، در صورتی که مشتری مسلمان از اقتنا و به دست آوردن آن نفعی می برد، ولی پرداخت پول نباید به عنوان

قصد خرید و فروش باشد، بلکه دفع آن فقط برای استیلا بر آن عضو باشد.

تبریزی (قدس سره): خریدن عضو جایز نمی باشد، ولی پرداخت پول به خاطر استیلا و دسترسی به آن عضو مانعی ندارد، چنانچه استفاده از آن عضو در صورتی که در داخل بدن باشد، مثل کلیه مانعی ندارد، والله العالم.

فصل چهارم: حکم پزشک در پیوند اعضا

سؤال (431) آیا برای پزشک جایز است که اعضای بدن کسی را به بدن شخص دیگر پیوند بزند؛ مثل پیوند کلیه در صورتی که پزشک می داند، شخصی که کلیه را داده، در مقابل اعطاء آن درخواست پول نموده است؟

(بسمه تعالی): اگر اعطاء کلیه برای شخص جایز باشد؛ مثل مواردی که مضطر به دادن کلیه باشد و یا اینکه شخصی که کلیه را می دهد کافر باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (432) در صورتی که شخص مریض نیاز به کلیه دارد و در آستانه ی مرگ می باشد و شخص دیگری هم از دنیا رفته، آیا می توان عضوی از اعضای میت مانند کلیه و یا قلب او را به بدن مریض مسلمان که محتاج است، پیوند زد؟

ص: 338

(بسمه تعالی): عمل مذکور جایز نمی باشد، مگر در صورتی که میت غیر مسلمان باشد، والله العالم.

سؤال (433) آیا قطع نمودن عضوی از اعضای میت مسلمان مانند چشم او و پیوند آن به بدن کسی که به آن نیاز دارد، جایز است. اگر کسانی که این عمل را انجام می دهند، دیه ی آن را پرداخت نمایند، تأثیری در حکم دارد؟

(بسمه تعالی): این عمل در نزد ما محل اشکال بوده و کسی که عضو را قطع کند، باید دیه پرداخت نماید، والله العالم.

سؤال (434) آیا می توان عضوی از بدن میت را گرفته و به بدن انسان زنده پیوند زد. در صورت جواز، آیا این حکم منحصر به حفظ حیات کسی است یا مطلقاً جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که جهت حفظ حیات مسلمان این عمل انجام شود، مانعی نداشته و شخصی که عضو را قطع می کند، باید دیه پرداخت کند.

تبریزی (قدس سرّه): در صورتی که زندگی کسی به این عمل توقف داشته باشد، عمل مذکور محل اشکال می باشد و در صورتی که متوقف نباشد، حرام است.

فصل پنجم: پیوند عضو بدن دیوانه و بچه با اجازه ی ولی آن ها

سؤال (435) آیا پدر می تواند کلیه ی یکی از فرزندانش را به فرزند دیگرش پیوند بزند؟

(بسمه تعالی): جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (436) آیا پیوند کلیه ی انسان مجنون و دیوانه به بدن انسان عاقلی که نیاز به آن دارد، جایز است؟

(بسمه تعالی): جایز نمی باشد، والله العالم.

فصل ششم: بخشیدن پوست بدن به دیگری و احکام آن

اشاره

سؤال (437) الف - حکم شرعی بخشیدن طبقه ی روی پوست برای مریضانی که مبتلا به سوختگی پوست شده اند، در هنگام ضرورت و یا غیر ضرورت چیست؟ با توجه به این مطلب که شخصی که پوست خود را می بخشد، هیچگونه ضرری از این عمل متحمل نشده و پیوند پوست برای او خطری نمی باشد؟

(بسمه تعالی): بخشیدن پوست بدن در صورتی که جنایت بر نفس نباشد، مانعی ندارد، والله العالم.

ب - حکم شرعی وضو، غسل و تیمم در صورتی که پوستی را که پیوند زده اند، جزء زنده ای بدن گردد، چیست و در صورتی که به عنوان

ص: 340

يك عضو زنده محسوب نیامده، بلکه به شکل يك لایه ی روین بدن باشد، چه حکمی خواهد داشت؟

(بسمه تعالی): در صورتی که از خود بدن قطعه ی پوستی قطع شده و به جای دیگر بدن شخصی پیوند زده شود، آن پوست پاک می باشد، ولی در صورتی که پوست بدن دیگری را قطع نموده و به بدن انسانی پیوند بزنند، پاکی و طهارت آن در نزد ما محل اشکال می باشد. و بنابر احتیاط واجب مکلف هنگام نماز باید اول وضو گرفته و بعد از خشک شدن اعضاء در صورتی که پوست پیوند زده شده، در اعضای تیمم هم وجود دارد، باید تیمم هم نماید. و در آنچه که ذکر شده، فرقی نمی کند، پوست دارای حس باشد و یا نباشد. بله، چون مسئله در نزد ما بنابر احتیاط می باشد، مکلف می تواند به مجتهدی که قایل به طهارت و پاکی این پوست است، با مراعات شرایط رجوع، رجوع نماید، والله العالم.

ج - بنابر دو فرض گذشته وظیفه ی شخص در حال نماز چگونه است؟

(بسمه تعالی): حکم نمازگزار از جهت طهارت بدن گذشت، اما از جهت نماز، اگر کندن و رفع پوست حرجی و مشکل باشد، نماز خواندن با آن مانعی ندارد، والله العالم.

ص: 341

* فصل هفتم: بخشیدن خون

(مسئله) بخشیدن خون برای بیمارانی که احتیاج به آن دارند، اشکالی ندارد و دهنده ی خون می تواند در مقابل خونی که می دهد عوض و قیمت آن را بگیرد.

سؤال (438) در صورتی که حیات و زندگی کسی متوقف باشد، بر اینکه به او خون بدهند و یا اینکه جزیی از بدن کسی را به او پیوند بزنند. آیا پرداخت و یا اعطاء عضو در این موارد واجب کفایی محسوب می گردد؟

خوئی (قدس سرّه): دادن خون برای کسی که خون دادن برای او ضرر نداشته باشد، وجوب کفایی داشته، اما اعطاء عضو وجوبی ندارد، والله العالم.

تبریزی (قدس سرّه): بلکه اعطاء عضو در صورتی که جنایت و ظلم بر بدن باشد، جایز نمی باشد.

سؤال (439) در مواردی که حفظ سلامت و یا جان مریض متوقف است بر این که فوراً به او خون رسانده شود.

1 - آیا بخشیدن خون برای حفظ جان انسان کافر جایز است؟

(بسمه تعالی): بله جایز است.

2 - آیا دریافت مبلغی جهت قیمت خون از شخصی که خون گرفته، جایز است؟

(بسمه تعالی): جایز است.

3 - آیا شخص دیگری می تواند در مقابل خونی که به مریض داده شده، پولی را به دهنده ی خون پرداخت نماید. با توجه به اینکه شخص پول دهنده هیچ ارتباط و نسبتی با مریض ندارد و آیا این پول که شخص به دهنده ی خون پرداخت نموده، از صدقات محسوب گردیده و ثواب آور است؟

(بسمه تعالی): پرداخت پول به عنوان ثمن و قیمت خون جایز نمی باشد، ولی می تواند مقداری پول به دهنده ی خون، به عنوان هدیه و تقدیر از خدمتی که او به مریض محتاج نموده، پرداخت نماید و این عمل از کارهای نیکی است که خداوند به آنها ثواب می دهد.

خون دادن در حسینیه ها

سؤال (440) در بحرین یکی از مؤسسات مرکزی را با نام امام زمان (ع) احداث نموده و کسانی که مایل باشند، می توانند به این مرکز مراجعه و به بیماران محتاج خون بدهند. در این مرکز در روز نیمه ی شعبان عده ای از پرستاران و پزشکان حضور پیدا نموده و اقدام به جمع آوری و گرفتن خون برای بیماران می نمایند. در این جمع عده ای از پرستاران زن با حجاب و بعضی دیگر بدون حجاب و پوشش اسلامی حاضر می شوند و در برخی موارد این اجتماع در یکی از حسینیه های بحرین منعقد می شود و جماعت ذکر شده در يك حسینیه، اقدام به این

ص: 343

عمل می کنند. آیا حضور زنان بی حجاب در حسینیه که مکان مقدّس محسوب می گردد، جایز است؟

(بسمه تعالی): این عمل جایز نمی باشد و اشتغال زنان بی حجاب در حسینیه ها منافی با احترام این اماکن بوده و موجب توهین محسوب می گردد، والله العالم.

مقصد سیزدهم: احکام مبتلایان به ایدز

فصل اول: انتقال دادن بیماری ایدز

سؤال (441) آیا کسی که مبتلا به يك بیماری مسری می باشد (مانند بیماری ایدز) واجب است از انتقال آن به دیگری خود داری کند و بنابر حرمت عمل ذکر شده، دلیل بر آن چیست؟ با توجه به اینکه بیماری ایدز کشنده می باشد؟

(بسمه تعالی): واجب است که مریض از انتقال اینگونه بیماری ها به دیگران جلوگیری نماید. چنانچه ادله حرمت ضرر زدن به دیگران و قرار دادن جان دیگران در معرض هلاکت بر این حکم دلالت دارد، والله العالم.

سؤال (442) در صورتی که جواب سؤال قبل جایز بودن عمل باشد، حکم صورتی که عمداً این بیماری را به دیگران انتقال می دهد و موجب

کشته شدن انسان های دیگر می گردد، را بیان فرمایید؟ و اگر شخص انتقال دهنده کشته شود، چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که شخص مبتلا قصد کشتن دیگران را داشته باشد و قبل از اینکه شخص مبتلا به ایدز بمیرد. کسانی که مریضی را به آنها منتقل کرده، از دنیا بروند، باید شخص انتقال دهنده قصاص شود.

و در صورتی که خود شخص مبتلا زودتر بمیرد. باید دیه ی کسانی را که به سبب انتقال او مرده اند، از اموال او بپردازند.

اما قسمت دوم سؤال: اگر مراد شخص سؤال کننده این است که قبل از اینکه شخص مبتلا، بیماری را به دیگران انتقال دهد، کشتن او جایز است یا خیر؟ جواب این است که قتل مریض مبتلا- قبل از وقوع جرم و جنایت جایز نمی باشد؛ زیرا قصاص قبل از وقوع جنایت حرام است. و دفاع از نفس هم بر قتل مبتلا قبل از حصول جرم منطبق نمی گردد، والله العالم.

سؤال (443) در صورتی که شخص مبتلا به ایدز و یا بیماری مسری کشنده ی دیگر برای ایجاد هرج و مرج و اشاعه ی فساد در جامعه بیماری ذکر شده را عمداً انتقال داده و یا قصد انتقال آن را داشته باشد، آیا به این عمل عنوان مفسد فی الارض اطلاق می شود، هر چند موجب کشتن شدن کسی نشود؟

ص: 345

(بسمه تعالی): در صورتی که جلوگیری از انتقال مرضش متوقف بر کشتن او باشد قتل او جایز است. بلکه اگر جنبه‌ی دفاع از نفس باشد، واجب است. ولی آنچه در این مسئله مشکل است، احراز توقف می‌باشد و احراز این فرض در خارج امری است که تحقق آن نادر است، والله العالم.

سؤال (444) در صورتی که شخص مبتلا به مرض ایدز قصد انتقال مرض را داشته، ولی موفق به انتقال آن به دیگران نشده است و قصد او هم از انتقال اشاعه‌ی فحشا و فساد نبوده است، حکم این فرض چیست؟

(بسمه تعالی): این عمل از مصادیق تجزّی بر حرام می‌باشد و احکام تجزی بر آن بار می‌شود و بعید نیست به جهت قصد اذیت مردم و واقع ساختن آنها در گرفتاری، در این فرض مستحق تعزیر هم باشد، والله العالم.

سؤال (445) در صورتی که شخصی مبتلا به ایدز باشد، آیا در هنگام ازدواج لازم است به خانمی که می‌خواهد با او ازدواج کند، مریضی خود را اعلام کند. با توجه به اینکه مریضی ایدز به طریق عمل جنسی انتقال پیدا می‌کند؟

(بسمه تعالی): این عمل جایز نمی‌باشد؛ زیرا موجب ضرر زدن به دیگری و قرار دادن او در معرض هلاکت می‌باشد، والله العالم.

فصل دوم: خیار فسخ عقد ازدواج برای کسی که مبتلا به ایدز نمی باشد

سؤال (446) در صورتی که یکی از دو زوج سالم بوده و دیگری مبتلا به مرض ایدز باشد، آیا شخص سالم خیار فسخ عقد ازدواج را دارد؟ (بسمه تعالی): بعید نیست که مریضی ذکر شده؛ مانند مریضی جذام و برص باشد، هر چند احتیاط جدایی با طلاق می باشد، والله العالم.

سؤال (447) در صورتی که زوجه سالم بوده و زوج مبتلا به مرض ایدز باشد، آیا می تواند زوجه را اجبار به طلاق کند؟ (بسمه تعالی): در صورتی که حفظ جان زوجه متوقف بر اجبار شوهر در طلاق باشد، جایز است، والله العالم.

فصل سوم: احکام متفرقه

1 - ساقط شدن حق تمکین از زنی که ایدز دارد

سؤال (448) در صورتی که یکی از زوجین مبتلا به مرض ایدز باشد، آیا طرف سالم می تواند از نزدیکی و مقاربت جنسی خودداری نماید، حکم را با دلیل ذکر فرمایید؟

(بسمه تعالی): بله حق دارد و دلیل آن وجوب دفاع از نفس می باشد، والله العالم.

ص: 347

2 - شیردادن زنی که مبتلا به ایدز است

سؤال (449) در صورتی که مادر مبتلا به بیماری ایدز باشد و احتمال مبتلا شدن بچه او، در صورت شیر خوردن باشد، آیا وجوب شیر دادن بچه که به آن لباء گفته می شود و غیر آن ساقط می شود؟

(بسمه تعالی): در صورتی که شیردادن بچه مورد ترس مادر باشد، می تواند از شیردادن بچه در صورتی که شخص دیگری برای شیردادن باشد، امتناع کند، والله العالم.

3 - آیا ایدز مرض مرگ محسوب می شود

سؤال (450) آیا مریضی ایدز مرض موت و مرگ محسوب می شود، با توجه به اینکه ابتلاء به این مرض تا تحقق مرگ زمان می برد و گاهی اوقات ده سال طول می کشد؟

(بسمه تعالی): مرض موت و مرگ اثری نداشته و تصرفات شخص مریض، مانند سایر تصرفات او صحیح و نافذ می باشد، والله العالم.

4 - اطلاع دادن پزشك معالج به خانواده شخص مبتلا به ایدز

سؤال (451) در بسیاری از موارد سبب ابتلاء به مریضی ایدز مقاربت جنسی می باشد، آیا بر پزشك واجب است که به اشخاص دیگر مثل همسر شخص مبتلا و یا مادر و پدر او اعلام کند که او مبتلا به ایدز بوده تا آنها از شخص مبتلا بر حذر باشند و در صورتی که اعلام دیگران از

مريضی شخص مبتلا، مستلزم متهم شدن او به حرام گردد، اعلام واجب است؟

(بسمه تعالی): بر پزشك واجب است که به خاطر حفظ جان ديگران از اين مريضی كشنده مراتب را اعلام نمايد، ولي بايد به شكلی اعلام نمايد که آبرو و حيثيت شخص مبتلا محفوظ بماند، به اين شکل که به ديگران بگويد که ابتلاي به اين مريضی اسباب متعدد داشته و منحصر به عمل جنسی حرام نمی باشد، چنانچه در بعضی از موارد ابتلاء به خاطر تزریق آمپول آلوده و اسباب ديگر بوده و در اختيار شخص مبتلا نیست، والله العالم.

مقصد چهاردهم: معالجه با اشیاء حرام

فصل اول: معالجه با تلقین دروغین

سؤال (452) در زمان ما نوعی معالجه مرسوم شده که مبنی بر تلقین به شخص مريض می باشد و گاهی اوقات اين نوع معالجه مشتمل بر گفتن دروغ به مريض می باشد؛ مثل اینکه قرصی از نشاسته را به مريض مبتلا به ناراحتی اعصاب و یا افسردگی داده و به او گفته می شود که اين قرص از فلاين ماده ی دارویی است، آیا دروغ گفتن به شخص مريض برای معالجه ی او جایز است. بنابر تقدیر حرمت کذب و دروغ، آیا در صورتی که معالجه منحصر به گفتن دروغ باشد، تفاوتی در حکم دارد؟

ص: 349

(بسمه تعالی): در صورتی که قرصهای ذکر شده، برای مریض ضرری نداشته باشد، مانعی ندارد، واللہ العالم.

فصل دوم: استمناء برای معالجه

سؤال (453) من مریضی هستم که مبتلا به مرض سرعت انزال می باشم. پزشکان با انجام بعضی از آزمایشات پزشکی به من گفته اند که استمناء کنم و بعضی از کارهای دیگر را جهت بهبودی و یا کم شدن سرعت انزال انجام دهم، آیا استمناء در فرض مذکور جایز است. آیا در این فرض می توان از حرف پزشکان پیروی کرد؟

(بسمه تعالی): استمناء جایز نبوده و شخص مریض می تواند از بعضی داروهای حلال جهت مداوا استفاده نماید، واللہ العالم.

فصل سوم: کشف حجاب در هنگام معالجه

سؤال (454) زنی که مبتلا به بیماری گردیده و پزشک به او گفته، برای برطرف شدن مریضی باید حجاب را کنار بگذارد و در غیر این صورت مریضی او منجر به جنون و دیوانگی می گردد، آیا در این صورت کشف حجاب مجاز است؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که اضطراری برای خروج از خانه نداشته باشد، خروج از منزل بدون حجاب جایز نیست و در صورت خروج نباید با اجنبی برخورد داشته باشد.

ص: 350

سؤال (455) دختری که در سن چهارده سالگی می باشد و تا به حال مواظب حجاب اسلامی خویش بوده، ولی اکنون مبتلا به بیماری در سرش شده و با رجوع به پزشک متخصص مسلمان، پزشک به او سفارش نموده که برای معالجه ی مرضش باید حجاب را کنار بگذارد. بعد از مدتی به پزشک دیگری مراجعه نموده و پزشک مذکور هم همان جواب پزشک اول را داده است، اکنون با توجه به اینکه هر وقت چادر و یا روسری را از سرش بر می دارد، سردردش بهتر شده و یا کم می گردد، آیا در این صورت می تواند اقدام به کشف حجاب نماید؟

(بسمه تعالی): وجوب مراعات حجاب به آنچه که در سؤال ذکر شده، برطرف نمی گردد، خصوصاً در صورتی که می تواند مراتب پایین تر حجاب را مراعات نموده و کمتر از منزل خارج شده و تا آنجا که می تواند با نامحرمان برخورد نداشته باشد، والله العالم.

فصل چهارم: مشاهده ی فیلم های مبتذل جهت معالجه

سؤال (456) آیا استفاده و دیدن فیلمهای مبتذل جهت معالجه ی ناتوانی جنسی جایز است؟

(بسمه تعالی): استفاده و نگاه به آنچه که موجب برانگیخته شدن شهوت بر حرام و ترویج فساد در جامعه می گردد، جایز نیست، والله العالم.

ص: 351

سؤال (457) آیا زوجین می توانند از عمل جنسی خود فیلم برداری نموده و خودشان نگاه نمایند تا اینکه در امر جنسی مبتلا به سرد مزاجی نگردند؟

(بسمه تعالی): این مسئله چون گاهی اوقات باعث انتشار آن و قرار گرفتن آن در دست دیگران می باشد و باعث ترویج فساد می شود، جایز نمی باشد. ولی نگاه کردن به بدن یکدیگر در آینه و یا آب صاف و مانند اینها مانعی ندارد، ولی مکروه است، والله العالم.

سؤال (458) در صورتی که مرد و یا زن از سرد مزاجی جنسی خود رنج می برند، آیا می توانند به فیلمهای مبتذل نگاه نمایند و بنابر فرض حرمت عمل ذکر شده، در صورتی که زوجه مجبور باشد، به این فیلمها به خاطر تهدید همسرش با ضرب و یا طلاق نگاه کند. آیا در این فرض عمل ذکر شده جایز است؟

(بسمه تعالی): مشاهده ی فیلم های مبتذل مطلقاً جایز نمی باشد، چون باعث ترویج فساد در جامعه می گردد و زوجه در مورد مذکور می تواند نگاه نماید، ولی حواس خود را متمرکز در فیلم نکند، تا به شهوت نیفتد، والله العالم.

ص: 352

فصل پنجم: معالجه با موسیقی

سؤال (459) آیا موسیقی که انسان را به تحریک انداخته و به رقص و پایکوبی و می دارد، حرام است. آیا موسیقی که انسان را به نشاط آورده و در درمان بعضی از بیماریهای عصبی استفاده شده و مورد سفارش پزشکان قرار می گیرد، حرام است؟

(بسمه تعالی): شنیدن موسیقی لهوی جایز نیست و اگر غنا هم مشتمل بر کلام باطل باشد، شنیدن آن جایز نبوده و اگر مشتمل بر کلام حق باشد، بنابر احتیاط واجب شنیدن آن مجاز نمی باشد، واللہ العالم.

فصل ششم: معالجه با جادو، جن و طلسم

سؤال (460) آیا مراجعه به کسانی که از طریق ارتباط با جن و شیاطین مریضی مردم را کشف نموده و برای مداوای آن دستوراتی می دهند، جایز است؟ آیا عمل به دستورات این گروه مثل دستور به از بین بردن بعضی از اموال مثل شکستن تخم مرغ و یا مثل آن، جهت رفع سحر و یا جن جایز است؟ آیا سربریدن حیوان و مالیدن آن به بدن برای معالجه جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): هیچکدام از امور ذکر شده، جایز نمی باشد.

سؤال (461) آیا کسانی که ادعا دارند، می توانند جن زدگی و امثال آنها را مداوا نمایند، مجازند برای مداوای جن زدگی به عورت شخص

مبتلا نگاه کنند و آیا می توانند به بدن و یا عورت زنان نامحرم جهت تشخیص جن زدگی و مداوای آن نگاه کنند؟

(بسمه تعالی): نگاه کردن و کشف عورت در مورد ذکر شده، در سؤال خالی از اشکال نمی باشد، والله العالم.

سؤال (462) آیا یاد گرفتن سحر و جادو برای باطل کردن سحر جایز می باشد و در صورتی که مصلحت مهم تری، مانند حفظ جان کسی بر آن متوقف باشد، چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که حفظ جان و نفس محترمی متوقف بر تعلّم و یادگیری آن باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (463) در صورتی که شخص، به وسیله سحر دیگران به ضرر افتاده، آیا می تواند برای رفع ضرر از سحر استفاده نماید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که رفع ضرر متوقف بر آن باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (464) آیا استفاده از طلسمات برای از بین بردن تاثیر سحر جایز است، آیا این موضوع در روایات ائمه وارد گردیده است؟

(بسمه تعالی): هر موردی که از قبیل سحر و جادو بوده و یا از قبیل توسل به شیاطین باشد و موجب ایجاد اثری در انسان گردد، حرام است، والله العالم.

مقصد پانزدهم: احکام آزمایشات پزشکی

فصل اول: اقدام به استمناء جهت آزمایش

سؤال (465) آیا خارج نمودن منی به واسطه ی استمناء در صورتی که برای آزمایش به آن نیاز باشد و از طریق شرعی هم ممکن نباشد، جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): در صورت اضطرار مانعی ندارد.

تبریزی (قدس سرّه): این عمل جایز نبوده، اضطرار در مورد مذکور از مواردی نمی باشد که حرمت استمناء را از بین ببرد.

فصل دوم: احکام عکس برداری به وسیله ی اشعه

سؤال (466) پزشکی که جهت بررسی ضعف مثانه و یا اعضای داخلی دیگر اقدام به عکسبرداری از اعضای داخلی توسط اشعه ی ایکس می نماید و در این عکسبرداری گاهی اوقات صورتی از آلت مردانه و یا زنانه ظاهر می گردد، آیا محارم مریض می توانند این عکس ها را مانند پزشك نگاه کنند؟

(بسمه تعالی): نگاه به عکس های ذکر شده، برای غیر از پزشك جایز نمی باشد، والله العالم.

ص: 355

سؤال (467) آیا تصویر برداری با اشعه از دستگاه تناسلی و ادراری انسان که در این عکس عورت و مسیر دستگاه تناسلی معلوم می گردد و این عکسبرداری جهت تشخیص پزشکی می باشد، جایز است؟

(بسمه تعالی): جواب این سؤال از سؤال سابق روشن می شود، واللہ العالم.

ب - آیا نگاه نمودن به اعضای داخلی زن با وسایل و تجهیزات پزشکی جایز است؟

(بسمه تعالی): عمل مذکور جایز نمی باشد، مگر در مقام مداوا و معالجه ی مریض، واللہ العالم.

ج - آیا نگاه نمودن به عکس بدن زنی که آن عکس را بزرگ کرده اند و به وسیله اشعه ی آن را مجزی و جدا نموده اند، در صورتی که نگاه کننده زن را می شناسد، حرام می باشد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که زن را نشناسد، مانعی ندارد، واللہ العالم.

سؤال (468) آیا باطن بدن زن عورت محسوب می گردد؟

(بسمه تعالی): همه ی بدن زن، چه ظاهر و چه باطن عورت می باشد، واللہ العالم.

فصل اول: حجامت در ماه رمضان

سؤال (469) آیا در ماه مبارك رمضان حجامت نمودن جایز می باشد و در صورتی که موجب ضعف بدنی و جسمی گردد، می توان آن را در شب انجام داد و یا بعد از ماه رمضان انجام داد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که حجامت موجب ضعف و ناتوانی روزه دار شود، مکروه بوده و در صورتی که موجب اغماء و بیهوشی باشد، جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (470) در صورتی که انجام حجامت جهت رفع مرض و یا رفع تشدید آن ضروری بوده و پزشک معالج به آن دستور دهد و انجام حجامت موجب باطل شدن روزه گردد، آیا در این فرض حجامت جایز می باشد؟

(بسمه تعالی): حجامت در فرض مذکور در سؤال مانعی ندارد، بلکه در غیر مورد سؤال هم مانعی ندارد، چنانچه گذشت، والله العالم.

فصل دوم: اجرت شخص حجام

سؤال (471) آیا شخصی که اقدام به حجامت برای دیگران می کند، می تواند در مقابل عمل مذکور، در خواست اجرت معینی نماید؟

(بسمه تعالی): تعیین اجرت برای شخص حجام مانعی ندارد، ولی بهتر آن است که حجام شرط اجرت ننماید، والله العالم.

فصل سوم: ضمان شخص حجام

سؤال (472) آیا در صورتی که از عمل حجامت ضرری به شخص برسد و منشأ آن اشتباه شخص حجام باشد، ضمانت دارد. و در صورتی که ضرر به خاطر تقصیر حجام باشد، چه حکمی دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که شخص حجام کوتاهی نموده و مقصر باشد، ضامن است، والله العالم.

مقصد هفدهم: احکام دخانیات

فصل اول: حکم استعمال دخانیات

سؤال (473) آیا استفاده از دخانیات به نحو اعتیاد جایز است؟

(بسمه تعالی): بنابر احتیاط مستحب اعتیاد به دخانیات پیدا ننماید، والله العالم.

سؤال (474) کسی که معتاد به استعمال دخانیات نمی باشد، آیا شروع به استفاده از آنها برای او جایز است؟

(بسمه تعالی): استعمال دخانیات مانعی ندارد، هرچند بهتر آن است که استعمال را ترك کند، والله العالم.

سؤال (475) استعمال دخانیات دارای زیان های فراوانی برای شخص استعمال کننده می باشد که علم پزشکی به آن پی برده است و باعث بسیاری از مریض ها مانند سکت و سرطان می باشد و طبق آمار گرفته شده تقریباً در سال، 3 ملیون نفر جهت استعمال دخانیات می میرند. این مسئله از يك جهت و از جهت دیگر در مجله ی العالم نقل شده که سود شرکت های آمریکایی به 225 میلیارد دلار در سال می رسد و باعث تقویت دشمن می گردد، آیا استعمال سیگار با آنچه که گفته شد، جایز است؟

(بسمه تعالی): استعمال دخانیات به عنوان اولی مانعی نداشته و بنابر احتیاط مستحب ترك گردد، واللہ العالم.

سؤال (476) چگونه شخص سیگاری بفهمد، سیگار برای او ضرر دارد؟

(بسمه تعالی): این مسئله راجع به تشخیص پزشکان و اهل خبره می باشد و در صورتی که مکلف از استعمال سیگار احتمال مرضی را بدهد که جنایت بر نفس محسوب می گردد، بنابر احتیاط واجب باید ترك شود، واللہ العالم.

سؤال (477) آیا استعمال دخانیات ابتداءً جایز است و در صورتی که کسی برای مدتی استعمال را ترك نموده و بعد از مدتی دوباره رجوع

ص: 359

نماید، این عمل جایز است و کسی که با توجه به ضرر داشتن سیگار برای او، اقدام به استعمال دخانیات می کند، واجب است ترك كند؟
(بسمه تعالی): استعمال دخانیات حرام نبوده، بلکه بهتر آن است که ترك شده و دوباره به استعمال روی نیاورد، بالخصوص برای جوانان که بهتر است به سیگار معتاد نگردند، والله العالم.

سؤال (478) آیا استفاده از دخانیات، اگر موجب ضرر جسمی در آینده باشد، جایز است؟

(بسمه تعالی): ضرری حرام است که جنایت بر نفس باشد و تا زمانی که اینگونه ضرر احراز نگردد، استعمال دخانیات جایز می باشد، والله العالم.

سؤال (479) شخصی فتوا به حرمت استعمال دخانیات داده و خود را از علماء و رجال دین می داند. نظر حضرت عالی در این موضوع چیست. در بحثی که با شخص داشتم، او می گفت استعمال دخانیات خودکشی تدریجی می باشد، ولی من گفتم که ضرری حرام است که مثل قتل نفس و یا قطع عضوی از اعضای بدن باشد، چگونه باید جواب این شخص را داد؟

(بسمه تعالی): فتوی دادن به حرمت مطلق استعمال دخانیات برای همه ی افراد صحیح نمی باشد، بله اعتیاد به استعمال ترياك جایز نمی باشد، والله العالم.

ص: 360

سؤال (480) اگر قوانین علم پزشکی جدید تاکید کند که استعمال دخانیات علت سرطان و سکتة قلبی و مغزی می باشد، آیا گفته ی پزشکان باعث حرمت استعمال دخانیات می گردد؟

خوئی (قدس سرّه): موجب نمی گردد.

سؤال (481) بعد از آنکه از جهت علمی ثابت گردیده که استعمال دخانیات باعث ابتلاء به بیماری های خطرناک مثل سرطان ریه و تصلب شرایین و یا تنگی نفس و سکتة های قلبی شده و برای شخص استعمال کننده و برای اطرافیان او و عموم اجتماع مضر می باشد. با توجه به مراتب فوق، حکم استعمال دخانیات از جهت شروع به آن و یا ادامه ی استعمال آن چیست؟ آیا در این قضیه احتیاطی هر چند استحبابی به ترك وجود دارد؟

خوئی (قدس سرّه): در صورتی که استعمال دخانیات ضرر مهمی برای بدن داشته باشد، چه در شروع به استعمال و چه در ادامه ی آن، در هر دو صورت حرام است. و در صورتی که ضرر مهمی نداشته باشد، بنابر احتیاط مستحب باید ترك شود.

سؤال (482) آیا استعمال دخانیات حرام است. آیا زوجه می تواند مطالبه ی طلاق از شوهری که استعمال دخانیات می کند، بنماید و آیا شوهر می تواند زوجه ی خود را به خاطر استعمال دخانیات طلاق دهد؟

ص: 361

(بسمه تعالی): استعمال دخانیات حرام نبوده و زوجه حق مطالبه ی طلاق از زوج را ندارد و همچنین استعمال دخانیات موجب طلاق دادن زوجه نمی گردد، والله العالم.

فصل دوم: استعمال دخانیات در اماکن عمومی

سؤال (483) حکم استعمال دخانیات در اماکن عمومی را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): جواب این مسئله از جواب سؤال های سابق معلوم گردید.

سؤال (484) نظر مبارك درباره ی کسی که با استعمال دخانیات، موجب اذیت هم اتافی های خود و یا اهل اتوبوس می شود، چیست؟ با توجه به اینکه هوای موجود ملك همه ی انسان هاست؟

(بسمه تعالی): در صورتی که ماشین ملك شخص باشد و او رضایت بر کشیدن سیگار و استعمال دخانیات ندهد، استعمال جایز نمی باشد و در غیر این صورت مانعی ندارد، والله العالم.

فصل سوم: استعمال دخانیات در هنگام بارداری

سؤال (485) خانم باردار بعد از اینکه پزشك استعمال دخانیات را مؤثر در جنین می داند، آیا جایز است در این حال استعمال دخانیات نماید؟

ص: 362

خوئی (قدس سرّه): حکم این مسئله مثل مسایل سابقه گذشت.

سؤال (486) آیا استفاده ی خانم باردار از سیگار و یا دخانیات دیگر با توجه به اینکه برای خود و جنین ضرر دارد، جایز است؟

(بسمه تعالی): فرقی بین زن باردار و غیر او نمی باشد، والله العالم.

فصل چهارم: حکم استفاده از تنباکوی معسل

سؤال (487) حکم استفاده از تنباکوی معسل را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): استفاده از آن حرام نمی باشد و بهتر است خود را به این کار عادت ندهند، بالخصوص برای جوانان خود را معتاد به این امور نکنند و بنابر احتیاط مستحب آنها را ترك کنند، والله العالم.

سؤال (488) حکم استفاده از تنباکو چیست؟

(بسمه تعالی): اگر استفاده از تنباکو به شکل دود کردن آن باشد، مثل کشیدن قلیان، مانعی ندارد، والله العالم.

فصل پنجم: استفاده از مواد مخدر

سؤال (489) نظر مبارک درباره ی استفاده و استعمال مواد مخدر بالخصوص استفاده از تریاک چه از جهت شروع و ابتداء به آن و چه از جهت ادامه و استمرار در استعمال آن چیست؟ حکم معامله، خرید و فروش این مواد و همین طور طهارت و نجاست آن را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): مواد مخدر اگر جامد باشند، پاك هستند و بنا بر احتیاط واجب باید اعتیاد به این مواد ترك شود و همچنین خرید و فروش آنها جایز نمی باشد، مگر مواردی که جهت معالجه و مداوا از آن استفاده شود که البته در این مورد هم باید قوانین و ضوابط حکومتی مراعات شود، والله العالم.

سؤال (490) آیا استعمال مواد مخدر مانند تریاک برای اشخاص غیر معتاد جایز است؟

(بسمه تعالی): اعتیاد به مواد مخدر حرام است و واجب است شخص معتاد استعمال مواد مخدر را ترك نماید، والله العالم.

مقصد هجدهم: مسایل و احکام متفرقه

1 - دندان های طلا

سؤال (491) آیا استفاده از دندان های طلا برای مردان مطلقاً جایز می باشد؟

خوئی (قدس سرّه): بله به شکل مطلق استفاده از دندان طلا برای مردان جایز می باشد. هر چند عنوان زینت کردن بر آن صادق باشد و آنچه حرام است پوشیدن طلا برای مردان است؛ مانند انگشتر طلا، زنجیر طلا، ساعت طلا و یا گردبند طلا و همچنین لباس طلا باف به

ص: 364

شکلی که عنوان پوشیدن طلا در عرف بر آن صحیح باشد، والله العالم.

2 - استفاده از لنز در چشم

سؤال (492) نوعی از عدسی می باشد که آن را داخل چشم بکار برده که باعث تغییر رنگ چشم به رنگهای مختلف می گردد؛ مثل اینکه رنگ چشم به رنگ سبز و یا آبی و یا به رنگی دیگر مبدل می شود. آیا این عمل تغییر خلقت خدا محسوب می گردد. آیا استفاده از عدسی های ذکر شده برای خانمها در صورتی که در معرض برخورد با نامحرمان هستند، جایز است؟ با توجه به اینکه این عمل يك نوع تقلید از زنهاى اروپایی می باشد که اعتقادی به حجاب اسلامی ندارند؟

(بسمه تعالی): قرار دادن این عدسی ها در چشم، هرچند در حال نماز مانعی ندارد، البته به شرط اینکه عدسی ها از حیوانی که خوردن گوشت آن حرام است، نباشد و همچنین از اجزاء جاندار مردار و میتة نباشد، والله العالم.

3 - کاشتن مو

سؤال (493) آیا کاشتن مو برای کسی که ریش ندارد و یا فاقد موی سر می باشد، جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): این عمل به عنوان اولی آن جایز می باشد.

ص: 365

تبریزی (قدس سره): در صورتی که پوست بدن با آنها پوشیده نشده و آب در وضو و غسل به بدن برسد، مانعی ندارد.

4 - ختنه

ختنه ی زنها

سؤال (494) آیا ختنه کردن دختران هم واجب عینی است؟

(بسمه تعالی): ختنه ی زنها مستحب است.

سؤال (495) حکم ختنه ی دختر چیست؟ با توجه به اینکه از این عمل اذیت می شود و باید در چه سنی ختنه شود؟

(بسمه تعالی): ختنه ی دختران واجب نمی باشد، والله العالم.

ختنه ی مرد

سؤال (496) شخصی ختنه شده است، ولی مقداری از پوست روی آن به اندازه ی سر انگشتی باقی مانده، آیا عنوان ختنه در فرض مذکور محقق گردیده است یا اینکه باید مقدار باقی قطع شود، با توجه به اینکه این شخص بالغ می باشد؟

(بسمه تعالی): اگر مقدار کمی مثل سر انگشت باقی مانده باشد، صدق ختنه می شود. در صورتی که قسمت عمده ی سر آلت ظاهر و آشکار باشد، بریدن باقی واجب نمی باشد، والله العالم.

ص: 366

اشاره

سؤال (497) آیا پزشکی که در دانشگاه علوم پزشکی رشته ی دندانپزشکی تحصیل می کند، می تواند در رشته ی پزشکی احکام زنان و زایمان هم تحصیل نموده و اطلاعاتی به دست آورد؛ زیرا گاهی موارد نیاز می شود، آیا دانشجویان رشته ی چشم پزشکی می توانند در این رشته تحصیلاتی داشته باشد، با توجه به اینکه تحصیل این رشته برای آنها ضروری نبوده و فقط برای به دست آوردن اطلاعاتی که در هنگام ضرورت مفید می باشد، اقدام به تحصیل این رشته می کنند؟

خوئی (قدس سره): در صورتی که دانشجو بداند که در تحصیل این رشته مصلحت عمومی برای جامعه وجود دارد، تحصیل این رشته مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (498) من پزشکی هستم که سعی دارم در رشته ی تخصصی جراحی اقدام به تحصیل کنم. برای من سؤالی مطرح شده که از شما می خواهم، جواب آن را بفرمایید؟

پزشکی که عمل جراحی زیبا سازی انجام می دهد؛ یعنی مردان و زنانی که در بدنشان دارای ناهنجاری جسمی مانند زیادی چربی در شکم و یا در ران ها و یا در سینه ها هستند و می خواهند با کمک عمل جراحی این نقاط زاید را از بین برده و ظاهر بدن را به شکلی مناسب و متوازن زیبا سازند.

این عمل مستلزم این است که مرد و یا زن بدن خود را به پزشك به شكل برهنه نشان دهند و گاهی اوقات این عمل مستلزم نظر و لمس بدن نامحرم می باشد با توجه به اینکه خانمها نوعاً این عمل را به خاطر ایجاد علاقه به شوهرانشان و یا برای بدست آوردن خواستگار مناسب تر انجام می دهند. آیا این عمل جراحی زیباسازی جایز می باشد؟ آیا طریقی برای رفع اشکال از این عمل وجود دارد؟ آیا مالی که از این راه به دست پزشك می رسد، مباح و حلال است؟ آیا می توان با این پول حج بجا آورد و یا در محلی که با این پول به دست آمده، نماز خواند؟ آیا فرقی بین عمل جراحی برای زیباسازی تنها و بین عمل جراحی در موارد سوختگی وجود دارد؟

(بسمه تعالی): عمل جراحی زیباسازی در صورتی که مستلزم کشف بدن در مقابل نامحرم باشد و یا مستلزم لمس بدن نامحرم باشد، جایز نمی باشد، ولی خانم ها اگر این عمل را در نزد پزشك زن انجام دهند، مانعی ندارد، والله العالم.

فصل اول: مسایل اختلاط و نگاه به نامحرمان

سؤال (499) بعضی از خانم های مؤمنه که در دانشگاه مشغول تحصیل می باشند، برخی موارد در کلاس درس هنگامی که استاد مطلبی را توضیح

ص: 368

و تشریح می کند شاگردان ناگزیرند که به صورت استاد خود نگاه کنند و این نظر بدون انگیزه ی شهوانی بوده و فقط از روی ناچاری و جهت یادگیری مطالبی که استاد تشریح می کند، می باشد با توجه به آنچه گفته شد، حکم این گونه نگاه و نظر به نامحرم را بفرمایید؟

(بسمه تعالی): مجرد نگاه کردن به صورت مرد بدون لذت مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (500) الف - در دانشگاه پزشکی گاهی اوقات یادگیری مسایل متوقف بر آن است که دانشجو در نزد پزشك حاذق و متخصص حاضر شده و گاهی در اتاق عمل جراحی در نزد پزشك متخصص باشد، در این موارد گاهی اوقات مجبور می شود که بدن نامحرم را لمس و یا نگاه کند و این لازمه ی تحصیل و فراگیری مسایل پزشکی می باشد، آیا تحصیل در این رشته و آنچه گفته شد، جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که دانشجو به آنچه گفته شده، اضطرار داشته باشد، مانعی ندارد و مراد از اضطرار این است که جامعه و مردم مسلمان به تحصیل او در این رشته نیاز داشته باشد، والله العالم.

ب - آیا مسایل ذکر شده نسبت به دانشجویان دختر، در سؤال سابق جایز است؟

ص: 369

(بسمه تعالی): در صورتی که زنان و بانوان جامعه ی اسلامی به اینگونه تخصص نیاز داشته باشند، تحصیل دانشجوی دختر و آنچه که در سؤال ذکر شده، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (501) در دانشگاه های پزشکی که بین دانشجویان مرد و زن مشترك است، گاهی اوقات دانشجویان ناچارند جهت فراگیری مسایل پزشکی به عورت مریض و یا مریضه نگاه نمایند، مانند مواردی که پزشك در مسایل زنان و زایمان تحصیل نموده و مجبور به بررسی و معاینه از عورت مریضان مراجعه کننده می باشند و گاهی اوقات این دانشجویان بعد از اتمام تحصیل به مناطق محروم رهسپار شده که پزشکان زن در آنجا نبوده و در برخی موارد ناچارند که به بدن زنهای مریض نگاه نموده و یا بدن آنها را لمس نمایند. و همچنین در هنگام وضع حمل ناچارند به بدن زن دست زده و در صورت استتکاف از این عمل جان این خانمها و یا بچه های آنها به خطر می افتد، آیا با توجه به آنچه که ذکر شد، عمل پزشکان جایز است؟ آیا فراگیری علم پزشکی با توجه به مقدمات ذکر شده جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که دانشجویان توانایی تحصیل و بدست آوردن تخصص در امور ذکر شده را داشته باشند و بتوانند با تخصص خود جان زن و یا نوزادی را از مرگ نجات دهند و این تخصص

متوقف بر گرفتن مدرک تحصیلی از دانشگاه باشد، تحصیل در دانشگاه و آنچه که در سؤال ذکر شده، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (502) آیا حضور در دانشگاه برای دختران با مراعات کامل حجاب اسلامی در صورتی که فقط در آزمایشگاه ناچارند با نامحرمان در يك مكان باشند، اشکال دارد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که در رشته ای تحصیل می کند که در آینده برای معالجه ی زنهای مریض در جامعه مفید است و می تواند با تخصص خود آنها را مداوا نموده، به شکلی که زنهای جامعه برای معالجه، دیگر به پزشک مرد محتاج نشوند، مانعی ندارد و واجب است که حجاب و عفاف خود را حفظ نمایند، والله العالم.

سؤال (503) در دانشگاه های پزشکی لازم است که دانشجویان در برخی موارد بدن مرد و یا زن نامحرم را معاینه نموده و در این معاینه گاهی اوقات به عورت شخص مریض رسیده و دانشجو برای فراگیری مسایل طبی ناچار است، به معاینه ی عورت اقدام نماید، آیا تحصیل در این نوع رشته های پزشکی و این گونه معاینات جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): این عمل به عنوان اولی جایز نمی باشد، ولی اگر حفظ جان انسانهای که جان آنها احترام دارد، متوقف بر آنچه که در سؤال ذکر شده باشد، مانعی ندارد و همچنین برای شخص طیب و پزشک هم این معاینات اشکالی ندارد.

تبریزی (قدس سرّه): آنچه که ذکر شده، به عنوان اولی حرام است، ولی اگر حفظ جان انسانهای که دارای احترامند، متوقف بر این اعمال باشد و یا اینکه استقلال و آبروی جامعه اسلامی به آن متوقف باشد، مانعی ندارد.

سؤال (504) آیا نگاه کردن پزشک یا پرستار به عورت زن هنگام زایمان جهت یادگیری مسایل پزشکی جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که زن کافره باشد و نگاه هم به جهت لذت نباشد، مانعی ندارد و در صورتی که زن کافره پیدا نشود، فقط دانشجویان و پرستاران زن می توانند عمل ذکر شده را انجام دهند، والله العالم.

فصل دوم: لمس بدن نامحرم

سؤال (505) بعضی از دانشجویان پزشکی ناچارند که اطلاعاتی درباره ی ماساژ بدن مریض تحصیل کنند که دارای آثاری در درمان مریضان می باشد، البته این عمل مستلزم لمس بدن اجنبیه بوده و در بعضی از دانشگاهها مراعات ضوابط شرعی نمی شود و اگر دانشجویان مؤمن در این درس شرکت نکنند، از امتحانات محروم گشته و باعث گرفتار شدن و منصرف شدن آنها می شود، آیا این عمل جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): اگر می داند که در آینده پزشک شده و امراض مریضان مؤمن و زن های مؤمنه را مداوا کرده و باعث حفظ آنها از مرگ و

خطرات دیگری می شود، آنچه که ذکر شده، مانعی ندارد، البته لمس و نظر التذاذی حرام است.

فصل سوم: لمس اعضای جدا شده از بدن زن مریض

سؤال (506) الف - گاهی اوقات سینه ی زن مبتلا به مرض سرطان قطع شده و به آزمایشگاه آورده می شود، آیا پزشك می تواند به آن نگاه کند و یا لمس نماید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که زن مسلمان نبوده و یا در صورتی که نگاه جهت معالجه و درمان باشد، اشکالی ندارد، والله العالم.

ب - آیا برای پزشك دیگر و یا دانشجویانی که در دانشگاه تحصیل می کند، نگاه به سینه ی قطع شده و یا لمس آن، جهت کمک پزشك متخصص و یا جهت یادگیری جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که جهت کمک به پزشك متخصص بوده و یا اینکه سینه متعلق به زن کافر باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

فصل چهارم: نگاه به تصاویر و فیلم های مبتذل جهت تعلیم مسایل پزشکی

سؤال (507) آیا مشاهده ی عکس ها و تصاویر مبتذل که در کتابهای پزشکی و مجله های تخصصی وجود دارد، جایز است؟

ص: 373

(بسمه تعالی): در صورتی که نگاه به خاطر تعلیم و یا یادگرفتن باشد، مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (508) نظر مبارك را درباره ی دانشجویانی که هنگام فراگیری مسایل پزشکی، ناچارند به فیلم ها و یا تصاویر مبتدل که شامل بدن برهنه ی زنان و مردان است نگاه نمایند، بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): در هنگام اضطرار مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (509) آیا نگاه کردن به فیلم های که در آن عمل مقاربت جنسی و پیدایش جنین انسان و تولد او در آن نشان داده می شود، جایز است؟

(بسمه تعالی): نگاه به صحنه ای که نزدیکی و مقاربت جنین را نشان می دهد، جایز نمی باشد، ولی نظر کردن به چگونگی پیدایش جنین در رحم در هنگام فراگیری مسایل پزشکی مانعی ندارد، والله العالم.

سؤال (510) آیا مشاهده به فیلم هایی که جنبه ی علمی و آموزشی داشته و برای فراگیری مسایل پزشکی لازم است که شامل تصاویری از قبیل آلت تناسلی و یا کیفیت اختلاط و امتزاج تخمک ها می باشد، جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که نگاه کردن با قصد شهوت و لذت بردن نباشد و فقط جهت تعلم و فراگیری باشد و در فراگیری آن هم ضرورت و اضطراری باشد، نگاه به این گونه فیلم ها مانعی ندارد، والله العالم.

فصل پنجم: انجام آزمایشات پزشکی بر روی دیوانگان

سؤال (511) آیا انجام دادن بعضی از آزمایشات پزشکی و یا تجربیات علمی بر روی بعضی از مجانین و دیوانگان جهت به دست آوردن نتایج مفید علمی جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که آزمایشات ذکرشده، برای شخص مجنون مفید بوده و ضرری برایش نداشته باشد، مانعی ندارد، این مسئله در مجنون مسلمان است، ولی در مجنون کافر مطلقاً اشکالی ندارد.

فصل ششم: نگهداری اجزای بدن و یا جنین انسان برای استفاده ی دانشجویان

سؤال (512) در بعضی از عمل های جراحی عضو و یا جزیی از بدن به خاطر مبتلا- به مرض و بیماریهای خاص قطع می گردد. این اعضا، اعضای مانند (رحم، طحال، مثانه، کیسه ی صفرا، معده و...) می باشد که برای آزمایشات پزشکی در محل خاص نگهداری می شود و برخی موارد مقدار زیادی از این اعضا در بیمارستان ها جمع می گردد که موجب طرح سؤالاتی شرعی است که ذیلاً مکتوب می گردد.

1 - آیا نگهداری این اعضا در يك ظرف شیشه ای و دادن آن به دانشجویان جهت بررسی جایز می باشد؟

ص: 375

(بسمه تعالی): در صورتی که این اعضاء از شخص کافر گرفته شده باشد، حفظ و نگهداری آنها به جهت غرضی که گفته شده، مانعی ندارد، ولی قطع عضو میت مسلمان و نگهداری آن جایز نبوده و در صورت قطع باید دفن گردد و همچنین در صورتی که از مسلمان زنده گرفته شده، به شکلی که در رساله ی عملیه گفته شده، باید دفن گردد، والله العالم.

2- آیا دور انداختن این اعضاء با زباله ها جایز می باشد؟

(بسمه تعالی): دور انداختن این اعضاء با زباله ها در صورتی که باعث آلودگی محیط و ضرر زدن به مردم باشد، هر چند عضو از کافر گرفته شده باشد، جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (513) در بعضی از آزمایشگاه های پزشکی در دانشگاهها، جنین های متعددی از انسان در مراحل مختلف عمر جنین در معرض دید قرار داده شده است. این جنین ها متعلق به زن های مسلمان بوده و با زدن موادی به نام فورمالین به آنها، آنها را در ظرفهای شیشه ای نگهداری و حفظ می کنند و دانشجویان پزشکی با مراجعه به آنها نگاه می کنند، با توجه به آنچه گفته شد، اکنون سؤالاتی مطرح می گردد که امید است، جواب عنایت فرمایید.

1- اگر جنین متعلق به زن مسلمان باشد، حکم نگهداری جنین و عدم دفن آن چگونه است؟

ص: 376

(بسمه تعالی): در صورتی که جنین محکوم به اسلام باشد باید دفن شود. و حکم به اسلام جنین در صورتی است که پدر و مادر هر دو مسلمان یا یکی از آنها مسلمان باشد.

2- در صورتی که مادر جنین غیر مسلمان باشد، آیا عمل مذکور جایز است؟

(بسمه تعالی): از جواب سؤال سابق معلوم شد.

3- شخصی که این جنین ها را در داخل محفظه ی شیشه ای می گذارد، آیا واجب است، مسح غسل میت نماید؟

(بسمه تعالی): تا زمانی که روح در جنین دمیده نشده، دست زدن به آن موجب غسل نمی شود، ولی در صورتی که دست مرطوب را به آن زده است، باید دست خود را تطهیر کند.

4- آیا این عمل با توجه به رضایت ولی شرعی جنین، جایز می باشد؟

(بسمه تعالی): در صورتی که جنین از شخص مسلمان باشد و محکوم به اسلام باشد، باید دفن شود و رضایت ولی او اثری ندارد.

مقصد بیستم: احکام ضمانت در شرکت ها

اشاره

سؤال (514) من در شرکتی مشغول به کار می باشم. یکی از قوانین این شرکت این است که کارگران و خانواده و اشخاص تحت تکفل این کارگران را بیمه درمانی می نماید، من می خواهم پدر و مادر خود را داخل

ص: 377

در این بیمه نمایم در حالی که واقعاً من متکفل خرج و مخارج آنها نمی باشم، ولی می خواهم در نامه ای امضاء کنم که من متکفل آن دو می باشم تا بتوانم به این وسیله به آنها خدمت نموده و در معالجه ی آنها سهیم باشم، آیا این عمل جایز است؟

(بسمه تعالی): در صورتی که معالجه ی والدین شما ضروری بوده و شما و کسانی که متکفل آنها می باشند، هزینه ی درمان را ندارید می توانی بگویی که من متکفل آنها هستم و از این کلمه قصد کنی؛ یعنی در درمان و معالجه ی آنها کمک کننده هستم، تا اینکه کلام شما دروغ نباشد و در غیر این صورت دروغ گفتن حرام بوده و گفته و یا نوشته ی شما دروغ محسوب می گردد، واللہ العالم.

فصل اول: حکم بعضی از نسخه های پزشکی که واقعیت ندارد

سؤال (515) آیا پزشک می تواند برای کسی که مریض نمی باشد، نسخه ی درمان تجویز نموده تا غیبت او را در هنگام کار موجه جلوه دهد، آیا صدور نسخه به عنوان مریض جایز است؟

(بسمه تعالی): دروغ حرام است، واللہ العالم.

سؤال (516) بعضی از کارگران و یا کارمندان ادارات نزد پزشکی رفته و برای اینکه غیبت خود را در روزهای کاری موجه سازند، از پزشک

نسخه‌ی مریضی گرفته و خود را به عنوان مریض جلوه می‌دهند. آیا مراجعه به این گونه پزشکان جایز بوده و آیا اجرتی را که کارگران در مقابل ایامی که غایب بودند، می‌گیرند، حلال است؟

(بسمه تعالی): این عمل دروغ است و حرام می‌باشد و اجرتی را که در مقابل ایامی که به کار نرفته، می‌گیرد، حرام است، واللہ العالم.

سؤال (517) بعضی از داروخانه‌ها اقدام به دادن قبض‌های صورتی به مشتریان خود می‌کنند تا این مشتریان این قبوض را به مراکز بیمه برده و از حق بیمه خود استفاده نموده و در مواردی که این مشتریان محتاج و نیازمند هستند، مبلغی را استفاده نموده تا خسارت نبینند. با توجه به اینکه داروخانه این داروها را به مشتریان فروخته و فقط قبض غیر واقعی و صورتی را به آنها داده است. آیا این عمل از جانب مسئولان داروخانه مجاز است؟ در صورت حرمت این عمل، آیا وجهی برای خروج از حرمت در این موارد وجود دارد؟

(بسمه تعالی): این عمل جایز نمی‌باشد؛ زیرا دروغ محسوب شده، هر چند موجب انتفاع و بهره‌ی بعضی از مشتریان باشد، واللہ العالم.

فصل دوم: بکار بردن حيله و فریب در برخورد با شرکت های بیمه

سؤال (518) آیا بدست آوردن مالی از بعضی شرکتهای دولتی مانند بیمه و غیر آن به وسیله ارایه ی نسخه های ساختگی و غیر واقعی با توجه به اینکه شخص اصلاً مریض نبوده و فقط قصدش بدست آوردن پول می باشد و هیچگونه ضرر و خطری به خود و دیگری وارد نمی کند، جایز است؟

(بسمه تعالی): تزویر و خیانت و امثال این کارها که موجب وهن و سبکی شخص مؤمن باشد، جایز نمی باشد، واللہ العالم.

سؤال (519) بعضی از مردم اقدام به قرارداد بیمه ی پزشکی با بعضی از شرکتهای می کنند، به این طریق که هر سال وجهی را به شرکت داده و شرکت در مقابل مبلغ دریافت شده، هزینه ی دارو و معالجه ی این اشخاص را در هنگام مداوا و معالجه پرداخت می کند، اکنون سؤال این است که اگر شخص به پزشک مراجعه کرده و پزشک هم برای او دارویی را تجویز نموده که قیمت آن مثلاً 50 ریال می باشد، آیا این شخص می تواند در داروخانه به جای گرفتن دارو چیز دیگری بگیرد؛ چون داروی پزشک را از قبل در خانه دارد، با توجه به اینکه متن قرارداد بیمه فقط تامین هزینه ی دارو می باشد؟

ص: 380

(بسمه تعالی): در صورتی که شرکت های ذکر شده خصوصی می باشد، تخلف از قوانین و مقررات آنها بر شخص جایز نمی باشد، والله العالم.

سؤال (520) ما مجموعه ای داروخانه داریم و با بعضی از شرکتهای خصوصی و دولتی قرارداد بیمه برای کارمندان این شرکت ها بسته ایم و متعهد شدیم در مقابل پولی که از این شرکتهای می گیریم، هزینه ی داروی کارمندان این شرکتهای و افراد خانواده آنها را مجاناً محاسبه نموده و مبلغی دریافت نکنیم، البته این قرار داد فقط نسبت به هزینه ی دارو بوده و شامل اشیاء و مواد دیگر نمی باشد، با توجه به آنچه ذکر شد، مستدعی است جواب سؤالات ذیل را مرقوم فرمایید؟

1 - در صورتی که بعضی از کارمندان بخواهند قیمت دارویی را که پزشک ذکر کرده، نقداً از داروخانه گرفته و یا آن را تبدیل به اشیاء غیر دارویی مثل مسواک و یا روغن مو و شامپو نمایند و مطالبه ی اشیایی را می کنند که جنبه ی دارویی ندارد، آیا این تبدیل جایز است؟

2 - بعضی از کارمندان اشیاء دارویی نمی خواهد؛ زیرا اصولاً مریض نبوده و فقط به شکل صوری به پزشک مراجعه کرده و یک نسخه ضروری گرفته و به داروخانه مراجعه کرده اند تا بتوانند هزینه ی اشیاء غیر دارویی خود را مجاناً به دست آورد؟

ص: 381

3 - پدرانی که خود طرف قرارداد بیمه نبوده، بلکه به جهت کارمند بودن فرزندان خویش به داروخانه مراجعه می کنند و می خواهند نسخه را مانند مورد 1-2 تبدیل نمایند؟

4 - اشخاصی که داروهایی را به جهت عقد بیمه مجاناً از داروخانه تحویل گرفته و هم اکنون بعد از مدتی می خواهند این داروها را با اشیاء غیر دارویی تعویض نموده و یا مبلغ آنها را نقداً دریافت نمایند؟

5 - عده ای از کارمندان و یا پدرانشان نزد پزشک رفته و پزشک برای آنها داروهای گران قیمت می نویسد و آنها بجای دارویی که پزشک نوشته، می خواهند داروی تقویت نیروی جنسی بگیرند که البته داروهای جنسی طرف قرار داد بیمه نمی باشد؟

6 - آیا در تمام فرض های بالا، مانعی دارد که به آنها تخفیف دهد تا به مراد خود برسند؟

(بسمه تعالی): تخلف از قرار دادی که بین داروخانه و شرکتها بسته شده، برای مسئولین داروخانه و اشخاصی که نسخه ی دارو در دست آنها بوده و به داروخانه مراجعه می کنند، جایز نمی باشد، والله العالم.

ص: 382

سؤال (521) شخصی در بیمارستان مسئول صندوق امانات و اشیایی است که بیماران جهت امانت در آنجا قرار می دهند، البته این امانات بعضی توسط خود شخص مریض تحویل مسئول داده شده و بعضی دیگر در حال بیهوشی و اغماء از مریض گرفته شده، مثل بیماران تصادفی، اکنون سؤال این است، مقداری از این امانات در نزد شخص مسئول جمع شده و صاحبان این امانات یا فوت شده اند و یا سفر نموده و محل معینی ندارند و یا از این امانات اعراض کرده اند، اکنون وظیفه ی شخص مسئول چیست؟

خوئی (قدس سره): در صورتی که ممکن باشد امانات ذکر شده را به ورثه ی شخص فوت شده برسانند، باید این عمل را انجام دهند و در صورت عدم امکان این اموال مجهول المالک بوده، باید از طرف صاحبان آنها به فقرا صدقه داده شود. و همچنین در صورتی که صاحبان این امانات سفر نموده، در صورتی که نتوان اموال را به آنها رسانند. باید از طرف صاحبان آنها صدقه داده شود و در صورتی که احراز شود، صاحبان اموال از اموال ذکر شده اعراض و چشم پوشی کرده اند، هرکس می تواند آنها را برای خود برداشته و تملک نماید، والله العالم.

سؤال (522) کارمندی در بیمارستان وظیفه دارد، خیر تصادفاتی که به بیمارستان انتقال می یابد و جزئیات آن را به بخش ویژه ی پلیس راه خبر دهد. گاهی اوقات طرفین تصادف هر دو با هم سازش نموده و با هم کنار می آیند. آیا لازم است در فرض مذکور گزارشات و اخبار ذکر شده را ابلاغ نماید، این در صورتی است که اگر مراتب را ابلاغ نکند، مورد ایذا و اذیت قرار می گیرند؟

خوئی (قدس سرّه): ابلاغ خبر در فرض مذکور به عنوان اولی جایز نمی باشد، ولی در صورتی که از عدم ابلاغ ضرری به خود شخص وارد گردد، ابلاغ مانعی ندارد، واللہ العالم.

سؤال (523) کارمندی در بیمارستان در بخش زایمان بوده و متوجه می شود که خانمی از طریق غیر مشروع حامله گردیده و وضع حمل نموده است. با توجه به اینکه طبق قوانین بیمارستان کارمند موظف است مراتب فوق را به مسئولین بیمارستان ابلاغ کند، آیا در این فرض، در صورتی که ابلاغ خبر موجب بی آبروی آن زن شود، ابلاغ خبر جایز است؟

خوئی (قدس سرّه): این فرض هم مثل سؤال سابق دو صورت دارد که طبق یکی جایز نبوده و بنابر دیگری جایز می باشد.

سؤال (524) شخصی از بیمارستانی، بعضی از لوازم پزشکی را از روی جهل برداشته است و اکنون که متوجه حرمت این عمل شده، همه ی آن لوازم از بین رفته است. وظیفه ی شخص مذکور چیست؟

(بسمه تعالی): این عمل جایز نبوده و باید به بیمارستان برگردانده شود و در صورت تلف شدن آنها، باید قیمت آنها را در زمان از بین رفتن آنها محاسبه نموده و آنها را در صورتی که بیمارستان خصوصی است، به مسئولین بیمارستان پرداخت کند.

سؤال (525) بعضی از اشخاص هر روز به بیمارستان ها مراجعه کرده و با نسخه ی پزشك و با حيله های ديگر مواد دارویی را با قیمت ناچیز گرفته و بعد از مدتی آنها را خارج بیمارستان با مبالغ بیشتری می فروشند و این عمل در برخی موارد موجب محروم ماندن بیماران بستری شده، در بیمارستان می گردد.

الف - حکم شرعی این عمل را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): در صورتی که احتیاج به داروهای ذکر شده ندارد، گرفتن دارو و فروش آن جایز نمی باشد.

ب - آیا عمل پزشکی که نسخه های این اشخاص را می نویسد، جایز است؟

(بسمه تعالی): دادن نسخه و سفارش دارو فقط برای مریض جایز می باشد.

ج - حکم فروش این داروها چیست؟

(بسمه تعالی): حرام است.

خاتمه: مسایل متفرقه

اشاره

سؤال (526) دختری که 20 سال سن داشته و کربال می باشد. او در بعضی اوقات در عقاید خود شك نموده و نسبت به حقانیت مذهب شیعه دچار تردید می گردد، این حالت گاهی اوقات منتهی به شك در معاد و یا توحید و اصول اعتقادی دیگر می گردد. وظیفه ی اطرافیان این دختر چیست؟

(بسمه تعالی): شکی که برای این دختر پیدا می شود، با توجه به حالی که او دارد، موجب ارتداد او نمی شود و شما و اطرافیان او، باید با وسایل و راههایی که در خور حال این دختر می باشد، او را مطلع ساخته و شك و تردید او را زایل سازید، والله العالم.

1 - حکم طرد و جدا ساختن اولاد

سؤال (527) من پدر دوازده فرزند می باشم که آنها از دو مادر بوده و اکنون به خاطر کثرت عایله مبتلا به مشکلات فراوانی در زمینه های متعدد گردیدم. با توجه به کثرت آنها سیطره و نفوذ يك پدر موفق را بر آنها نداشته و متاسفانه بعضی از آنها مبتلا به بیماری جسمی و روحی

ص: 386

گردیده اند. با توجه به اینکه خود من هم مریض شده و مدت‌ها مشغول معالجه هستم، آیا مجاز هستم که آنها را از خانه و زندگی خویش طرد کنم؟

(بسمه تعالی): در صورتی که طرد و بیرون نمودن آنها از منزل باعث واقع شدن آنها در مفاسد و انحرافات باشد و چنانچه نوعاً هم اینگونه فرزندان در صورت طرد خانواده مبتلا به انحراف می‌شوند، طرد جایز نمی‌باشد و شما وظیفه دارید با نصیحت مداوم و پند دادن آنها را ارشاد نموده و در صورت عدم تاثیر با تهدید به امری که در ارشاد آنها نافع باشد، آنها را متوجه به درستکاری و نیکوکاری نمایید و از خداوند هم کمک طلبیده و استمداد نمایید.

2 - نیکی به پدر و مادر مریض

سؤال (528) بعضی از فرزندان مادرشان را که مبتلا به اختلال حواس شده و در سنین بالا به سر می‌برد در سرای سالمندان که مسیحیان ساخته اند و در آنجا سالمندان مسیحی نگهداری می‌شوند، برده و او را به این مرکز سپرده اند، آیا فرزندان دیگر وظیفه‌ی شرعی دارند که مادر را از مرکز مذکور بیرون آورده، تا مادرشان در معرض دید نامحرمان نباشد؟

(بسمه تعالی): این عمل موجب هتك و بی‌احترامی به زن مؤمنه است و جایز نیست، هرچند که مادر اختلال حواس داشته باشد و بر

فرزندان این مادر واجب است که او را حفظ نموده و مراعات حال او را نمایند تا اینکه خداوند تقدیر خودش را در حق این مادر ظاهر سازد و فرزندان در این عمل اجر و ثواب زیادی را تحصیل نموده و این عمل مصداق بارز نیکی و احسان به مادر محسوب می‌گردد، والله العالم.

3 - حکم قمه زنی

سؤال (529) نظر مبارك شما راجع به قمه زنی چیست و آیا قمه زنی جزء شعائر حسینیّه محسوب می‌گردد؟

(بسمه تعالی): طبق آنچه از روایات معتبره استفاده می‌شود، جزع بر حضرت سیدالشهداء (ع) مطلوب و مستحب می‌باشد و این استحباب شامل عزاداری و جزع بر اهل بیت آن حضرت، مثل حضرت ابی الفضل و خواهر بزرگش حضرت زینب (علیها السلام) و حضرت علی اکبر و غیر این بزرگواران از اهل بیت آن حضرت می‌گردد و همچنین گریه و عزاداری در مصایب سایر معصومین و امامان بزرگوار و وجود مقدّس صدیقّه ی طاهره (علیها السلام) مطلوب و مستحب است و در صورتی که عنوان جزع بر بعضی از مصادیق، هر چند در بعضی از بلاد صحیح باشد، در استحباب شرعی آن عمل کفایت می‌کند، والله الهادی الی سواء السبیل.

ص: 388

4 - قرض گرفتن از بانک جهت معالجه

سؤال (530) شخص مبتلا به سرطان شده و پزشکان مرگ او را نزدیک تشخیص داده اند. در این هنگام عده ای از نزدیکان این شخص به او سفارش کرده اند که مبلغی وام از بانک برداشته تا بعد از خودش فرزندان یتیم او به سختی زندگی مبتلا نشوند و با توجه به اینکه بعضی از بانکهای موجود در مملکت سعودی بقیه ی وام را در صورت فوت شخص مقرض به ورثه ی او بخشیده و مابقی را طلب نمی نمایند، آیا این عمل و گرفتن وام برای شخص مذکور جایز است؟

(بسمه تعالی): گرفتن وام از بانک های دولتی جهت بدست آوردن مجهول المالك مانعی ندارد، والله العالم.

5 - ساختن متگاهای پزشکی به شکل اسباب بازی

سؤال (531) آیا ساختن متگاهای پزشکی که شکل و ترکیب ظاهری آنها به وسیله ی کامپیوتر، به شکل اتوماتیک و به شکل اسباب بازی اطفال ساخته می شود و گاهی اوقات به شکل خیالی يك موجود زنده می باشد، جایز است. در صورت حرمت این عمل، آیا وجه ی شرعی برای حلال قراردادن این عمل وجود دارد. با توجه به اینکه من و بعضی از رفقای من در ساخت این وسیله شریک هستیم؟

ص: 389

(بسمه تعالی): در صورتی که آنچه ساخته می شود، به شکل ناقص از موجود زنده بوده و هیئت و شکل کامل آن نباشد، مانعی ندارد، والله العالم.

6 - معالجه در بلاد کفر

سؤال (532) حکم معالجه و مداوای بیمار در اماکنی که اهل آنها از کفار بوده، مانند لندن در صورتی که دولت هزینه و مبلغ درمان را کاملاً پرداخت نموده و همچنین هزینه ی بلیط هواپیما و مخارج هتل و به شکل کلی همه ی مخارج سفر درمانی را پرداخت کند، چیست؟

(بسمه تعالی): تا زمانی که این عمل مستلزم حرام و محذور شرعی نباشد، مانعی ندارد، والله العالم.

7 - ویا در زن های باردار

سؤال (533) سؤال راجع به عادت ویا می باشد که در زنهای باردار حاصل می شود. آیا روایتی راجع به آن وارد شده یا نه؟ و آیا آن يك امر حقیقی و حتمی است که انسان که بر اساس آن خلق شده و در صورتی که حقیقی است، حکمت و علت آن چیست؟ آیا راهی برای برطرف کردن آن وجود دارد؟

(بسمه تعالی): این مسئله جنبه ی شرعی نداشته، با توجه به اینکه این عادت در همه ی زنهای باردار دیده نمی شود. در صورتی که زن به خاطر این

ص: 390

مسئله میلی به غذای حلالی پیدا نمود، می تواند آن را بخورد، والله العالم.

8 - باقی مانده ی غذای مؤمن شفاست

سؤال (534) باقی مانده ی غذای انسان و حیوانات، هرکدام بر حسب طهارت، کراهت و نجاست چه حکمی دارد و باقی مانده ی غذای مؤمن چگونه می باشد؟

(بسمه تعالی): باقی مانده ی غذا در همه ی حیوانات حلال و پاک می باشد، مگر باقی مانده ی غذای خوک و سگ و کافری که اهل کتاب نباشد، هر چند بنا بر احتیاط مستحب باید از باقی مانده ی غذای کافر اهل کتاب هم اجتناب شود. بله باقی مانده ی حیواناتی که خوردن گوشت آنها حرام می باشد، غیر از گربه مکروه می باشد. اما باقی مانده ی غذای مؤمن شفا بوده، بلکه در بعضی از روایات فرموده اند که شفای هفتاد درد در آن است.

9 - معالجه با دعاهایی که به گردن آویزان می کنند

سؤال (535) از امام صادق (ع) سؤال شده، راجع به آنچه که مردم به گردن خود آویزان کرده و یا به همراه دارند که مشتمل بر دعا و یا اسماء متبرکه است. آیا این امور تقدیر خداوند را عوض می کند. امام (ع)

ص: 391

فرمودند؟ (این عمل ها تقدیر خداست) لطفاً معنای این جمله را بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): مراد از این جمله این است که خداوند در این اشیاء تأثیری قرار داده و بلائی مقدر را به واسطه ی آنها رفع می کند، چنانچه در دعا و کارهای نیک و ثواب، خداوند این اثر را قرار داده و این اثری را که خداوند در این امور قرار داده، از مقدرات پروردگار می باشد، والله العالم.

10 - معالجه با توسل به اهل بیت (علیهم السلام)

سؤال (536) من مریضی هستم که پزشکان از معالجه ی من عاجز و ناتوانند. خواهشمندم که دعا و یا ذکر و عبادتی که از اهل بیت (علیهم السلام) برای معالجه رسیده است، بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): توسل به اهل بیت (علیهم السلام) در برطرف شدن مشکلات و سختی ها و رفع بلاها و گرفتاری ها نفع فراوان داشته و این ذوات مقدسه نزدیک ترین و مفیدترین وسایل برای تقرب و نزدیکی به خدا می باشند و ما و همه ی مؤمنین مأموریم که در همه ی شئون زندگی به آن بزرگان پناه برده و توسل پیدا کنیم، خداوند شما را شفا و عافیت عنایت فرماید.

ص: 392

سؤال (537) من دانشجوی رشته ی پزشکی بوده و مبتلا به يك مريضی وراثتی می باشم که به آن کم خونی شدید گفته می شود، در این زمینه خواستم که دارویی ضد ویروس وبای کبدی استفاده نمایم، که البته قبل از آن باید يك آزمایش پزشکی انجام می دادم. بعد از آزمایش معلوم شده که من مبتلا به وبای کبد از نوع (ب) آن نمی باشم، ولی بعد از آزمایش معلوم شد که متاسفانه مبتلا به ویروس دیگری از نوع (ج) می باشم که به وسیله خون این ویروس منتقل می گردد و گاهی اوقات ممکن است از راه استفاده مسواک و شانه در صورتی که آلوده به خون شود، این ویروس منتقل گردد. مسئله ای که مرا خیلی ناراحت نموده، این است که مادرم از این قضیه باخبر نبوده و نمی دانم که به او چه بگویم. مادر و پدرم و برادرانم مرا سالم و صحیح می دانند و از این قضیه خبری ندارند. لطفاً برای این مشکل من نصیحت و موعظه ای بیان فرمایید؟

(بسمه تعالی): از خداوند عافیت و صحت کامل را برای شما مسئلت می کنم که او شفا دهنده ی مریضان است. شما باید برای معالجه ی خود و شفای از این مرض متوسل به اهل بیت (علیهم السلام) گردیده و به آن ذوات مقدسه پناه ببرید که آنها بهترین وسیله برای تقرب به خدای متعال بوده و در رفع مشکلات توسل به آنها تنها راه است و بر شما واجب نیست که مریضی خود را به مادر خود بگویید؛ چون امید است که خداوند شما را شفا و عافیت عنایت کند، والله المعین.

تفسیر این جزء از آیه ی شریفه (كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ) را بیان فرمایید؟

آیا آنچه در بعضی از روایات اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده که مضمون آنها تاکید به قرائت دعا و یا برداشتن بعضی از حرزها جهت رسیدن به امنیت و رفع بیماری و بدست آوردن شفا می باشد، صحیح است؟ چگونه بین این روایات و بین لزوم مراجعه به پزشك و استفاده از اسباب طبیعی در رفع مریضی ها باید جمع نمود؟

(بسمه تعالی): (وقیل من راق) این جمله کلام آدمی زاد و انسان است هنگامی که به حالت احتضار و مرگ می رسد. او در این حال همه چیز را فراموش نموده و فقط به فکر نفس خود می باشد. در این حالت با عجز و ناتوانی می گوید (من راق) چه کسی مرا شفاء و صحت می دهد و (ظن انه الفراق) او در این حال یقین می کند که وقت فراق و جدایی از دنیا رسیده و باید از خویشان و نزدیکانش جدا شود و این یقین به مرگ و رفتن از دنیا منافات ندارد، با اینکه خداوند او را شفا داده و دوباره صحت و عافیت را به او به خاطر توسل خانواده و یا دوستان و نزدیکان و یا به دعای خودش عنایت فرماید و آنچه که در دعای اهل بیت در خواندن دعا و یا استفاده ی بعضی از احراز وارد شده، همه از باب اقتضاء بوده و تاثیر آنها به شکل تاثیر علت تامه نمی باشد؛ زیرا چه بسا آنچه که

ص: 394

انسان طلب می کند به صلاح او نبوده و خداوند به خاطر عدم مصلحتی دعای او را مستجاب نمی کند و شفا گرفتن با سایر داروها بیشتر از شفایی که خداوند در قرآن فرموده (وفیه شفاءً للناس) نمی باشد. پس مراجعه و رجوع به پزشک معالج به این احتمال است که خداوند اراده ی شفای مریض را با مراجعه به پزشک فرموده، پس در صورتی که دعا کند و یا مراجعه به پزشک نموده و یا به ائمه (علیهم السلام) توسل نماید، خداوند او را شفا می دهد، انشاء الله، والله العالم.

دعای توسل

کلامی از مرحوم آیت الله العظمی تبریزی (قدس سرّه) راجع به خواندن دعای توسل:

(بسمه تعالی): همه ی مضامین دعای توسل در نزد ما ثابت بوده و این دعا هرگز محتاج به سند نمی باشد، خواندن آن دعا مصداق بارز آیه ی شریفه (وابتغوا الیه الوسیله) می باشد و ما وسیله ای را نزدیک تر به خداوند از اهل بیت نمی شناسیم با توجه به اینکه این دعا را مرحوم علامه ی مجلسی نقل نموده و آن را به ائمه (علیهم السلام) نسبت داده است. اضافه بر آنکه این دعا یکی از مهمترین ادعیه در برطرف شدن حاجات می باشد که مورد تجربه هم واقع شده است و هیچ یک از

ص: 395

مؤمنين و متدينين نبايد در آن شك نمايند، والله الهادى الى سواء سبيل.

دعاى توسلى كه در بحار الانوار ذكر شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد

اللهم انى اسئلك واتوجه اليك بنبيك نبى الرحمة محمد صلى الله عليه وآله وسلم، يا ابا القاسم، يا رسول الله، يا امام الرحمة، يا سيدنا و مولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وجيهاً عندالله، اشفع لنا عندالله. يا ابا الحسن، يا اميرالمومنين، يا على ابن ابى طالب، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وجيهاً عندالله، اشفع لنا عندالله. يا فاطمة الزهراء، يا بنت محمد، يا قره عين الرسول، يا سيدتنا ومولاتنا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وجيهاً عندالله اشفعى لنا عندالله. يا ابا محمد يا حسن ابن على، ايها المجتبى، يا بن رسول الله، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وجيهاً عندالله، اشفع لنا عندالله. يا ابا عبدالله، يا حسين ابن على،

ص: 396

ايها الشهيد، يا بن رسول الله، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وحيها عند الله، اشفع لنا عند الله. يا ابا الحسن، يا علي بن الحسين، يا زين العابدين، يا بن رسول الله، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وحيها عند الله، اشفع لنا عند الله. يا ابا جعفر، يا محمد ابن علي، ايها الباقر يا بن رسول الله، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وحيها عند الله، اشفع لنا عند الله. يا ابا عبد الله، يا جعفر ابن محمد، ايها الصادق، يا بن رسول الله، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وحيها عند الله، اشفع لنا عند الله. يا ابا الحسن، يا موسى ابن جعفر، ايها الكاظم، يا بن رسول الله، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وحيها عند الله، اشفع لنا عند الله. يا ابا الحسن، يا علي ابن موسى، ايها الرضا، يا بن رسول الله، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وحيها عند الله، اشفع لنا عند الله.

يا ابا جعفر، يا محمد ابن علي، ايها الجواد، يابن رسول الله، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا يا وحيهاً عند الله اشفع لنا عند الله. يا ابا الحسن، يا علي بن محمد، ايها الهادي النقي، يابن رسول الله، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وحيهاً عند الله، اشفع لنا عند الله، عند الله. يا ابا محمد، يا حسن بن علي، ايها العسكري، يابن رسول الله، يا حجة الله على خلقه، يا سيدنا ومولانا، انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله، وقدمناك بين يدي حاجاتنا، يا وحيهاً عند الله، اشفع لنا عند الله. يا وحيهاً عند الله، اشفع لنا عند الله.

سپس حاجت خود را ذکر کند که «ان شاء الله» بر آورده می شود. و طبق روایت دیگر بعد از آن این جملات را بگوید.

يا سادتي وموالي، اني توجهت بكم ائمتي، وعدتي ليوم فقري وحاجتي الى الله، وتوسلت بكم الى الله، واستشفعت بكم الى الله، فاشفعولي عند الله، واستتقدوني من ذنوبي عند الله، فانكم وسيلتي الى الله، وبحبكم وبقر بكم

ارجو نجاته من الله، فكونوا عند الله رجائي، يا سادتي يا اولياء الله، صلى الله عليهم اجمعين، ولعن الله اعداء الله ظالمهم من الاولين
والآخريين، آمين رب العالمين.

ص: 399

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

